ایران

• پنجشنبه ۸ آبان ۱۴۰۴
• ۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
• ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۸۷۳
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

رابرت مالی چرایی شکست سیاست خارجی آمریکا در قبال موضوع فلسطین را تحلیل می کند

توهم «راهکار ۲ دولتی»

۱۵

«ایران» ماجرای انحلال بانک آینده را در دو حوزه فساد و قوانین مقابله با فساد بررسی می کند

عبور «ملی» از زیان‌دهی

با تحلیل‌هایی از دو اقتصاددان، یک حقوقدان و یک جامعه‌شناس

۳ ۸

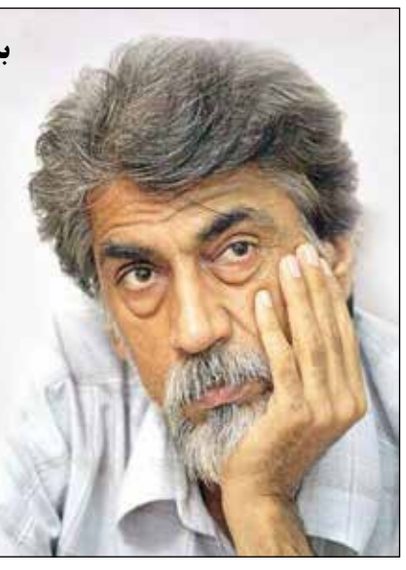

بررسی نسبت جهان و زبان قیصر امین‌پور در گفت‌وگو با عبدالجبار کاکایی

شاعر جنگ و صلح

همراه با یادداشتی از اسماعیل امینی و گفت‌وگو با مهدی فیروزان

۱۶ ۱۷

معاون اول رئیس جمهور:

۹۰ درصد هزینه دانشگاه‌ها صرف امور جاری می‌شود

۲

سه طلا و یک برنز سهم کاروان ایران در بازی‌های آسیایی جوانان بحرین

روز طلایی دختران ایرانی

۱

رالی بازار سهام، همچنان بزرگ‌ها یا نوبت کوچک‌ترها؟

دو سناریوی بورس پس از صعود به کانال جدید

۹

«ایران» لایحه پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی را بررسی می کند

پایان ۲۴ سال انتظار

۱۲

با ورود خالق «چت‌جی‌پی‌تی» به حوزه رابط مغز-رایانه

رقابت «ایلان ماسک» و «سم آلتمن» داغ شد

۱۳

President.ir

رئیس‌جمهوری در مراسم بزرگداشت روز پرستار خطاب به این قشر زحمتکش:

ما قدر شما را می‌دانیم

- پزشکیان: سالانه ۱۸۰ میلیارد دلار بنزین، نفت و گاز مصرف می کنیم
- وزیر بهداشت: تعرفه‌ها افزایش و زمان معوقات پرداختی پرستاران کاهش می‌یابد

۲ ۶

عبدالحسین مختاباد در گفت‌وگو با «ایران»:

آواز خوان خوب نداریم

عکس: حسین تقی‌زاده / ایران

۱۹

خبر

قائم‌پناه: در ۶ ماه گذشته ۷ کیلومتر از خط آهن شلمچه-بصره احداث شد

معاون اجرایی رئیس‌جمهور، روز گذشته در بازدید از احداث خط ریلی شلمچه ـ بصره به‌عنوان یکی از طرح‌های مهم کریدوری کشور، از شتاب ایجاد شده در روند اجرای این پروژه ابراز رضایت کرد و گفت: «تسریع در اجرای این کریدور مورد تأکید رئیس‌جمهوری است و امروز شاهد شتاب در احداث آن هستیم.»

به گزارش ایرنا، محمدجعفر قائم‌پناه با بیان اینکه احداث هفت کیلومتر خط راه‌آهن در ۶ ماه گذشته نشان از عزم جدی در اجرای این کریدور دارد، افزود: «با تکمیل این خط تا پایان سال، زائران اربعین حسینی به‌راحتی از ریل‌باس استفاده خواهند کرد.»

وی اظهارکرد: «در نشست با طرف عراقی در بصره از آنها خواهیم خواست روند اجرای این پروژه در خاک عراق را تسریع کنند تا اتصال خط ریلی ایران و عراق در جنوب کشور ایجاد شود.»

محمدجعفر قائم‌پناه اتصال این خط ریلی را برای دو کشور ایران و عراق با اهمیت توصیف کرد.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور دیروز پس از پایان جلسه هیأت وزیران، برای بازدید از این طرح مهم کریدوری راهی آبادان در استان خوزستان شد.

قائم‌پناه پس از بازدید از مسیر راه‌آهن خرمشهر ـ بصره، برای ادامه برنامه‌های کاری خود عازم شهر بصره خواهد شد. بازدید از مترو اهواز و افتتاح مدرسه پردیس عدالت در شهر اهواز از برنامه‌های معاون اجرایی رئیس‌جمهور در این سفر است.

جابری انصاری در دیدار با نماینده ولی فقیه در کرمان:

ایرنا در تراز نامش ظاهر می‌شود

مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) با تأکید بر اینکه این رسانه ملی در تراز نامش ظاهر می‌شود، گفت: «ایرنا باید به عنوان یک خبرگزاری ملی، مردمی و فراگیر عمل کند و نه فقط متعلق به دولت بلکه پل ارتباطی فعال و مؤثر میان دولت و ملت باشد.»

«حسین جابری انصاری» در دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین «حسن علیدادی سلیمانی» نماینده ولی‌فقیه در استان کرمان افزود: «این دیدارها نیز مبتنی بر سیاست جدید مدیریتی این رسانه ملی است.»

وی با بیان اینکه سیاست ایرنا بر سه اصل استوار است، تصریح کرد: «اول اینکه ایران فقط تهران نیست، دوم اینکه مسائل ایران فقط سیاسی نیستند و سوم اینکه خبرگزاری فقط متعلق به دولت نیست.»

مدیرعامل ایرنا افزود: «تلاش می‌کنیم پیام‌های جامعه را به درستی و در بسته‌بندی‌های مناسب به حاکمیت منتقل کنیم و پیام‌های حاکمیت را نیز در قالبی قابل فهم و مؤثر به جامعه و مخاطبان برسانیم.»

وی با اشاره به دیدارهایش در سفرهای استانی گفت: «هدف اصلی این سفرها، دیدار با همکارانمان در استان‌هاست تا چند ساعتی درباره برنامه‌ها، مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌هایی که در حوزه رسانه و سازمان وجود دارد، گفت‌وگو کنیم.»

جابری انصاری با اشاره به سابقه بیش از ۹۰ ساله خبرگزاری جمهوری اسلامی، اظهار کرد: «ایرنا از یک حلقه محدود و دفتر کوچک آغاز کرده و اکنون سازمانی است که علاوه بر مقر مرکزی در تهران، در ۳۱ استان کشور تحریریه و در حدود ۳۰ شهر نیز دفتر فعال دارد.»

وی با بیان اینکه دفتر ایرنا در استان کرمان نیز در شهرستان جیرفت فعال است، افزود: «این شاکله سازمانی نیازمند تحول جدی و نهضتی فراگیر است تا با یک نظم و آهنگ واحد از تهران تا شهرستان‌ها، مفهوم واقعی خبرگزاری ملی و جمهوری اسلامی را پوشش دهد.»

مدیرعامل ایرنا ادامه داد: «ما در ایرنا تلاش می‌کنیم که آتش‌نشان باشیم نه آتش‌فشان؛ به‌جای اینکه شکاف‌ها و مشکلات را برجسته کنیم، درصدد آرامش‌بخشی، ترمیم شکاف‌ها و تحکیم پیوند بین دولت و ملت هستیم.»

مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) با اشاره به آشنایی خود با شهید سلیمانی، اظهار کرد: «برخی شخصیت‌ها از فاصله دور دارای جذابیت هستند اما این جذابیت با نزدیک‌تر شدن به آنان کاهش می‌یابد؛ در مقابل افرادی چون شهید سلیمانی هستند که از دور جذابند و وقتی جلو می‌رویم، این جذابیت بیشتر می‌شود.»

وی شهید سلیمانی را گوهر یگانه خواند که از عمق جامعه برخاسته بود و افزود: «شهید سلیمانی با شهید سید حسن نصرالله شباهت‌های بسیاری داشت و بنده با هر دوی این شهیدان توفیق مجالست داشتم.»

سه طلا و یک برنز؛ سهم کاروان ایران در بازی‌های آسیایی جوانان

روز طلایی دختران ایران در منامه

گروه ورزشی/ روز هفتم بازی‌های آسیایی جوانان در بحرین برای کاروان ایران با درخشش خیره‌کننده ورزشکاران جوان و کسب سه نشان طلا و یک مدال برنز ارزشمند به پایان رسید؛ که می‌توان آن را یکی از بهترین شب‌های کاروان ایران در این رقابت‌ها دانست.

طلای ارزشمند مهسا شکیبایی در جودو

در بخش جودو، مهسا شکیبایی تنها نماینده ایران در فینال، با نمایشی مقتدرانه برابر آلوآ بالتابای از قزاقستان به پیروزی رسید و مدال طلای وزن منهای ۴۸ کیلوگرم را بر گردن آویخت. شکیبایی با اجرای ضربه فنی دیدنی، قهرمانی خود را تثبیت کرد تا یکی از درخشان‌ترین عناوین کاروان ایران در این دوره از بازی‌ها را رقم بزند. در همین وزن، نمایندگان مغولستان و قرقیزستان نیز با غلبه بر حریفان ازبکستان و هند، به نشان برنز مشترک دست یافتند.

قهرمانی والیبالیست‌های نوجوان به یاد صابر

در رقابت‌های والیبال، تیم ملی نوجوانان ایران با پیروزی قاطع برابر پاکستان در فینال، عنوان قهرمانی سومین دوره بازی‌های آسیایی جوانان را از آن خود کرد. شاگردان غلامی در سه ست متوالی با نتایج ۲۵ بر ۲۱، ۲۵ بر ۲۳ و ۲۵ بر ۲۳ حریف خود را شکست دادند و مدال طلای این رقابت‌ها را به دست آوردند. این قهرمانی در حالی رقم خورد که بازیکنان جوان ایران پیروزی خود را به صابر کاظمی، ملی‌پوش والیبال کشورمان که این روزها در تهران بستری است، تقدیم کردند.

اولین مدال تاریخی دختران والیبال ایران

همچنین تیم ملی والیبال زیر ۱۸ سال دختران ایران نیز با پیروزی مقابل اندونزی در فینال بازی‌های آسیایی جوانان بحرین به عنوان قهرمانی رسیدند.

ادامه رقابت‌های سومین دوره بازی‌های آسیایی جوانان در منامه بحرین، تیم ملی والیبال زیر ۱۸ سال دختر ایران دیروز به مصاف اندونزی رفت و با شکست سه بر دو به عنوان قهرمانی در این رقابت‌ها دست پیدا کرد. در ست اول در شرایطی که ملی‌پوشان دختر ایران بازی را طوفانی شروع کردند اما در لحظات پایانی این دیدار حساس بازی پاپاپای پیش رفت ولی در نهایت ایران موفق شد با نتیجه ۲۸ بر ۲۶ این ست را از آن خود کند.

در ست دوم و سوم بازیکنان ایران بسیار پراشتباه ظاهر شدند و تمرکز لازم را نداشتند و به همین خاطر ست دوم را با نتیجه ۲۵ بر ۲۰ و ست سوم را با نتیجه ۲۵ بر ۱۸ به اندونزی واگذار کردند.

در ست چهارم بازیکنان ایران برخلاف در دو ست قبل که خیلی پراشتباه ظاهر شدند اما در شروع ست چهارم بازی پاپاپای داشتند و حتی با کسب چندین امتیاز متوالی فاصله خود را با اندونزی زیاد کردند تا در نهایت این ست را با نتیجه پیروز میدان شوند.

در ست پنجم بازی پاپاپای پیش رفت اما شاگردان لی بالاخره به امتیاز ۱۶ رسیدند و پیروز این میدان شدند. با پیروزی ۳ بر ۲ مقابل اندونزی دختران والیبال ایران برای اولین بار در این رده سنی موفق به کسب مدال طلا شدند.

پیش از این تیم ملی والیبال نوجوانان پسر هم برابر پاکستان پیروز شدند و عنوان قهرمانی را از آن خود کردند.

ملی‌پوشان دختر والیبال ایران پیش از این موفق به شکست تیم‌های قطر، بحرین، چین تایپه، اندونزی، هنگ‌کنگ و فیلیپین شده بودند.

برنزی درخشان برای بنیامین فرجی

بنیامین فرجی، پدیده تیم ملی جوانان تنیس روی میز ایران، در مرحله یک‌چهارم نهایی با عملکردی درخشان موفق شد حریف سرسخت خود از کره جنوبی را با نتیجه قاطع ۳ بر صفر شکست دهد و صعود خود به نیمه‌نهایی را قطعی کند.

با این پیروزی، فرجی مدال برنز خود را پیش از برگزاری مرحله نیمه‌نهایی مسجل کرد؛ مدالی که با توجه به کیفیت رقابت‌ها، کمتر از طلا نیست. او امروز برای رسیدن به فینال به مصاف حریف بعدی خود خواهد رفت.

اخبار

معاون اول رئیس‌جمهور:

۹۰ درصد هزینه دانشگاه ها صرف امور جاری می شود

معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به برنامه‌ریزی سه ساله دولت برای دستیابی به جایگاه اول منطقه در علم و فناوری، گفت: «اقتصاد دیجیتال در اولویت دانشگاه‌ها قرار گیرد و ارتباط دانشگاه با صنعت باید تقویت شود. به گزارش ایرنا، محمدرضا عارف در جلسه بررسی ارتقای علم و فناوری با بیان اینکه بخش علمی کشور در چهار دهه گذشته عملکرد ارزنده و خیلی خوبی داشته است، تصریح کرد: «بنا بر همین عملکرد بود که در سند چشم‌انداز توسعه، دستیابی به جایگاه اول منطقه در علم و فناوری مورد تأکید قرار گرفت.» وی با اشاره به اینکه حل مشکلات معیشتی مردم در اولویت دولت و کشور است، گفت: «وظیفه و اولویت دانشمندان کشورمان این است که نسبت به ارتقای علم و فناوری در کشور توجه کافی داشته باشند. ما اکنون باید بررسی کنیم که چه اقداماتی برای دستیابی به این هدف باید انجام شود. البته دست ما هم خیلی باز نیست و روند کارهای اجرایی کشور به گونه‌ای است که اکثر درآمدها صرف امور جاری می‌شود. به طور مثال بودجه جاری دانشگاه‌ها تا ۹۰درصد صرف هزینه‌های جاری می‌شود و یکی از دغدغه‌های رئیس دانشگاه این است تا منابع لازم برای غذای دانشجو را تأمین کند. در واقع در این سال‌ها تشکیلات متورمی ایجاد شده که البته منابع لازم را ندارد.» عارف با بیان اینکه دولت در زمینه حل مشکلات معیشتی و مسکن اساتید، برنامه‌هایی را آغاز کرده است، گفت: «برای ارتقای علم و فناوری باید در کشور اقداماتی از جمله تجدیدنظر در نظام اداره دانشگاه، تأمین و نوسازی تجهیزات آزمایشگاهی دانشگاه‌ها، همکاری‌های علمی منطقه‌ای و بین‌المللی، افزایش ارتباط دانشگاه با صنعت و بخش خصوصی و حل مسأله جذب اساتید را دنبال کرد. همچنین باید اقتصاد دیجیتال و دانش‌بنیان نیز در اولویت دانشگاه‌ها قرار بگیرد.»

وزیر کشور: از روند خلع سلاح پ.ک.ک استقبال می کنیم

وزیر کشور در دیدار با هیأت کشور ترکیه با قدردانی از مواضع خوب و سازنده ملت ترکیه در حمایت از مردم غزه، اظهارکرد: «از روند خلع سلاح پ.ک.ک استقبال می‌کنیم و برای دولت ترکیه در طی کردن این روند آرزوی موفقیت داریم.»
مؤمنی با بیان اینکه سیاست قطعی ایران، توسعه روابط با همسایگان است، گفت: «هیچ محدودیتی در توسعه روابط نداریم و این رفت‌وآمدها بین دو کشور می‌تواند به گسترش روابط کمک کند.»
به گزارش وزارت کشور هیأت کشور ترکیه به ریاست «منیر کارال اوغلو» که برای شرکت در چهارمین نشست وزیران کشور عضو اکو در تهران حضور پیدا کرده بود، روز گذشته با اسکندر مؤمنی دیدار کرد.
وزیر کشور با تأکید بر لزوم ارتقای روابط وزارتخانه‌های کشور ایران و ترکیه، تصریح کرد: «توافقات خوبی در زمینه‌های امنیتی، انتظامی، اطلاعاتی و مبارزه با تروریسم بین دو کشور در حال انجام است؛ از تمام مفاد این توافقنامه حمایت خواهیم کرد.»

غریب‌آبادی :حقابه ایران از هیرمند پیگیری می‌شود

معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه گفت: «مذاکرات و گفت‌وگوهای دو کشور ایران و افغانستان در موضوع حقابه هیرمند، محیط زیست و تالاب‌های هامون و رژیم حقوقی هریرود همواره به صورت ویژه ادامه دارد.» به گزارش ایرنا، کاظم غریب‌آبادی در پایان سفر خود به افغانستان و ورود به جمهوری اسلامی ایران از طریق گذرگاه رسمی دوغارون افزود: «در زمینه حقابه هیرمند، رژیم حقوقی هریرود و تالاب‌های هامون نشست‌های فنی و حقوقی مشترک مثبتی با وزارت انرژی و آب افغانستان در سفر به این کشور برگزار شد. این گفت‌وگوها با رویکرد مناسب همکاری بین ایران و افغانستان برگزار و مقرر شد در کوتاه‌ترین زمان ممکن در سطح مقامات دو کشور جلساتی برگزار شود.» وی اظهار کرد: «ایران مرزهای مشترک طولانی با افغانستان دارد، در واقع مرزها یک فرصت برای هر کشور به شمار می‌رود. باید به دنبال شناسایی و توسعه ظرفیت‌ها در دو سوی کشور همسایه، در استان‌های مرزی زمینه شکوفایی همکاری‌های اقتصادی فراهم شود.»

رئیس‌جمهوری در مراسم بزرگداشت روز پرستار خطاب به این قشر زحمتکش:

ما قدر شما را می‌دانیم

پزشکیان: سالانه ۱۸۰ میلیارد دلار بنزین، نفت و گاز مصرف می کنیم

دولت

عکس: president.ir

رئیس‌جمهوری صبح دیروز در مراسم بزرگداشت «روز پرستار» که از پیشکسوتان و پرستاران نمونه کشور با اهدای لوح تجلیل شد، از تلاش‌های بی‌وقفه جامعه پرستاری قدردانی کرد و درعین حال چالش‌های پیش‌روی دولت چهاردهم را نیز تشریح کرد. این مراسم با هدف قدردانی از کادر درمان برگزار شد، اما به فرصتی برای مرور دستاوردهای کشور و مشکلات کشور هم تبدیل شد. به همین دلیل بود که رئیس‌جمهوری سخنان خود را با تشریح مواجهه دولت چهاردهم با مشکلات انباشت شده در کشور آغاز کرد و گفت: «از روز اولی که کار را در دولت آغاز کردیم، با بحران‌های متعدد روبه رو و به شکل متوالی با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنیم.» مسعود پزشکیان اضافه کرد که «باور دارم قادریم مشکلات را حل کنیم، به شرط آنکه دست در دست هم دهیم، اختلافات را کنار بگذاریم و علمی رفتار کنیم.»
رئیس‌جمهوری، در بیان هدف رژیم صهیونیستی از حمله به ایران گفت: «دشمن صهیونیستی تصور می‌کرد وقتی با بمب و موشک به ایران حمله کند، مردم هم به خیابان می‌ریزند و ایران تجزیه می‌شود، اما مردم پاسخی دادند که برای‌شان غیرقابل تصور بود.»
وی در ادامه به وحدت جامعه متکثر ایران در جنگ اخیر اشاره و اظهارکرد: «در همین جنگ دیدیم، حتی افرادی که با آنان به شکل صحیح رفتار نشده بود، پای کشور ایستادند و مواضع بسیار مؤثری اتخاذ کردند. این را بدانید که دشمن به دنبال برهم زدن وحدت و انسجام ماست.»
پزشکیان از پرستاران به عنوان شاهد مثال این وحدت و ایستادگی یاد کرد و با قدردانی از جانفشانی آنان و دیگر گروه‌های مردم در جنگ اخیر گفت: «هوشیاری مردم و بویژه کادر درمانی در جنگ ۱۲ روزه قابل تجلیل است. آنان با وجود گلایه‌ها به میدان آمدند، سختی کشیدند و حتی شهید دادند.»
با تکیه بر همین انسجام بود که پزشکیان تأکید کرد: «تسلیم نخواهیم شد و بر مشکلات غلبه خواهیم کرد.»
بخش بعدی سخنان رئیس‌جمهوری به صحبت درباره برخی مشکلات کشور گذشت. وی با بیان اینکه «ما وارث روندی هستیم که اصلاح آن زمان‌بر و دشوار است»، ریشه این مشکلات را اینطور بیان کرد: «در همه زمینه‌ها بدون آنکه به محدودیت‌های منابع توجه داشته باشیم، ساختار را گسترش و توسعه دادیم و کارهایی کردیم که نباید انجام می‌شد. امروز به جایی رسیده‌ایم که حتی در پرداخت حقوق افراد مشکل داریم.»
پزشکیان راه‌حل برون‌رفت از این وضعیت را این‌طور بیان کرد: «در وضعیت فعلی اصلاح و کوچک کردن ساختار نه یک انتخاب که یک ضرورت است.»
به باور رئیس‌جمهوری، «در ساختار فعلی به جای اینکه منابع در اختیار کسانی قرار گیرد که در حال کار و تلاش هستند، اول حقوق و اضافه‌کاری افرادی پرداخت می‌شود که فعالیت چندانی ندارند و در اداره‌ها نشسته‌اند. در مقابل، به عنوان مثال، پرستاری که در بیمارستان در حال تلاش و کوشش است حق و حقوق‌اش کم و دیر پرداخت می‌شود.» پزشکیان اضافه کرد: «این شرایط فقط برای حوزه پزشکی نیست و در سایر اداره‌ها نیز با همین وضعیت مواجه هستیم.»
رئیس‌جمهوری در ادامه، با بیان اینکه «البته تقصیر ماست که طراحی درستی نکرده‌ایم»، گفت: «اصلاح ساختار اداری به‌سادگی اتفاق نمی‌افتد. آرزوی دشمن این است که نتوانیم اصلاحات را به سرانجام رسانده و بر مشکلات غلبه کنیم، اما با کمک شما و با وحدت و انسجام همه مشکلات را برطرف خواهیم کرد.»
پزشکیان وضع مصرف انرژی در کشور را به عنوان مثالی برای مشکلات ساختاری برشمرد و افزود: «هر سال معادل ۱۸۰ میلیارد دلار در کشور بنزین و گاز و نفت مصرف می‌کنیم و این قابل تداوم نیست. برای تأمین انرژی پرمصرف‌ها، برق و گاز کارخانه‌ها قطع می‌شود، در حالی که نباید چنین باشد. وقتی یک کارخانه تعطیل می‌شود، یعنی تولید و درآمد کشور کم می‌شود و تورم به وجود می‌آید.»
وی در ادامه، خطاب به پرستاران با بیان اینکه «ما قدر شما را می‌دانیم و می‌فهمیم چگونه در حال تلاش هستید تا سلامت جامعه حفظ شود»، اظهار کرد: «اما همان‌طور که گفتم، جبران شایسته تلاش‌های شما، نیاز به اصلاح ساختارها دارد که زمانبر است. به عنوان مثال رقم اضافه‌کار پرستاران اصلاً قابل قبول نیست و باید اصلاح شود و ما تلاش می‌کنیم آن را اصلاح کنیم، اما نیازمند هستیم کسری بودجه را کم کنیم تا بتوانیم این اصلاحات را انجام دهیم.»
رئیس‌جمهوری بار دیگر با تأکید بر اینکه «ما برای اصلاحات نیاز به همدلی و همراهی جامعه داریم»، گفت: «راه علمی مسیرش روشن است و اگر مسیر علمی را دنبال کنیم، مشکلات حل می‌شود.»
پزشکیان در پایان سخنانش، به تلاش‌های دولت برای غلبه بر بی‌عدالتی‌ها اشاره و تأکید کرد: «با تمام وجود برای رفع هر گونه مصداق بی‌عدالتی و تبعیض تلاش می‌کنم.» البته این را هم اضافه کرد که «تحقق این هدف نیاز به تغییرات رفتاری گسترده و عمیقی دارد که ساده و سهل‌الوصول نیست و باید دست به دست هم دهیم و با صلابت برای ایران خودمان تلاش کنیم.»
به باور رئیس‌جمهوری، «وقتی در عرصه عمومی عده‌ای دیده می‌شوند و عده‌ای دیده نمی‌شوند، یعنی روح و روان آنان که دیده نمی‌شوند مورد آسیب قرار گرفته است. عدالت یعنی برخورد منصفانه با همه؛ همه آنان که در این آب و خاک زندگی می کنند.»
وی تأکید کرد: «ما وظیفه داریم برای حفظ سلامت روح و روان همه ایرانی‌ها تلاش کنیم و نیامده‌ایم که فقط امر و نهی کنیم و رضایت دهیم که رفتارهای ناعادلانه ادامه یابد.»

> پزشکیان: در همین جنگ دیدیم، حتی افرادی که با آنان به شکل صحیح رفتار نشده بود، پای کشور ایستادند و مواضع بسیار مؤثری اتخاذ کردند

برش

فرصت یک هفته‌ای به دانشگاه‌های پیام نور و فرهنگیان

دیروز نشست بررسی گزارش عملکرد دانشگاه‌های پیام نور و فرهنگیان و میزان تحقق اهداف و مأموریت‌های این دو نهاد، به ریاست رئیس‌جمهوری و با حضور وزرای علوم و آموزش و پرورش برگزار شد. پس از ارائه گزارش عملکرد دانشگاه پیام نور، مسعود پزشکیان با بیان اینکه «ایده شکل‌گیری و مأموریت‌های دانشگاه پیام نور در ابتدا مترقی و آینده‌نگرانه بود، اما از اهداف اصلی خود فاصله گرفت»، به سیاست دولت مبنی بر ساماندهی آموزش عالی کشور اشاره و تأکید کرد: «رویکرد دولت، تجمیع ظرفیت‌ها، فضاها، امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی و استفاده بهینه از آنها در راستای ارتقای کیفیت آموزش دانشجویان است. اگر بتوانیم از ظرفیت‌های موجود به شکل کارآمدتری استفاده کنیم، شاهد ارتقای بهره‌وری و کاهش هزینه‌های غیرضرور خواهیم بود.»
رئیس‌جمهوری از رؤسای دانشگاه‌های پیام نور و فرهنگیان خواست تا در یک هفته، طرح جامع و برنامه عملیاتی مشخصی برای تحقق اهداف و مأموریت‌های محوله و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های این دو دانشگاه را تهیه و به دولت ارائه کنند.

برش

پیام تبریک پزشکیان به رئیس‌جمهوری ترکیه

رئیس‌جمهوری روز گذشته با تبریک فرا رسیدن روز ملی ترکیه به رئیس‌جمهوری و ملت شریف این کشور، گفت: «بدون تردید در شرایط کنونی، تقویت مناسبات فیمابین بیش از پیش اهمیت یافته و ارتقای همکاری‌ها، موجب تحکیم ثبات و امنیت و توسعه برای دو کشور و منطقه خواهد شد.» مسعود پزشکیان در پیامی به آقای «رجب طیب اردوغان» تصریح کرد: «با توجه به اشتراکات فراوان دو ملت دوست و برادر، ایران و ترکیه، امیدوارم در پرتو مساعی مشترک و رایزنی‌های مستمر، شاهد رشد و تعمیق روابط فیمابین در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی باشیم.»

رئیس‌جمهوری در جلسه دیروز هیأت وزیران تأکید کرد

پرداخت حقوق و پاداش‌ها براساس عملکرد

رئیس‌جمهوری دیروز در یکصد و بیست و سومین جلسه هیأت دولت چهاردهم، با تأکید بر اهمیت مدیریت مصرف در دستگاه‌های اجرایی، گفت: «در دستگاه‌های اجرایی، با رسیدگی و توجه به وضعیت کارکنان، در عین حال، در راستای ارتقای کارآمدی و اثربخشی در سازمان‌ها، حقوق و پاداش باید بر اساس بررسی دقیق عملکرد پرداخت شود.»
مسعود پزشکیان افزود: «اگر دستگاه‌های اجرایی رأساً اقدام به بررسی و ارزیابی مستمر مجموعه خود کنند و هزینه‌ها را نیز به شکل دقیق مدیریت کرده و در مسیر کاهش هزینه‌ها حرکت کنند، قطعاً با کسری مواجه نخواهیم شد. مسئولان دستگاه‌ها با اینکه باید به فکر کارکنان خود باشند، برای مدیریت هزینه‌ها نیز تلاش مؤثر داشته باشند.»
در این جلسه مسئولان سازمان برنامه و بودجه گزارش مبسوطی از دورنمای اجرایی ۶ ماهه دوم قانون بودجه سال ۱۴۰۴ و نیز تصویری کلی از لایحه بودجه ۱۴۰۵ کل کشور ارائه کردند و اعضای دولت به بحث و تبادل نظر درباره آن پرداختند.
وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز گزارشی از نشست با استانداران ۸ استان ساحلی شمال و جنوب کشور و برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری مؤثرتر از ظرفیت‌های گردشگری دریایی کشور ارائه کرد.

پاسخ سخنگوی دولت به نگرانی‌ها درباره روند پاسخ به مطالبات مردم:

رفع فیلترینگ همچنان در برنامه دولت است

گزارش

عکس: ایسنا

به تازگی گزارش‌هایی در برخی رسانه‌ها مبنی بر تداوم سیاست فیلترینگ و محدودشدن تلاش‌های دولت برای پاسخ به مطالبات مردم منتشر شد. اما سخنگوی دولت در واکنش به این گزارش‌ها، بر عزم و اراده دولت برای حل این موضوع تأکید کرد و گفت که «موضوعات در دستورکار است و طبق رویه‌ای که دارد دنبال می‌شود.»
فاطمه مهاجرانی درباره رفع فیلترینگ و سخنان گذشته خود در این باره، مبنی بر اینکه «دشمن اسرائیلی از تداوم فیلترینگ سود می‌برد»، گفت: «هرچیز که یکپارچگی اجتماعی ما را برهم می‌زند موجب سود دشمنان خواهد شد؛ موضوعات در دستور کار است و طبق رویه‌ای که دارد دنبال می‌شود.»
مهاجرانی در بخش دیگر پاسخ‌های خود به سؤالات خبرنگاران، در واکنش به گزارش وزرا در جلسه سه‌شنبه گذشته مجلس اظهارکرد: «وجه نظارتی مجلس را به رسمیت می‌شناسیم اما باید راجع به هر اقدامی که این روزها باعث تشویش اذهان مردم و بر هم زدن اجتماع معنادار ایرانیان در راستای هویت ملی شود، مراقبت کنیم.»
وی درباره انجام نشدن خروج ایران از فهرست سیاه FATF گفت: «هنگام تصویب خروج از CFT و پالرمو هم می‌دانستیم روند خروج از لیست سیاه زمان‌بر است. بانک مرکزی در این زمینه گزارش مفصلی ارائه کرده است و وزیر اقتصاد نیز آمادگی دارد توضیحات کاملی به رسانه‌ها ارائه کند.»
مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره پیگیری دریافت خسارات جنگ تحمیلی، تأکید کرد: «کارزاری از همان ابتدا از سوی معاونت حقوقی آغاز و مستندات با همکاری و هماهنگی تمام دستگاه‌ها در حال تهیه است، اما فرآیند پیگیری‌های حقوقی زمانبر است.»
وی در پاسخ به پرسشی درباره افزایش نرخ حبوبات، اظهار کرد: «حبوبات یکی از خوراک‌های اصلی مردم است بویژه برای اقشاری که تأمین پروتئین از گوشت قرمز برایشان دشوار است که به عنوان یک ماده غذایی حائز اهمیت در ستاد تنظیم بازار و بانک مرکزی مورد توجه است. دلیل این افزایش قیمت، محدودیت تخصیص ارز است. صف دریافت ارز تا حدودی طولانی شده که قابل انکار نیست اما مشکلات در حال حل شدن و واردات برنج پاکستانی هم در حال پیگیری است.»

قائم پناه: کسری بودجه داریم

معاون اجرایی رئیس‌جمهور هم دیروز در حاشیه جلسه هیأت دولت در پاسخ به پرسشی درباره کسری بودجه، تصریح کرد: «کسری بودجه داریم، چرا که درآمدهای دولت کم محقق شده است.» محمدجعفر قائم پناه افزود: «قرار شد هفته آینده هر وزارتخانه نحوه افزایش درآمد و کم‌کردن هزینه خود را اعلام کنند.»
معاون اجرایی رئیس‌جمهور تأکید کرد: «یکی از تأکیدات رئیس‌جمهوری اجرای بودجه‌بندی عملیاتی است که آیین‌نامه آن مصوب شد تا دستگاه‌ها براساس پولی که می‌گیرند، عملیات خود را انجام دهند و بودجه هزینه‌ای به بودجه عملیاتی تبدیل شود تا نتیجه کار را ببینیم.»

نوری قزلجه: تأمین نهاده‌های دامی

وزیر کشاورزی هم با حضور در جمع خبرنگاران درباره وضعیت تأمین و توزیع نهاده‌های دامی گفت: «دامداران و مرغداران طی دو تا سه هفته گذشته از نظر ورود نهاده‌های دامی به کشور در مضیقه بودند و ارسال آن به واحدهای تولیدی با مشکلات اداری در تأمین ارز مواجه بود.» غلامرضا نوری قزلجه ادامه داد: «هفته گذشته با دستور رئیس‌جمهوری و همکاری‌های بین دستگاهی که صورت گرفت تزریق ارز انجام و بلافاصله حمل نهاده‌ها به واحدهای تولیدی شروع شد.»
وی یادآور شد: «با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و پیش‌بینی‌هایی که صورت گرفته بود نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی به مقدار زیاد در مبادی ورودی کشور در بندرها موجود بودند و به محض اینکه ارز آنها پرداخت شد، به فاصله چند ساعت حمل کالا هم به واحدهای تولیدی شروع شد.»

ظفرقندی: وضع دارو از گذشته بهتر است

محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت هم اظهار کرد: «در بیماری‌های خاص کاری که انجام می‌دهیم این است که کمیسیون بررسی دارو مرتب تشکیل می‌شود تا داروهایی که نیاز است تصویب شود و در لیست دارویی ما قرار گیرد که آنها را تأمین می‌کنیم.»
وی یادآور شد: «از لحاظ تأمین ارز و تأمین هزینه‌ها چه در داروهای تولید داخل و چه واردات فعلاً وضع ما از گذشته بهتر است. وزیر بهداشت افزود: «قطعاً تحریم‌ها اثر می‌گذارد و مخصوصاً در مبادلات ارزی ما مشکلاتی ایجاد می‌کند، اما الان در مجموع شرایط ما از یکسال قبل بهتر است.»

ستارهاشمی: برخورداری از فیبر نوری نیازمند هزینه نیست

ستار هاشمی وزیر ارتباطات هم در جمع خبرنگاران اظهار کرد: «مطابق مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات رادیویی، مشوق‌هایی برای اتصال مشترکان و مردم به زیرساخت و بستر فیبرنوری در نظر گرفتیم. در این فرآیند مردم عملاً نباید هزینه جدیدی پرداخت کنند، اما در شرایطی ممکن است خدمات ویژه‌ای طلب کنند که در این صورت هزینه خدمات جدید و ارزش افزوده بر خدمات عادی را متناسب با تعرفه‌های اعلامی پرداخت می‌کنند.» وی یادآور شد: «اما اگر مردم که از زیرساخت ارتباطی و خط ثابت استفاده می‌کنند، برای برخورداری از فیبر نوری اقدام کنند، نباید هزینه جدیدی بر آنان تحمیل شود و این موضوع از نظر قانونی قابل پیگیری است.»

حضرتی: نباید ادبیات پرخاشگرانه داشته باشیم

الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در حاشیه جلسه هیأت دولت در جمع خبرنگاران، اظهار کرد: «توصیه و خواهشم از تمام گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مؤثر، نمایندگان مجلس، وزرا و رسانه‌ها این است که، نباید ادبیات پرخاشگرانه باعث نگرانی بیش از پیش مردم شود. از همه خواهش می‌کنم مودت و محبت در پیش بگیریم و اگر انتقاد و سؤالی وجود دارد از مسیر خودش و با ادبیات درست دنبال شود نه با تهمت، دروغ و افترا.»

> قائم پناه: یکی از تأکیدات پزشکیان اجرای بودجه‌بندی عملیاتی است که آیین‌نامه آن مصوب شد تا دستگاه‌ها براساس پولی که می‌گیرند، عملیات خود را انجام دهند

مدنی زاده: اصلاح نظام بانکی شروع شده است

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد هم در جمع خبرنگاران اظهار کرد: «اصلاح نظام بانکی با افزایش سرمایه بانک ملی و موضوع بانک آینده شروع شد و در دستور کار قرار گرفته تا سایر بانک‌ها هم بررسی شوند.» وی افزود: «بانک‌های ناتراز در اولویت هستند تا به نوعی برنامه اصلاحی برسند. بانک‌هایی که این برنامه را اجرا می‌کنند، بانک‌های سالم خواهند شد و بانک‌هایی که این برنامه را اجرا نکنند احتمالاً همان وضعیت نور، کاسپین و آینده برایشان رخ می‌دهد.»

پورمحمدی: می‌شود بسیاری از دستگاه‌ها نباشند و کشور هم آسیب نبیند

حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه هم گفت: «در شرایط فعلی که تأکید شخص رئیس‌جمهوری بر تأمین معیشت مردم و در مرحله بعد تولید و اشتغال است، بسیاری از دستگاه‌ها می‌شود که نباشند و کشور هم آسیب نبیند که اگر باشند ممکن است معیشت مردم آسیب ببیند. بسیاری از ردیف‌ها را می‌شود حذف یا ادغام یا رشد بودجه آنان را متوقف کرد. امروز و در این شرایط الزامات دیگری داریم و اگر هزینه‌ها را رها کنیم، نمی‌توانیم کشور را اداره کنیم.»

پنجشنبه ۸ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۷۳
irannewspaper irannewspapper

«ایران» ماجرای انحلال بانک آینده را در دو حوزه فساد و قوانین مقابله با فساد بررسی می‌کند

درس‌های یک بانک برای آینده

گروه سیاسی- بانک آینده دیگر وجود ندارد، چرا که پس از تصمیم سران قوا مبنی بر اجرای قانون بانک مرکزی برای بانک‌های ناتراز، این بانک وارد فرایند «گزیر» شد. این فرایند گزیر است که در نهایت به منحل شدن این بانک در بانک ملی منتهی می‌شود. اما اکنون سؤال‌های دیگری مطرح است، سؤال‌هایی که هم به گذشته ارجاع دارد و هم به آینده. سؤال‌های مربوط به گذشته این است که تخلفات این بانک از کجا آغاز شد و چرا گسترش یافت؟ این مسأله‌ای است که نهادهای نظارتی باید به آن پاسخ بدهند.

سؤال‌های مربوط به آینده نیز از دو نوع است: خسارت‌های ناشی از این بانک متخلف از کجا باید تأمین شود و به چه صورت؟ سؤال دیگر مربوط به آینده که چه‌بسا مهم‌تر هم باشد، این است که چه باید کرد تا چنین تخلفاتی بار دیگر در نظام بانکی تکرار نشود؟ «ایران» تلاش کرده است به این پرسش‌ها پاسخ دهد.

سهامدار مقصر؛ چهره تازه پاسخ‌گویی در نظام بانکی ایران

دکتر فرشید فرحناکیان
حقوقدان

بند «ج» ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت به‌صورت شفاف تکلیف جبران بدهی مؤسسات اعتباری در حال گزیر را مشخص کرده است. این بند، در واقع سنگ بنای نظام «مسئولیت‌پذیری سهامداران» در بحران‌های بانکی است؛ نظامی که به‌جای تحمیل بار ناترازی بانک‌ها بر بودجه عمومی، ابتدا به سمت شناسایی و مسئول‌سازی سهامداران و مدیران مقصر می‌رود.

این بند از ماده ۸ قانون برنامه هفتم، در دل خود مفهومی کلیدی را به رسمیت می‌شناسد: «سهامدار مقصر»؛ یعنی همان کسی که دیگر صرفاً مالک بانک نیست؛ بلکه اگر در ناترازی و بحران آن نقش داشته باشد، باید هزینه آن را شخصاً بپردازد.

این امر نه‌تنها گامی در جهت حاکمیت قانون در نظام بانکی است؛ بلکه نوعی بازتعریف رابطه مالکیت و مسئولیت در ساختار اقتصادی کشور به شمار می‌رود. به این ترتیب که «اول مقصران بپردازند، بعد بانک و آخر اگر لازم شد، سایر سهامداران»، ترجمان حقوقی اصل «Bail-in» است؛ برخلاف مدل قدیمی «Bail-out» که زیان بانک را به جامعه تحمیل می‌کرد.

در گذشته هرگاه بانکی دچار بحران می‌شد، دولت برای جلوگیری از شوک مالی، با تزریق منابع عمومی آن را «نجات» می‌داد.

نتیجه این سیاست، انتقال زیان از مدیران و سهامداران به سپرده‌گذاران و بودجه عمومی بود. اما بند «ج» ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت، با الگوبرداری از تجربه‌های بین‌المللی مانند «دستورالعمل گزیر بانکی اتحادیه اروپا» (BRRD) یا «قانون داد- فرانک آمریکا» (Dodd-Frank)» مسیر تازه‌ای گشوده است، به این معنی که در گزیر بانکی، هدف نه نجات سهامداران، بلکه نجات اعتماد عمومی است و هزینه بحران باید از جیب کسانی پرداخت شود که آن را ایجاد کرده‌اند.

گام اول: شناسایی سهامدار مقصر

مطابق تبصره (۱) ماده ۸ قانون برنامه پیشرفت، شناسایی سهامداران یا مدیران مقصر صرفاً در صلاحیت «شعبه ویژه رسیدگی به اختلافات بانکی» است که به‌موجب ماده ۳۵ قانون بانک مرکزی تشکیل می‌شود. این شعب ویژه با استفاده از امکانات و نیروی انسانی موجود قوه قضائیه و در محدوده امکانات آن قوه، در مراکز استان‌ها و شهرهای پرجمعیت تشکیل می‌شود. این شعب ویژه شامل شعب بدوی و تجدیدنظر هستند.

میزان مسئولیت هریک از سهامداران مقصر یا مدیران مقصر در جبران تعهدات و پرداخت بدهی‌های مؤسسه اعتباری، با توجه به مسبب یا غیرمسبب‌بودن وی، از سوی شعبه مذکور تعیین می‌شود. این شعب ویژه با بررسی دقیق مستندات بانک مرکزی، گزارش‌های حسابرسی و صورت‌های مالی، تشخیص می‌دهند که آیا سهامدار یا مدیر در وقوع ناترازی یا تخلفات بانکی نقش «مسبب» داشته است یا خیر. مهم اینجاست که قانون میان «مقصر» و «غیرمقصر» تفکیک قائل شده و مسئولیت هر فرد را متناسب با درجه مسبب‌بودن وی تعیین می‌کند. بدین معنا که مسئولیت جبران تعهدات و پرداخت بدهی‌ها از دارایی شخصی فقط زمانی متصور است که تقصیر و رابطه سببی میان رفتار سهامدار و زیان مؤسسه احراز شود.

در این مرحله بانک مرکزی می‌تواند با اتکا به گزارش‌های نظارتی و مستندات مالی، پرونده‌ای برای ارجاع به شعبه ویژه تنظیم کند. این امر درواقع تضمین می‌کند که تصمیم‌گیری درباره مقصربودن سهامداران از مسیر قضایی و با معیارهای دادرسی منصفانه انجام شود. این تبصره حلقه‌ای میان بانک مرکزی و قوه قضائیه ایجاد می‌کند تا احراز تقصیر از مسیر فنی و نه سیاسی انجام شود.

گام دوم: توقیف دارایی سهامدار مقصر

علاوه بر توقیف دارایی سهامدار مقصر، مطابق تبصره (۲) ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت، دادستان کل کشور یا دادستان مرکز استان، مکلف‌اند بلافاصله دارایی‌هایی را که به نام سهامداران مقصر یا متهم به تقصیر یا مدیران مقصر یا متهم به تقصیر نیست؛ اما بانک مرکزی یا مدیر گزیر مبتنی بر قرائن و اماراتی و با تأیید دادستان کل کشور یا دادستان مرکز استان مدعی هستند که دارایی‌های مزبور درواقع متعلق به سهامداران یا مدیران مذکور هست، توقیف کنند.

به عبارت دیگر، قانون دو دسته دارایی را مشمول این توقیف دانسته است: (۱) دارایی‌هایی که به نام مؤسسه اعتباری نیست؛ اما به استناد قرائن و امارات، در واقع متعلق به آن است. (۲) دارایی‌هایی که به نام سهامداران یا مدیران مقصر یا متهم به تقصیر نیست؛ اما ظاهراً در اختیار اشخاص ثالث است. در این وضعیت هرگونه نقل‌وانتقال این دارایی‌ها ممنوع و فاقد اعتبار حقوقی است تا زمانی که حکم قطعی دادگاه صادر شود. این رویکرد، نوآورانه‌ترین بخش این قانون اخیرالتصویب است؛ زیرا برای اولین‌بار، بار اثبات تعلق واقعی دارایی را از دوش مدعی خصوصی برداشته و به نهادهای حاکمیتی چون بانک مرکزی و قوه قضائیه منتقل کرده است. به بیان دیگر، قانونگذار عملاً یک سازوکار پیشگیرانه از فرار دارایی‌ها طراحی کرده است تا قبل از قطعی شدن حکم، اموال مشکوک از چرخه انتقال خارج شوند. نکته مهم این است که توقیف حتی زمانی مجاز است که دارایی‌ها به نام اشخاص دیگری ثبت شده باشد؛ ولی بر اساس «قرائن و امارات» احراز شود که درواقع متعلق به بانک یا سهامدار مقصر است. این یعنی قانون برای اولین‌بار توقیف دارایی بر مبنای ظن مستدل را در حوزه بانکی مجاز دانسته است؛ با این شرط که دادستان کل یا دادستان مرکز استان صحت ادعا را تأیید کند. توقیف بر پایه قرائن می‌تواند ابزار مؤثری برای پیشگیری از فرار دارایی‌ها باشد، اما از منظر حقوق اساسی، خطراتی نیز دارد. اصل ۲۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که «حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن اشخاص از تعرض مصون است مگر به موجب قانون.» بنابراین، اجرای تبصره (۲) ماده ۸ قانون برنامه پیشرفت باید با ضمانت نظارت قضایی سخت‌گیرانه همراه باشد تا حقوق مالکانه افراد بی‌گناه تضییع نشود. در غیر این صورت، ماده‌ای که قرار است حافظ عدالت مالی باشد، ممکن است به منشأ بی‌عدالتی تبدیل شود.

> نظام بانکی ایران با تشریفات بند «ج» ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت برای اولین‌بار به مرحله‌ای می‌رسد که در آن مسئولیت، به اندازه اختیار، معنا پیدا می‌کند. سهامدار مقصر دیگر نمی‌تواند پشت عنوان «خصوصی بودن» یا «وابستگی سیاسی» پنهان شود

روشن‌ساز کلام: عدالت مالی به جای نجات بانکی

به موجب بند «ج» ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت، دیگر نمی‌توان ناترازی مؤسسات اعتباری را با اتکای صرف به بودجه عمومی یا سپرده‌گذاران درمان کرد. اکنون در یک چهارچوب شفاف قانونی، اول باید از محل دارایی‌های سهامداران مقصر، سپس از دارایی‌های مؤسسه در حال گزیر و درنهایت از سهام و سایر حقوق سهامداران غیرمقصر جبران صورت گیرد. درسی که از تجربه «بانک آینده» به دست آمد، این است که اجرای دقیق این ماده می‌تواند مرز تازه‌ای میان «مالکیت خصوصی» و «مسئولیت عمومی» در نظام بانکی ایران ترسیم کند؛ مرزی که در صورت رعایت، نه‌تنها موجب صیانت از حقوق سپرده‌گذاران، بلکه عامل بازدارنده‌ای در برابر سوءمدیریت‌های آینده خواهد بود.

نظام بانکی ایران با تشریفات بند «ج» ماده ۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت برای اولین‌بار به مرحله‌ای می‌رسد که در آن مسئولیت، به اندازه اختیار، معنا پیدا می‌کند. سهامدار مقصر دیگر نمی‌تواند پشت عنوان «خصوصی بودن» یا «وابستگی سیاسی» پنهان شود. قانون صریح است: دارایی‌های سهامدار مقصر، اولین منبع جبران تعهدات بانکی است. این تغییر فلسفی، حلقه مفقوده‌ای است که می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی بین مردم و نظام مالی کشور منجر شود؛ به شرط آنکه اجرا، قربانی مصلحت‌گرایی و فشارهای بیرونی نشود.

تبصره (۱) این ماده با ایجاد مرجع قضایی ویژه، فرآیند شفاف شناسایی و احراز تقصیر را سامان داده است. تبصره (۲) آن با پیش‌بینی توقیف فوری دارایی‌ها، از انتقال و فرار سرمایه‌های بانکی جلوگیری می‌کند. اگر این روند با دقت و بی‌طرفی ادامه یابد، شاید برای اولین‌بار در تاریخ بانکداری ایران، به جای نجات مقصران با پول مردم، شاهد نجات اعتماد مردم از دست مقصران باشیم.

فساد در سکوت نهادها رشد می کند و با اصلاح فرآیند از میان می‌رود

ناصر پورضا کریم سرا
دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، هرگاه سخن از مبارزه با فساد به میان می‌آید، نخستین واکنش تصمیم‌گیران، تغییر مدیران و جابه‌جایی افراد است. گویی فساد به «آدم‌های بد» محدود می‌شود و با رفتن آنان، زمینه فساد پاک می‌شود. اما تجربه نشان داد تا زمانی که قواعد کنش‌ها یا به اصطلاح قواعد بازی اصلاح نشود، تغییر بازیگران نتیجه‌ای ندارد. زیرا فساد در اصل، مسأله‌ای فردی و اخلاقی نیست، بلکه نهادی و ساختاری است.

از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی، رفتارهای اقتصادی و سیاسی انسان‌ها در چهارچوب شبکه‌ها، نهادها و ساختارهای انگیزشی شکل می‌گیرد. به تعبیر «داگلاس نورث» نهادها همان قواعد بازی‌اند. هنگامی که این قواعد دارای نواقصی باشند، حتی نیک‌نهادترین ها نیز ممکن است در دام فساد گرفتار شوند. در سازمان‌هایی که فرآیندهای اداری پیچیده، صلاحدید شخصی بالا و نظارت ضعیف است، قواعد ساختار خود زمینه‌ساز فساد می‌شوند. بنابراین تغییر افراد تنها جابه‌جایی در سطح ظاهر است، نه اصلاح در عمق سازوکار.

راه‌حل مبارزه با فساد تغییر مدیران نیست؛ بلکه بازطراحی فرآیندها است. باید فرآیندهایی ایجاد شود که در آن، امکان فساد به حداقل برسد و شفافیت و پاسخگویی به اصول بنیادین تبدیل شود. فناوری دیجیتال و دولت الکترونیک می‌توانند در این مسیر مؤثر باشند، اما به‌تنهایی کافی نیستند. تجربه جهانی نشان داد که فناوری تنها زمانی کارآمد است که با اصلاح نهادی، استقلال نهادهای نظارتی و اراده سیاسی واقعی همراه شود.

در این میان، شفافیت به‌عنوان ریشه‌ای‌ترین عامل ضدفساد اهمیت دارد. انتشار عمومی اطلاعات بودجه، قراردادهای دولتی و تصمیمات کلان اقتصادی، می‌تواند قدرت نظارت جامعه مدنی را افزایش دهد. هرچه فاصله میان دولت‌ها و مردم کمتر شود و اطلاعات در دسترس‌تر قرار گیرد، هزینه فساد بالاتر می‌رود و فضا برای رفتارهای غیرشفاف تنگ‌تر می‌شود.

فساد را سال‌هاست به فرهنگ یا اخلاق نسبت می‌دهند؛ گویی در تار و پود جامعه نهادینه شده است. اما داگلاس نورث، نگاه متفاوتی دارد. او می‌گوید: «فساد، بازی با قواعد بد است.» در واقع، فساد نه از بد بودن مردم، بلکه از بد طراحی شدن ساختار انگیزه‌ها، سازمان‌ها سرچشمه می‌گیرد. در جامعه‌ای که هزینه صداقت بیشتر از سود تخلف است، انسان‌ها حتی اگر نیت خیر داشته باشند، به تدریج به سمت رفتارهای ناصواب سوق داده می‌شوند. وقتی پرداخت رشوه مؤثرتر از طی‌کردن مسیر قانونی شود، فساد نه انحراف بلکه راهی «عقلانی» برای رسیدن به نتیجه تلقی می‌شود. بنابراین، ریشه فساد را باید در «سازوکار پاداش و مجازات» در سازمان‌های دولتی جست‌وجو کرد، نه در تربیت فردی یا سنت‌های فرهنگی. سازمان‌های دچار فساد معمولاً با مجموعه‌ای از قواعد نانوشته اداره می‌شوند که در تضاد با قانون رسمی هستند. کارمندان و مدیران می‌دانند چه کسی واقعاً تصمیم می‌گیرد، چه کسی باید «راضی» شود و کدام مسیر میانبر به نتیجه می‌رسد. این همان چیزی است که داگلاس نورث آن را «فرآیندهای غیررسمی مسلط» می‌نامد. در چنین شرایطی حتی اگر قانون درست نوشته شده باشد، اجرای آن تابع روابط و منافع پنهان است. فرمول کاهش فساد را می‌توان در چهار واژه خلاصه کرد: شفافیت، پاسخگویی، استقلال نهادها و اراده سیاسی.

فساد پدیده‌ای است که در سکوت رشد می‌کند و تنها با شفافیت و اصلاح فرآیند از میان می‌رود. به‌طور خلاصه، فساد را نمی‌توان فقط به افراد محدود کرد؛ بلکه باید به انگیزه‌ها، قواعد بازی و شبکه‌های قدرت نگاه کرد. تنها وقتی نهادها، فرآیندها و نظارت درست شوند، می‌توان انتظار از بین رفتن فساد را داشت.

> راه‌حل مبارزه با فساد تغییر مدیران نیست؛ بلکه بازطراحی فرآیندها است. باید فرایندهایی ایجاد شود که در آن، امکان فساد به حداقل برسد و شفافیت و پاسخگویی به اصول بنیادین تبدیل شود. تجربه جهانی نشان داد که فناوری تنها زمانی کارآمد است که با اصلاح نهادی، استقلال نهادهای نظارتی و اراده سیاسی واقعی همراه شود

زینی‌وند از آمادگی برای برگزاری انتخابات شوراها خبر داد

تأکید وزارت کشور بر بی‌طرفی، شفافیت و مشارکت بالا

گزارش

انتخابات ششمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا قرار است ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ برگزار شود؛ انتخاباتی که به گفته مسئولان وزارت کشور تفاوت‌هایی اساسی با دوره‌های گذشته دارد. مهم‌ترین تغییر در این دوره، برگزاری تمام‌الکترونیکی انتخابات و اجرای نظام تناسبی یا فهرستی در شهر تهران است؛ اقدامی که هدف آن ارتقای شفافیت، سرعت و دقت در فرآیند رأی‌گیری عنوان شده است.

در همین راستا، دوره‌های آموزشی انتخابات در سراسر کشور آغاز شده است تا زمینه برای برگزاری انتخاباتی سالم، رقابتی و با مشارکت بالا فراهم شود.

روز گذشته علی زینی‌وند، معاون سیاسی وزیر کشور در همایش منطقه‌ای آموزش انتخابات ویژه مدیران کل سیاسی، فرمانداران و مسئولان فناوری اطلاعات و آموزش بر ضرورت «مستندسازی تجربیات اجرایی» تأکید کرد و گفت: «تجربه‌های ارزشمند برگزاری انتخابات باید ثبت شود و در اختیار نسل‌های بعدی قرار گیرد تا از آن در مسیر بهبود فرآیندها استفاده شود.»

زینی‌وند با بیان اینکه وفاق و بی‌طرفی مسئولان، کلید برگزاری انتخاباتی سالم و رقابتی است، افزود: «مشارکت مردم و سرمایه اجتماعی، پیوند مستقیمی با امنیت ملی دارد و کاهش اعتماد عمومی می‌تواند آسیب‌پذیری نظام را افزایش دهد.»

به گفته او، دو مؤلفه «امنیت» و «سلامت» همواره از نقاط قوت نظام انتخاباتی کشور بوده است. اما حوزه‌های «رقابت» و «مشارکت» نیازمند تلاش بیشتر مدیران محلی و فرمانداران است.

معاون سیاسی وزیر کشور با اشاره به ضرورت تعامل سازنده میان هیأت‌های اجرایی، هیأت‌های نظارت و دستگاه‌های مرجع استعلام، گفت: «قانون برای هر یک از این نهادها نقش مشخصی تعیین کرده است. هماهنگی میان آنها می‌تواند زمینه رقابت سالم و مشارکت حداکثری را فراهم کند.»

او بار دیگر بر اصل بی‌طرفی فرمانداران و مدیران دولت در استان‌ها تأکید کرد و هشدار داد: «انتصابات نباید تنها بر اساس گرایش‌های سیاسی صورت گیرد. مدیران توانمند، متعهد و بی‌طرف باید مسئولیت‌های کلیدی را بر عهده گیرند تا اعتماد عمومی تقویت شود.»

فرمانداران باید با «ادبیات محلی» با مردم سخن بگویند و توان و محدودیت‌های دولت را شفاف توضیح دهند تا برداشت نادرست از رهاشدگی دولت در افکار عمومی ایجاد نشود.» او از فرمانداران خواست هیأت‌های اجرایی را از میان افراد معتمد و مورد پذیرش محلی انتخاب کنند تا این افراد به «تابلوی اعتماد منطقه» تبدیل شوند و نقش مرجعیت اجتماعی آنان به افزایش مشارکت کمک کند.

> مهم‌ترین تغییر در این دوره، برگزاری تمام‌الکترونیکی انتخابات و اجرای نظام تناسبی یا فهرستی در شهر تهران است؛ اقدامی که هدف آن ارتقای شفافیت، سرعت و دقت در فرآیند رأی‌گیری عنوان شده است

امنیت، سلامت، رقابت و مشارکت چهار محور اصلی انتخابات

زینی‌وند در حاشیه همایش در جمع خبرنگاران، چهار محور امنیت، سلامت، رقابت و مشارکت را مبنای سیاست وزارت کشور در برگزاری انتخابات شوراها و میان‌دوره‌ای مجلس و خبرگان دانست و گفت: «ساختار کشور به گونه‌ای است که جای نگرانی درباره امنیت و سلامت انتخابات وجود ندارد.»

او با اشاره به قانون جدید شوراها توضیح داد: «تغییراتی در زمینه ثبت‌نام الکترونیکی، الزام استعفا سه ماه پیش از نامزدی و نحوه بررسی صلاحیت‌ها اعمال شده است.

همچنین آموزش‌های ویژه‌ای برای شناسایی جمعیت روستاهای واجد شرایط تشکیل شورا ارائه می‌شود.»

زینی‌وند درباره امنیت انتخابات تصریح کرد: «در دوره‌های گذشته هیچ مشکلی در حوزه امنیت و سلامت نداشتیم. این فرآیند با مشارکت مردم و نظارت دقیق برگزار می‌شود و جای هیچ نگرانی نیست.»

معاون وزیر کشور در ادامه با دعوت از همه چهره‌های شایسته برای ثبت‌نام در انتخابات گفت: «باید شرایط برابر برای همه سلایق و گروه‌ها فراهم شود تا رقابت واقعی و سازنده شکل گیرد.»

او تأکید کرد: «مردم باید بدانند تصمیم‌های شوراها تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره آنها دارد، چرا که نقش شوراها در اداره امور محلی گاه حتی از مجلس و دولت نیز پررنگ‌تر است. مشارکت در انتخابات شوراها، بویژه در این دوره و در شرایط حساس منطقه‌ای، با امنیت ملی ما پیوند خورده است.»

> زینی‌وند: وفاق و بی‌طرفی مسئولان، کلید برگزاری انتخاباتی سالم و رقابتی است و مشارکت مردم و سرمایه اجتماعی، پیوند مستقیمی با امنیت ملی دارد و کاهش اعتماد عمومی می‌تواند آسیب‌پذیری نظام را افزایش دهد

با مصوبه مجلس برای تأمین نظر شورای نگهبان

ساعات کار کارکنان ۴۴ ساعت باقی ماند

گزارش

لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که برای اغلب مردم با عنوان «تعطیلی دو روز در هفته» پیوند خورده است، روز گذشته هم بخشی از دستور کار جلسه علنی مجلس بود. بر اساس تبصره ۴ این لایحه قرار بود ساعت کار کارکنان دولت به ۲۴ ساعت و ۳۰ دقیقه کاهش پیدا کند که با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد.

نمایندگان هم برای تأمین نظر این شورا با حذف تبصره موافقت کردند و ساعت کار کارکنان ۴۴ ساعت در هفته باقی ماند. تبصره ۳ لایحه هم که به موضوع ۲ روز تعطیلی در هفته (تعطیلی پنجشنبه و جمعه) مربوط می‌شد و مورد ایراد قرار گرفته بود، با نظر محمدباقر قالیباف رئیس مجلس برای اصلاح به کمیسیون اجتماعی بازگردانده شد.

وکلای ملت در ادامه جلسه دیروز همچنین مواد پنج و شش طرح توسعه هوش مصنوعی را تصویب کردند. در ماده ۶ این طرح، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکلف شد با استفاده از ساختارها و ظرفیت‌های در اختیار و در سقف بودجه مصوب سالانه، برنامه‌ریزی و اقدامات اجرایی زیر را جهت توسعه و پشتیبانی از لایه‌های بنیادین هوش مصنوعی انجام دهد.

نمایندگان همچنین در جلسه‌ای غیرعلنی در جریان گزارش محمدصالح جوکار رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها از آخرین وضعیت تشکیل هیأت‌های نظارت استانی و شهرستانی برای انتخابات شوراها قرار گرفتند.

روایت ظریف از ایستادگی ملی ایران در جنگ ۱۲ روزه

ایران تسلیم نمی‌شود

گزارش

گروه دیپلماسی- محمدجواد ظریف در اختتامیه همایش ایران معاصر با اشاره به تحولات ماه‌های اخیر در کشور و تاثیر ایستادگی ملی در جنگ ۱۲ روزه بر محاسبات آمریکا و رژیم صهیونیستی گفت: آنها شکست خوردند چرا که ایران با وجود دشواری‌ها، همچنان استوار ایستاده و دشمن نتوانست به اهداف خود برسد او تاکید کرد ایران تسلیم نمی‌شود، توان علمی و هسته‌ای‌اش پابرجاست و راه منطقی، توافق و تعامل منطقه‌ای برای حفظ این ظرفیت در مسیر صلح‌آمیز است.

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران، در اختتامیه چهارمین همایش بین‌المللی مطالعات ایران معاصر، با اشاره به تجاوز اسرائیل با حمایت آمریکا، تأکید کرد که ایران با وجود دشواری‌ها، همچنان استوار ایستاده و دشمن نتوانست به اهداف خود برسد.

وی تأکید کرد که حتی در حالی که ایران در میانه گفت‌وگوهای خود با آمریکا بود، اسرائیل نتوانست به نتایج موردنظرش برسد و در نهایت طرف مقابل بود که پیشنهاد آتش‌بس را مطرح کرد، نه ایران.

جنایت جنگی آمریکا و اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه

وزیر خارجه پیشین ایران افزود که کشتن فرماندهان نظامی خارج از میدان جنگ جنایت محسوب می‌شود و اسرائیل امید داشت ایران واکنشی نشان ندهد، اما کشور ظرف ۱۷-۱۸ ساعت توانست خود را بازیابی کرده و پاسخ دفاعی بدهد. وی یادآور شد که قدرت ایران تنها در سانتریفیوژها یا مواد هسته‌ای نیست، بلکه در علم، فناوری و دانش متخصصان ایرانی است که قابل نابودی نیست. حتی اگر تمام زیرساخت‌ها و مواد هسته‌ای از بین برود، دانش و توان علمی ایران باقی خواهد ماند.

ظریف تأکید کرد که برای آمریکا منطقی‌تر و راهبردی‌تر است که با ایران وارد توافق شود تا اطمینان حاصل کند این توانمندی در مسیر صلح‌آمیز باقی می‌ماند.

مردم ایران هرگز دستور و تهدید را نمی‌پذیرند

ظریف در این سخنرانی گفت: «من در ایالات متحده تحت دو نوع تحریم قرار دارم، بنابراین مطمئنم که رئیس‌جمهوری ترامپ به دنبال مشورت با من نخواهد بود! اما اگر روزی چنین فرصتی پیش می‌آمد، به او می‌گفتم بهترین راه، رسیدن به توافقی با ایران است تا این فناوری صلح‌آمیز و شفاف باقی بماند. زیرا مردم ایران هرگز دستور و تهدید را نمی‌پذیرند. همان‌طور که در زمان مذاکرات هسته‌ای گفتم، «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید»، هرگز ایرانیان را تحقیر نکنید. ایرانیان هرگز تسلیم نشده‌اند. ما مورد تهاجم و اشغال قرار گرفته‌ایم، اما همواره ملتی مستقل باقی مانده‌ایم قدیمی‌ترین ملت پیوسته جهان».

او ادامه داد: «ما عرب نشده‌ایم هرچند هیچ دشمنی‌ای با اعراب نداریم اما فرهنگ و تمدن خود را حفظ کرده‌ایم. اسلام با ما ماند، اما فرهنگ ما را از ما نگرفت. ما از نظر ذهنی نیز مغلوب نشدیم؛ بلکه آنها بودند که ایرانی شدند و فرهنگ ما را پذیرفتند».

ظریف افزود: «اگر کسی گمان کند می‌تواند اراده ما را در هم بشکند یا ما را به تسلیم کامل وادار کند سخت در اشتباه است. اما آنها می‌توانند با ایران به تفاهم برسند تا این مسیر در چهارچوبی صلح‌آمیز و شفاف ادامه یابد».

او درباره نقش مردم ایران گفت: «دومین درسی که می‌توان گرفت این است که جنگ را نباید فقط بر اساس شمار تلفات سنجید، بلکه باید نتایج واقعی را در نظر گرفت. متجاوزین به اهداف خود نرسیدند، زیرا مردم ایران برخلاف انتظار عمل کردند. مردم ایران، بزرگ‌ترین عامل بازدارندگی ما هستند، زنده، پویا و آماده دفاع از کشورشان‌اند. ایران اراده و توان پاسخگویی دارد؛ ایرانیان متحدند و می‌توانند از خود دفاع کنند».

ظریف اضافه کرد: «من جنگ‌طلب نیستم و از جنگ خوشحال نمی‌شوم، اما ایران تنها کشور منطقه است که توانسته به اسرائیل آسیب مستقیم وارد کند. در ایران، ۲۲ استان صدای گلوله نشنیدند، اما در اسرائیل تقریباً هیچ‌کس از صدای موشک‌ها در امان نبود. در ایران، در بسیاری مناطق پناهگاه عمومی وجود ندارد، اما مردم اسرائیل ساعت‌ها در پناهگاه ماندند. من خودم در تهران، در خانه و دفترم ماندم».

به کارگیری خرد جمعی برای پرهیز از تکرار اشتباهات

ظریف در بخش دیگر سخنان خود با مقایسه بودجه دفاعی آمریکا و ایران گفت: «یک ابرقدرت، یک قدرت هسته‌ای که سالانه ۸۰۰ میلیارد دلار برای ماشین جنگی خود هزینه می‌کند، نتوانست کشوری را که کمتر از ۱۰ میلیارد دلار برای دفاع هزینه می‌کند، تحقیر کند.

آمریکا تمام نیروهایش را از پایگاه‌های اطراف ایران تخلیه کرد این تحقیر بزرگ‌ترین قدرت هسته‌ای جهان است که چنین وضعیتی را می‌پذیرد.»

او ادامه داد: «دو نتیجه روشن وجود دارد: اول، فناوری هسته‌ای ایران قابل نابودی نیست و باید درباره‌اش به تفاهم رسید؛ دوم، ایران توان و اراده حمله به ایالات متحده و اسرائیل را دارد. بنابراین باید اندیشید آیا می‌توان آینده‌ای بهتر ساخت که اشتباهات گذشته تکرار نشوند.»

> باید بگویم امکان‌های متصور برای آمریکا، آن است که این واقعیت را درک کنند که ایران نه تسلیم می‌شود، نه عقب‌نشینی می‌کند و توانمندی هسته‌ای‌اش هم پابرجاست. آنها باید این واقعیت را بپذیرند و با ایران وارد تعامل شوند تا این توان در مسیر صلح‌آمیز بماند

ظریف همچنین گفت: «من نمی‌گویم فقط آمریکا اشتباه کرده است؛ ما نیز اشتباهاتی داشته‌ایم. اما آیا می‌توان آینده‌ای متفاوت داشت؟ باید از خرد جمعی خود بهره بگیریم تا اشتباهات گذشته را بشناسیم و از آنها رها شویم. امروز برخی از «هوش مصنوعی» به عنوان «هوش پیشرفته» یاد می‌کنند، اما هیچ چیز پیشرفته‌تر از ذهن انسان نیست. باید از «آینده‌ای پیش‌فرض بر پایه اشتباهات گذشته» به سوی «آینده‌ای خلق شده بر اساس امکانات و ظرفیت‌های واقعی» حرکت کنیم.»

ایران نه تسلیم می‌شود نه عقب‌نشینی می‌کند

باید از پارادایم تهدید، به پارادایم امکانات گذر کنیم. جهان بر اساس ترس و تهدید رشد نمی‌کند. نه ملت ما، نه منطقه‌مان و نه جهان از الگوی تهدید سودی نخواهد برد. باید به سوی الگوی «امکان‌ها» حرکت کنیم. اگر بخواهیم درباره امکان‌ها صحبت کنیم؛ باید بگوییم امکان‌های متصور برای آمریکا، آن است که این واقعیت را درک کنند که ایران نه تسلیم می‌شود، نه عقب‌نشینی می‌کند، و توانمندی هسته‌ای‌اش هم پابرجاست. آنها باید این واقعیت را بپذیرند و با ایران وارد تعامل شوند تا این توان در مسیر صلح‌آمیز بماند.

مردم خود را «امکان» بدانیم

اما برای ایران، امکان‌های ما از مردم‌مان آغاز می‌شود. باید مردم خود را نه تهدید، بلکه «امکان» بدانیم. در این صورت، شهروندان، اینترنت، زنان و نسل زد همه به چشم فرصت دیده خواهند شد، نه تهدید. زیرا همان‌طور که از رهبری تا فرماندهان نظامی اذعان کردند، آنچه اسرائیل را شکست داد، مردم ایران بودند. موشک‌های ما بسیار مهم هستند اما این مردم بودند که توهم اسرائیل را فرو ریختند. پس باید این امکان را تقویت کنیم. اول باید آن را شناسایی کنیم تا بتوانیم آن را پرورش دهیم.

دوم، هرچند باید از پارادایم تهدید به پارادایم امکان گذر کنیم، این به معنای فراموشی تهدیدها نیست. باید توان دفاعی خود را تقویت کنیم. ایران هنوز کمتر از هر کشور منطقه برای دفاع هزینه می‌کند و نیاز داریم سرمایه‌گذاری بیشتری در این بخش انجام دهیم، البته در چهارچوب محدودیت‌های موجود. البته دیگر کشورهای منطقه نیز باید هزینه‌های نظامی خود را محدود کنند. آمریکا به جای افتخار به ارسال «تجهیزات نظامی زیبا» به خاورمیانه، باید از فرستادن ابزارهای کشتار دست بردارد و به توسعه واقعی منطقه بیندیشد. بنابراین ما باید سه امکان را تقویت کنیم :

۱. مردم خود به عنوان بزرگ‌ترین سرمایه و امکان.

۲. توان دفاعی کشور.

۳. روابط خود با کشورهای منطقه.

همسایگان تهدید نیستند

ظریف در ادامه سخنرانی گفت: «من معتقدم منطقه ما بزرگ‌ترین امکان ماست. نباید همسایگان‌مان را تهدید بدانیم، هرچند گلایه‌های بسیاری داریم. همسایگان عرب ما در زمان جنگ از صدام حسین حمایت کردند، اما نباید اسیر گذشته بمانیم. باید روابط خوب با همه همسایگان برقرار کنیم.»

او افزود: «در گذشته با روسیه اختلاف داشتیم، اما روسیه همسایه‌ای مهم است. هرگونه «فوبیا» نسبت به شرق یا غرب خطرناک است و شیفتگی به هر دو هم همین‌قدر خطرناک است. ما ایرانی هستیم - نه شرق‌گرا، نه غرب‌گرا - بلکه ایران‌گرا هستیم. روابط ما با همسایگان باید آینده‌نگر باشد و از گذشته عبور کنیم.»

ظریف با نقل قول از نلسون ماندلا گفت: «ما گذشته را فراموش نمی‌کنیم، اما از آن عبور می‌کنیم تا بتوانیم فرصت‌های آینده را ببینیم.»

او ادامه داد: «نسبت به برخی رفتارهای منطقه‌ای گلایه داریم، اما این نباید مانع برقراری روابط کیفی با همسایگان شود. این روابط باید بر پایه احترام متقابل، عدم مداخله، حفظ تمامیت ارضی و همکاری منطقه‌ای باشد.»

ظریف سپس به ایده‌های منطقه‌ای اشاره کرد: «من و یکی از همکارانم ایده‌ای به نام «مناره» برای شبکه همکاری هسته‌ای منطقه‌ای مطرح کردیم. اخیراً مشابه آن توسط ارنست مونیز، وزیر انرژی پیشین آمریکا، منتشر شد. همچنین باید درباره ایجاد «انجمن گفت‌وگوی مسلمانان غرب آسیا» بیندیشیم. باید دشمنی را به دوستی تبدیل کنیم، زیرا از دوستی می‌توانیم اندوخته‌های فراوان به‌دست آوریم.»

در پایان، ظریف تأکید کرد: «منطقه ما آینده ماست و باید آن را بر پایه فرصت‌ها بنا کنیم، نه تهدیدها. نباید در زندان گذشته بمانیم، زیرا گذشته نمی‌تواند هزینه‌ها را جبران کند. باید از گذشته عبور کنیم تا پیشرفت کنیم و عزت خود را حفظ کنیم.»

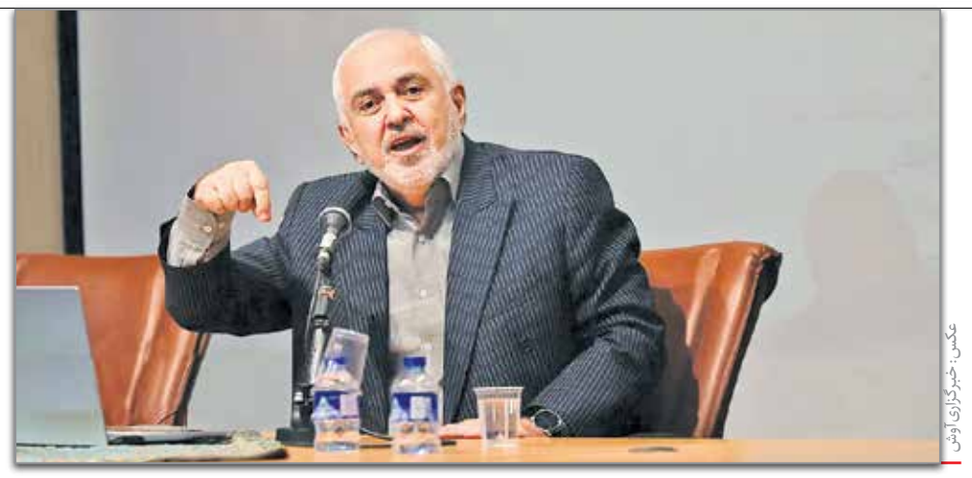
عکس: خبرگزاری اوش

آمریکا هزینه حمله به ایران را می‌دهد

وزیر اسبق خارجه کشورمان در بخش پایانی سخنان خود گفت: «رهبر انقلاب فرمودند: «دوران بزن درو تمام شده است.»

ایران نشان داده است که حتی اگر آمریکا حمله کند، باید آماده پاسخ باشد و هزینه را بپردازد.

باید از این وضعیت نه به‌عنوان زندان، بلکه به‌عنوان سکویی برای گفت‌وگو و تعامل جامع با جامعه جهانی استفاده کنیم تا از خطای محاسباتی دوباره آنها در آینده جلوگیری شود. ما می‌دانیم که آمریکا دچار خطای محاسباتی شد، اما این خطا برای ما هم هزینه دارد. ما بهترین فرماندهان و دانشمندان‌مان را از دست دادیم. بنابراین، باید با اعتمادبه‌نفس و آگاهی از توان و حمایت مردم‌مان، از تکرار این خطاها پیشگیری کنیم. هیچ کس در هیچ مذاکره‌ای نمی‌تواند به ما چیزی را تحمیل و دیکته کند؛ همان‌طور که در گذشته نتوانستند، در آینده هم نخواهند توانست.

پس نکته چهارم این است: به‌جای اسارت در گذشته، به توان خود و پشتیبانی مردم‌مان تکیه کنیم تا با جامعه جهانی در تعامل باشیم. ما می‌دانیم نیت آنها خیر نیست، اما می‌خواهیم از آسیب جلوگیری کنیم، هم از آسیب به خودمان و هم از آسیب به آنها. آنها نباید در توهمات خود زندانی بمانند.

این درسی است که می‌توان از دوازده روز تجاوز و مقاومت مقدس مردم ایران گرفت، درسی که آمریکا و جهان باید بیاموزند: ایران هرگز به زانو درنمی‌آید.

بنگاه

۱۸ سال افتخار آفرینی پتروشیمی پردیس

طلایه‌دار تأمین امنیت غذایی، توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست

۱۰ آبان ماه سال ۱۳۸۶، اولین فاز تولیدی مجتمع پتروشیمی پردیس به بهره‌برداری رسید و از آن زمان تاکنون، خانواده بزرگ پردیس هر ساله این رویداد مهم را با عنوان «روز پردیس» جشن می‌گیرند. این روز نمادی است از تلاش‌های مستمر، سرمایه‌گذاری‌های فناورانه و مسئولیت اجتماعی پتروشیمی پردیس در مسیر توسعه صنعت پتروشیمی ایران و تأمین امنیت غذایی داخلی و جهانی.

تأمین امنیت غذایی، یکی از مهم‌ترین ارکان حقوق فردی و اجتماعی انسان و جامعه است و دستیابی به نظام‌های تغذیه پایدار یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شود.

رشد روزافزون جمعیت، نیاز فزاینده به مواد غذایی و کاهش وسعت خاک‌های قابل کشت و حاصلخیز، جوامع بشری را به استفاده بهینه از منابع و کاربرد کودهای شیمیایی سوق داده است. در این زمینه، پتروشیمی پردیس به عنوان بزرگ‌ترین مجتمع تولیدکننده آمونیاک و اوره در خاورمیانه و یکی از پیشروترین تولیدکنندگان جهانی، با تولید بیش از ۵ میلیون تن محصول در سال، نقش کلیدی در تأمین غذای کافی برای مردم ایران و جهان ایفا می‌کند.

حجم بالای تولید، بهره‌مندی از فناوری‌های برتر و هماهنگی با استانداردهای زیست محیطی، دسترسی آسان به خوراک گاز طبیعی، خطوط حمل و نقل دریایی، تأسیسات ذخیره‌سازی و اسکله بارگیری اختصاصی برای صادرات محصول اوره از جمله مزیت‌های این مجتمع است که جایگاه آن را در بازارهای جهانی تثبیت می‌کند.

سال ۱۳۸۶، مردمانی از نقاط مختلف ایران – از فارس و لر و ترک و کرد و بلوچ تا شمال و جنوب کشور – در کنار هم جمع شدند و با تلاش خستگی‌ناپذیر خود، خشت روی خشت گذاشتند تا پتروشیمی پردیس به عنوان نماد توانمندی، همبستگی ملی و توسعه پایدار شکل گیرد. امروز، با گذشت ۱۸ سال، نام پردیس نه تنها افتخاری برای صنعت پتروشیمی ایران، بلکه نشانه‌ای از پایداری اقتصادی و تولید ملی است.

دستاوردهای اقتصادی و تولیدی

پتروشیمی پردیس طی ۱۸ سال گذشته موفق به تولید بیش از ۳۸ میلیون تن اوره و بیش از ۲۵ میلیون تن آمونیاک شده است که از این میزان، حدود ۴.۲ میلیون تن آمونیاک و اوره به بازارهای جهانی صادر شده و بیش از ۱۰ میلیارد دلار ارزآوری برای کشور به همراه داشته است.

همچنین، پردیس موفق شده رکوردهای تولید ماهیانه و سالیانه محصولات آمونیاک و اوره را ارتقا دهد و سهم عمده‌ای از نیاز داخلی و صادراتی را تأمین نماید. این عملکرد مستمر نه تنها موجب ارتقای جایگاه ایران در بازار جهانی کودهای شیمیایی شده، بلکه رشد اقتصادی منطقه و ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم را نیز به دنبال داشته است.

مسئولیت‌های اجتماعی و توسعه پایدار

پتروشیمی پردیس همواره توجه ویژه‌ای به مسئولیت‌های اجتماعی در استان بوشهر و منطقه عسلویه داشته است. بودجه اختصاص یافته به این حوزه از ۴۲ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ به ۷۵ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ و ۱۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است. از جمله اقدامات شاخص این مجتمع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آموزش و پرورش: احداث مدارس ۶ و ۱۲ کلاسه در روستاها و شهرهای عسلویه، بیدخون، جم و شنبه، و حمایت از مراکز آموزشی و دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای منطقه .
- حمایت از کودکان و جوانان: تقدیر از نخبگان و برگزیدگان علمی استان بوشهر، اهدای لوازم‌التحریر و بسته‌های آموزشی به دانش‌آموزان کم‌برخوردار، برگزاری جشن بادبادک‌ها و اردوهای فرهنگی «راهیان پیشرفت» .
- پویش‌های خیریه و سلامت: نذر همدلی با توزیع گوشت قربانی به نیازمندان، نذر سرخ با اهدای خون کارکنان به بیماران نیازمند، جلوگیری از زندانی شدن ۶۰ نفر بدهکار دیه با پرداخت بیش از ۱۲ میلیارد تومان .
- حمایت از رویدادهای فرهنگی: برگزاری «شب‌های شیدایی» در عسلویه و مشارکت در موکب اربعین حسینی با ارائه بیش از ۶۵ هزار خدمت غذایی و رفاهی.

حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار

پتروشیمی پردیس با اجرای طرح‌های سبز و محیط زیستی، نقش مؤثری در حفاظت از اکوسیستم منطقه و کاهش آلاینده‌ها داشته است. از جمله اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

حمایت از جنگل‌ها و تالاب‌های حرا: انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان حفاظت محیط زیست برای حفاظت از جنگل‌های حرا و تالاب‌های استان بوشهر، اجرای پروژه‌های آموزشی، پژوهشی و کاشت هزاران نهال، پایش فیزیکی و شیمیایی تالاب‌ها و توسعه دبیرخانه حرا. مدیریت پسماند و پساب‌ها: احداث انبارهای سرپوشیده و مکانیزه پسماندهای شیمیایی و روغن‌های صنعتی، اجرای حوضچه‌های اضطراری ۳ هزار مترمکعبی، نصب سیستم تصفیه پساب و لایروبی حوضچه‌ها.

محمود مادرشاهیان

سرمایه‌گذار حوزه هتلداری جزیره کیش:

نگاه ویژه به سرمایه‌گذاری در کیش حمایت از اقتصاد ملی است

بوروکراسی اداری در مناطق آزاد گاه از سرزمین اصلی بیشتر است

محمود مادرشاهیان، سرمایه گذار حوزه هتلداری جزیره کیش گفت: «نگاه ویژه به سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد کیش حمایت از اقتصاد ملی است و می‌توان با حمایت از صنعت گردشگری و خصوصاً عرصه هتلداری به عنوان جایگاهی پایدار و درآمدزا همتراز با صنعت نفت در کشورعرض اندام کنیم. نکته کلیدی اینجاست که اگر ما در جزیره درست عمل کنیم نیازی به جذب سرمایه‌گذار خارجی نداریم و تنها کافی است فضای کسب‌وکار را باز نگه داریم.»

محمود مادرشاهیان، از سرمایه‌گذاران حوزه هتلداری جزیره کیش با اشاره به چالش‌های پیش روی حوزه هتلداری در کشور گفت: «منطقه آزاد اساساً ایجاد شد تا فضایی برای سرمایه‌گذاری ویژه در حوزه اقتصادی بدون تشریفات دست‌وپا گیر باشد اما متأسفانه امروزه شاهدیم که در حیطه بوروکراسی اداری همانند سرزمین اصلی با سرمایه‌گذاران مناطق آزاد رفتار می‌شود. این روند تمایل سرمایه‌گذاران را به‌شدت کاهش داده به گونه‌ای که دیگر مانند گذشته رغبتی به سرمایه‌گذاری در بخش هتلداری و حتی استفاده از تسهیلات گردشگری وجود ندارد.» وی افزود: «بالطبع این موضوع باعث شده که از رقبای خود در منطقه عقب بمانیم.» وی با اشاره به اینکه این فرآیندهای دست وپاگیر باید هر چه سریع‌تر تسهیل شود، گفت: «شنیده‌ایم که قرار است پروانه‌های ساختمان گران شود، خواهش می‌کنم مسئولان به این موضوع توجه داشته باشند و مجوزهای گردشگری را گران نکنند؛ چون به جذب سرمایه‌گذاری در این حوزه بسیار نیاز داریم و باید رغبتی برای سرمایه‌گذاران باقی بماند. صنعت هتلداری نیاز امروز کشور و جزیره کیش است و نباید با اتخاذ چنین تصمیمات غیرکارشناسانه‌ای سرمایه‌گذاری را تضعیف کرد.»

این فعال اقتصادی با بیان اینکه نکته کلیدی اینجاست که اگر ما در جزیره درست عمل کنیم نیازی به جذب سرمایه‌گذار خارجی نداریم و تنها کافی است فضای کسب‌وکار را باز نگه داریم، گفت: «یکی از مصادیق عملی این امر بحث مالیات است. اساساً قوانین منطقه آزاد برای این وضع شده‌اند که در حوزه مالیات از سرزمین اصلی تفاوت داشته باشیم و مقررات متمایز و ریشه‌ای حاکم باشد اما متأسفانه در عمل شاهدیم بویژه در حوزه مالیات بر ارزش افزوده همانند سرزمین اصلی عمل می‌شود.» وی با اشاره به این نکته که در سایر حوزه‌های مالیاتی نیز تسهیلات ویژه و متفاوتی برای کسانی که با تمام سختی‌ها در این مناطق سرمایه‌گذاری می‌کنند در نظر گرفته نشده است، افزود: «این یک اشکال ساختاری بسیار مهم است که آسیب‌های جدی به پیکره مناطق آزاد وارد می‌کند. البته جای امیدواری است که با نگاه نو و مدیریت جدید فضای تازه‌ای در حال شکل‌گیری است و شاهد بازگشت سرمایه‌گذارانی هستیم که در گذشته دلسرد شده و منطقه آزاد کیش را ترک کرده بودند. امروزه این سرمایه‌گذاران در حال بازگشت به جزیره هستند و مجدداً شروع به فعالیت و سرمایه‌گذاری کرده‌اند.» مادرشاهیان گفت: «ما به عنوان بخشی از

این سیستم باید برای سرمایه‌گذاران امنیت و جذابیت لازم را ایجاد کنیم. اگر این کار به درستی انجام شود نتیجه آن را به وضوح خواهیم دید. همان گردشگرانی که امروز ترکیه، دوبی یا کشورهای همجوار را به عنوان کشور مقصد انتخاب می‌کنند پس از این جزیره کیش را برای اقامت برخواهند گزید که این امر درآمدزایی قابل توجهی برای کشور به ارمغان خواهد آورد که امروز نیاز مبرم کشور است.»

این سرمایه‌گذار عرصه هتلداری کشور توجه به موضوعات فوق را خواسته هتلداران کیش و از مطالبات اصلی سرمایه‌گذاران جزیره برشمرد و گفت: «نگاه ویژه به سرمایه‌گذاران در منطقه آزاد کیش حمایت از اقتصاد ملی است و ما می‌توانیم با حمایت از صنعت گردشگری به عنوان جایگاهی پایدار و درآمدزا همتراز با صنعت نفت عرض اندام کنیم.» وی در پایان استانداردسازی هتل‌ها را از جمله موضوعات مهم ارزیابی و تأکید کرد: «بایستی با نگاه بلندمدت استانداردسازی هتل‌ها و خدمات را ادامه دهیم و توجه ویژه‌ای به خدمات هتلداری در شأن مردم و گردشگران جزیره کیش داشته باشیم.»

سفر رئیس جمهوری آمریکا به آسیای شرقی و ملاقات با رهبر چین چه تأثیری بر نظم آینده شرق آسیا خواهد داشت؟

«نگاه به شرق» به سبک ترامپ

گزارش

دونالد ترامپ هم‌اکنون در سفری چندروزه به شرق آسیا به‌سر می‌برد، سفری که محور اصلی آن آماده‌سازی برای دیدار سران ایالات متحده و چین است. در این سفر، وی با رهبران ژاپن، مالزی، کره‌جنوبی و کشورهایی در منطقه آسه‌آن دیدار و تلاش کرده ترکیبی از فشار تجاری و سخنان دیپلماتیک را به کار ببرد تا به میز مذاکره با «شی» در روز پنجشنبه برسد. این سفر به نوعی ترکیبی از معامله گری اقتصادی و خودنمایی سیاسی ترامپ جهت بازگرداندن نفوذ از دست رفته ایالات متحده به شرق آسیا در برابر چین است.

در ژاپن، ترامپ با سانای تاکایچی، نخست‌وزیر جدید، قراردادی در زمینه مواد معدنی کمیاب و گسترش صادرات سویا امضا کرد و همکاری‌های دفاعی در برابر چین و کره شمالی و تجاری را تقویت کرد و در کره‌جنوبی، ترامپ و رئیس جمهوری لی جائه میونگ بر سر بسته سرمایه‌گذاری ۳۵۰ میلیارد دلاری توافق نهایی کردند تا تنش‌های تعرفه‌ای کاهش یابد. همچنین، در مالزی نیز، بر توافق صلح میان تایلند و کامبوج که ماه‌ها درگیر مناقشه بودند؛ نظارت کرد تا خود را به عنوان میانجی معرفی کند، به طوری که کاخ سفید این رخداد را نشانه‌ای از «بازگشت رهبری ایالات متحده در آسیا» اعلام کرد. در واقع، برخی سفر ترامپ به اجلاس آسه‌آن را فرصتی طلایی برای او می‌دانند تا از این طریق خود را به عنوان یک معامله‌گر معرفی کند. باتوجه به اینکه بسیاری از کشورهای عضو آسه‌آن اقتصادهای وابسته به صادرات دارند، ایالات متحده سعی می‌کند خود را به عنوان بازیگری کلیدی به کشورهای شرق آسیا معرفی کند. علاوه بر تایلند و کامبوج، مالزی و ویتنام نیز با ایالات متحده توافقاتی امضا کردند و در حالی که آنها نتوانستند نرخ تعرفه‌ها را تغییر دهند، موفق شدند برای معافیت برخی کالاها مذاکره کنند.

آسه‌آن که در سال ۱۹۶۷ به عنوان سدی در برابر کمونیسم تشکیل شد، در نشست اخیر تلاش کرد به عنوان بستری برای گفت‌وگوی دیپلماتیک و مذاکرات تجاری عمل کند. در این نشست، علاوه بر ترامپ رهبران چین، شورای اروپا، کانادا، برزیل و آفریقای جنوبی نیز شرکت کردند. این گروه در طول سال‌ها دستاوردهایی در جبهه اقتصادی داشته است، از جمله توسعه اقتصادی یکپارچه‌تر در سراسر منطقه و دستیابی به توافقنامه‌های تجارت آزاد با سایر قدرت‌های جهانی. اما بسیاری به طور فزاینده‌ای اثربخشی آن را در حل مسائل منطقه‌ای، از آلودگی هوا ناشی از آتش‌سوزی جنگل‌های اندونزی گرفته تا ادعاهای رقابتی دریای چین جنوبی، زیر سؤال برده‌اند. ناتوانی آن در پایان دادن به جنگ داخلی میانمار که در سال ۲۰۲۱ آغاز شد، به عنوان یکی از بزرگترین شکست‌های آن تلقی شده است. از این رو در نشست امسال، با به کارگیری ابزار دیپلماسی به دنبال تثبیت موقعیت خود بود.

اما شاید مهم‌ترین اتفاق در این سفر ۶ روزه، دیدار ترامپ با شی جین پینگ رئیس جمهوری چین باشد. به نظر می‌رسد واشنگتن و پکن تا قبل از دیدار در راستای کاهش فضای تنش اقدام کرده‌اند، به طوری که، در مرحله قبل از دیدار با شی، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در مالزی با «هه لیفنگ»، معاون نخست‌وزیر چین، توافقاتی در «چهارچوبی اولیه» بر سر عناصر خاکی کمیاب، واردات سویا و معافیت احتمالی تعرفه‌ها انجام دادند. چین نیز برای نشان دادن حسن نیت، چند محموله سویای آمریکایی خرید کرده است، اقدامی که به عنوان علامتی از تمایل به مصالحه ارزیابی شده است. در واقع، ترامپ با مجموعه‌ای از قراردادهای اقتصادی و نمادهای صلح‌آمیز در آسه‌آن و ژاپن، برای آماده شدن برای گفت‌وگو با شی تلاش می‌کند و به نوعی به دنبال این است که به کشورهای شرقی نشان دهد که می‌تواند به عنوان بازیگر فعال و میانجی ثبات ظاهر شود.

امروز (پنجشنبه)، دونالد ترامپ و شی جین‌پینگ در شهر بوسان کره‌جنوبی دیدار خواهند کرد. خبرگزاری‌ها اعلام کرده‌اند که این دیدار در حاشیه اجلاس APEC انجام می‌شود و دو طرف قصد دارند «گفت‌وگوی عمیق درباره مسائل استراتژیک و بلندمدت» داشته باشند.

دو کشور در نزاع‌های صنعتی، فناوری، تعرفه و کنترل صادرات مواد استراتژیک مانند عناصر خاکی کمیاب در تقابل جدی هستند و در عین حال، هر دو طرف به وضوح علاقه‌مند به جلوگیری از تشدید جنگ تجاری هستند و شاخصه‌هایی از مصالحه نیز در پیش‌نویس چهارچوب توافق دیده شده است. در نگاه چین، این دیدار فرصتی است برای اثبات اینکه فشارهای اقتصادی و محدودیت صادراتی می‌تواند واشنگتن را به عقب بنشاند، رویکردی که تحلیلگران آن را «اصلاح رویکرد آمریکا از بالا» تعبیر کرده‌اند. برای ترامپ، رسیدن به توافقی ولو موقت به‌عنوان دستاورد سیاسی مهم جلوه می‌کند؛ او بارها گفته است که چشم‌انداز «توافق بزرگ» میان چین و آمریکا وجود دارد.

به اعتقاد کارشناسان، از کلیدی‌ترین مسائلی که احتمالاً در این دیدار مطرح می‌شود، سیاست تعرفه‌ای و کاهش تدریجی تعرفه‌های متقابل، کنترل صادرات چین بر عناصر خاکی کمیاب، واردات محصولات کشاورزی آمریکا مثل سویا، همکاری یا فشار علیه جریان فنتانیل، احتمالاً بحث فناوری و سیاست برای شرکت‌هایی مانند تیک‌تاک و احتمالاً، تلاش برای حفظ وضعیت موجود در موضوعاتی حساس مانند تایوان خواهد بود.

> در نگاه چین، این دیدار فرصتی است برای اثبات اینکه فشارهای اقتصادی و محدودیت صادراتی می‌تواند واشنگتن را به عقب بنشاند، رویکردی که تحلیلگران آن را «اصلاح رویکرد آمریکا از بالا» تعبیر کرده‌اند

برش

دیدار در سایه دیوار بی‌اعتمادی

ملاقات رهبران آمریکا و چین در کره‌جنوبی در حالی برگزار می‌شود که روابط واشنگتن-پکن آمیخته به بی‌اعتمادی عمیق است. دیدار امروز رقابت ژئواقتصادی میان دو قدرت را کاهش نخواهد داد بویژه در اتمسفری که روابط دو کشور در ماه‌های اخیر به پایین‌ترین سطح از زمان آغاز جنگ تجاری رسیده است. تعرفه‌های سنگین متقابل، کنترل صادرات چین بر فلزات استراتژیک و تهدید ترامپ به تعرفه ۱۰۰درصدی جدید، همگی بیانگر تشدید جنگ اقتصادی است.

ترامپ در تلاش است تا از مسیر معاملات اقتصادی، به بهبود عملی راهبرد «اول آمریکا» را در جهان به رقبای خود تحمیل و تثبیت کند، در حالی که پکن به دنبال تثبیت موقعیت خود در نظام چندقطبی و کاهش نقش آمریکا به‌عنوان قدرت مسلط است. بنابراین، دیدار رؤسای جمهوری چین و ایالات متحده به معنای پایان بحران نخواهد بود، بلکه احتمالاً آغاز دور تازه‌ای از رقابت واشنگتن-پکن برای نظم‌سازی در شرق آسیا را کلید بزند.

چگونه جنگ تریاک به ادراک چین در جنگ تجاری با آمریکا شکل می‌دهد؟

پکن «قرن تحقیر» را فراموش نمی‌کند

دیدگاه

در حالی که شی جین‌پینگ، مردی که اکنون رهبری تلاش چین برای پیشی گرفتن از ایالات‌متحده را برعهده دارد، در یکی از استان‌های ساحلی در صفوف حزب کمونیست بالا می‌رفت، شعری را روی میز کار خود نگه می‌داشت که به درک دلیل مقاومت سرسختانه‌اش در برابر ترامپ در جنگ تجاری میان دو کشور کمک می‌کند.

شعری که نابودی تریاک بریتانیایی در سال ۱۸۳۹ را به‌عنوان عملی که «روح عدالت، ملت ما را برافراشت» ستایش می‌کند: «اگر به سود ملت باشد، در راهش زندگی می‌کنم و در راهش می‌میرم.»

این شعر، سرودی میهن‌پرستانه در ستایش از قداست منافع ملی است و توسط لین زه‌شو، کمیسر امپراطوری اهل استان ساحلی فوجیان نوشته شده است؛ مردی که در اوایل قرن نوزدهم بر تجارت خارجی چین نظارت داشت. او امروز در کتاب‌های درسی چین و در سخنرانی‌های شی جین‌پینگ به‌عنوان قهرمان ملی ستوده می‌شود، زیرا در مواجهه با بریتانیا، ابرقدرت آن زمان، در نزاعی بر سر تجارت ایستادگی کرد.

آن رویارویی که با تلاش‌های «لین» برای متوقف کردن قاچاق تریاک آغاز شد، برای چین فاجعه‌بار پایان یافت؛ شکست نظامی سنگینی که کنترل هنگ‌کنگ را به بریتانیا واگذار کرد و بنا به روایت چینی‌ها، آغازگر «قرن تحقیر» بود؛ لکه ننگینی در تاریخ چین که زدودن آن از زمان به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲، به یکی از مهم‌ترین اهداف او تبدیل شده است.

در حالی که «شی» خود را برای دیدار روز پنجشنبه در کره‌جنوبی با رئیس جمهوری ترامپ آماده می‌کند، شرم تاریخی چین بار دیگر سنگینی خود را نشان می‌دهد. دیداری که شکاف میان این دو رهبر را برجسته می‌سازد؛ شکافی عمیق‌تر از منازعات پرآشوب آنها بر سر تعرفه‌ها، مواد معدنی نادر و دانه‌های سویا.

جولیا لاول، نویسنده کتاب «جنگ تریاک: مواد مخدر، رویاها و شکل‌گیری چین مدرن» می‌گوید: «رئیس جمهوری ترامپ، چین را برنده نظم مدرن بین‌المللی می‌بیند، اما شی جین‌پینگ، چین را قربانی آن می‌داند.» او افزود که این دیدگاه‌های متضاد می‌تواند به «بی‌ثباتی عمیق» در این مذاکرات منجر شود.»

این پژوهشگر مطالعات چین در کالج بربک دانشگاه لندن گفت: «نمی‌دانم ترامپ تا چه اندازه با تاریخ آشناست، اما بسیار مهم است که او اهمیت عاطفی این تاریخ را برای چینی‌ها درک کند. این تاریخ در حال شکل دادن به رفتارها و راهبردهای چین در همین امروز است.»

برای شی، میراث «لین» حامل پیامی دوگانه است: چین هرگز نباید در برابر فشار خارجی سر فرود آورد، اما همچنین نباید بار دیگر از موضع ضعف مذاکره کند. ایستادگی سرسختانه لین شکست خورد، زیرا چین دوران سلسله چینگ، از لحاظ قدرت نظامی و اقتصادی بسیار از غرب عقب مانده بود. راهبرد شی در مقابله با ترامپ نشان می‌دهد او بر این باور است که چین سرانجام قدرت لازم را اندوخته تا در جایی که لین شکست خورد، پیروز شود.

ماه گذشته، در حالی که شی جین‌پینگ با برگزاری یک رژه عظیم نظامی در پکن قدرت احیا شده چین را جشن می‌گرفت، از بالکن دروازه «تیان‌آن‌من» اعلام کرد که کشورش «به دوران تحقیر ملی چین که در آن بارها از دست متجاوزان خارجی در دوران مدرن شکست خورده بود، پایان داده است.»

پکن همچنین از آنچه تلاش رهبران آمریکایی -از جمله ترامپ- برای نمایش دادن چین در نقش قاچاقچیان تریاک غربی قرن نوزدهم می‌داند، به‌شدت برآشفته است؛ بویژه در پی اتهامات واشنگتن مبنی بر اینکه چین با صدور مواد شیمیایی مورد استفاده در تولید فنتانیل، به بحران مواد مخدر در آمریکا دامن می‌زند. ترامپ هفته گذشته گفت، این موضوع «اولین سؤال» او از شی در دیدارشان خواهد بود. در مقابل چین، ایالات‌متحده را متهم می‌کند که از مسأله مواد مخدر برای «باج‌گیری» از پکن استفاده می‌کند.

رویارویی قرن نوزدهم میان چین و غرب، همانند آنچه امروز شاهد آن هستیم، با افزایش خشم غرب نسبت به مازاد عظیم تجاری چین آغاز شد. چین مقادیر زیادی چای، ریواس، چینی‌آلات، ابریشم و دیگر کالاها را صادر می‌کرد، اما در مقابل چیز چندانی وارد نمی‌کرد.

بریتانیا برای کاهش این شکاف به تریاک روی آورد و بازرگانان غربی با وجود ممنوعیت رسمی این ماده مخدر که در سال ۱۷۲۹ اعلام شده بود، مقادیر فزاینده‌ای از آن را به چین فروختند.

کمیسر لین زه‌شو در سال ۱۸۳۹ به بندر جنوبی گوانگ‌ژو -که در آن زمان «کانتون» نامیده می‌شد- وارد شد تا فرمان امپراطور در پکن مبنی بر توقف تجارت تریاک و بازگرداندن ثبات مالی سلسله چینگ را که در اثر خروج گسترده نقره برای پرداخت هزینه مواد مخدر، دچار بحران شده بود، اجرایی کند.

عزم راسخ لین برای مقاومت در برابر قدرت بریتانیا، او را به چهره‌ای قهرمانانه در تاریخ مقاومت چین مقابل زورگویی غرب بدل کرد؛ جایگاهی که نسل‌های پیاپی از رهبران چین مدرن، پس از سقوط سلسله چینگ در سال ۱۹۱۱ برای او قائل بوده‌اند.

او در چین بیش از هر چیز به خاطر مصادره و سپس نابود کردن محموله‌های تریاک خارجی شناخته می‌شود. این اقدام در خندق‌هایی که در ساحل رود مروارید در «هومن» نزدیک گوانگ‌ژو حفر شده بود، انجام گرفت. لین در گزارشی به امپراطور اطلاع داد، «بیگانگانی که شاهد نابودی [تریاک] بودند، از صمیم قلب شرمسار شدند.»

این هفته، وانگ شیاوهونگ، وزیر امنیت عمومی چین -که در مرکز جدال‌های پکن و واشنگتن بر سر فنتانیل قرار دارد- از «هومن» و موزه‌ای که در آنجا به بزرگداشت اقدامات ضد مواد مخدر لین در قرن نوزدهم اختصاص یافته است، بازدید کرد. وزیر، با سوگند به اجرای «جنگ پیروزمندانه مردمی علیه مواد مخدر در عصر جدید»، اعلام کرد که تمام چینی‌ها باید «روح لین زه‌شو را پاس دارند و آن را تداوم بخشند.»

شی جین‌پینگ با شور و حرارتی ویژه، از الگوی آن مقام سلسله چینگ الهام گرفته است. او در طول هفده سال حضورش در استان فوجیان، شخصاً بر بازسازی مکان‌های مرتبط با لین زه‌شو نظارت داشت، از جمله خانه‌ای که در آن متولد شد و تالار یادبودی که به خانواده‌اش اختصاص دارد.

امروزه این تالار به مجموعه‌ای بزرگ از نمایشگاه‌ها تبدیل شده که بر «دغلبازی غرب»، «ایستادگی پرصلابت لین» و آنچه بر سنگ‌نوشته‌ای در حیاطی پوشیده از درختان، «مبارزه بی‌وقفه چین با تجاوز خارجی» خوانده می‌شود، تأکید دارد. همسو با دیدگاه شی مبنی بر اینکه چین باید نسبت به غرب گشوده باشد اما طبق شرایط خود، نمایشگاه‌ها همچنین از لین به خاطر ترویج علم و فناوری غربی به‌عنوان ابزاری برای تقویت چین تمجید می‌کنند.

در امتداد سیاست کنونی چین برای واداشتن دونالد ترامپ به عقب‌نشینی از تعرفه‌ها از طریق محدود کردن صادرات مواد معدنی نادر که برای تولیدات مدرن حیاتی‌اند، لین نیز در قرن نوزدهم تلاش داشت با تهدید به توقف صادرات کالاهایی که برای غرب ضروری می‌دانست، بر بریتانیا و دیگر کشورهایی که در تجارت غیرقانونی تریاک نقش داشتند، فشار وارد کند.

به نوشته کتاب کلاسیک «جنگ تریاک از نگاه چینیان» که بر اساس خاطرات و نامه‌های لین نگاشته شده، در چین چنین اندیشه‌ای رواج داشت که «انگلیسی‌ها بدون ریواس و چای چین از یبوست خواهند مرد» و به سرعت تسلیم خواهند شد.

لین در نامه‌ای که در سال ۱۸۳۹ برای ملکه ویکتوریا تنظیم کرد، از او خواست تجارت تریاک را متوقف کند و یادآور شد که این ماده در خود بریتانیا نیز غیرقانونی است. او هشدار داد که چین می‌تواند صادرات «کالاهایی را که کشورهای خارجی شما حتی یک روز بدون آنها دوام نمی‌آورند»، قطع کند.

قاچاقچیان بیش از هزار تن تریاک را تحویل دادند، اما خواستار غرامت شدند و با محدودیت‌های شدید چین بر تجارت مشروع مخالفت کردند. آنان لندن را ترغیب کردند تا ناوهای جنگی اعزام کند.

لین مواد ضبط شده را در نزدیکی گوانگجو، در منطقه هومن، با نمک و آهک مخلوط کرد و نابود ساخت. او از پرداخت هر گونه غرامت بابت این تریاک‌های نابود شده سر باز زد.

اما بریتانیا که چندان وابسته به ریواس چینی نبود و از نظر نظامی نیز بسیار نیرومندتر از آنچه لین تصور می‌کرد، ناوگان جنگی خود را به سواحل چین فرستاد تا به گوانگجو و دیگر بنادر چینی حمله کند. با این حال، از نگاه برخی تاریخدانان، روایت رسمی چین از این فصل از جنگ تریاک، بر ستایش از درستی و استقامت لین تمرکز دارد، نه بر این پرسش که آیا او در مذاکرات با بریتانیا قدرت چین را بیش از اندازه دست بالا گرفت یا نه.

منبع: New York Times

> ماه گذشته، در حالی که شی جین‌پینگ با برگزاری یک رژه عظیم نظامی در پکن قدرت احیا شده چین را جشن می‌گرفت، از بالکن دروازه «تیان‌آن‌من» اعلام کرد که کشورش «به دوران تحقیر ملی چین که در آن بارها از دست متجاوزان خارجی در دوران مدرن شکست خورده بود، پایان داده است.»

الگوی شی در مقابله با غرب کیست؟

زادگاه لین زه‌شو در فوجو، پایتخت استان فوجیان، به نوعی «بیت‌لحم ناسیونالیسم مدرن چین» بدل شده است؛ اتاق کوچکی که گفته می‌شود او در آن متولد شده، اکنون بخش مرکزی مسیر میراث فرهنگی‌ای است که با حمایت دولت برای تجلیل از روح میهن‌پرستی خلل‌ناپذیر او طراحی شده است.

مائو لین‌لی، تاریخدان اهل فوجو و مشاور بنیاد لین زه‌شو، می‌گوید درس رویارویی لین با بریتانیا روشن است: «هرگز در برابر فشار خارجی سر خم نکن و هیچ‌گاه موضع برتر اخلاقی را واگذار نکن.» او افزود: «اگر لین -که بین سال‌های ۱۸۳۹ تا ۱۸۴۱ در گوانگجو خدمت می‌کرد- امروز زنده بود، هرگز خواسته‌های آمریکا را نمی‌پذیرفت.» مائو گفت: «او همیشه در جانب حق ایستاد. این آمریکا بود که این جنگ را آغاز کرد، نه چین.»

بدون روتوش

محمدمحسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

جداسازی حماس از جامعه غزه ممکن است؟

نئومی نیومن، رئیس سابق واحد تحقیقاتی در اندیشکده امنیت ملی اسرائیل به همراه مارگولین، پژوهشگر ارشد و استاد دانشگاه جورج تاون یادداشتی در اندیشکده آمریکایی واشنگتن نوشته‌اند که مسأله یادداشت آنها، راه حل حذف حماس است.

این یادداشت با این مسأله آغاز می‌شود که طرح ۲۰ بندی ترامپ به وضوح تعریف نکرده است که «مقابله با افراطی‌گری» دقیقاً شامل چه مواردی است و استراتژی‌ای برای کاهش نفوذ ایدئولوژیک و نهادی حماس پس از نزدیک به دو دهه حکومت، ارائه نمی‌دهد. لذا خیلی زود به سراغ اصل مطلب می‌رود و بر نکته‌ای اشاره می‌کند که در ماه‌های اخیر از سوی صهیونیست‌ها، تحلیل‌گران و اندیشمندان زیادی مطرح شده و در یادداشت‌های مختلف ستون بدون روتوش هم به آن اشاره کرده‌ایم. نکته مورد اشاره این است که راهی برای حذف حماس بدون حذف پایگاه اجتماعی این جنبش در بستر جامعه نوارغزه ممکن نیست.

برای اتفاق این مسأله چندین تحول و تغییر را مفصل در این یادداشت دنبال می‌کنند که عبارتند از: قطع ارتباط امنیتی، قطع ارتباط سرزمینی و نهادی، بازسازی اجتماعی-نهادی و در نهایت «تحول».

مورد اول یعنی قطع ارتباط امنیتی میان حماس و بدنه اجتماعی غزه، بسیار به آنچه در لبنان دنبال می‌شود نزدیک است. در یادداشت آمده است که گام‌های خاص در این فرآیند باید شامل ایجاد سایت‌های جمع‌آوری متمرکز سلاح، استقرار نیروهای امنیتی فلسطینی تأییدشده و آموزش‌دیده، وضع قوانین که اصل «یک اقتدار، یک قانون، یک تفنگ» را تثبیت می‌کند و بازیابی تدریجی زیرساخت‌های مدنی باشد. به موازات آن، کنترل‌های مرزی و مکانیزم‌های نظارتی - به ویژه در امتداد مرز مصر و غزه - باید برای جلوگیری از قاچاق سلاح و تقویت اعتماد عمومی به روند غیرنظامی‌سازی اجرا شوند.

دو نویسنده این یادداشت به دقت بر این نکته تأکید می‌کنند که خلع سلاح باید در پازل اعتمادسازی روند غیرنظامی‌سازی و همراهی جامعه باشد و شعار سلاح در دست تک دولت می‌تواند این اعتماد و فشار را بسازد.

مورد دوم، قطع ارتباط سرزمینی و نهادی است. این مرحله شامل مواردی از جمله تفکیک میان شاخه نظامی و غیرنظامی مرتبط با حماس، قطع بازوی رسانه‌ای و اجتماعی حماس و همچنین انحصار مرجع اطلاعاتی و ارتباطات غزه در دست دولت تکنوکرات است. مشخص است که نویسندگان به خوبی از مؤلفه قدرت اجتماعی و نهادسازی‌های حماس در دو دهه اخیر در غزه و نقش آنها در اقتدار سیاسی و اجتماعی این جنبش به خوبی مطلع‌اند و می‌دانند بدون خلعِ قدرت رسانه‌ای و اجتماعی، کنترل حماس ممکن نخواهد بود.

مورد سوم، بازسازی اجتماعی- مدنی است. در این مرحله پس از کنترل اتمسفر منطق و اجتماعی‌سازی حماس در نوار غزه، باید به دنبال جایگزینی جدید در نوار غزه بود. در این مرحله باید مؤلفه‌های قدرت حماس هم حذف شوند. نویسندگان تأکید دارند که بازسازی باید فراتر از خدمات اولیه شامل نابودی نفوذ حماس در داخل نهادهای دولتی، ایجاد یک اقتصاد عادلانه و تأسیس یک قوه قضائیه مستقل باشد. تمرکز باید به سرعت به سمت سرمایه‌گذاری در زیرساخت، اشتغال، آموزش و جامعه مدنی معطوف شود.

در ادامه تأکید می شود که «فرآیند پاکسازی حماس از نهادهای حاکمیتی باید تدریجی باشد، با شروع از آسیب‌پذیرترین بخش‌ها و گسترش به قوه قضائیه و دستگاه امنیتی. بدون آن، هیچ بنیادی برای تغییر واقعی وجود نخواهد داشت.»

تأکید بر قوه قضائیه از مواردی است که کمتر در رسانه‌ها به آن پرداخته می‌شود اما نهادسازی ویژه حماس در موضوعات قضایی و رضایت مردم بر پایه احکام اسلامی از مؤلفه‌های کمتر پرداخته شده در نوار غزه و اقتدار اجتماعی حماس است.

مورد چهارم، تحول است: «تلاش هماهنگ برای تغییر انگیزه در جمعیت غزه برای کاهش حمایت از حماس.» منظور از این تحول، تغییر تفکر و نگرش اهالی نوار غزه است. البته به دقت در مطلب اشاره شده است که «روایت‌های مؤثر بر اساس ترس ساخته نمی‌شوند، بلکه بر هویت و معنا استوارند. برای برچیدن ایدئولوژی‌های جهادی، صرفاً رد کردن آنها کافی نیست. در ادامه تأکید می‌کند که در مورد غزه، معیارهای موفقیت باید بر تمایل عمومی برای حمایت از یک جایگزین حاکمیتی به جای حماس، آمادگی آنها برای مشارکت در تلاش‌های بازسازی و غیرنظامی‌سازی و خودداری آنها از کمک به حماس در بازسازی قابلیت‌های نظامی یا جذب اعضای جدید متمرکز شود.»

اما سؤال اینجاست که جامعه‌ای قرآنی با اتمسفر خاص اسلام سیاسی همراه با یک تجربه تاریخی طولانی مدت و لمس ذات و کنش رژیم صهیونیستی را آیا می‌توان به سادگی از پرادایمی به پارادایم جدیدی منتقل کرد؟

اخبار

وزیر بهداشت خبرداد

افزایش تعرفه و کاهش زمان معوقات پرداختی پرستاران

«افزایش دو و نیم برابری اضافه‌کار پرستاران، رشد حدود ۴۰ درصدی تعرفه‌های پرستاری در سال گذشته، برنامه‌ریزی برای ایجاد زیست پرستار و کاهش معوقات از ۱۲ به ۶ ماه از جمله اقدامات دولت برای پرستاران بوده است.» وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در حاشیه جلسه هیأت دولت با اعلام این خبر گفت: «میانگین معوقات پرداختی پرستاران از ۱۲ ماه به ۶ ماه کاهش یافته و با تخصیص بودجه مناسب، تلاش می‌شود پرداخت‌ها منظم‌تر شود.»
به گزارش ایرنا، محمدرضا ظفرقندی توضیح داد: «اخیراً مبلغ قابل توجهی از سوی سازمان تأمین اجتماعی به‌منظور تسویه بخشی از مطالبات تأمین شده که این امر به بهبود وضعیت معوقات کمک خواهد کرد.»
وزیر بهداشت با اعلام برنامه‌ریزی برای ایجاد «زیست پرستار» شامل خوابگاه‌ها و پانسیون‌های اختصاصی در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌های علوم پزشکی اعلام کرد: «به‌منظور توسعه خدمات پرستاری، تاکنون مجوز مراقبت در منزل (هوم‌کر) برای ۳۰۰ متقاضی صادر شده است.»
او گفت: «وزارت بهداشت در سال گذشته ۲۷ هزار نیرو استخدام کرده که حدود نیمی از این استخدامی‌ها مربوط به پرستاران بوده است.»
ظفرقندی از امضای تفاهمنامه‌ای با وزیر ارتباطات برای انتقال داروها از طریق پلتفرم‌های حمل‌ونقل خبر داد و گفت: «این طرح شامل داروهایی است که نیاز به حمل سرد ندارند و با رعایت شرایط خاص و احراز صلاحیت پلتفرم‌ها عملیاتی خواهد شد.» وزیر بهداشت به روند بررسی داروهای مورد نیاز توسط کمیسیون‌های تخصصی اشاره کرد و گفت: «با وجود چالش‌های ناشی از تحریم‌ها، بویژه در حوزه مبادلات، شرایط تأمین دارو نسبت به سال گذشته بهبود یافته است.»

معاون وزیر آموزش و پرورش: با متخلفان برخورد قاطع می‌شود

«هنجارشکنی در مدارس و مراکز غیردولتی هرگز پذیرفتنی نیست و با متخلفان بدون تعلل برخورد می‌شود.» احمد محمودزاده معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان مدارس و مراکز غیر دولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی تأکید کرد: «هنجار شکنی در مدارس غیردولتی پذیرفتنی نیست.»
او با اشاره به نزدیک شدن ۱۳ آبان و روز دانش‌آموز، گفت: «رویدادهای بسیار مهمی در این روز تاریخی اتفاق افتاده است که وظیفه ماست در انتقال پیام آن به نسل جدید و دانش‌آموزان اهتمام ویژه‌ای داشته باشیم چرا که این روز یکی از مهم‌ترین صفحه‌های تاریخ معاصر کشور است و اتصال این مفاهیم به دانش‌آموزان بسیار مورد تأکید است.»
به گزارش ایرنا، احمدزاده با اشاره به اهمیت شوراهای آموزش و پرورش کشور، توضیح داد: «شوراهای آموزش و پرورش از مهم‌ترین و کارآمدترین شوراهای کشور است که انسجام بخشی و مشارکت خانواده‌ها تا سایر نهادها برای امر مهم آموزش و پرورش را دربرمی‌گیرد که این یک ظرفیت بسیار بالا و مهم است که نباید از آن غافل شویم.»
او با تأکید بر حمایت جدی رئیس جمهوری و دولت چهاردهم از موضوعات آموزش و پرورش، گفت: «مسعود پزشکیان سال گذشته در همایش نکوداشت شوراهای برتر کشور با توصیه به استانداران، خواستار برگزاری جلسات منظم شوراهای آموزش و پرورش در تمام نقاط کشور شد که این موضوع نشان از کارکرد مهم این شوراها در حل مسائل آموزش و پرورش دارد. اگر همگی در مسیر اسناد بالادستی، اهداف دستگاه تعلیم و تربیت کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش حرکت کنیم و به یک همدلی، تعامل و هم سویی نزدیک شویم، قطعاً مسیر پیشرفت آینده جامعه را رقم زده‌ایم.»

مرگ ۱۶۰ هزار نفر در سال به دلیل بیماری‌های قلبی

طبق اعلام رئیس سازمان نظام پزشکی، سالانه ۱۶۰ هزار مرگ ناشی از بیماری‌های قلبی و عروقی در کشور ثبت می‌شود که این آمار حدود ۴۲ درصد از فوتی‌های یک سال در کشور را تشکیل می‌دهد. به گزارش ایرنا دکتر محمد رئیس‌زاده روز چهارشنبه در همایش انجمن جراحان عروق کشور اعلام کرد: «هرچند این آمار در جهان نیز به طور تقریبی به همین میزان است، اما توجه به این رشته پزشکی در ایران در حد نیازها نبوده است. توجه به متخصصان این رشته پزشکی، موجب کاهش حجم کار پزشکی در دیگر حوزه‌ها خواهد شد و کمک شایانی به اقتصاد سلامت می‌کند. عدم شناخت جایگاه جراحان عروق، مداخله غیرمجاز پزشکان غیرمتخصص این رشته و تعرفه‌های پایین نسبت به دیگر رشته‌های پزشکی از مهم‌ترین چالش‌های متخصصان این رشته است.»

بازدید خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای از نمایشگاه قوه قضائیه

روز گذشته گروهی از خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای به همت معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از مرکز پیگیری اجرای سند تحول قضایی و نمایشگاه دستاوردهای قوه قضائیه در استفاده از هوش مصنوعی در فرآیندهای اداری و تولید و بهره‌گیری از پلتفرم‌ها برای انجام امور قضایی، بازدید کردند.
به گزارش «ایران»، در این بازدید مهم‌ترین دستاوردها که باعث کاهش اطاله دادرسی در محاکم شده است، مورد بازدید قرار گرفت. سامانه «خودکاربری دانش‌آموختگان حقوقی» به‌منظور تسهیل دسترسی به عدالت، سامانه ملی «آراء قضایی» به‌منظور ارتقای شفافیت حقوقی و سامانه «تحلیل نظام‌مند داده‌های قضایی» در جهت استفاده از رویکردهای نوین برای پیشگیری از وقوع جرم از جمله سامانه‌های نوین عدلیه هستند که در مورد آنها به اصحاب رسانه توضیحات کاملی ارائه شد.

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران»:

تکالیف مهارت‌محور جایگزین مشق شب می‌شود

گزارش خبری

غزل رضایی ثانی
گروه اجتماعی

مشق‌های سنگین و تکراری، چالش‌های ادامه‌داری میان خانواده‌ها و مدارس ایجاد کرده است. به گفته معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش، مشق شب نباید غیرهدفمند باشد و دانش‌آموز را خسته کند. رضوان حکیم‌زاده درباره رویکرد آموزش و پرورش نسبت به مشق شب به «ایران» می‌گوید: «مشق شب موضوع مهمی است، چون علاوه بر ابعاد آموزشی، ابعاد تربیتی بسیار جدی‌تری دارد. مثلاً در مواقعی، مشق شب می‌تواند باعث بهبود روابط بین والدین و فرزندان شود یا سبب افزایش فرصت‌های یادگیری و حتی ممکن است موجب دلزدگی از درس و مدرسه شود.
به همین دلیل از دوره قبل موضوعی را تحت عنوان تکالیف مهارت‌محور مطرح کردیم، با این هدف که مشق شب باید یک تکلیف متمرکز بر تمرین و تجربه عملی برای تثبیت یادگیری، آن‌هم داخل کلاس باشد، نه یک‌سری کار تکراری غیرهدفمند که فقط دانش‌آموز را خسته کند.»
او با اشاره به اینکه سیاست‌گذاری‌ها درباره مشق شب باید به معلم‌ها نیز آموزش داده شود، می‌گوید: «در همین راستا چهارچوبی تدوین کرده بودیم که آموزش‌هایی را به معلمان و خانواده‌ها بدهیم و به آنها بگوییم نقش مؤثر آنها در مشق شب و تمرین‌های یادگیری چیست یا آنها در چه مواقعی باید به مشق شب کودکان ورود کنند یا اصلاً کاری نداشته باشند.»
معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه فعلاً این روند متوقف شده، توضیح می‌دهد: «در حال حاضر آن سیاست‌ها که گفته بودیم، متوقف شده، اما مجدداً در دوره جدید در معاونت آموزش ابتدایی بر اساس بازخوردهایی که از مدارس و خانواده‌ها گرفتیم، متوجه شدیم مسأله مشق شب نیازمند یک برنامه‌ریزی و تمرکز جدی‌تر است. به همین دلیل دبیرخانه «تکالیف مهارت‌محور» را به استان کردستان دادیم که در دوره قبل نیز این دبیرخانه کارهای علمی خوبی انجام داده بود. قرار شد این دبیرخانه یک‌سری چهارچوب برای تکالیف مهارت‌محور مشخص کند؛ مثلاً میزان تکلیف چقدر باشد یا توانایی و ضعف دانش‌آموز چیست تا بر اساس آن به او تکلیف داده شود. به طور کلی هدف برای یادگیری بهتر باشد، نه تکرار مکررات.»
حکیم‌زاده با تأکید بر اینکه نباید استفاده از کتاب‌های کمک‌آموزشی مبنای تکالیف و مشق شب باشد، می‌گوید: «کتاب‌های کمک‌آموزشی به‌شدت دانش‌آموزان را خسته می‌کند و در عین حال هیچ تأثیری در تعمیق یادگیری ندارد، حتی هزینه‌های زیادی هم به خانواده‌ها تحمیل می‌کند. در این میان یکی از محورهای طرح توانا (این طرح یک برنامه جامع برای ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و مدیران مدارس است که با محوریت مدرسه تراز، طراحی شده است.) همین تکالیف مهارت‌محور هستند که طی آن امیدواریم با نظارتی که مدیران مدارس و معلمان دارند، همچنین با آگاه‌سازی خانواده‌ها، بتوانیم به یک شرایط مطلوب برسیم تا تکالیف، محلی برای تعمیق یادگیری و تمرین‌های هدفدار باشد، نه اینکه تبدیل به یک موضوع تنش‌زا میان خانواده‌ها و دانش‌آموزان شود. مشق شب باید کمک کند دانش‌آموز لذت یادگیری را بچشد، نه اینکه از آن گریزان باشد.»

> مشق شب باید یک تکلیف متمرکز بر تمرین و تجربه عملی برای تثبیت یادگیری، آن‌هم داخل کلاس باشد، نه یک‌سری کار تکراری غیرهدفمند که فقط دانش‌آموز را خسته کند

کودک باید کودکی کند، نه اینکه مشق شب بنویسد

کارشناسان آموزشی نیز مشق را معطوف به آن چیزی می‌دانند که در کلاس درس از دانش‌آموز خواسته می‌شود، نه بیشتر. یک کارشناس ارشد مقطع آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی که خود مدیر یک مدرسه ابتدایی است، اعتقاد دارد مشق شب اجحاف در حق دانش‌آموزان است. او به «ایران» می‌گوید: «در کتاب فارسی، تکالیف نوشتاری به جای مشق شب طراحی شده است و دانش‌آموزان این تکالیف را سر کلاس درس انجام می‌دهند. اگر معلم بخواهد بعد از این تکلیف، یک‌سری مشق شب به دانش‌آموز خود بدهد، یعنی یک کار اضافه و تکراری از آنها خواسته است؛ چون دانش‌آموزها در کلاس درس، کتاب فارسی نوشتاری دارند و تمرین‌هایی که در کتاب‌های درسی آمده، برای آنها کافی است. این تمرین‌ها، هدف‌های متعددی از جمله یادگیری، تقویت بنیه دست، سوادآموزی و... دارد که البته مشق شب نیز قلمداد نمی‌شود.»
این کارشناس با بیان اینکه رونویسی تکراری از روی کتاب، یک تکلیف مازاد است که وقت دانش‌آموز را ضایع می‌کند، می‌گوید: «تکلیف نباید تکرار مکررات باشد اما در عین حال، برای آن دسته از دانش‌آموزهایی که درس را به خوبی نیاموخته‌اند، می‌توان از آنها به جای مشق شب، یک‌سری تکالیف مهارت‌محور خواست. مثلاً املای برخی از دانش‌آموزان به لحاظ ترکیب کلمات ضعیف است، باید به جای مشق شب با آنها تمرین جدانویسی کرد. مشق شب باید در راستای یک‌سری هدف باشد و اگر بدون هدف انجام شود، معلم حق دانش‌آموز را زیر پا می‌گذارد. به طور کلی از وقتی مقطع ابتدایی به شکل ارزشیابی توصیفی درآمده، مشق شب هم معنی ندارد.»
او در پاسخ به این سؤال که آیا هنوز هم معلمانی با مشق زیاد، دانش‌آموزان را تنبیه می‌کنند، می‌گوید: «بله، متأسفانه برخی از معلمان دست به این کار می‌زنند. من سرگروه آموزش ابتدایی هستم، بارها دیده‌ام که معلمان برای تنبیه دانش‌آموزهای خود به آنها مشق‌های سنگین می‌دهند. برخی از این معلم‌ها، نیروهایی هستند که خارج از دانشگاه فرهنگیان جذب آموزش و پرورش شده‌اند و خیلی با حرفه معلمی آشنا نیستند. به همین دلیل وزارت آموزش و پرورش برای جلوگیری از انجام مشق شب با حجم سنگین باید به این افراد آموزش بدهد.»

عکس: علیرضا صوت‌اکبر / ایران

چرا تعداد بچه‌هایی که از انجام تکالیف مدرسه فراری هستند رو به افزایش است؟

کابوس مشق شب

گروه اجتماعی/ «مشق نمی‌نویسم.» این روزها ننوشتن مشق و علاقه نداشتن به انجام تکالیف مدرسه گلایه بسیاری از والدین دانش‌آموزانی است که با واژه مشق شب نامأنوس هستند. ویدیویی هم در فضای مجازی از گریه‌های کودکی وایرال شده که ظاهراً کلاس اولی است و مادرش بارها برای اینکه او روی خط زمینه بنویسد، مشق‌هایش را پاک کرده. کودک گریه می‌کند و نمی‌خواهد مشق بنویسد. مشق شب ماجرای جدیدی نیست، دانش‌آموزان نسل‌های گذشته خاطرات زیادی از تکالیف طولانی و خسته کننده دارند. روزهایی که دست‌ها و انگشت‌هایشان درد می‌گرفت ولی ساعت‌ها با صدای بلند از روی درس می‌خواندند و کلمه به کلمه می‌نوشتند. ننوشتن تکالیف و اهمیت ندادن به صحبت‌های معلم کابوس تلخی بود. اما نسل جدید دانش‌آموزان دیگر مانند گذشته نیستند. هنوز یک‌ماه از شروع سال تحصیلی نگذشته ماجرای نوشتن و ننوشتن تکالیف تبدیل به داستان روزانه بسیاری از خانواده‌ها شده است.
پدر آرتین، دانش‌آموز کلاس سوم با این توضیح که فرزندش هیچ علاقه‌ای به درس ریاضی ندارد، می‌گوید: «هر کاری می‌کنیم، تکالیفش را نمی‌نویسد. حتی با معلم هم صحبت کرده‌ایم و از او خواسته‌ایم اگر فرزندمان تکلیفش را انجام نداد او را مؤاخذه کند. اما وقتی آرتین از مدرسه برمی‌گردد و از او می‌پرسیم مشق‌هایت را که ننوشتی خانم معلم چه گفت می‌گوید: «گفت همین جا بنویس پسرم!» و من هم سر کلاس همه مشق‌هایم را می‌نویسم. اما این همه ماجرا نیست، پدر این دانش‌آموز می‌گوید: «معلم سر کلاس به دانش‌آموز چیزی نمی‌گوید، ولی برای ما نامه می‌نویسد و از ما می‌خواهد که بر تکالیف بچه نظارت داشته باشیم. اگر ما می‌توانستیم او را به انجام تکالیفش علاقه‌مند کنیم که این کار را می‌کردیم. وقتی بچه‌ای در منزل مشق نمی‌نویسد یعنی به هزاران دلیل خانواده نمی‌تواند او را قانع کند، باید به جای نامه به ما راهکار بدهند.» مادر رها، دانش‌آموز کلاس پنجمی هم از انجام ندادن و بی‌تفاوتی فرزندش نسبت به گفته‌های معلم ناراحت است، او می‌گوید: «زمان زیادی از شروع سال تحصیلی نگذشته اما واقعاً برای نوشتن چند خط مشق هر روز کلی جر و بحث داریم. البته این مشکل را با مدرسه هم مطرح کرده‌ام، همین چند روز قبل مدرسه جلسه‌ای با عنوان «بررسی مشکلات تربیتی دانش‌آموزان» برگزار کرد. والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به آن دعوت شده بودند تا به همراه سایر والدین و اولیای مدرسه در کنار یک روان‌شناس مسائل و مشکلات دانش‌آموزان را بررسی کنیم. یک روان‌شناس مسئولیت اصلی این کارگاه آموزشی را به عهده داشت، وقتی از خانواده‌ها خواست تا مهم‌ترین مشکلات تربیتی کودک خود را بنویسند، متوجه شدم که این فقط مشکل من نیست و بیشتر خانواده‌ها از این موضوع شکایت دارند.» مادر یک دانش‌آموز کلاس چهارمی هم می‌گوید: «باز مشکلات ما شروع شد، من شاغلم اما پسرم تا من کنارش نباشم تکالیفش را انجام نمی‌دهد، شب‌ها تا ۱۰ شب درگیر انجام تکالیف مدرسه هستیم. با اینکه حجم تکالیف به نسبت گذشته کمتر شده و بچه‌ها مشق‌های طولانی ندارند، اما از نوشتن همین مقدار هم شانه خالی می‌کنند.»

جای خالی مهارت‌های زندگی

در مدارس بیشتر از آنکه مهارت‌های زندگی و اجتماعی آموزش داده شود، ریاضی، علوم و... آموزش داده می‌شود. متأسفانه مدارس مهارت‌محور نیستند، بیشتر دانش‌محورند. دکتر حمیلا بخشی، روان‌شناس با بیان این جمله‌ها به «ایران» می‌گوید: «اینکه بچه‌ها از انجام تکالیف شانه خالی می‌کنند یا علاقه‌ای به درس خواندن ندارند به روش تربیتی در خانواده برمی‌گردد. کم نیستند مادرانی که خودشان تکالیف بچه را می‌نویسند. یا گاهی مادر این قدر ایده‌آل‌گراست و می‌خواهد فرزندش بهترین نفر در کلاسش باشد که او را برای انجام تکالیف تحت فشار قرار می‌دهد. مشق‌هایش را پاک می‌کند یا خودش به جای او نقاشی می‌کشد.»
این روان‌شناس با بیان اینکه باید تغییراتی در سیستم آموزش و پرورش اتفاق بیفتد تا خلأهای موجود برطرف شود و به حوزه پرورش توجه بیشتری شود، می‌گوید: «برای دستیابی به موفقیت فردی و اجتماعی به یادگیری چیزهایی بیش از مطالب مدرسه نیاز است. آموزش مهارت‌های زندگی حلقه مفقوده آموزش‌های ما در خانه و مدرسه است. مهارت‌های زندگی یعنی هنر یک زندگی خوب. یعنی در کاری تبحر داشتن و آن را به خوبی انجام دادن، مهارت زندگی یعنی در زندگی بتوانیم به مواردی که نیاز داریم، تبحر پیدا کنیم. اما متأسفانه در سیستم آموزشی فقط این واژه‌ها را می‌شنویم.» بخشی با تأکید بر ضرورت آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس توضیح می‌دهد: «بر اساس نظر متخصصان در برنامه‌های آموزشی باید به رشد همه جانبه استعدادها و توانایی‌های کودکان توجه شود. همه افراد جامعه اعم از زن، مرد، پسر و دختر، به آگاهی و تمرین مهارت‌های زندگی برای ارتقای ۳ ویژگی خودآگاهی، روابط بین فردی و مهارت‌های تفکری نیاز دارند. به‌اعتقاد سازمان جهانی بهداشت، ۱۰ مهارت ضروری زندگی برای کودکان وجود دارد که عبارتند از خودآگاهی، همدلی، تفکر نقاد، تفکر خلاق، تصمیم‌گیری، حل مسأله، ارتباط مؤثر، روابط بین فردی، سازگاری با استرس و مدیریت هیجانات. این مهارت‌ها به توانایی کودک برای مواجهه مؤثر و سازنده با تغییرات و ناکامی‌های زندگی روزمره کمک می‌کنند. علاوه بر این، آنها بر تقویت سلامت روان و شکل‌گیری شخصیت کودک نیز تأثیر بسیار زیادی دارند. به‌عبارت دیگر، آنها مثل یک ضربه‌گیر، از تأثیر منفی چالش‌های روزمره بر روح‌وروان کودک محافظت و باعث رشد و پیشرفت او می‌شوند.» بعد از تأمین نیازهای اولیه، آموزش مهارت‌های زندگی برای کودکان از اولویت‌های تربیتی است.
بخشی تأکید می‌کند: «یکی از مهم‌ترین وظایف والدین هم تربیت کودک است. کودک به‌زودی پس از محیط امن خانواده وارد اجتماع‌های بزرگ‌تری مثل مدرسه، دانشگاه، جامعه و... می‌شود و خود تشکیل خانواده می‌دهد. تمام رفتار و کارهای والدین در ذهن کودکان ثبت می‌شود. به عبارتی والدین الگوی فرزند هستند و تأثیر بسیار زیادی در شکل‌گیری شخصیت آنها دارند؛ بنابراین والدین در گام اول باید خودشان با مهارت‌های زندگی آشنا باشند و به‌درستی آنها را در زندگی به کار ببرند. آموزش مهارت‌های زندگی برای کودکان، خلأ موجود در برنامه‌های آموزش درسی را برطرف می‌کند. آموزش این مهارت‌ها توسط والدین، مراقبان، مربیان، معلمان و متخصصان سلامت روان قابل اجراست.» این روان‌شناس در ادامه با بیان راهکارهایی برای تشویق کودکان به انجام تکالیف تأکید می‌کند که خانواده باید نقش نظارتی داشته باشد، مادر نباید نقش معلم و ناظم و مدیر مدرسه را هم ایفا کند. او می‌گوید: «انجام تکالیف را برای کودکان به کابوس تبدیل نکنید، اگر معلم اجازه می‌دهد کودکی در کلاس تکالیفش را انجام دهد حتماً دلیلی برای کارش دارد، بهتر است در این مورد خانواده با معلم و مدرسه هماهنگ باشند. برای کودک انگیزه ایجاد کنید، مشق نوشتن و انجام کارها را برای او با جوایزی هر چند کوچک یا انجام کارهایی که دوست دارد جذاب کنید. می‌توانید با سپردن مسئولیتهایی هر چند کوچک در امور روزمره او را به انجام این کار تشویق کنید.» بخشی معتقد است کودک باید زمان و مکان مشخصی برای انجام تکالیفش داشته باشد: «هرگز به جای کودک تکالیفش را انجام ندهید، اجازه بدهید اگر تکالیفش را انجام نداد خودش عواقب آن را ببیند، هیچ وقت تکالیف کودک را پاک و او را مجبور به دوباره نوشتن نکنید. با انجام همین راهکارهای کوچک مطمئن باشید مشکلات تا حدود زیادی برطرف می‌شود. اگر نشد حتماً از کادر آموزشی و روان‌شناس کمک بگیرید و توجه داشته باشید دوران کودکی قرار نیست فقط به مشق نوشتن خلاصه شود. بهتر است برای پرورش انسان‌هایی مسئول و خلاق تلاش کنیم تا افرادی که صرفاً یک سری حفظیات را رونویسی می‌کنند.»

در هفته جهانی «سواد رسانه‌ای»
رئیس پژوهشکده ارتباطات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات مطرح کرد

رسانه را نشناسیم، قربانی اخبار ساختگی می‌شویم

گزارش

سمیه افشین فر
گروه اجتماعی

مرز بین شایعه و خبر کجاست؟ خبرها و شایعات به راحتی آب خوردن در فضای مجازی منتشر می‌شود. یک روز توهین یک بلاگر به یک شخصیت ادبی، یک روز خبری از یک بازیگر مشهور و روزی دیگر اظهارنظر یک سلبریتی در مورد نحوه زندگی‌اش، سیل پیام‌ها و اظهارنظرها را به فضای مجازی سرازیر می‌کند. این روزها هوش مصنوعی و استفاده از آن در فضای مجازی هم به باریک شدن مرز تشخیص خبر از شایعه دامنه زده است. فیلم و کلیپ‌های زیادی با استفاده از این فناوری دست به دست می‌چرخند. برای همین سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، ۲۴ تا ۳۱ اکتبر را به عنوان هفته سواد رسانه و اطلاعات نام‌گذاری کرده است. این هفته، فرصتی بزرگ برای افزایش آگاهی، افزایش مشارکت ملی و تجلیل از پیشرفت‌های حاصل شده در راستای افزایش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی برای همه است. شعار هفته سواد رسانه و اطلاعات سال ۲۰۲۵ «ذهن‌ها برتر از هوش مصنوعی هستند» در نظر گرفته شده است. به اذعان کارشناسان رسانه، لازمه ارتقای سواد رسانه در هر جامعه این است که باید قبل از باور تحقیق کنیم.
هفته جهانی سواد رسانه‌ای فرصتی ارزشمند است تا بار دیگر اهمیت توانمندسازی مردم در زیست رسانه‌ای امروز را یادآور شویم. دکتر حسین حسنی، عضو هیأت علمی و رئیس پژوهشکده ارتباطات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات معتقد است: «امروزه رسانه دیگر صرفاً ابزاری برای اطلاع‌رسانی نیست؛ بلکه به یکی از اساسی‌ترین محیط‌های زندگی اجتماعی ما تبدیل شده است. ما نه در کنار رسانه‌ها، بلکه درون آنها زندگی می‌کنیم. شبکه‌های اجتماعی، موتورهای جست‌وجو، پلتفرم‌های ویدیویی و پیام‌رسان‌ها بخش جدایی‌ناپذیری از تجربه روزمره ما شده‌اند. در چنین شرایطی، سواد رسانه‌ای به معنای «توانایی زیستن آگاهانه در جهان رسانه‌ای» است.»
این استاد دانشگاه به «ایران» می‌گوید: «سواد رسانه‌ای صرفاً یک مهارت فنی برای تشخیص خبر درست از نادرست نیست؛ بلکه نوعی آگاهی فرهنگی، شناختی و اخلاقی است. این آگاهی به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا و چگونه محتواها تولید می‌شوند، چه منافع و ارزش‌هایی در پس آنها نهفته است و چگونه ما به عنوان کاربران، مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان محتوا در این فرآیند نقش داریم. به بیان دیگر، هدف نهایی سواد رسانه‌ای این نیست که افراد از رسانه‌ها بترسند یا به آنها بدبین شوند، بلکه باید با آگاهی، استقلال و مسئولیت‌پذیری در این فضا حضور داشته باشند.»

> ما نه در کنار رسانه‌ها، بلکه درون آنها زندگی می‌کنیم. شبکه‌های اجتماعی، موتورهای جست‌وجو، پلتفرم‌های ویدیویی و پیام‌رسان‌ها بخش جدایی‌ناپذیری از تجربه روزمره ما شده‌اند

اثر محتواهای احساسی بر ذهن کاربران

اما چرا برخی افراد به‌راحتی فریب اخبار جعلی، شایعات یا محتواهای احساسی را می‌خورند. به اعتقاد دکتر حسنی، پاسخ را باید در ترکیب چند عامل جست‌وجو کرد: «نخست، سرعت بالای گردش اطلاعات در عصر رسانه‌های اجتماعی است. پلتفرم‌های دیجیتال، بویژه شبکه‌های اجتماعی، بر پایه الگوریتم‌هایی طراحی شده‌اند که احساسات شدید را تشویق می‌کنند- چه خشم و نفرت و چه همدلی و ترس باشد - محتواهایی که هیجانی‌تر هستند، بیشتر دیده و به اشتراک گذاشته می‌شوند و در نتیجه بیشتر در ذهن کاربران می‌نشینند.» مسأله اعتماد مورد دومی است که رئیس پژوهشکده ارتباطات به آن اشاره می‌کند: «در جامعه‌ای که نهادهای رسمی اطلاع‌رسانی از سوی مردم کمتر مورد اعتماد قرار می‌گیرند، کاربران برای یافتن «حقیقت» به شبکه‌های غیررسمی، دوستان، گروه‌های خانوادگی یا اینفلوئنسرها پناه می‌برند. این تغییر مرجعیت اطلاعاتی، یکی از چالش‌های اساسی سواد رسانه‌ای در دوران جدید است. وقتی افراد به جای ارزیابی انتقادی منابع، به قضاوت‌های احساسی یا جمعی تکیه می‌کنند، احتمال خطا بسیار بیشتر می‌شود.»

لزوم فرهنگ‌سازی برای زیست خلاق در رسانه

تفکر انتقادی یک مهارت ضروری و مهم برای تمام افراد است که کاربردهای زیادی در زندگی ما دارد. مهم‌ترین کاربرد تفکر انتقادی در زندگی روزمره این است که کمک می‌کند تصمیمات آگاهانه و درستی بگیریم، مشکلات را بهتر حل کنیم و درگیر انحرافات نشویم. به نظر دکتر حسنی، سومین عامل، ضعف نظام آموزشی در پرورش تفکر انتقادی است. او می‌گوید: «در بسیاری از نظام‌های آموزشی، بویژه در کشورهای در حال توسعه مثل ما، دانش‌آموزان و دانشجویان کمتر تمرین می‌کنند که درباره رسانه‌ها بیندیشند، پیام‌ها را تحلیل کنند و نسبت به منابع اطلاعاتی پرسش‌گر باشند. در نتیجه، حتی افراد تحصیلکرده نیز ممکن است قربانی اخبار ساختگی یا روایت‌های دستکاری‌شده شوند. بنابراین، آموزش سواد رسانه‌ای باید فراتر از یک دوره آموزشی محدود یا برنامه درسی خاص باشد. ما نیازمند فرهنگ‌سازی عمومی هستیم. این آموزش باید از دوران کودکی آغاز شود، اما در بزرگسالی نیز ادامه پیدا کند. خانواده‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌های عمومی و حتی نهادهای دینی و فرهنگی می‌توانند در این زمینه نقش‌آفرین باشند.» سواد رسانه‌ای فقط به معنای «دفاع در برابر رسانه» نیست، بلکه به معنای «زیست خلاق در رسانه» است، یعنی اینکه کاربران بتوانند خود نیز تولیدکننده آگاه و مسئول محتوای مفید باشند. این عضو پژوهشکده فرهنگ و ارتباطات می‌گوید: «در سطح کلان‌تر، باید توجه داشت که آموزش سواد رسانه‌ای بدون سیاست‌گذاری رسانه‌ای عادلانه و شفاف ثمربخش نخواهد بود. وقتی رسانه‌های رسمی با شفافیت، دقت و بی‌طرفی بیشتری عمل کنند، زمینه اعتماد عمومی تقویت می‌شود و در نتیجه مردم نیز کمتر به منابع غیرقابل اعتماد رجوع می‌کنند. از این‌رو، ارتقای سواد رسانه‌ای و ارتقای اخلاق حرفه‌ای در رسانه‌ها دو روی یک سکه هستند.» دکتر حسنی معتقد است، سواد رسانه‌ای نوعی سواد زندگی است. در جهانی که مرز میان واقعیت و بازنمایی روزبه‌روز مبهم‌تر می‌شود، کسی که فاقد سواد رسانه‌ای است، در معرض از دست دادن کنترل بر شناخت، احساس و رفتار خویش قرار دارد. او می‌گوید: «رسانه‌ها امروز نه فقط ذهن، بلکه زمان، توجه و عاطفه ما را مدیریت می‌کنند. آگاهی از این واقعیت، اولین گام برای بازیابی استقلال فردی در عصر داده‌هاست.»
به نظر رئیس پژوهشکده ارتباطات، «هفته جهانی سواد رسانه‌ای نباید صرفاً به عنوان یک مناسبت تقویمی تلقی شود؛ بلکه باید بهانه‌ای باشد برای تأمل جمعی درباره اینکه چگونه می‌توانیم جامعه‌ای آگاه‌تر، پرسش‌گرتر و مسئول‌تر در برابر رسانه‌ها بسازیم. رسانه‌ها می‌توانند ابزار سلطه یا رهایی باشند؛ این ما هستیم که با سطح سواد رسانه‌ای خود، نقش آنها را در زندگی‌مان تعیین می‌کنیم.»

در همایش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی صنعت نفت و گاز بررسی شد

ریسک و پاداش قراردادهای جدید نفتی

عکس: شانا

گزارش خبری

محمدآزاد
گروه اقتصادی

قراردادهای نفتی ایران همواره موضوعی فرافنی و قابل مناقشه عمومی بوده‌اند؛ از امتیاز «دارسی» و «ملی شدن صنعت نفت» تا تشکیل «کنسرسیوم»، این جنجال‌ها تا امروز ادامه یافته است. پس از انقلاب، جنجالی‌ترین مدل قراردادی، «قراردادهای IPC» در آغاز دولت یازدهم بود که با انتقادات تندی همچون «تاراج منابع ملی» مواجه شد. پس از یک دوره مسکوت ماندن، این قراردادها در سکوت نسبی خبری به تصویب رسید و اجرایی شد؛ اتفاقی که در شرایطی رخ داد که همزمان با کاهش حساسیت‌ها، تعداد شرکت‌های خارجی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری نیز کاهش یافته بود.

مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه نفت در سخنانی در پنل «چالش های سرمایه گذاری و اجرای قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران» همایش سرمایه‌گذاری و تأمین مالی صنعت نفت و گاز با برشمردن سیر تکوینی قراردادهای نفتی، قراردادهای کنونی را جذاب‌ترین از آغاز انقلاب توصیف می کند و آن را نسل چهارم قراردادهای موسوم به بیع متقابل می‌داند؛ قراردادهایی که مطابق آن طرف قرارداد شرکت ملی نفت دیگر پیمانکار نیست و سرمایه‌گذار مستقل به شمار می‌رود. شکل این قراردادها با وجود این با قراردادهایی که شرکت‌های بزرگ بین‌المللی می‌پسندند یعنی قراردادهای مشارکت در تولید متفاوت است.

با این حال نصرالله زارعی آنها را قراردادهای «تقریباً مشابه» با قراردادهای مشارکتی می‌خواند که مطابق آنها سرمایه‌گذار پروژه دارای سهم مستقیم از تولید آتی محصول سرمایه‌گذاری خود است. مطابق گفته زارعی، در قراردادهای آی.پی.سی نیز با مکانیزم ریسک و پاداش، شرکت سرمایه‌گذار می‌تواند از تولید بیشتر خود سود بیشتر دریافت کند.

او ادامه می‌دهد: «موضوع دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد، اعدادی است که در برنامه هفتم پیشرفت برای ظرفیت تولید در نظر گرفته شده است. بر اساس اعداد کنونی که در بررسی برنامه هفتم در مجلس افزایش یافت، ما به ۱۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم. واقعیت امر و تجربه گذشته به ما می‌گوید در حالت خوشبینانه و با شرایط کنونی، سالانه توان ۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری وجود دارد که در پایان برنامه هفتم به حداکثر ۱۰ میلیارد دلار خواهد رسید که مورد تأیید مرکز پژوهش‌های مجلس نیز هست.» زارعی در نتیجه از فاصله بزرگ میان اعداد حقیقی و اهداف سخن گفت.

مدیرعامل «متن» در بخش دیگری از سخنان خود سراغ دیگر موضوع مورد مناقشه در نفت می‌رود: «تولید صیانتی». مفهومی که مطابق آن تولیدات میادین نفتی باید چونان سرمایه‌های بین‌نسلی نگریسته شده و با تولید محتاطانه به نسل بعدی منتقل شوند. زارعی معتقد است: «با ورود انرژی‌های نو دیگر این سخنان مفهومی ندارد و مطابق چشم‌اندازهای انرژی جهان، می‌توان زمانی را متصور شد که دیگر سوخت فسیلی در جهان از استفاده افتاده باشد. از همین رو باید هر چه بیشتر از میادین موجود تولید کرد و فروخت.»

> مطابق گفته زارعی، در قراردادهای آی.پی.سی نیز با مکانیزم ریسک و پاداش، شرکت سرمایه‌گذار می‌تواند از تولید بیشتر خود سود بیشتر دریافت کند

منطق ریسک و پاداش

در مقابل «عبدالحسین شیروی»، استاد حقوق تجارت بین‌الملل، به نقد بنیادین ساختار قراردادها پرداخت و با انتقاد از شکل قراردادهای نفتی ایران عنوان کرد: «در کشور تا به مبحث نفت می‌رسیم منطق بازار را فراموش می‌کنیم.» او می‌افزاید: «بزرگ‌ترین مشکل در همان پله اول اتفاق می‌افتد یعنی عقد قرارداد با سرمایه‌گذار در حالی که قرارداد با سرمایه‌گذار معنی ندارد و مختص رابطه پیمانکار و کارفرما است.»

شیروی می‌گوید: «اگر قرار است تمام ریسک‌های سرمایه‌گذاری از جمله نوسانات قیمت نفت، ریسک‌های اکتشاف در عمق چهارهزارمتری زمین و سروکله زدن با صفر تا صد کار به دست سرمایه‌گذار باشد دیگر قرارداد معنی ندارد و صرفاً باید به شراکت در سودی معقول بسنده کرد.»

او که خود زمانی در تدوین قراردادهای نفتی ایران سهیم بوده است با برشمردن مشکلات قراردادهای نفتی ایران آنها را بسیار پیچیده و حجیم توصیف می‌کند که صرفاً برای گیج کردن طرف قرارداد مناسب است؛ انتقاداتی که در این جلسه با دفاع زارعی مواجه شد بویژه انتقاد اساسی او در مورد نسبت کارفرما و پیمانکار. به گفته زارعی، «سیستم ریسک و پاداش یک مدل جاافتاده بین‌المللی است و در قراردادهای جدید نفتی ایران قطعاً طرف مقابل یک سرمایه‌گذار بر مبنای یک قرارداد است.» اما شیروی در این باره می‌گوید: «تحریم‌ها مانع بزرگی است که همه می‌دانیم، از همین رو کسی درباره آن سخن نمی‌گوید. اما باید بدانیم تحریم مانند خاکریزی است که از بزرگی همه می‌بینند، اما در واقعیت چنانچه این خاکریز فرو بریزد موانع بسیار دیگری وجود دارد که خودساخته است.»

او مهم‌ترین ضرر تحریم‌ها را نیازمودن حقیقی مدل قراردادی ایران عنوان کرد و گفت: «بیشترین ضرر تحریم این است که قراردادهای ما توسط سرمایه‌گذار خارجی چکش نخورده و صیقلی نشده است. به این معنی که شرکت‌های بین‌المللی یا در مسأله قراردادها با ما کنار می‌آمدند و ما هم کوتاه می‌آمدیم و قرارداد تعدیل می‌شد یا می‌رفتند و تکالیف مشخص می‌شد.» این استاد دانشگاه با استناد و تأیید سخنان زارعی در زمینه تولید صیانتی با توجه به شرایط کنونی بازار انرژی آن را ناکارآمد توصیف کرد.

تضاد دیدگاه‌ها و چالش‌های حل‌نشده

در این پنل از یک‌سو، مسئولان وزارت نفت بر جذابیت و استاندارد بودن مدل قراردادی جدید مبتنی بر «ریسک و پاداش» تأکید کردند و از سوی دیگر، کارشناسان حقوقی و اقتصادی این ساختار را در مبنا نادرست و غیرجذاب برای سرمایه‌گذاران واقعی دانستند. شکاف بین نیاز سرمایه‌ای و توان جذب واقعی، همراه با مانع تحریم و موانع خودساخته داخلی (قراردادهای پیچیده)، تصویری چالش‌برانگیز از فضای سرمایه‌گذاری در این بخش ترسیم می‌کند. به نظر می‌رسد تا زمانی که این تضاد دیدگاه‌ها و موانع ساختاری حل نشوند، صنعت نفت ایران در جذب سرمایه مورد نیاز خود، چه داخلی و چه خارجی، با مشکل مواجه خواهد بود.

چرا جداسازی آب شرب و مصرفی بعید به نظر می‌رسد؟

جالی خالی استاندارد های آب غیر شرب

گزارش

جداسازی شبکه آب شرب از آب غیرشرب، رویایی دور از دسترس یا راهکاری برای عبور از بحران آب؟ این طرح اگرچه در نگاه اول راهکاری ایده‌آل برای مدیریت پایدار منابع آب به نظر می‌رسد، اما تاکنون در هیچ کشوری به صورت سراسری اجرا نشده است. دلیل اصلی، هزینه‌های سرسام‌آور احداث و نگهداری دو شبکه موازی و از سوی دیگر، نبود استانداردهای جهانی برای «آب بهداشتی» است.

در واقع مدل رایج در جهان، ارائه یک آب باکیفیت آشامیدنی برای همه مصارف است. اما در برخی از کشورها این نوع جداسازی یک مفهوم پیشرفته در مدیریت پایدار آب و مربوط به بحث تصفیه و توزیع آب مطابق با مصارف مختلف است. در خصوص این مدل، به جای تولید یک آب باکیفیت یکسان برای همه مصارف، آب با کیفیت‌های مختلف برای مصارف مختلف تولید و توزیع می‌شود.

مقرون به صرفه نیست

در همین راستا، رئیس مرکز سلامت محیط کار وزارت بهداشت در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه ایران عنوان کرد: «این طرح مصوب نشد که به مرحله اجرا برسد. از سوی دیگر اجرای چنین طرحی مستلزم ایجاد زیرساخت‌های اساسی است. به طوری که برای انجام این طرح باید زیرساخت‌های مربوطه را ابتدا ایجاد کرد و شبکه موجود آبرسانی کشور را یا باید تبدیل به شبکه آب غیرشرب کنند و شبکه جدیدی برای آب شرب ایجاد شود که از نظر اقتصادی اصلاً مقرون به صرفه نیست دو شبکه موازی آب داخل شهرها داشته باشیم. بنابراین در چنین شرایطی می‌توانند از روش‌های جایگزین مانند توزیع آب شرب در بسته‌بندی‌های مخصوص توسط شرکت‌های آب و فاضلاب استفاده کنند تا آب مورد نیاز مردم تأمین شود.»

ضرورت تدوین استاندارد جدید برای آب غیرشرب

محسن فرهادی یک پیش شرط اساسی برای تغییر این سیستم عنوان کرد و گفت: «ما نمی‌توانیم برای حفظ سلامت مردم، آبی را که در دسترس آنها قرار می‌دهیم به آب شرب و غیرشرب تقسیم کنیم، زیرا در حال حاضر هیچ استانداردی برای آب غیرشرب داخل شبکه آبرسانی ایران وجود ندارد.» فرهادی تصریح کرد: «در حال حاضر برای آب شرب، استانداردهای ملی دقیق میکروبی، شیمیایی و فیزیکی وجود دارد که با حضور مجرب‌ترین متخصصان و نمایندگان وزارت بهداشت تدوین شده و وزارت نیرو موظف است مطابق قانون آبی مطابق با این استانداردها را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد.» وی تأکید کرد: «اگر بخواهند چنین طرحی را اجرا کنند باید ویژگی‌های قابل توجهی (استانداردی مشخص) برای آن در نظر بگیرند و نمی‌توانند آبی با مشکل آلودگی میکروبی را حتی برای مصارفی همچون استحمام در شبکه آبرسانی وارد کنند، زیرا ممکن است باعث مشکلات پوستی و چشمی برای مصرف‌کنندگان شود.»

چالش استاندارد برای جداسازی آب شرب از آب بهداشتی

همچنین یکی از مسئولان مطلع در شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور (آبفای کشور)، با اشاره به موانع اجرای طرح جداسازی آب شرب از آب بهداشتی اظهار کرد: «اولین قدم برای اجرای این طرح، تدوین استانداردی برای آب بهداشتی است که منظور از آب بهداشتی، آبی است که برای مصارف بهداشت فردی مانند استحمام، سرویس بهداشتی و روشویی استفاده می‌شود. در حال حاضر استانداردهای مشخصی برای آب شرب و پخت و پز وجود دارد، اما استاندارد مدونی برای آبی که صرفاً برای مصارف بهداشتی استفاده می‌شود، تعریف نشده است. این مقام مسئول با بیان اینکه تدوین چنین استانداردی نیازمند همکاری وزارت بهداشت، سازمان ملی استاندارد و سایر نهادهای مربوطه است، افزود: «بر اساس مطالعات، تحقیقات میدانی و مکاتبات با دانشگاه‌های معتبر علوم پزشکی و مراجع بین‌المللی، در هیچ کشوری استاندارد جداگانه‌ای برای آب بهداشتی از شرب تعریف نشده است. در بسیاری از کشورها، آبی که از طریق لوله کشی توزیع می‌شود، همان آب شرب است و برای تمام مصارف از جمله آشامیدن و استحمام استفاده می‌شود.» وی تصریح کرد: «نگرانی وزارت بهداشت و دغدغه اصلی، حفظ سلامت مردم است. بنابراین نظر کارشناسی این است که آبی که برای مصارف بهداشت فردی استفاده می‌شود، از همان استانداردهای سختگیرانه آب شرب تبعیت کند. این موضوع، پایه اصلی طرح جداسازی را با چالش مواجه می‌سازد.»

> فرهادی: ما نمی‌توانیم برای حفظ سلامت مردم، آبی را که در دسترس آنها قرار می‌دهیم به آب شرب و غیرشرب تقسیم کنیم، زیرا در حال حاضر هیچ استانداردی برای آب غیرشرب داخل شبکه آبرسانی ایران وجود ندارد

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

شرکت شیمیایی لاوان (سهامی خاص)

شرکت شیمیایی لاوان (سهامی خاص)
شماره ثبت ۲۴۳۴۵۹ و شناسه ملی ۱۰۸۶۲۰۲۰۶۵۲

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران و یا نماینده صاحبان سهام و بازرس مستقل و قانونی در شرکت شیمیایی لاوان دعوت می‌گردد در مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام این شرکت که در روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ رأس ساعت ۹ صبح به آدرس: تهران، میدان ونک، خیابان عطار، پلاک ۱۰، طبقه دوم تشکیل می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه:
- استماع گزارش هیأت‌مدیره و گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مربوط به‌عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
- تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۶/۳۱
- انتخاب حسابرس مستقل و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل و تعیین حق الزحمه ایشان برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۰۶/۳۱
- تعیین پاداش اعضای هیأت‌مدیره و حق حضور اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره
- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت
- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیأت‌مدیره شرکت شیمیایی لاوان

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص مهندسی جم صنعت کاران تهران
به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۱۲۹۱۸ و به‌شماره ثبت ۲۹۵۴۸۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد تعداد اعضای هیأت‌مدیره به ۳ نفر تغییر یافت و ماده مربوطه دراساسنامه اصلاح گردید.

شناسه ۲۰۳۷۷۱۴
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص ملی صنایع پتروشیمی

به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۹۸۲۱۲ و به‌شماره ثبت ۹۶۱۴ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به سمت بازرس قانونی تا پایان سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار ایران جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ترازنامه و صورت‌های مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹ تصویب گردید.

شناسه ۲۰۳۷۷۰۹
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

تمدید نوبت دوم مناقصه عمومی

فراگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص) – موسسه شهید رجایی در نظر دارد جهت احداث پروژه پارکینگ های محله ای اعتماد و گلستانی واقع در منطقه ۱۰ شهرداری تهران عملیات اجرای آرماتوربندی، قالب بندی و بتن ریزی پارت های ۲ و ۳ و ۴ پارکینگ اعتماد را از طریق برگزاری مناقصه عمومی برونسپاری نماید.
لذا از پیمانکاران واجد صلاحیت دعوت بعمل می آید جهت شرکت در مناقصه و دریافت اسناد مناقصه به آدرس: تهران، بلوار بریانک، میدان بریانک، خیابان دعوتی، ابتدای خیابان حسام‌الدین، بوستان اعتماد پروژه احداث پارکینگ محله ای اعتماد، واحد امور پیمان و مناقصات (آقای مهندس حضرتی) مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۹۱۰۷۸۳۹۴۰۷ تماس حاصل نمایند.
- مهلت دریافت و بازگشت اسناد مناقصه تا مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ می باشد.
- تضمین شرکت در مناقصه مبلغ ۱۰/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال مطابق با آیین نامه تضامین دولتی می باشد.
- نحوه پرداخت مطالبات بصورت ۳۰٪ نقدی و ۷۰٪ غیرنقدی می‌باشد.
- تهیه کلیه ابزارآلات و تجهیزات موضوع پیمان بعهده پیمانکار می باشد.
- هزینه انتشار آگهی بعهده نفر برنده مناقصه می باشد.

آگهی مناقصه
شماره ۱۱۰۴۱۱۰ نوبت دوم
شرکت ملی صنایع مس ایران
موضوع مناقصه:
تأمین و اجرای عملیات تکمیلی ورزشگاه شهید سلیمانی شهر بابک

شرکت ملی صنایع مس ایران در نظر دارد «تأمین و اجرای عملیات تکمیلی ورزشگاه شهید سلیمانی شهر بابک» را از طریق مناقصه عمومی به انجام برساند. جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت‌های رسمی شرکت به آدرس‌های ذیل مراجعه شود.

https://dargah.nicico.com
www.nicico.com

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)

فراگاه سازندگی خاتم الانبیاء – موسسه نوین ابنیه، مناقصه ای به شرح زیر برگزار می نماید:
موضوع مناقصه: خرید ۲۰ هزار تن مصالح شن شکسته و ۵۰ هزار تن ماسه طبیعی دوبار شور، مطابق مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه مربوط به پروژه کارخانه شهید ولیزاده
محل انجام کار: تهران - جاده مخصوص تهران کرج کیلومتر ۱۷، روبروی خیابان داروپخش، خیابان آذر ۵
مدت فعالیت: ۱۰ ماه شمسی از زمان امضای انعقاد قرارداد
شرایط شرکت کنندگان: داشتن سوابق مرتبط با موضوع مناقصه
● لازم به ذکر است متقاضیان و تامین کنندگان می بایست (چنانچه قبلا هیچگونه سابقه همکاری با کارخانه شهید ولیزاده نداشته باشند) اقدام به ارسال نمونه محصولات خویش نمایند و خریدار پس از انجام آزمایشات و طرح اختلاط های مورد نیاز اقدام به ارائه فهرستی از واجدان شرایط که محصولات آنها از لحاظ کیفیتی مناسب باشد می نماید لذا مهمترین شرط جهت شرکت در مناقصه اخذ حداقل نمره ارزیابی و تاییدیه از سوی مرکز تحقیقات بتن موسسه نوین ابنیه می باشد.
نحوه و محل دریافت اسناد: متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی به آدرس: تهران، جاده مخصوص تهران کرج، روبروی خیابان داروپخش، خیابان آذر ۵، کارخانه شهید ولیزاده (موسسه نوین ابنیه) واحد امور پیمان ها و مناقصات مراجعه نمایند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۲۴۶۲۶۹۰۵ و یا شماره ۰۲۱۲۸۱۱۱۰۴۶ داخلی ۸۱۵ آقای مهندس رادفر تماس حاصل نمایید.
مبلغ ضمانت نامه شرکت در مناقصه: ۱۲,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (دوازده میلیارد و دویست و پنجاه میلیون ریال) که می بایست به صورت ضمانت نامه بانکی یا رسید پرداخت نقدی یا رسید کسر از مطالبات (برای متقاضیان دارای سابقه همکاری با قرارگاه) تهیه و ارائه گردد.
مهلت و محل ارائه پیشنهادات: تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳ و در محل دریافت اسناد
سایر شرایط: مناقصه گزار در رد هر یک یا تمام پیشنهادات مختار است. پرداخت هزینه آگهی های فراخوان مناقصه بر عهده برنده مناقصه می باشد. به پیشنهادهای فاقد امضاء، مخدوش و پیشنهاداتی که پس از انقضاء مدت مقرر در فراخوان ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● روش پرداخت بصورت ۱۰۰٪ غیرنقدی (بصورت تهاتر املاک و ...) می باشد.

آگهی تغییرات صندوق سرمایه‌گذاری واسطه گری مالی یکم

به شناسه ملی ۱۴۰۰۹۱۰۸۸۹۵ و به‌شماره ثبت ۴۹۵۳۷ به استناد صورتجلسه مدیر صندوق مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۷ و طبق مجوز شماره ۱۲۲/۱۸۴۱۸۶ مورخ ۱۴۰۴/۷/۱۹ از سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد دارندگان حق امضا، آقایان محمدابراهیم محمد پورزرندی شماره ملی: ۵۰۹۹۶۸۹۶۰۴ و عبداله شیرمحمد پورگرجانی شماره ملی: ۱۴۶۱۳۴۳۱۳۵ و سیدمهدی پارچینی پارچین شماره ملی: ۰۳۸۴۶۹۳۹۲۱ و محسن انصاری مهیاری شماره ملی: ۲۱۲۱۹۵۶۷۶۱ و سیدسعید شمسی نژاد شماره ملی: ۰۳۸۴۲۳۱۸۱۰ می‌باشند و کلیه اسناد و اوراق تعهدآور صندوق از جمله قراردادها، چک، سفته، برات با امضا دو نفر از پنج نفر فوق به‌همراه مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی با امضا آقای محمدابراهیم محمدپورزرندی و مهر صندوق معتبر است.

شناسه ۲۰۳۷۷۱۲
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت ملی پتروشیمی خلیج فارس
شرکت پتروشیمی هنگام (سهامی خاص)

خرید تعدادی FLEXIBIE HOSE جهت استفاده در پایانه بارگیری آمونیاک (اسکله شماره ۱۷)
شماره درخواست KHD-0330357 نوبت اول

شرکت پتروشیمی هنگام در نظر دارد خرید تعدادی FLEXIBIE HOSE جهت استفاده در پایانه بارگیری آمونیاک (اسکله شماره ۱۷) را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای پس از شناسایی و ارزیابی پیمانکاران به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. اسناد مناقصه در روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ در تارنمای شرکت پتروشیمی هنگام به آدرس WWW.hengampc.net در دسترس و قابل دریافت می‌باشد و آخرین مهلت تحویل پاکات تا ساعت ۱۶ بعدازظهر روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ می‌باشد. متقاضیان درصورت دریافت اسناد از طریق تارنمای فوق، لازم است مراتب آمادگی خود را جهت شرکت در مناقصه به‌طور کتبی به commission@hengampc.net اعلام نمایند. در غیر این صورت مناقصه‌گزار مسؤولیتی در ارائه اطلاعات بعدی و تغییر احتمالی در شرایط مناقصه و مواعد زمانی به متقاضی نخواهد داشت.
محل تحویل پیشنهادات به مناقصه‌گزار:
عسلویه، منطقه ویژه پارس جنوبی، فاز ۲ پتروشیمی‌ها، بعد از پتروشیمی مروارید، شرکت پتروشیمی هنگام کدپستی: ۷۵۱۱۸۱۱۳۶۰
تلفن: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰، شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۵۰۲۸۰۴
تلفن تماس شرکت: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰ داخلی (۲۸۰۳-۲۸۰۵-۲۸۰۲)
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است. ضمناً هزینه آگهی در جراید، بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

آگهی تغییرات صندوق سرمایه‌گذاری پناه ثروت هومان
به شناسه ملی ۱۴۰۱۳۳۷۸۹۸۷ و به شماره ثبت ۵۷۶۶۰

به استناد صورتجلسه مدیر صندوق مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۷ و طبق مجوز شماره ۱۲۲/۱۸۴۱۷۲ مورخ ۱۴۰۴/۷/۱۹ از سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد دارندگان حق امضا، آقایان محمدابراهیم محمدپورزرندی شماره ملی: ۵۰۹۹۶۸۹۶۰۴ و عبداله شیرمحمدپورگرجانی شماره ملی: ۱۴۶۱۳۴۳۱۳۵ و سیدمهدی پارچینی پارچین شماره ملی: ۰۳۸۴۶۹۳۹۲۱ و محسن انصاری مهیاری شماره ملی: ۲۱۲۱۹۵۶۷۶۱ و سیدسعید شمسی‌نژاد شماره ملی: ۰۳۸۴۲۳۱۸۱۰ می‌باشند و کلیه اسناد و اوراق تعهدآور صندوق از جمله قراردادها، چک، سفته، برات با امضای دو نفر از پنج نفر فوق به‌همراه مهر صندوق و سایر مکاتبات اداری و عادی با امضای آقای محمدابراهیم محمدپورزرندی و مهر صندوق معتبر است.

شناسه ۲۰۳۷۷۱۹ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت ملی پتروشیمی خلیج فارس
شرکت پتروشیمی هنگام (سهامی خاص)

اجرای پروژه پیوینگ جنوب ایستگاه گاز شرکت پتروشیمی هنگام نوبت اول

شرکت پتروشیمی هنگام در نظر دارد اجرای پروژه پیوینگ جنوب ایستگاه گاز را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای پس از شناسایی و ارزیابی پیمانکاران به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. اسناد مناقصه در روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۸ درتارنمای شرکت پتروشیمی هنگام به آدرس WWW.hengampc.net در دسترس و قابل دریافت می‌باشد و آخرین مهلت تحویل پاکات تا ساعت ۱۶ بعدازظهر روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ می‌باشد. متقاضیان درصورت دریافت اسناد از طریق تارنمای فوق، لازم است مراتب آمادگی خود را جهت شرکت در مناقصه به‌طور کتبی به commission@hengampc.net اعلام نمایند. در غیر این صورت مناقصه‌گزار مسؤولیتی در ارائه اطلاعات بعدی و تغییر احتمالی در شرایط مناقصه و مواعد زمانی به متقاضی نخواهد داشت.
محل تحویل پیشنهادات به مناقصه‌گزار:
عسلویه، منطقه ویژه پارس جنوبی، فاز ۲ پتروشیمی‌ها، بعد از پتروشیمی مروارید، شرکت پتروشیمی هنگام کدپستی: ۷۵۱۱۸۱۱۳۶۰
تلفن: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰، شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۵۰۲۸۰۴
تلفن تماس شرکت: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰ داخلی (۲۸۰۳-۲۸۰۵-۲۸۰۲)
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است. ضمناً هزینه آگهی در جراید، بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

IRAN DAILY
1877
www.newspaper.iran-daily.com

خبر

برنامه اصلاحی بانک مرکزی درباره ۵ بانک ناتراز

معاون تنظیم‌گری و نظارت بانک مرکزی اعلام کرد: بانک مرکزی طی سه سال گذشته برنامه‌های مشخص و اساسی در مورد بانک‌های ناتراز اجرا کرده است. بر این اساس، آمار بانک های ناتراز از ۱۴ بانک به ۵ بانک کاهش یافته است.

به گزارش تسنیم، فرشاد محمدپور تأکید کرد: اولویت بانک مرکزی اصلاح بانک ناتراز است. در مورد بانک سپه که قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین بانک از منظر شعب است و خدمات گسترده‌ای به عموم مردم کشور ارائه می‌دهد و بسیاری از صنایع نیز تسهیلات خود را از آن دریافت کرده‌اند برای بانک مرکزی بسیار مهم است و اصلاح آن بخوبی پیش می‌رود.

معاون تنظیم گری و نظارت بانک مرکزی تأکید کرد: با همراهی هیأت مدیره بانک سپه ، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه، برنامه اصلاحی بانک سپه در دستور کار هیأت عالی بانک مرکزی است و ما معتقد هستیم با اجرای برنامه اصلاحی، این بانک بزرگ از ناترازی خارج خواهد شد.

وی در خصوص دیگر بانک‌های ناتراز گفت: سایر بانک‌ها نیز در مسیر اصلاح قرار دارند. بانک دی بعد از چندین سال افزایش اضافه برداشت، چندین ماه متوالی دارای اضافه برداشت صفر است. مطالبات معوق این بانک ۵ الی ۶ درصد کم شده است و با تمرکز بر درآمدهای غیرمشاع و ادامه روند اصلاحی معتقدیم که بانک دی هم به زودی در جرگه بانک‌های تراز خواهد بود.

معاون تنظیم گری و نظارت بانک مرکزی افزود: برای بانک سرمایه نیز با همکاری وزارت آموزش و پرورش برنامه مفصل اصلاحی تدوین شده است. سهامداران متعهد به افزایش سرمایه هستند. امیدواریم با پیگیری های بانک مرکزی و با اقداماتی که در این بانک انجام می شود، این بانک نیز در زمره بانک‌های تراز قرار گیرد. محمدپور در خصوص روند اصلاح بانک ایران زمین نیز گفت: بانک ایران زمین با رأی خوبی که دادگاه صادر کرده است و استفاده از ظرفیت‌های قانونی که ایجاد شده نیز امیدواریم جزو بانک های تراز قرار گیرد.

بنگاه

بانک صادرات با روش‌های نوین تأمین مالی، گره تولید را باز می‌کند

مدیرعامل بانک صادرات ایران در جمع فعالان اقتصادی استان یزد تأکید کرد: بانک صادرات ایران با اجرای طرح‌های نوین در زمینه تأمین مالی زنجیره تولید و افزایش اختیارات مدیران استانی، در مسیر حمایت از تولید و اشتغال، نقش تسهیل‌گرانه خود را تقویت کرده است.

به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران، محسن سیفی در جریان بازدید از برخی شعب بانک در استان‌های قم، منطقه کاشان در استان اصفهان و سفر جامع استانی به یزد، با حضور در اتاق بازرگانی استان یزد، به‌عنوان پارلمان بخش خصوصی، در نشستی با فعالان اقتصادی و در حضور معصومه آقاپور، مشاور رئیس جمهوری در امور همکاری‌های اقتصادی، با بررسی دغدغه‌های تولیدکنندگان و کارآفرینان، سیاست‌ها و راهبردهای بانک صادرات ایران را در زمینه حمایت از تولید تشریح کرد.

قدردانی دولت از همراهی بانک صادرات ایران در شرایط بحرانی

معصومه آقاپور در این نشست، با قدردانی از مدیرعامل، اعضای هیأت‌مدیره و کارکنان بانک صادرات ایران برای همکاری گسترده با دولت در دوران جنگ ۱۲ روزه و ماه‌های پس از آن، گفت: «از شبکه بانکی کشور، بویژه بانک‌هایی که در شرایط بحرانی کنار مردم و دولت ایستادند، تشکر می‌کنم. هماهنگی مدیران عامل بانک‌ها با دولت موجب شد تصمیمات مؤثری برای حمایت از تولید و استمهال تسهیلات اتخاذ شود و کشور از بحران‌ها با کمترین تنش عبور کند.»

وی با اشاره به جوانگرایی در ترکیب مدیریتی بانک صادرات ایران افزود: «مدیرعامل این بانک از مدیران جوان و پرانگیزه نظام بانکی است و هیأت‌مدیره بانک نیز هماهنگی بالایی با دولت دارد؛ امری که منافع آن به جامعه و مردم بازمی‌گردد.»

مشاور رئیس جمهوری همچنین با اشاره به ظرفیت‌های بالای استان یزد در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، بویژه انرژی خورشیدی، خواستار حضور پررنگ‌تر بانک صادرات ایران در حمایت از طرح‌های احداث نیروگاه‌های خورشیدی در این استان شد.

افزایش سرمایه و اختیارات استانی برای حمایت از تولید

مدیرعامل بانک صادرات ایران در ادامه با اشاره به شرایط نظام بانکی کشور و الزامات بانک مرکزی در کنترل ترازنامه‌ها گفت: «بانک صادرات ایران با افزایش سرمایه و رشد منابع به بیش از ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومان، اکنون در جایگاه سوم شبکه بانکی کشور قرار دارد و نسبت به سال‌های گذشته در موقعیت مناسب‌تری برای حمایت از صنایع و بنگاه‌های اقتصادی است.»

گزارش

امیرحسین جعفری
گروه اقتصادی

عکس: ایرنا

«ایران» روند گزیر بانک آینده و کاهش آسیب‌های آن را بررسی می‌کند

عبور «ملی» از زیان‌دهی

انحلال بانک آینده و ادغام آن در بانک ملی به دلیل کسری سرمایه و زیان‌های انباشته، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام بانکی ایران در ماه‌های اخیر بوده است. اکنون با تصمیم بر ادغام آن در بانک ملی، این پرسش اساسی مطرح است که آیا بانک ملی قادر خواهد بود گذر از این بحران را بدون ابتلای جدی به بحرانی جدید مدیریت کند؟ بررسی تجربیات گذشته و راهکارهای پیش‌رو نشان می‌دهد که کلید موفقیت در «تفکیک» و «شفافیت» نهفته است.

بانک آینده که با بحران فزاینده عدم کفایت سرمایه و زیان‌دهی بالا مواجه بود، سرانجام منحل شد و فرآیند ادغام آن در بانک ملی کلید خورد. با این حال، این پایان ماجرا نیست؛ چالش اصلی اکنون جلوگیری از سرایت بحران‌های بانک آینده به بدنه بزرگ‌ترین بانک کشور است. راهکارهای مشخصی برای مهار این بحران وجود دارد و نشانه‌هایی از اجرای آنها نیز دیده می‌شود.

تجربه، عامل نجات بانک ملی

انحلال بانک آینده و ادغام آن در بانک ملی، کار کوچکی نبود و نگرانی‌های بزرگی را به دنبال آورد. پس از آغاز این فرآیند، برخی کارشناسان هشدار دادند که زیان انباشته، دارایی‌های غیرنقدشونده (عمدتاً املاک) و تجربه ناموفق ادغام مؤسسات مشابه در گذشته (مانند بانک سپه)، می‌تواند بانک ملی را نیز با مشکل مواجه کند. اما همین تجربیات گذشته می‌تواند امروز به یاری بانک ملی بیاید.

نگاه به روند ادغام مؤسسات مالی در بانک سپه و چالشی شدن شرایط این بانک، تجربه واضحی پیش روی بانک ملی است که می‌تواند از آن استفاده کند. ایجاد صندوق‌های منحصر به بانک آینده و شفاف کردن اموال و زیان‌های آن، گام اول است که پیش روی بانک ملی قرار دارد. هر آنچه از «آینده» آمده را می‌توان به این صندوق‌ها سپرد تا بانک ملی در گام اول بداند با چه وضعیتی مواجه است. عدم درک مشکل و شفاف نبودن اموال و زیان‌های بانک آینده، می‌تواند سوءاستفاده از باقی‌مانده‌های این بانک را تداوم بخشد.

تفکیک اموال آینده از ملی

اموال بانک آینده در صورت شفافیت و مدیریت صحیح در ساختاری همراه با نظارت، می‌تواند در سازوکاری محصور، در حاشیه بانک ملی باقی بماند. به این معنا که هرآنچه از بانک آینده به سمت بانک ملی می‌آید، در قالبی جدا از بانک ملی تعیین تکلیف شود و بانک ملی صرفاً کارگزار نظم دادن به باقی‌مانده‌های بانک آینده باشد. چنین سازوکاری از درگیر شدن بانک ملی با سرمایه‌های مبهم بانک آینده و ناترازی‌های شدید جلوگیری می کند .

فقدان تفکیک اموال آینده در بانک ملی می‌تواند منجر به از دست رفتن مدیریت دارایی و انتشار بحران‌های آینده در بانک ملی شود. استفاده از صندوق ضمانت سپرده و ایجاد کمیته یکپارچه‌سازی اموال، بخش دیگری از اقداماتی است که بانک ملی در مقابله با بحران بانک آینده پیش رو دارد.

چه کسی پاسخگو است؟

بانک ملی از یک طرف با سهامداران و از یک سو با دارایی‌هایی مواجه است که عمده آنها در بخش مستغلات منجمد شده است. بازمانده‌هایی که به راحتی نمی‌توانند پاسخگوی بحران بانک آینده باشند. در نتیجه چنین شرایطی کار را برای بانک ملی سخت‌تر می‌کند. بانک ملی به خوبی می‌داند که نقد کردن مستغلات و دارایی‌های بانک آینده یا استفاده از آن به هر شکل برای عبور از بحران، کار دشواری است. با وجود این باید به سراغ سامان دادن به سپرده‌ها، تسهیلات و سهامدارانی رفت که حالا در گوشه‌ای نشسته و منتظرند بانک ملی مشکل را حل کند. بانک ملی تا اینجای کار قادر به حل نسبی مشکل بوده و هراس از انحلال بانک چندان در میان مخاطبین بانک و جامعه اقتصادی دیده نمی‌شود، اما کار تازه شروع شده است.

کارشناسان چه می‌گویند؟

سهراب دل‌انگیزان، استاد اقتصاد، در رابطه با جلوگیری از انتقال آسیب‌های بانک آینده به بانک ملی، به «ایران» می‌گوید: «ادغام بانک آینده کار بسیار پیچیده‌ای است. با توجه به کمبودهای بانک آینده و خسارت‌هایی که هر سال دیده نشده است، هر سال برداشت از بانک مرکزی صورت گرفته و بانک مرکزی وظایف قانونی خود را به اجرا درنیاورده است. اگر همان اوایل که بانک آینده دچار اختلال و ناترازی بود، جلوی آن را گرفته بودند، این حجم از خسارت وارد نمی‌شد. با توجه به حجم بالای اضافه برداشت از بانک مرکزی، اخذ وام و بنگاه‌داری‌های معیوب و خرید اموال و دست‌به‌دست کردن اموال بین شرکت‌ها، نوع کار وخیم شده است. به‌صورت کلی وقتی برای بانک اتفاق اینچنینی می‌افتد، بانک را به دو قسمت تقسیم می‌کنند.»

او افزود: «قسمت اول قابل جبران است و قسمت دوم غیرقابل جبران. از طریق منابع موجود و اختیارات قضایی که وارد پرونده می‌شوند، می‌توان اموال موجود را ردگیری کرد. در این بخش می‌توان چالش‌ها را جبران کرد. بخش دیگر که غیرقابل جبران است از طریق سهامداران و کسانی که فعالیت غیرقانونی در این بانک داشته‌اند، با دریافت جریمه، جلوی بازگشت خسارت به بانک ملی گرفته می‌شود. بخشی از ناترازی بانک آینده که غیرقابل جبران است باید فعلاً کنار گذاشته شود و با بخش‌های قابل دسترس آن کار کنیم.»

وی در ادامه در رابطه با راهکارهای جلوگیری از انتقال زیان به بانک ملی گفت: «اگر بگذاریم به‌صورت معمول، بانک ملی صاحب بدهی‌های بانک آینده شود، صورت‌های مالی نامناسب آینده وارد ملی می‌شود. اگر بانک را براساس عناصری دسته‌بندی کنیم، صاحبان سرمایه را مشخص کنیم، وام‌گیرندگان را تعیین کنیم و به یک نقشه کلی برسیم، انتقال بخش سالم به بانک ملی صورت می‌گیرد و بانک ملی هم آسیب نمی‌بیند. اموال و مستغلاتی که در مالکیت بانک آینده است، اصلاً زیان‌های آن را پوشش نمی‌دهد، اما بخشی از زیان‌های آن را می‌توان برای تأمین مالی استفاده کرد.»

امیرمحمد گلوانی، پژوهشگر اقتصاد پولی، در ادامه در رابطه با راهکار ادغام بانک آینده در بانک ملی و کاهش انتقال بحران‌های بانک آینده به «ایران» گفت: «باید ادغام افقی در بانک‌هایی مانند سپه را با بانک آینده جدا کرد. هجوم سپرده‌گذاران با توجه به اینکه بانک ملی اعتبار و کفایت لازم را دارد، اطمینان خاطر ایجاد شد و بحران اول حل شد. مسأله دوم چالش نقدشوندگی دارایی‌های بانک آینده است. در مرحله اول، قوانین جدید بانکداری اجازه می‌دهد که از دارایی سهامداران عمده، ضرر را جبران کنند. دارایی‌های بانک آینده «ایران مال» است که نقدشوندگی آن دشوار است. سپرده‌های مرتبط با اشخاص مرتبط و وام‌های افراد مرتبط هم باید بلوکه شود. اشخاص ذی‌نفع در بانک نباید اجازه برداشت سپرده را داشته باشند.»

> اموال بانک آینده در صورت شفافیت و مدیریت صحیح در ساختاری همراه با نظارت، می‌تواند در سازوکاری محصور، در حاشیه بانک ملی باقی بماند. به این معنا که هرآنچه از بانک آینده به سمت بانک ملی می‌آید، در قالبی جدا از بانک ملی تعیین تکلیف شود و بانک ملی صرفاً کارگزار نظم دادن به باقی‌مانده‌های بانک آینده باشد

وی در رابطه با جلوگیری از تداوم مسیر بانک آینده در باقیمانده سپرده‌های آن گفت: «تمدید سپرده‌های بانک آینده باید اصلاح شود. این بانک سپرده بیش از ۲۳ درصد را پذیرفته که باید در تمدیدشان تغییری صورت گیرد. در آن نقطه احتمالاً بانک ملی با مسأله کسری نقدینگی مواجه شود. اگر بخشی از دارایی‌های بانک آینده نقد نشود، ممکن است این کسری خود را بیشتر نشان دهد. هزینه بحران بانک آینده باید از سوی سهامداران پرداخت شود.»

او افزود: «در چند سال اخیر تا حدود زیادی از انتشار تسهیلات مجدد این بانک و خلق پول آن، با کنترل مقداری متوقف شده بود. در سه سال اخیر بانک آینده آماده انحلال و فرآیند گزیر می‌شد. به نظر من بخشی از هزینه‌های این بحران در ماه‌های آینده به سیستم بانکی منتقل خواهد شد.»

ادغام بانک آینده در بانک ملی، یک عملیات پرخطر اما مدیریت‌پذیر است. موفقیت در این آزمون سخت، منوط به رعایت چند اصل کلیدی است: شفافیت کامل در شناسایی دارایی‌ها و بدهی‌ها، تفکیک مطلق بدنه مشکل‌دار بانک آینده از بانک ملی و اخذ جریمه از سهامداران و مدیران مقصر. اگر بانک ملی و نهادهای ناظر با عزمی راسخ بر اجرای این اصول پایبند باشند، می‌توان از تبدیل شدن این ادغام به یک زنجیره ورشکستگی جلوگیری کرد. در غیر این صورت، طبق هشدار کارشناسان، بخشی از هزینه‌های این بحران دیر یا زود گریبان‌گیر کل سیستم بانکی کشور خواهد شد. آینده بانک ملی و ثبات مالی کشور به تصمیمات این برهه حساس گره خورده است.

گزارش

سهیلا یادگاری
گروه اقتصادی

معاون وزیر راه و شهرسازی از برنامه ایجاد ساخت و ساز بر اساس چالش کمبود آب خبر داد

«کنترل بارگذاری جمعیت و فعالیت» در استان‌های تهران و البرز

کمبود منابع انرژی، سیاست‌های توسعه‌ای را به‌خصوص در کلان‌شهرها تحت تأثیر قرار داده است. غلامرضا کاظمیان، معاون معماری و شهرسازی وزیر راه و شهرسازی در گفت‌وگو با «ایران»، از تدوین برنامه «سیاست‌های توسعه و کنترل ساخت‌وساز تهران» خبر داد.

وی تأکید کرد که این برنامه در چهارچوب قوانین موجود و با اولویت توجه به چالش کمبود آب و منابع انرژی طراحی شده و قانون جدیدی در این زمینه تصویب نخواهد شد.

الحاقات طبق قوانین توسعه سکونتگاهی در چهارچوب قوانین

کاظمیان با اشاره به الزامات برنامه هفتم توسعه برای اضافه کردن دو دهم درصد به مساحت سرزمینی سکونتگاهی، خاطرنشان کرد: این الحاق تنها در شهرهای کوچک، میانی، مناطق مرزی و سواحل جنوبی و با رعایت سند آمایش سرزمین مجاز است. وی تأکید کرد: افزودن اراضی سکونتگاهی به معنای مجوز الحاق در هر نقطه‌ای نیست و اراضی کشاورزی، پهنه‌های پرخطر و حریم زیرساخت‌های حیاتی از این امر مستثنی هستند.

وی افزود: سیاست‌های کلی نظام در حوزه شهرسازی مباحث گوناگونی را دربر می‌گیرد؛ از افزایش ظرفیت و کنترل رشد کلان‌شهرها گرفته تا قانون ساماندهی، تمرکززدایی و امکان‌سنجی انتقال پایتخت (مصوب ۱۳۹۵). از سوی دیگر، احکام و قوانین مرتبط با الحاق اراضی یا سایر مباحث شهرسازی ممکن است در برخی موارد هم‌پوشانی یا حتی تعارض‌هایی با یکدیگر داشته باشند. در این میان، موضوع کمبود آب و منابع آبی در توسعه شهرها از چالش‌های اساسی به شمار می‌رود؛ هرچند مسأله‌ای جدید نیست. کمبود آب موضوعی نیست که امسال متوجه آن شده باشیم، بلکه سال‌هاست درباره مدیریت مصرف، منابع و حکمرانی آب هشدار داده می‌شود. فرونشست زمین نیز از محورهای مهم در قوانین توسعه شهری و سند آمایش سرزمین است. از این‌رو، در تمامی طرح‌های توسعه شهری و ساخت‌وساز از جمله طرح‌های تفصیلی و جامع، ملزم به رعایت این قوانین و در نظر گرفتن چالش‌ها و محدودیت‌های موجود هستیم .

ساماندهی شهر تهران

معاون وزیر راه و شهرسازی درخصوص ساماندهی شهر تهران گفت: در موضوع ساماندهی تهران، نگاه ما صرفاً کالبدی نیست. ساماندهی به معنای تمرکززدایی و نظم‌بخشی در حوزه‌های مختلفی از جمله الگوی مصرف آب، وضعیت هوا، فرصت‌های شغلی، جمعیت و تعداد خانوار است. بنابراین، زمانی که از ساماندهی و تمرکززدایی تهران سخن می‌گوییم، منظور فقط شهر تهران نیست، بلکه کل مجموعه شهری تهران شامل استان‌های تهران و البرز مدنظر قانون است. این سیاست‌ها نه‌تنها برای تهران، بلکه برای مناطقی مانند مکران و شهرهای مرزی نیز صادق است. میان ساماندهی تهران، توسعه مناطق محروم و ساماندهی سواحل جنوبی کشور باید تعادل و توازن ایجاد شود تا توسعه پایدار و متوازن در سطح ملی شکل گیرد.

کاظمیان شایعه «توقف دو ساله ساخت‌وساز در تهران» را رد کرد و گفت: آنچه مطرح است، «کنترل بارگذاری جمعیت و فعالیت» در استان‌های تهران و البرز است. وی افزود: ساخت‌وساز در چهارچوب ضوابط، به‌ویژه در بافت فرسوده و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، همچنان جریان دارد.

کاظمیان افزود: هیچ‌گاه بحث انجماد زمین مطرح نبوده و سیاستی به نام «انجماد» وجود ندارد. عملاً نیز هیچ انجمادی اتفاق نیفتاده است. براساس آخرین آمار، از مهر ۱۴۰۰ تا شهریور ۱۴۰۴ حدود ۷۳ هزار هکتار به محدوده شهری کشور اضافه شده است و اگر محدوده‌های روستایی را هم در نظر بگیریم، حدود ۱۳۰ هزار هکتار زمین در این مدت تأمین شده است. در یک سال گذشته نیز حدود ۲۴ هزار هکتار به محدوده شهری افزوده شده است.

عکس: سجاد صفری / ایران

اجرای سیاست‌های جدید توسعه شهری

وی خاطرنشان کرد: به دلیل افزایش مشکلات ناشی از کمبود منابع انرژی، موضوع ساماندهی تهران در حال حاضر بیشتر مورد توجه قرار گرفته و در اولویت برنامه‌های دولت است. با این حال، این موضوع به معنای تدوین قانون جدید نیست. به گفته معاون معماری و شهرسازی، ساخت‌وساز و اجرای قانون نهضت ملی مسکن در مجموعه شهری تهران، طبق ضوابط و مقررات در حال اجراست. برای افزایش ظرفیت سکونت و الحاق اراضی در کلان‌شهرها، محدودیت قانونی وجود دارد و در نتیجه در این شهرها الحاق زمین صورت نخواهد گرفت. با این حال، در شهرهای اطراف تهران، شهرهای کوچک‌تر و استان‌های مرزی، فرصت بیشتری برای ساخت‌وساز فراهم است و سیاست تبعیض مثبت به نفع مناطق محروم پیگیری می‌شود. سیاست کلی دولت نیز بر توزیع متوازن جمعیت در مناطق مختلف کشور متمرکز است.

وی گفت: طرح جامع شهر تهران مصوب سال ۱۳۸۶ است و ۲۰ سال اعتبار دارد؛ یعنی تا سال ۱۴۰۶ اعتبار خود را حفظ می‌کند. تا زمانی که طرح جامع معتبر است، طرح تفصیلی نیز معتبر خواهد بود. حتی اگر افق طرح جامع بیش از مدت زمان تعیین‌شده طول بکشد، طرح تفصیلی قبلی همچنان معتبر است، زیرا سال ۱۴۰۶ پایان افق طرح جامع شهر تهران محسوب می‌شود. نهاد برنامه‌ریزی شهر تهران مقدمات بازنگری در طرح جامع را آغاز کرده است. در این نهاد، معاونت معماری و شهرسازی، شهرداری و شورای شهر عضو هستند و مقدمات تدوین طرح بازنگری در حال انجام است. اگر بپذیریم که سیاست‌های درازمدتی برای تهران وجود دارد، طرح جامع و تفصیلی باید از این سیاست‌ها تبعیت کند. بنابراین، قرار نیست در بازنگری طرح جامع اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ دهد، زیرا قوانین و سیاست‌های بالادستی درخصوص ساماندهی تهران تغییر نکرده است و طرح جامع جدید نیز در همین چهارچوب تدوین خواهد شد.

معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به سیاست‌های ساخت و ساز کلانشهرها و شهر تهران، گفت: رئیس‌جمهوری به‌طور جدی پیگیر تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای کل کشور هستند و سهم و جایگاه تهران در این برنامه‌ها مشخص خواهد شد. این برنامه، مبنای کنترل بارگذاری در تهران خواهد بود. در شورای عالی معماری و شهرسازی، بر اساس دستورات رئیس‌جمهوری و مجموعه مطالعات و برنامه‌های موجود، جمع‌بندی‌هایی انجام شد که به تصویب «سیاست‌های توسعه و کنترل ساخت‌وساز تهران» منجر شده است. این برنامه محور سیاست توسعه و کنترل ساخت‌وساز در تهران است و توسعه به مفهوم واقعی آن- نه صرفاً فیزیکی- را مدنظر دارد. در بازنگری طرح جامع نیز از همین سند سیاستی استفاده خواهد شد. سند سیاستی جدید به نوعی جمع‌بندی همه الزامات و تکالیف قانونی برای ساماندهی تهران است که سه جنبه را مورد نظر قرار داده است. این سند از یک طرف و بحث‌های فنی تخصصی شهرسازی و توسعه منطقه‌ای، از یک طرف خواسته‌ها و نیازهای زیست‌پذیری و از طرف سوم زندگی بهتر مردم را مد نظر دارد.

> هیچ‌گاه بحث انجماد زمین مطرح نبوده و سیاستی به نام «انجماد» وجود ندارد. عملاً نیز هیچ انجمادی اتفاق نیفتاده است. بر اساس آخرین آمار، از مهر ۱۴۰۰ تا شهریور ۱۴۰۴ حدود ۷۳ هزار هکتار به محدوده شهری کشور اضافه شده است و اگر محدوده‌های روستایی را هم در نظر بگیریم، حدود ۱۳۰ هزار هکتار زمین در این مدت تأمین شده است

توسعه مکران در دستور کار

وی سیاست مهم دیگر دولت طبق قوانین بالا دستی را توسعه سواحل مکران عنوان کرد و افزود: بر اساس مجموعه سیاست‌های کلان، طرح ویژه منطقه ساحلی مکران در سال ۱۳۹۷ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسیده و طرح‌ها و پروژه‌های مختلفی برای توسعه این منطقه تهیه شده است. در حال حاضر، سه شهر جدید در این منطقه در حال ساخت هستند و پروژه‌های زیربنایی متعددی در حوزه راه‌آهن، بنادر و زیرساخت‌های آب و برق در حال اجراست. توسعه مکران یک سیاست بسیار جدی و ضروری برای توسعه درازمدت کشور است؛ بر اساس دستور رئیس‌جمهوری، طرح جامع توسعه دریامحور که مکران جزئی از آن است، در حال پیگیری و اجراست.

معاون وزیر راه و شهرسازی در پایان گفت: هر چقدر زمین برای مسکن و شهرسازی لازم باشد، باید تأمین شود. این وظیفه قانونی، تخصصی و حرفه‌ای ما است و نه با احتکار و نه با اسراف به دست نمی‌آید. باید بتوانیم بین زمین شهری و سایر مصارف زمین، مانند زمین‌های کشاورزی برای تأمین غذای مردم، زمین‌های مورد استفاده برای سلامت محیط زیست و سایر مصارف، تعادل برقرار کنیم.

تأمین زمین به‌تنهایی به ساخت مسکن منجر نخواهد شد؛ منابع مالی، مصالح و سایر ملزومات نیز لازم است. در حوزه تأمین زمین، سیاست ما بر این است که تأمین زمین و مسکن به‌گونه‌ای انجام شود که مردم، به‌ویژه طبقات محروم، صاحب‌خانه شوند و بتوانند صاحب‌خانه باقی بمانند. صاحب‌خانه ماندن در برخی مواقع دشوار است؛ بنابراین تأمین مسکن باید در استطاعت گروه هدف باشد و تمام هزینه‌های تأمین مسکن به این گروه برسد. تلاش می‌کنیم که شورای عالی معماری و شهرسازی ایران، به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری توسعه شهری، جایگاه اصلی خود را پیدا کند. این امر مستلزم هماهنگی بیشتر با شورای برنامه‌ریزی استان و کمیسیون ماده ۵ است.

همچنین رعایت احکام و ضوابط طرح‌های جامع و تفصیلی و طرح‌های شهرسازی، توجه به بافت‌های تاریخی در طرح‌های ویژه، مانند پیرامون حرم حضرت امام رضا(ع) و پیرامون شاهچراغ، در دستور کار ما قرار دارد.

عکس: سجاد صفری / ایران

رالی بازار سهام با موتور بزرگ‌ها ادامه می‌یابد یا نوبت کوچک‌ترهاست؟

دو سناریوی بورس پس از صعود به کانال جدید

گزارش خبری

حبیب‌آرین
گروه بورس

شاخص کل بورس تهران با ادامه رشدهای اخیر در معاملات دیروز وارد کانال تازه ۳.۲ میلیون واحدی شد و بازدهی خود از ابتدای سال را به بیش از ۱۸ درصد رساند. صف‌های خرید بیش از ۲ هزار میلیارد تومانی در پایان معاملات نشان می‌دهد امید به اصلاحات اقتصادی همچنان موتور رونق سهام را روشن نگه داشته است. سؤال اصلی اینجاست که پس از بیش از ۳۰ درصد رشد، کدام گروه‌ها در بازار سهام مورد توجه خواهند بود؟ برخی معتقدند جاماندگی سهم‌های کوچک، عاملی برای جذابیت آنها خواهد بود و در ادامه باید شاهد چرخش نقدینگی به این سو باشیم. اما گروه دیگر معتقدند همچنان سهام بزرگتر در مسیر صعودی باقی می‌مانند. این گروه استدلال می‌کنند که بورس تهران به اصلاحات اقتصادی در حوزه قیمت‌گذاری و بویژه حذف رانت ارزی دل بسته است که بیشترین اثر را بر سهم‌های بزرگ خواهد داشت. مشاهده عملکرد بازار سهام در روزهای اخیر نیز این سناریو را قوی‌تر از فرضیه گروه اول نشان می‌دهد.

در ماه‌های اخیر شاخص کل بورس تهران با شتابی بیش از شاخص هم‌وزن رشد کرده است؛ به‌گونه‌ای که بخش عمده بازدهی بازار از دل صنایع بزرگ و شرکت‌های شاخص‌ساز بیرون آمده است. همین موضوع حالا به یکی از پرسش‌های اصلی فعالان بازار تبدیل شده: آیا دوره رشد سهم‌های بزرگ رو به پایان است و نوبت کوچک‌ترها رسیده؟ یا همچنان صنایع بزرگ توان ادامه مسیر را دارند؟

ریشه پایداری رشد در ارزندگی است، نه اندازه شرکت

مهدی سوری، کارشناس بازار سرمایه، با تأکید بر نگاه بنیادی به شرکت‌ها، معتقد است که رشد پایدار بازار تنها در بستر ارزندگی شرکت‌ها شکل می‌گیرد، نه در نوسانات هیجانی و کوتاه‌مدت.

او می‌گوید: «رفتار سرمایه‌گذاران معمولاً تحت تأثیر سوگیری‌های ذهنی است. افراد در سهم‌هایی که بازدهی گرفته‌اند، تمایل بیشتری به فروش دارند، چون می‌خواهند سودشان را تثبیت کنند. برعکس، در سهم‌های زیان‌ده کمتر میل به خروج دارند، چون نمی‌خواهند زیان را واقعی کنند. همین رفتارهاست که نوسانات کوتاه‌مدت را می‌سازد، اما نباید بر اساس این نوسانات تصمیم‌های بلندمدت گرفت.»

به گفته سوری، سرمایه‌گذاری موفق در بورس زمانی محقق می‌شود که تحلیلگر بتواند ارزش ذاتی شرکت را تشخیص دهد، نه اینکه صرفاً به رشد یا افت اخیر قیمت‌ها نگاه کند:

خرید یک شرکت خوب در قیمت بد، به‌مراتب تصمیم بهتری است از خرید یک شرکت بد در قیمت خوب. چون اولی در نهایت به ارزش واقعی‌اش بازمی‌گردد، اما دومی نه.

او تأکید می‌کند که درک ماهیت صنعت نیز اهمیت ویژه‌ای دارد: در صنایعی مثل فولاد و پتروشیمی، ساختار تولید و خطوط فرآیندی تعیین‌کننده اصلی عملکرد است و تصمیمات مدیریتی اثر خود را در بلندمدت نشان می‌دهد. اما در صنایعی مثل دارویی یا غذایی، تصمیمات مدیریتی و بازاریابی می‌تواند در کوتاه‌مدت نتایج ملموس‌تری ایجاد کند. بنابراین تحلیلگر باید بداند در کدام صنعت با چه نوع پویایی مواجه است.

سوری همچنین از اهمیت متغیرهای کلان سخن می‌گوید: «بازار سهام ایران همبستگی شدیدی با نرخ دلار نیمایی دارد. به‌طور تقریبی هر ۱۰ درصد رشد نرخ ارز می‌تواند سودآوری شرکت‌ها را تا ۱۲ درصد افزایش دهد. اما این رشد زمانی مفید است که هزینه‌های تحمیلی دولت و سیاست‌های دستوری آن را خنثی نکند. اگر دولت در پی شعار «حمایت از تولید» واقعاً به سمت آزادسازی قیمت‌ها و کنترل هزینه‌های تحمیلی برود، آن وقت ارزندگی شرکت‌ها مجال بروز پیدا می‌کند.»

او درباره چشم‌انداز صنایع نیز چنین می‌گوید: دو ماه پیش می‌گفتم سهام ارزنده بیشتری وجود دارد، اما همچنان در همه صنایع، شرکت‌های جذاب و غیرجذاب زیادی وجود دارد. اما با توجه به روندهایی مانند حذف هاب اروپایی از نرخ خوراک پتروشیمی‌ها، اخبار مربوط به عرضه ارز فولادی‌ها در تالار دوم، و زمزمه‌ها از کاهش فاصله دلار نیمایی و آزاد، در حال حاضر صنایع بزرگ‌تر هنوز مزیت نسبی دارند. البته این به معنی نادیده گرفتن سهم‌های کوچک نیست، بلکه باید دید هر سهم در مقایسه با ارزش ذاتی‌اش در چه نقطه‌ای قرار دارد. با اینکه تحولات در یک صنعت می‌تواند شرکت‌های دیگر را تحت اثر قرار دهد.

در نگاه سوری، بازار بزودی از حالت دوگانه «بزرگ یا کوچک» خارج می‌شود و ارزش‌محوری به معیار اصلی تصمیم‌گیری‌ها تبدیل خواهد شد.

> خرید یک شرکت خوب در قیمت بد، به‌مراتب تصمیم بهتری است از خرید یک شرکت بد در قیمت خوب. چون اولی در نهایت به ارزش واقعی‌اش بازمی‌گردد، اما دومی نه

عملکرد به نفع کوچک‌ها، اخبار به نفع بزرگ‌ها

مهدی دلبری، کارشناس بازار سرمایه، تحلیل خود را بر مبنای گزارش‌های شش‌ماهه و فضای خبری اخیر ارائه می‌کند.

او می‌گوید: اگر صرفاً به گزارش‌های عملکرد نگاه کنیم، صنایع کوچک‌تر وضعیت بهتری داشته‌اند. گروه‌هایی مثل دارویی، سیمان، شوینده، غذایی، نیروگاهی و کشاورزی گزارش‌های قابل قبولی داده‌اند، در حالی که صنایع بزرگ‌تر نظیر فلزات، شیمیایی‌ها، فولادی‌ها و لاستیکی‌ها در نیمه اول سال ضعیف‌تر بودند.

اما به گفته او، جهت بازار تنها با گزارش‌ها تعیین نمی‌شود: در سمت مقابل، موج اخبار مثبت پیرامون صنایع بزرگ شکل گرفته است. مجموعه‌ای از انتظارات مثل کاهش نرخ خوراک پتروشیمی، کاهش هزینه یوتیلیتی نیروگاه‌ها، اصلاح حقوق دولتی معادن، و کاهش فاصله دلار آزاد و توافقی، محرک‌هایی هستند که به نفع صنایع بزرگ عمل می‌کنند. دلبری تأکید دارد که بازار معمولاً «با اخبار آینده پیش می‌رود» نه با اعداد گذشته. همین روزهای اخیر، شاخص کل دو برابر شاخص هم‌وزن رشد کرده است. این یعنی فعلاً بازار بر مبنای اخبار حرکت می‌کند. اما اگر دولت در وعده‌هایش بدقولی کند و این اخبار به نتیجه نرسد، بازار دوباره به فاز رکود می‌رود و سرمایه‌گذاران منتظر گزارش‌های فصلی خواهند ماند.

چارت‌ها از بازگشت هم‌وزن خبر می‌دهند

زهرا عرب، تحلیلگر بازار سرمایه، با نگاهی تکنیکال، شاخص هم‌وزن را در برابر شاخص کل بررسی کرده و معتقد است نسبت این دو در محدوده حمایتی مهمی قرار گرفته است: «نسبت شاخص هم‌وزن به شاخص کل در محدوده ۰.۲۸ است که با ناحیه ۵۰ تا ۶۱.۸ درصد اصلاح فیبوناچی همپوشانی دارد. این محدوده معمولاً نقطه بازگشت روند محسوب می‌شود و نشانه‌هایی از قدرت‌گیری دوباره سهم‌های کوچک در برابر بزرگان دارد.»

به گفته او، چنین الگویی معمولاً زمانی رخ می‌دهد که نقدینگی حقیقی‌ها در حال ورود به بازار است و رشد به‌صورت گسترده‌تر میان صنایع پخش می‌شود. اگر نسبت فعلی به سمت محدوده ۰.۳۴ حرکت کند، می‌توان گفت فاز جدیدی از چرخش نقدینگی به سمت شرکت‌های کوچک‌تر آغاز شده است.

تغییر فاز بازار

برآیند دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که بازار سرمایه در نقطه‌ای حساس و تعادلی قرار گرفته است؛ جایی میان انتظارات مثبت از صنایع بزرگ و نشانه‌های تکنیکالی تقویت هم‌وزن. از یک‌سو، سیاست‌های جدید دولت در حوزه انرژی، خوراک پتروشیمی و نرخ ارز می‌تواند به سود شرکت‌های بزرگ تمام شود و ظرفیت ادامه رشد در شاخص کل را حفظ کند. از سوی دیگر، گزارش‌های مالی مطلوب در شرکت‌های کوچک‌تر و رفتار نموداری شاخص هم‌وزن، حکایت از چرخش تدریجی نقدینگی به سمت صنایع کوچکتر دارد.

ممکن است بازار در حال‌گذار از یک فاز تک‌محور به مرحله‌ای متوازن‌تر است؛ مرحله‌ای که در آن رشد تنها در چند صنعت شاخص‌ساز خلاصه نمی‌شود و نگاه سرمایه‌گذاران دوباره به سمت کیفیت بنیادی، ارزندگی واقعی و تنوع پرتفوی بازمی‌گردد. به تعبیر مهدی سوری، بازار در نهایت به سمت «ارزندگی» بازمی‌گردد، نه به سمت اندازه شرکت‌ها؛ و شاید این همان تعادلی باشد که می‌تواند بورس تهران را از رشدهای هیجانی به رشدهای پایدارتر رهنمون کند.

بنگاه

نشان‌دار کردن مالیات‌ها:

شفافیت، افزایش مشارکت و عدالت مالیاتی

طرح «نشان‌دار کردن مالیات‌ها» ابتکاری مؤثر در ساختار مالی ایران است که به ارتقای شفافیت و عدالت مالیاتی کمک کرده، مشارکت مردم در تخصیص منابع مالیاتی را ارتقای داده، اجرای پروژه‌های ارزشمند در مناطق محروم را تسهیل و تقویت کرده، سبب کاهش فرار مالیاتی و تقویت فرهنگ مالیاتی شده و اعتماد عمومی و پاسخگویی دولت را تقویت نموده است. «سعید منطقی» کارشناس اقتصادی در گفت‌وگوی زیر به زوایای مختلف طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها اشاره می‌کند.

منطقی در ابتدا به تصویب طرح «نشان دار کردن مالیات‌ها» اشاره کرده و گفت: «این طرح نوآورانه، بستر مشارکت مستقیم مردم در تعیین نحوه هزینه‌کرد مالیات‌هایشان را فراهم ساخته و با هدف ارتقای شفافیت، عدالت اجتماعی و کاهش فرار مالیاتی پیشنهاد شده است. هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۰ تیر ۱۴۰۳، بنا بر پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و مطابق اصل ۱۳۸ قانون اساسی، آیین‌نامه اجرایی طرح مذبور را تصویب و در تاریخ ۱۳ تیر ۱۴۰۳ ابلاغ کرد. در ماده ۱ این آیین‌نامه آمده سازمان برنامه و بودجه موظف است با همکاری سازمان امور مالیاتی و مشارکت انتخابی مودیان مالیاتی، سازوکار تخصیص ۱درصد از کلیه درآمدهای مالیاتی به پروژه‌های سرمایه‌ای اولویت‌دار را فراهم آورد. در این آیین‌نامه تأکید شده، سهم هر استان از منابع مزبور براساس عملکرد مالیاتی سال گذشته تعیین می‌شود و تهران به‌صورت ویژه با ضریب ۰.۱ محاسبه شده و مازاد وصولی‌اش به استان‌های محروم اختصاص می‌یابد.»

وی ادامه داد: «بر اساس طرح «نشان دار کردن مالیات‌ها» مودیان مالیاتی می‌توانند پروژه‌های اولویت‌دار ارائه‌شده (احداث، توسعه، تجهیز) را انتخاب کنند؛ بعد از این مرحله، سازمان مالیاتی سهم مالیات مشخص‌شده را به آن پروژه تخصیص می‌دهد. سامانه‌ای هم برای ثبت انتخاب‌ها و گزارش‌دهی سیستماتیک طراحی شده است. سازمان برنامه و بودجه موظف است حداکثر ۱۵ روز پس از تخصیص منابع، گزارش پروژه‌ها را برای انتشار عمومی به سازمان مالیاتی اعلام کند. همچنین، سازمان مالیاتی موظف است، امکان اعلام عمومی اسامی مؤدیان مالیاتی را فراهم آورد.»

منطقی در ادامه به اهداف کلی و اساسی طرح «نشان‌دار کردن مالیات‌ها» اشاره کرد و گفت: «این طرح اهداف مهم و ارزشمندی را دنبال می‌کند. اهدافی که براساس خیر عمومی و منفعت جمعی طراحی و تدوین شده است. این اهداف عبارتند از:

- تقویت شفافیت و پاسخگویی: با اطلاع مودیان از محل هزینه‌کرد مالیات و انتشار عمومی آن، شفافیت مالی تقویت می‌شود.
- افزایش تمکین مالیاتی و انگیزه پرداخت: آگاهی از اثربخشی پرداخت مالیات در پروژه‌های محلی، سبب افزایش تمایل مردم به پرداخت مالیات می‌شود.
- کاهش فرار مالیاتی و پولشویی: نشان‌دار کردن مالیات با افزایش شفافیت، موجب کاهش چشمگیر فرار مالیاتی و پولشویی شده است.
- توسعه متوازن منطقه‌ای: مودیان می‌توانند پروژه‌هایی را در مناطق محروم و یا زادگاه‌شان انتخاب کنند، که این انتخاب، به توزیع متوازن امکانات و توسعه عدالت منطقه‌ای کمک می‌کند.
- تکمیل پروژه‌های نیمه‌کاره: در طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها پروژه‌هایی که قابلیت تکمیل دارند، در اولویت قرار می‌گیرند. در سال جاری، منابع طرح به حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و ۱۵۰ پروژه جدید نیز اضافه شده است.
- مشارکت مؤثر مردم در اقتصاد و اعتماد عمومی: این طرح به مشارکت مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کمک کرده و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند.»

وی در توضیح دستاوردهای طرح «نشان‌دار کردن مالیات‌ها» نیز گفت: «تجهیز و تکمیل پروژه‌ها یکی از مهمترین و ارزشمندترین دستاوردهای طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها است. تا کنون بیش از ۲۰۰۰ پروژه با کمک حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان تأمین مالی شده و حدود ۳۵۰ هزار نفر از اصناف در این طرح مشارکت کرده‌اند. منابع این طرح نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته و در حال حاضر بیش از ۱۸ هزار میلیارد تومان به طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها اختصاص یافته است. یکی از بهترین دستاوردهای طرح مذبور، بهبود پاسخگویی و تعامل میان دولت و مردم است. با اجرایی شدن این طرح، فضایی جدیدی از مشارکت، پاسخگویی و اعتماد بین حکومت و ملت شکل گرفته. بنابراین، این طرح می‌تواند الگویی نوین در جهت مشارکت جامعه در هزینه‌کرد منابع عمومی باشد.»

سعید منطقی در ادامه به توضیح مفصل‌تر اهداف کلیدی طرح نشان دار کردن مالیات‌ها پرداخت و در رابطه با کمک به تقویت شفافیت و پاسخ گویی گفت: «شفافیت مالی یعنی مردم بدانند منابع عمومی (مانند مالیات‌ها) چطور جمع‌آوری، تخصیص و هزینه می‌شود. پاسخگویی هم به این معناست که دولت و دستگاه‌های اجرایی موظف باشند عملکرد خود در هزینه‌کرد مالیات را به مردم گزارش دهند. در نظام سنتی و پیش از تدوین این طرح، مردم مالیات می‌پرداختند اما اطلاعی از نحوه مصرف آن نداشتند. این ابهام باعث شکل‌گیری بی‌اعتمادی و حتی فرار مالیاتی می‌شد. بسیاری از مؤدیان حس می‌کردند که مالیات‌شان در جاهایی هزینه می‌شود که برای آن‌ها یا جامعه محل سکونتشان اثر محسوسی ندارد. در حالی که در طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها، تخصیص مشخص و روشن وجود دارد؛ به این معنا که یک درصد از درآمدهای مالیاتی به پروژه‌های خاص اختصاص داده می‌شود. مؤدی می‌تواند انتخاب کند سهم مالیاتش به کدام پروژه برود (مثل بیمارستان، مدرسه، زیرساخت حمل‌ونقل و...)، امکان ارزشمند دیگری که در طرح مورد اشاره پیش‌بینی شده، ثبت در سامانه‌ای رسمی و شفاف است؛ به این معنا که انتخاب‌ها در سامانه‌ای رسمی ثبت می‌شود و اطلاعات برای عموم قابل مشاهده است.» وی افزود: «سازمان برنامه و بودجه موظف است گزارش نحوه تخصیص و پیشرفت پروژه‌ها را به‌صورت عمومی منتشر کند؛ که این امکان به اثرگذاری مستقیم مودی منتهی می‌شود. وقتی فرد می‌بیند مالیاتش دقیقاً صرف پروژه‌ای مشخص شده، اطمینان پیدا می‌کند که پولش گم نشده یا به مصارف غیرمرتبط اختصاص داده نمی‌شود.»

وی در پایان اشاره کرد: «اینکه مردم انتظار پاسخگویی از جانب دولت را داشته باشند و اینکه مشارکتشان در انتخاب پروژه‌های عمرانی و رفاهی کشور فعال باشد، حق آنهاست. حقی که احقاق آن بر ذمه دولت می‌باشد و طرح نشان دار کردن مالیات‌ها به خوبی قادر است رضایت مردم را جلب و حق و حقوقشان را لحاظ کند؛ زیرا مردم شفاف می‌بینند که مالیاتشان کجا خرج شده، دولت هم موظف می‌شود در برابر عملکرد خود پاسخگو باشد، چون هم آمار رسمی منتشر می‌شود و هم مؤدیان می‌توانند مطالبه‌گری کنند. این فرآیند به مرور اعتماد عمومی به دولت را افزایش می‌دهد و رابطه شهروند-حکومت را تقویت می‌کند.»

عضو اتاق بازرگانی تهران مطرح کرد:

حمایت از سرمایه در گردش تولید با دریافت مالیات بر ارزش افزوده

عضو اتاق بازرگانی تهران گفت: در سازوکار جدید مبتنی بر صورت‌حساب الکترونیک مالیات بر ارزش افزوده، دیگر نیازی به پرداخت مالیات در زمان عقد قرارداد نیست و وقتی تسویه نهایی معامله اعتباری انجام شد، پرداخت مالیات بر ارزش افزوده صورت می‌گیرد. این امر، به افزایش سرمایه در گردش در کشور می‌انجامد.

محمدرضا نجفی‌منش عضو اتاق بازرگانی تهران با اشاره به این موضوع که ایجاد امکان پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پس از تسویه نهایی معامله به از بین بردن زمینه اجحاف علیه فعالان اقتصادی منجر می‌شود، اظهار داشت: در گذشته مالیات بر ارزش افزوده در زمان عقد معامله اخذ می‌شد و این موضوع ریسک معامله را افزایش می‌داد و نوعی ظلم بر فعال اقتصادی اعمال بود. حال با تکیه بر صورت‌حساب الکترونیک این امکان به وجود آمده که مبلغ مالیات بر ارزش افزوده پس از

تسویه نهایی صورت بگیرد که این امر به معنای ایجاد اطمینان‌خاطر در مودی درخصوص از بین رفتن ریسک معامله است.

وی با اشاره به مزیت‌های هوشمندسازی نظام مالیاتی گفت: صورت حساب الکترونیک و شفافیت حاصل از آن کمک بزرگی به مودیان بخش مالیات بر ارزش افزوده خواهد کرد چرا که زمینه افزایش عدالت و داده‌محوری در فرآیند اخذ مالیات بر ارزش افزوده فراهم می‌شود.

عضو اتاق بازرگانی تهران ادامه داد: در سازوکار جدید مبتنی بر صورت حساب الکترونیک مالیات بر ارزش افزوده، دیگر نیازی به پرداخت مالیات در زمان عقد قرارداد نیست و وقتی تسویه نهایی معامله اعتباری انجام شد، پرداخت مالیات بر ارزش افزوده صورت می‌گیرد. این امر، به افزایش سرمایه در گردش در کشور می‌انجامد.

نجفی‌منش در پایان گفت: در ساز و کارهای قبلی زمانی که هنوز مبلغی به‌حساب مالیات‌دهنده نیامده بود، باید مالیاتش را پرداخت می‌کرد و این امر به کاهش نقدینگی بنگاه اقتصادی منجر می‌شد. اما اکنون پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پس از تسویه نهایی صورت می‌گیرد و این امکان وجود دارد که بنگاه اقتصادی، مبلغی را که قرار بود در ابتدا برای مالیات بپردازد، دوباره سرمایه‌گذاری کند.

مدیرکل امور مالیاتی استان یزد خبر داد:

اقبال مؤدیان به تأمین اعتبار پروژه‌های آموزشی و ورزشی

مدیرکل امور مالیاتی استان یزد از اقبال مودیان به تأمین اعتبار پروژه‌های آموزشی و ورزشی در طرح نشان دار کردن مالیات خبرداد و گفت: تداوم این همکاری‌ها می‌تواند مسیر رشد و پویایی استان را بیش از پیش هموار کند.

محسن مرداسی مدیرکل امور مالیاتی استان یزد در تشریح جزئیات پروژه‌های آموزشی تأمین‌اعتبار شده از طریق طرح نشان‌دار کردن مالیات، اظهار داشت: ازجمله این پروژه‌ها می‌توان به احداث دبستان جهان‌فرد میبد، تکمیل مدرسه ابتدایی طرح برکت ابرکوه، تکمیل مدرسه خیری نمک‌فروش مهریز، تکمیل آموزشگاه ۳ کلاسه عقدایی مروست و تکمیل مدرسه دانش‌آموزان استثنایی کم‌بینا امام رضا (ع) یزد اشاره کرد.

وی افزود: اجرای این پروژه‌های آموزشی نقش به سزایی در ارتقای کیفیت نظام آموزشی استان ایفا خواهد کرد. تأمین تجهیزات آموزشی و احداث و تکمیل مدارس جدید، گام‌های مؤثری در جهت ایجاد عدالت آموزشی و توسعه متوازن استان محسوب می‌شود.

مدیرکل امور مالیاتی استان یزد در ادامه تصریح کرد: با مشارکت مؤدیان در قالب اجرای طرح نشان‌دار کردن اعتبار ۳۰ میلیارد ریالی برای احداث و تکمیل سالن دو و میدانی نصیری یزد در حوزه فرهنگی و

ورزشی تأمین شد. مرداسی با بیان اینکه اجرای پروژه سالن دو و میدانی نصیری، نمونه‌ای موفق از نقش مؤثر مردم در توسعه زیرساخت‌های فرهنگی و ورزشی یزد است، گفت: یقینا تداوم این همکاری‌ها می‌تواند مسیر رشد و پویایی استان را بیش از پیش هموار کند.

شرایط فروش

فروش محصولات کیا و هیوندای با قیمت قطعی

بخشنامه فروش محصولات هرمس خودرو ویژه منتخبین مرحله هفتم سامانه یکپارچه وارداتی (اسفندماه ۱۴۰۴) منتشر شد. براساس آن، متقاضیانی که در این دوره به‌عنوان برنده نهایی انتخاب شده‌اند، می‌توانند برای تکمیل مراحل خرید خودرو اقدام کنند. در این بخشنامه چهار محصول وارداتی عرضه می‌شود که شامل کیا استونیک، کیا K3، کیا K5 و هیوندای سوناتا است. طبق اعلام شرکت واردکننده، قیمت خودروها قطعی بوده و تنها مالیات بر ارزش افزوده در زمان صدور فاکتور نهایی به مبلغ قرارداد اضافه خواهد شد. پرداخت وجه در سه مرحله انجام می‌شود؛ دو مرحله به‌عنوان پیش‌پرداخت و مرحله پایانی هم‌زمان با صدور دعوتنامه و تکمیل فرآیند تحویل صورت می‌پذیرد. متقاضیان می‌بایست در این مرحله برای پرداخت از طریق لینک ارسال شده از سوی شرکت مربوطه از تاریخ ۴ تا ۲۰ آبان‌ماه سال‌جاری اقدام کنند. زمان تحویل خودروها ۱۲۰ روز کاری است. همچنین، در صورت بروز تأخیر در تحویل، سالانه ۱۸ درصد سود جبرانی برای خریداران در نظر گرفته شده تا حقوق مشتریان حفظ شود.

خودرو وارداتی

تویوتا هایلندر شاسی‌بلند محبوب ژاپنی

تویوتا هایلندر، شاسی‌بلند خانوادگی محبوب ژاپنی، همزمان با مصوبه واردات ویژه جانبازان، وارد بازار ایران شد. نسخه وارداتی این خودرو نسخه هیبرید است؛ ترکیبی از پیشرانه بنزینی ۲.۵ لیتری تنفس طبیعی و دو موتور برقی، یکی در محور جلو و دیگری در محور عقب، که در مجموع سیستم چهارچرخ محرک هوشمند را تشکیل می‌دهد. موتور بنزینی به‌تنهایی ۱۸۶ اسب‌بخار قدرت دارد و کل سیستم هیبریدی ۲۴۲ اسب‌بخار نیرو و ۳۹۱ نیوتون‌متر گشتاور تولید می‌کند. انتقال قدرت توسط جعبه‌دنده E-CVT انجام می‌شود که هم توان بنزینی و برقی را ترکیب می‌کند و هم انرژی ترمزها را بازیابی می‌کند. شتاب صفر تا صد هایلندر حدود ۹.۸ ثانیه است. هایلندر در بازار ایران رقبایی مانند هیوندای سانتافه و کیا سورنتو دارد و قیمت آن در بازار آزاد حدود ۱۴ میلیارد تومان تعیین شده است.

بازار خودرو

بازار خودرو همچنان در بلاتکلیفی

بازار خودرو در روز گذشته نیز چهره‌ای سردرگم از خود نشان داد. در حالی که قیمت‌ها در برخی مدل‌ها افزایش یافت، برخی دیگر مسیر نزولی را طی کردند؛ موضوعی که از تداوم بلاتکلیفی و نبود جهت مشخص در این بازار حکایت دارد. به گفته کارشناسان، با توجه به شرایط اقتصادی و تحولات منطقه‌ای، فعلاً نمی‌توان انتظار تغییر چشمگیری در روند قیمت‌ها داشت. در چنین فضایی، معاملات بیشتر جنبه احتیاطی پیدا کرده و خریداران و فروشندگان ترجیح می‌دهند تا روشن شدن وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی، دست نگه دارند. در معاملات روز گذشته، شاهین پلاس اتوماتیک با رشد ۲۰ میلیون تومانی به ۵۶۰ میلیون تومان رسید. تارا دنده‌ای V1 نیز ۱۵ میلیون تومان افزایش یافت و یک میلیارد و ۱۳۵ میلیون تومان قیمت خورد. ری‌را افزایش ۵۰ میلیون تومانی را تجربه کرد و یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شد. در مقابل، تارا اتوماتیک V4 با ۲۰ میلیون تومان کاهش به یک میلیارد و ۳۷۰ میلیون تومان رسید. پژو پارس XU7P و سمند سورن پلاس هر دو با کاهش ۱۰ میلیون تومانی به‌ترتیب ۹۹۰ میلیون تومان و یک میلیارد و ۶۰ میلیون تومان قیمت خوردند. ساینا S اتوماتیک برخلاف روند نزولی بازار، ۶۰ میلیون تومان گران‌تر شد و به ۸۲۰ میلیون تومان افزایش یافت. کی‌ام‌سی J7 با افت ۱۱۵ میلیون تومانی به دو میلیارد و ۲۳۵ میلیون تومان رسید. در میان خودروهای وارداتی، رنو آرکانا بدون تغییر نسبت به روز گذشته، ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان معامله شد. سوزوکی بالنو نیز در سطح ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بدون نوسان باقی ماند.

یک خودروی مدرن اقتصادی با خاطره قدیمی!

بررسی نسخه جدید «کیا پیکانتو» که قرار است طی چند ماه آینده راهی بازار ایران شود

نقد فنی خودرو

ارسلان سلیمانیان
گروه خودرو

طی هفته گذشته نام یک محصول دیگر به فهرست خودروهای مجاز وارداتی به کشور اضافه شد. «کیا پیکانتو» یا همان هاچ بک جمع و جور کره‌ای، قرار است بزودی وارد بازار ایران شود. داستان پیکانتو به اوایل قرن بیست و یکم باز می‌گردد. شرکت کیا در سال ۲۰۰۰ تولید «پراید» را که محصول پرفروش این برند در رده خودروهای جمع و جور شهری محسوب می‌شد متوقف کرد و بلافاصله به سراغ طراحی دو جایگزین کاملاً جدید برای این خودرو در کلاس Sub Compact و هاچ بک شهری کوچک رفت. دو محصول «ریو» و «پیکانتو» در همان سال‌ها به عنوان جانشین پراید معرفی شدند. نسل اول پیکانتو با ابعادی مشابه پراید، هاچ بکی که در ایران عرضه می‌شود و تنها در مدل ۵ در، در سایت‌های تولیدی کیا در کشورهای کره جنوبی، ویتنام، اندونزی و فیلیپین به مرحله تولید رسید و توانست به موفقیت نسبی دست یابد. پیکانتو پیش از این و در اوایل دهه نود خورشیدی با قیمت حدود ۴۰ میلیون تومان در بازار ایران عرضه شد که با توجه به قیمت غیرمنطقی برای یک خودروی جمع و جور آن هم ساخت کره جنوبی، هرگز نتوانست مثل بازارهای جهانی موفق عمل کند. اما حالا شرایط کاملاً فرق کرده و پیکانتو امیدوار است بتواند سهم خود را از بازار ایران به دست آورد.

چهره جوان پسند

طراحی خارجی و داخلی نسل جدید کیا پیکانتو در میان رقبای خود بی‌شک یکی از جذاب‌ترین‌هاست. دماغه پف کرده به همراه سپر حجیم، چراغ‌های مجهز به سامانه روشنایی در روز و شیب تند کاپوت پیشرانه، نمای جلو پیکانتو را بسیار خشن و در عین حال دوست داشتنی ساخته‌اند. در ضمن نباید از قلم انداخت که مهندسان و طراحان کیا توانسته‌اند ضریب آیرودینامیک cd 0/31 را در این خودرو به دست آورند که از این نظر پیکانتو را می‌توان پرچم دار خودروهای هاچبک و جمع و جور دانست. پیکانتو دست‌کم به لحاظ ظاهری چیزی کم ندارد و می‌تواند نگاه مشتریان بخصوص خانم‌ها و جوانان را به سمت خود جلب کند.

اقتصادی اما کارآمد

بنابر اعلام شرکت کیا، مدل جدید پیکانتو با پیشرانه‌های ۳ و ۴ سیلندر از طیف پیشرانه‌های موسوم به سری Kappa به بازار عرضه خواهد شد. اولین پیشرانه که احتمالاً نسخه وارداتی به ایران نیز مجهز به آن باشد یک پیشرانه ۴ سیلندر توربوشارژ به حجم ۱٫۲ لیتر بوده که توانایی تولید حداکثر ۸۳ اسب بخار قدرت را دارد. این پیشرانه به همراه جعبه دنده ۴ سرعته اتوماتیک پیکانتو می‌تواند این خودرو ۹۵۰ کیلوگرمی را در عرض ۱۳ ثانیه از حالت سکون به مرز سرعت یکصد کیلومتر بر ساعت برساند. طبق اعلام رسمی شرکت کیا، میزان مصرف سوخت این پیشرانه نه چندان پرقدرت در هر صد کیلومتر از مسیر پیمایش در سیکل ترکیبی تنها ۵/۳ لیتر بنزین خواهد بود.

شرایط در بازار

کلیه مدل‌های ارائه شده پیکانتو مجهز به ترمزهای دیسکی به همراه سامانه توزیع الکترونیکی نیروی ترمز (EBD)، مدیریت پایداری خودرو (VSM)، سامانه نیروی کمک ترمز (BAS)، سامانه کنترل پایداری (ESP) و هشدار نقطه کور هستند. از دیگر تجهیزات قابل سفارش در این خودرو می‌توان به مواردی چون سامانه Start/Stop، سانروف دوحالته برقی، نشان دهنده‌های سوپرویژن با قابلیت روشنایی در روز و سیستم صوتی با ۶ بلندگو و نمایشگر لمسی ۸ اینچی مجهز به ورودی USB و iPod اشاره کرد. هنوز نمی‌توان در مورد قیمت پیکانتو ۲۰۲۵ در ایران رقم دقیقی ارائه کرد. اما پیش‌بینی می‌شود این خودرو لقب ارزان‌ترین خودروی غیرچینی در بازار را از آن خود سازد.

> مدل جدید پیکانتو با پیشرانه‌های ۳ و ۴ سیلندر موسوم به سری Kappa به بازار عرضه خواهدشد. نخستین پیشرانه که احتمالا نسخه وارداتی به ایران نیز مجهز به آن باشد یک پیشرانه ۴ سیلندر توربوشارژ به حجم ۱٫۲ لیتر است

آمار مازراتی و پورشه‌سواران ایران

وزیرکار: جامعه ایران از نظر مالکیت خودروهای گران‌قیمت گستردگی چندانی ندارد

گزارش

سارا غضنفری
گروه خودرو

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی برای حذف یارانه دهک‌های بالای درآمدی به نکته جالبی درباره لوکس‌سواران ایران اشاره کرد. او آماری درباره خودروهای لوکس ارائه داد که در نوع خود برای اهالی حوزه خودرو جالب بود. به گفته وزیر کار، بر اساس داده‌های سامانه اطلاعات رفاه ایرانیان، ۱۸۱ نفر مازراتی، ۳۶۰۰ نفر پورشه و ۱۰ هزار نفر لندرور در اختیار دارند و با آمارهایی از این قبیل نمی‌توان عموم جامعه را ثروتمند توصیف کرد. او تأکید کرد: «این اطلاعات بر پایه داده‌های ثبت‌شده در پایگاه‌های رسمی کشور استخراج شده و نشان می‌دهد که برخلاف تصور عمومی، جامعه ایران از نظر مالکیت خودروهای گران‌قیمت گستردگی چندانی ندارد.» میدری افزود: «وقتی آمار خودروهای لوکس را می‌بینیم، مشخص می‌شود جامعه ایران آن‌گونه که تصور می‌شود مرفه نیست. مثلاً تعداد دارندگان محصولات کرمان‌موتور حدود ۵۶ هزار نفر است که در مقایسه با خودروهای لوکس، اختلاف چشمگیری دارد.» براساس این داده‌ها، لامبورگینی فقط با چهار دستگاه ثبت‌شده، خاص‌ترین خودروی موجود در بازار ایران محسوب می‌شود و پس از آن مازراتی، پورشه و لندرور بیشترین سهم را در میان خودروهای لوکس دارند. اما نکته عجیب این است که به طور دقیق مشخص نیست منظور از لندرورهای لوکس در چه بازه زمانی است، چون اگر این موضوع مورد بررسی قرار گیرد تعداد تویوتا لندکروزر خیلی بیشتر از لندرور باید باشد. درباره آمار محصولات کرمان‌موتور هم که حدود ۵۶ هزار نفر عنوان شد، طبق آخرین گزارش‌ها، کرمان‌موتور در سال ۱۴۰۳ تولید خود را ۶۲ هزار و ۲۴۲ دستگاه اعلام کرده است.

داستان عجیب خودروی لوکس در ایران

ماجرای خودروی لوکس در ایران فقط اسم دهان پُرکن دارد اگر نه در مقایسه با سایر کشورهای اطراف، در ایران چندان خودروی لوکسی وجود ندارد، مضاف بر اینکه سال‌ها مسیر واردات خودرو بسته بود و مهم‌تر از همه قبل از بسته شدن واردات خودرو در سال ۱۳۹۷، اصلاً ورود خودروهای با حجم موتور بالای ۲۵۰۰ سی‌سی به ایران بر سر داستان خودروی لوکس ممنوع شد. ماجرای تصادف مشهور پورشه زرد رنگ جنجالی در خیابان شریعتی تهران سرآغاز همان داستان لوکس‌سواران و ممنوعیت ورود خودروها با حجم موتور بالا بود. سال‌ها کارشناسان حوزه خودرو تلاش کردند اثبات کنند تمام خودروهایی که حجم موتور بالای ۲۵۰۰ سی‌سی دارند الزاماً لوکس نیستند. آمار واردات پورشه از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ در مجموع ۱۷۶۲ دستگاه بود. میزان واردات خودروهای لوکس نیز از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ در مجموع ۹۴ هزار و ۵۶ دستگاه بوده است. معیار سال ۸۸ تا ۹۳ هم سال باز شدن واردات خودروی لوکس و سال ممنوعیت ورود آن است. در تمام این سال‌ها دیگر خودروهایی با حجم موتور بالای ۲۵۰۰ سی‌سی وارد نمی‌شد تا اینکه در دولت مسعود پزشکیان، وزارت صمت در لیست تعرفه‌ها، خودروهای با حجم موتور ۲۵۰۰ سی‌سی را هم گنجاند تا مجدد شاهد ورود این خودروها به کشور باشیم. اما خودروهای لوکسی که در کشور وجود دارند به قدری از سال تولیدشان گذشته که دیگر در مارکت جهانی دارای قیمت‌های عجیب و نجومی نیستند و واقعاً می‌توان گفت لوکس‌سواران چندانی در ایران نداریم.

> خودروهای لوکسی که در کشور وجود دارند به قدری از سال تولیدشان گذشته که دیگر در مارکت جهانی دارای قیمت‌های عجیب و نجومی نیستند و واقعاً می‌توان گفت لوکس‌سواران چندانی در ایران نداریم یا نسبت به سایر کشورهای همسایه خودروهای لوکس چندانی نمی‌بینیم

ترجمه

آغاز فصل تازه‌ای در تاریخ پرفروش‌ترین خودرو جهان

تویوتا کرولا افسانه‌ای که از نو متولد شد

یاسمن صادق شیرازی: کرولا از زمان تولدش در سال ۱۹۶۶ چهره‌های بسیاری به خود دیده است؛ از هاچ‌بک و سدان گرفته تا استیشن، کوپه و حتی مینی‌ون‌های کوچک مخصوص بازارهای خاص. در برخی کشورها نسخه‌های سه‌در و پنج‌در لیفت‌بک نیز عرضه شدند. همین تنوع بدنه و آزادی عمل تویوتا در استفاده از نام کرولا باعث شد این مدل رکوردشکن شود و با بیش از ۵۵ میلیون دستگاه فروش جهانی، عنوان پرفروش‌ترین خودروی تاریخ را از آن خود کند.

ورود به فصل جدید

به گزارش سایت motor1، برای نسل سیزدهم، به‌نظر می‌رسد کرولا آماده دگرگونی بنیادین است. هرچند هنوز در مرحله مفهومی (کانسپت) قرار دارد، اما این سدان با رینگ‌های ۲۱ اینچی Y شکل تصویری واضح از آینده این نام نمادین ارائه می‌دهد. تویوتا قصد دارد همانند گذشته، تنوع قوای محرکه را حفظ کند؛ از نسخه تمام‌برقی گرفته تا هیبرید کامل و پلاگین‌هیبرید. تویوتا همچنین توسعه نسخه احتراق داخلی (بنزینی) را نیز در برنامه دارد و احتمال ارائه مدلی با سوخت کربن‌خنثی را رد نکرده است. کربن‌خنثی سوختی است که هیچ‌گونه انتشار گازهای گلخانه‌ای خالص یا ردپای کربن تولید نمی‌کند. اگرچه جزئیات فنی هنوز محدود است، اما این خودروساز بزرگ ژاپنی تأیید کرده که نسل تازه‌ای از موتورهای ۱.۵ و ۲.۰ لیتری در دست توسعه دارد که نسبت به نمونه‌های فعلی کوچک‌تر، سبک‌تر و کارآمدتر خواهند بود. با توجه به اهمیت جهانی کرولا، منطقی است که اولین‌بار این پیشرانه‌های جدید روی آن معرفی شوند.

طراحی؛ وداع با چهره آشنا

کرولا کانسپت که امروز در نمایشگاه تحرک‌پذیری ژاپن ۲۰۲۵ در توکیو رونمایی شد، تحولی چشمگیر در طراحی را به نمایش گذاشت. صادقانه اگر بگوییم، اگر نوشته «Corolla» در عقب خودرو نبود، شاید هرگز حدس نمی‌زدیم با کرولا طرفیم. فرم سنتی بدنه جای خود را به طرحی تیز، مدرن و پویاتر داده؛ بدنه‌ای با اسپویلر یکپارچه در صندوق و نوارهای نورانی در جلو و عقب. خط مورب در امتداد آینه‌های جانبی، بلافاصله جلب توجه می‌کند و شیشه‌های بدون فریم درها حس لوکس‌تری به خودرو بخشیده‌اند. نکته جالب توجه، وجود سه درپوش سوخت است: دو عدد روی گلگیرهای جلو و یکی در گوشه عقب سمت راننده. احتمالاً این جزئیات به سیستم پلاگین‌هیبرید با موتور بنزینی کوچک اشاره دارد که زیر کاپوت فشرده خودرو قرار گرفته است.

کابینی از آینده

فضای داخلی کرولا کانسپت به همان اندازه جسورانه و آینده‌نگر است. در این کابین خبری از دکمه‌های فیزیکی نیست و کنترل‌ها جای خود را به کلیدهای لمسی پیرامون نمایشگر دیجیتال پشت فرمان داده‌اند. تمامی تنظیمات در ناحیه راننده متمرکز شده و دسته‌دنده شکل خودرو (Car-Shaped Shifter) در کنسولی شناور در کنار راننده نصب شده است؛ طرحی که بیشتر به مینی‌ون‌ها شباهت دارد تا یک سدان کلاسیک. کانسپت‌ها معمولاً برای نمایش خلاقیت طراحی ساخته می‌شوند، اما زمانی که خودروساز نام یک مدل تولیدی واقعی را بر آن می‌گذارد، معنایش این است که چشم‌انداز آینده نزدیک را نشان می‌دهد. نسل بعدی کرولا احتمالاً به این اندازه رادیکال نخواهد بود، اما تویوتا آشکارا می‌خواهد زبان طراحی خود را فراتر از همیشه پیش ببرد. تصمیمی جسورانه برای خودرویی که همیشه با احتیاط در طراحی پیش می‌رفت. با گذشت حدود هفت سال از عرضه نسل فعلی، زمان زیادی تا معرفی جایگزین جدید باقی نمانده است. تویوتا نمی‌خواهد پرفروش‌ترین محصولش بیش از این در قالب کنونی بماند. بنابراین انتظار می‌رود نسل تازه کرولا تا اواخر سال آینده یا نهایتاً در ۲۰۲۷ معرفی شود.

ریو؛ خودرویی کوچک با قلب بزرگ

پیشنهاد خودرو

خودروی ریو (Kia Rio) یکی از محبوب‌ترین سدان‌های کوچک کره‌ای در ایران بود که اولین‌بار در اوایل دهه ۱۳۸۰ توسط سایپا مونتاژ شد. ریو با طراحی ساده اما هماهنگ، مصرف سوخت مناسب و هزینه نگهداری پایین، به‌سرعت جای خود را میان خانواده‌های ایرانی باز کرد. این خودرو در دو نسخه دنده‌ای و اتوماتیک عرضه می‌شد و از یک موتور ۱.۵ لیتری چهار سیلندر با قدرت حدود ۹۷ اسب بخار بهره می‌برد که عملکردی قابل قبول در شهر و جاده ارائه می‌داد. تولید ریو در ایران تا سال ۱۳۹۱ ادامه داشت و پس از توقف آن، کمبود جایگزینی مناسب باعث شد ارزش و تقاضای ریو در بازار دست دوم همچنان بالا بماند. امروزه بسته به مدل و وضعیت فنی، قیمت ریو در بازار بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان نوسان دارد. دوام فنی، قطعات نسبتاً در دسترس و مصرف سوخت حدود ۷ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر از عوامل محبوبیت ماندگار آن به شمار می‌روند. هرچند طراحی آن دیگر مدرن به نظر نمی‌رسد، اما بسیاری از رانندگان همچنان ریو را خودرویی قابل اعتماد و کم‌دردسر می‌دانند؛ نمادی از دوران طلایی همکاری خودروسازان ایرانی با برندهای معتبر خارجی.

دادستان عمومی و انقلاب کلاردشت خبر داد

تشکیل پرونده قضایی برای مرکز توانبخشی

گـروه حوادث: دادسـتان عمومی و انقلاب کلاردشـت از تشـکیل پرونـده قضایی بـرای حادثه مرکز توانبخشـی درایـن شهرسـتان، بازداشـت خانـم مدیر ایـن مرکز و پلمـب آن خبر داد.

هـادی جعفـری درباره پرونـده ضرب و جـرح یک کودک معلول توسـط مدیر خانم یـک مرکز توانبخشـی در این شـهر به میـزان گفـت: «روز ششـم مهر امسـال رئیس بهزیستی کلاردشـت در تماس تلفنی، ضرب و جرح یکی از کودکان معلـول ذهنی حرکتی مرکز نگهـداری کودکان بی‌سرپرسـت به نام «فرشـتگان مهر کلار» را گزارش کرد که به لحاظ حساسـیت موضوع، دادستانی بلافاصله وارد تحقیقات اولیه شـد. وی بـا بیان اینکه متأسـفانه کودک معلـول (دختر ۷ سـاله) به جهـت شـدت خونریزی به بیمارستان چالوس منتقل شـده است، ادامه داد: دستور بازبینـی دوربین‌های مداربسـته مرکز صادر و مشـخص شـد کودک یادشـده مـورد ضـرب و جرح از سـوی خانم مدیـر مرکز قـرار گرفته اسـت. با صدور دسـتور قضایی، در کمتر از سـه سـاعت پس از وصول خبر، ایـن مرکز به دستور دادسـتانی پلمب و دسـتور اعزام کودکان به مرکز نگهـداری کودکان واقـع در عباس‌آباد صادر شـد.

وی همچنیـن توضیـح داد: کودک مذکور به پزشـکی قانونی معرفـی شـد و بر اسـاس فیلم دوربیـن مداربسـته و نظریه پزشـکی قانونی مشـخص شـد که موضوع تجاوز جنسی به هیـچ وجه مطرح نبوده، بلکه کودک مـورد ضرب و جرح قرار گرفته است. همچنین شکستگی اسـتخوان لگن نیز کذب بوده و آسـیبی به سـایر کودکان شناسایی نشـد. برای متهم در یکی از شـعب بازپرسـی تشـکیل پرونده شـده تا زوایای دیگر پرونده با دقت و حساسـیت مورد بررسـی قـرار گیرد. همچنین طی قرار نظارت قضایی به مدت شـش ماه، متهم از حضور و هرگونه فعالیت در مراکز بهزیسـتی منع شد. همه کودکان این مرکز برای بررسـی آسـیب‌های احتمالی قدیمی برای معاینه به پزشـکی قانونی معرفی شـدند.

محاکمه مرد تعمیرکار که همسایه اش را کشت

گروه حوادث: کامران علمدهـی/ مرد تعمیرکار که در جریان درگیری خونین با سـه برادر مغـازه‌دار یکی از آنهـا را بـه قتـل رسـانده بـود، در دادگاه کیفری یک اسـتان تهران محاکمه شد.

به گزارش «ایران»، مهر سـال گذشـته خبر قتل پسـر جوانـی در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران به پلیس اعلام شـد. وقتی تیـم جنایی به محـل حادثه رفت، مشـخص شـد محل جنایت یـک مغازه اگزوزسـازی بود کـه صاحبـش در جریـان درگیـری بـا مقتول و برادرانش، او را با اصابت جسـم نوک تیزی- سـنبه- به قتل رسـانده است.

وقتی متهم بازداشـت شد، تحت بازجویی قرار گرفت و در تشـریح ماجرا گفت: «مقتـول و برادرانش کنار مغازه من مغازه داشـتند و در کار نصـب و تعمیر شیشـه خودرو بودنـد. چنـد سـاعت پیـش از حادثه با بـرادر مقتول دعوا کردیم و من چند سـیلی به صورتش زدم امـا با وسـاطت همسـایه‌ها دعوا تمام شـد. یکـی دوسـاعت بعد خودم پشـیمان شـدم و او را صدا زدم تـا از وی دلجویـی کنـم اما همان موقـع دو برادر دیگـر او از راه رسـیدند و دوباره دعوا را شـروع کردند. آنها مـن را گرفتـه بودند و کتـک می‌زدنـد و من هم بـرای اینکه خـودم را از دسـت‌شـان خـلاص کنم، با سـنبه ضربه‌ای به سـینه یکی از برادرهـا زدم.»

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسـیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری یک اسـتان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسـه، وکیـل اولیای دم بـه جایگاه رفت و گفـت: «موکلانـم در دادگاه حضـور ندارنـد اما لازم می‌دانم به چند مورد اشـاره کنم. اول اینکه اولیای دم پرونـده که پدر و مادر مقتول بودند، درخواسـت‌شـان قصاص متهم بود. اما چند مـاه قبل پدر مقتول فوت کرد و حالا فرزندان او به عنـوان اولیای دم وارد پرونده شـده‌اند که البتـه آنها هم خواسـتار قصـاص متهم هسـتند. نکته بعدی آن اسـت که متهـم در مراحل بازجویی عنـوان کرده قصدش کشـتن مقتول نبوده اما اسـتفاده از سـنبه که ابزاری کشـنده است، نشان می‌دهد که او قصد قتل داشـته اسـت.»

سـپس متهم بـه جایگاه رفـت و گفت: «مـن باز هم می‌گویم کـه قصد کشـتن او را نداشـتم. مـن مغازه اگزوزسـازی داشـتم و مقتـول و برادرانش هـم مغازه شیشـه فروشـی خودرو. ما با هم همسـایه بودیـم و اختـلاف هـم طبیعی بـود. روز حادثـه مقتول و برادرانش بـه سـراغم آمدند و بی مقدمه من را به میز کارم چسبانده و بـا یک چـوب بـه گردنم فشـار می‌آوردنـد و فحاشـی می‌کردنـد. من برای دفـاع مشـروع از خودم با سـنبه به او زدم.»

قاضـی گفـت: «امـا بـرای دفـاع مشـروع از ابـزاری کـه کشـنده و نـوک تیـز اسـت نبایـد اسـتفاده می‌کـردی.»

در ادامـه قاضـی افـزود: «طبـق اظهـارات شـاگرد مغـازه‌ات، شـما از مقتـول و برادرانش می‌خواسـتی که اگزوز خودروی مشتری‌هایشـان را خـراب کنند یا به آنهـا بگویند اگزوز خراب اسـت که آنهـا را به مغازه تو بفرسـتند اما امتناع آنها از این درخواسـت، سبب اختلاف میان شـما شـده بود.»

متهـم جـواب داد: «اصـلاً اینطـور نبـود. اختلاف ما به خاطـر خبرچینی‌های پسـر صاحب ملـک ما بود کـه از من حـرف می‌کشـید و آن را تغییر مـی‌داد و به همسـایه‌ها می‌گفت.»

بـا پایان جلسـه دادگاه، قضـات برای صـدور رأی وارد شـور شدند.

در پرونده مرگ دو کارگر ساختمانی

جزای نقدی صرف خرید داروهای خاص شد

محل حادثه

گروه حـوادث: مرضیـه همایونـی/ بدنبال مـرگ دو کارگر جـوان در حادثه سـاختمانی، مبلغی که به عنـوان جزای نقدی بـرای محکومان تعیین شـده بود، خـرج تهیه دارو بـرای سـالمندان نیازمند و بیماران خاص شـد.

به گـزارش «ایران»، ۱۸ مهر سـال ۹۹ ریزش سـاختمانی در خیابان فـلاح تهران به آتش‌نشـانان اعلام شـد. با گزارش ایـن خبر تیمـی از امدادگـران راهی محل شـده و عملیات نجات آغاز شـد.

مرگ دو کارگر

در بررسـی‌های اولیه مشخص شـد زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متـر مربع که قرار بود به یک مجتمـع درمانی تخصصی زنان و زایمان تبدیل شـود دچار ریزش شده اسـت. با آنکه از روز قبل اعلام شـده بود احتمال ریزش سـاختمان وجود دارد، اما دو بـرادر که نگهبان پـروژه بودند، وقتـی متوجه ریزش ساختمان‌های مجاور شـدند برای نجات چند سگ نگهبان وارد محل گودبرداری شـدند اما ناگهان بخشی از ساختمان ریـزش کرده و آنها زیر آوار مدفون شـده بودند.

به دلیل احتمال ریزش سـاختمان‌های دیگری که مشـرف به محـل گودبـرداری بودنـد، عملیـات آواربرداری بسـیار سـخت و نفسـگیر بود. تلاش برای نجـات دو بـرادر ادامه داشـت تا اینکه امدادگران موفق شـدند سـگ‌ها را ساعاتی بعد زنـده خارج کننـد. اما بامـداد روز بعد جسـد دو برادر بیرون کشـیده شد.

بـا شـکایت خانـواده دو قربانـی، بازپـرس جنایی دسـتور تحقیقات در این حادثه را صادر کرد و کارشناسان دادگستری بـا بررسـی دوربین‌های مداربسـته و تحقیق از شـاهدان و بررسـی مدارک شـهرداری و پروانه سـاخت، ۵ شـخصیت حقیقـی، شـامل مالـک زمین که پزشـک عمومی اسـت، مدیرپروژه خاکبـرداری، مهنـدس ناظر، مدیرایمن‌سـازی و مسـئول خرید را بـه عنوان مقصـران این حادثـه معرفی کردند. با شناسـایی مقصران و میـزان درصد تقصیر آنها، به اتهام تسـبیب در قتل غیر عمـد، کیفرخواسـت آنها صادر شـد و متهمان در دادگاه کیفـری پای میـز محاکمه رفتند. باتوجـه به غیـر عمدی بودن ماجـرا، متهمان بـه پرداخت دیـه بـه اولیـای دم و پرداخـت جـزای نقدی بـه صندوق دولـت محکوم شـدند. بـا تأیید این حکـم، پرونـده برای اجـرا به دادسـرای امـور جنایی تهـران ارجاع شـد. در این میـان محکومان پرونده درخواسـت حکـم جایگزین داده و بـا تأیید این حکـم در دادگاه کیفـری، قرار بر این شـد که مبلغی کـه قرار بـود محکومـان به صنـدوق دولـت واریز کنند، صـرف هزینه تأمیـن دارو برای سـالمندان نیازمند و بیمار خاص شـود.

نگاه کارشناس

محمد تقـی شـعبانی بازپرس شـعبه اول مجتمع شـهید محلاتی در این باره گفت: «مقصریـن حادثه به دیه محکوم شـده‌اند و ایـن مبلـغ می‌بایسـت از سـوی آنها بـه میزان درصدی که مقصر شـناخته شـده‌اند به اولیای دم متوفی پرداخت شـود. اما باتوجه به اینکه مقصران از جنبه عمومی جرم نیز محاکمه می‌شـوند و جزای نقدی بـرای آنها در نظر گرفته می‌شـود این مبلغ به حسـاب دولت واریز می‌شود.»

البته درصورتی که محکومان درخواسـت حکم جایگزین داشته باشند این درخواسـت به قاضی اجرای احکام ارائه می‌شـود. با دریافت این درخواسـت قاضی اجرای احکام آن را بـه قاضی صادر کننده رأی اعـلام می‌کند و درصورت پذیرش از سـوی قاضی صادر کننـده رأی، مجازات تبدیل به مجـازات جایگزین می‌شـود که در ایـن پرونده جزای نقـدی صرف خرید دارو برای بیماران و سـالمندان شـده اسـت.

بسته شدن پرونده زندگی ۴ زندانی در قزل حصار

گـروه حـوادث: پرونـده ۴ زندانـی محکوم به قصـاص صبح دیـروز با اجـرای حکم در زندان قزل‌حصار بسـته شـد.

بـه گـزارش خبرنگار حـوادث «ایـران»، اولیـن زندانی مردی بـود که سـال ۸۷ پس از قتل مردی میانسـال، خانـه او را به نام خـود زده بود. وقتی پلیس وی را دسـتگیر کرد، گفت: «مدتـی قبل خودم این خانـه را ۲۲ میلیـون تومان به مقتـول فروختم اما فقط چنـد هفتـه بعد قیمـت خانه بالا رفـت و بـه ۱۰۰ میلیون تومان رسـید و مـن کلی ضرر کـرده بودم. بـه همین دلیل تصمیم گرفتم خانـه را از چنگ او دربیـاورم. روز حادثه به خانه‌اش رفته و با اسـلحه او را به قتل رسـاندم و با اثر انگشـتی کـه از او گرفتم، خانه را بـه نام خـود زدم.» دومین زندانی کـه پرونده‌اش سـحرگاه دیروز در زنـدان قزل‌حصار بسـته شـد، آذر سـال ۹۶ مرتکب قتل شـده بود. ماجرا از این قرار بود کـه مرد جوانی بـرای نصب سیسـتم صوتی روی خـودرواش به مغـازه‌ای مراجعه کرد اما بر سـر قیمت بـا صاحب مغـازه به اختـلاف و درگیری خـورد. در این میـان یکی از آشـنایان صاحب مغازه وارد درگیری شـده و بـا چاقویی که به همراه داشـت، به یکـی از طرفین درگیری ضربه زد و متواری شـد تا اینکه درنهایت سـال ۱۴۰۰ دسـتگیر و به قصاص محکوم شـد. سـومین اعدامی، مردی افغانسـتانی بود که به خاطر سـرقت در سـال ۱۴۰۱ مرد ایرانی را بـه قتل رسـاند. او پس از جنایت خودرو، گوشـی تلفـن همراه و پول‌هـای مقتول را به سـرقت برد. چهارمیـن محکوم به قصـاص نیز مردی بود که دو سـال قبـل با چاقو مـرد جوانـی را به قتل رسـانده بود و سـحرگاه روز گذشـته در زندان قزل‌حصـار به دار مجازات آویخته شـد.

از گوشه و کنار ایران

مادر داماد در جشن عروسی پسرش جان باخت

رسم غلط تیراندازی در مراسم عروسی، جان مادر داماد را گرفت.

سـرهنگ «آرش بخشـایی‌مطلق» فرمانـده انتظامـی اقلیـد اسـتان فـارس از وقوع یک فاجعه در مراسـم عروسـی خبـر داد و گفت: «در پی رسـم غلط تیرانـدازی برای شـادمانی، یک زن ۵۰ سـاله که مـادر داماد بود، هـدف قرار گرفت و جـان باخت.» با اعلام موضوع به پلیس و بازبینی دوربین‌های مداربسـته مشـخص شـد پسـر عموی عروس و پسـر عمه دامـاد عامل تیراندازی بوده‌اند که هر دو را دسـتگیر کردند و سـه قبضه اسـلحه نیز کشف شـد. وی تأکید کرد: پلیس بر فرهنگ‌سـازی برای جایگزینی رسـوم پسـندیده به جای این رسـم خطرناک تأکید ویـژه دارد.

جنایت مرد چوپان لو رفت

راز کشـف جسد مردی سـالخورده در کنار خیابان که تصور می‌شـد بر اثر تصادف جان باخته با هوشـیاری پلیس سمنان فاش شد.

سـرهنگ محمود گیلانی رئیس پلیس آگاهی اسـتان سـمنان گفـت: «تماس تلفنی یکـی از شـهروندان با مرکـز فوریت‌های پلیسـی ۱۱۰ از وقـوع تصادف منجـر به مرگ عابـر پیاده و فرار راننده سـواری حکایت داشـت. پـس از اعلام این گـزارش، تیم‌های پلیس راه و انتظامی به سـرعت در محل حادثه حاضر شـدند اما در بررسی آثار موجود دریافتنـد که نـوع جراحات وارده بـا حادثه رانندگـی مطابقت نـدارد. همین موضوع موجب شـد تـا پرونده برای بررسـی تخصصی تر به پلیس آگاهی ارجاع و مشـخص شد مـرد ۷۲ سـاله کـه از اتباع خارجی اسـت با ضربه چوب به سـرش جان باخته اسـت در ادامـه دوسـتش که او نیـز تبعه خارجی و چوپـان بوده شناسـایی و در کمتر از یک سـاعت دسـتگیر شـد و گفت: «به خاطر اختلافات شخصی او را کشـتم و برای پنهان کردن جـرم خود، صحنه‌ای مشـابه تصادف رانندگـی طراحی کردم.»

جـدول سـودوکو

۴۸۷۸

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۷		۳	۹			۱	۵	
				۷	۳		۶	۲
۶		۹	۱					۷
۳	۷		۲				۱	
۵								۸
	۱				۸		۲	۹
۱					۷	۸		۶
۹	۶		۸	۱				
	۸	۴			۹	۵		۱

متوسط

	۲	۸	۴					۷
							۵	۱
۹			۸			۲	۳	۴
۳		۹		۷				۸
	۸						۱	
۵				۲		۹		۶
۸	۳	۵			۶			۹
۷	۹							
۶					۱	۳	۸	

سخت

			۲				۹	۳
		۶		۳			۵	
	۷			۱		۸		
	۲			۷				۱
		۴	۱		۲	۵		
۱				۹			۷	
		۲		۴			۸	
	۵			۶		۴		
۸	۴				۳			

خیلی سخت

							۹	
۱				۳	۶			
					۲	۴		۷
		۸	۷			۲	۴	
		۶				۵		
	۵	۴			۱	۳		
۴		۲	۳					
			۴	۸				۳
	۹							

حل جدول سودوکو شماره ۴۸۷۸

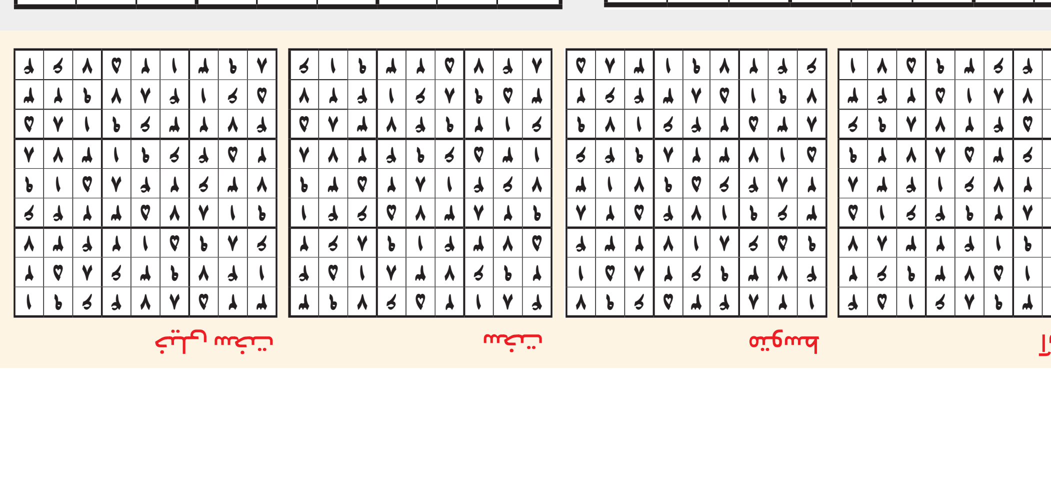

یک جـدول با دو شـرح

۸۸۷۳

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عـادی

افقی:

۱- ششـمین ماه از ماه‌های قمری - حرص، ولع
۲- دربند، گرفتار - احتیاج - پاسبان و نگاه دارنده
۳- ثروتمندترین کشور منطقه آسیای کوچک بود - سازه‌ای معمارانه شبیه نیم‌کره ای توخالی - فناوری اطلاعات
۴- درنده تیزپا - من و شما - آحاد در ریاضی - ییلاق تهران
۵- چشـم دوختن - مؤسسـه نیکـوکاری - می‌گویند نیمی از دیدار است
۶- مصیبت‌ها، گرفتاری‌ها - قشـر و پوسـته - بیماری ریوی خطرناک
۷- دیشـب - جمع قبیله - بـه آن قسـمت از دندان گفته می‌شـود که توسـط مینا پوشیده شـده است
۸- گدا - پدر شعر پارسی - علت، سبب
۹- نهیب - مهارت فوتبالی - مدح شده
۱۰- میوه - جهان - رِوُلْوِر
۱۱- پاندول ساعت - سد شرق تهران - تکبر
۱۲- مخفف دختر - اسـم دخترانه به‌معنی نفس و پناه - اثر خیسی - اکنون
۱۳- نوشیدن پر سر و صدا - گرو گذارنده - درخشندگی
۱۴- جمعه - وسیله ذوب لحیم - اصل و پایه
۱۵- سلاح عقرب - رشته دانشگاهی

عمودی:

۱- مزرعه خیار و هندوانه - محتاج، فقیر
۲- موظف و متصدی - بین پیچ و مهره - آشنا
۳- بیماری قرن - مژده دهنده - کشـور خاستگاه هنرمندان عرصه موسیقی
۴- فارسی امروزی - دوست، یار - پهلوان - ماهی کنسروی
۵- توبره - آبگینه - نیز
۶- یک لحظه - پاسخ دلگرم کننده - نجات یافته
۷- مسابقات سراسری دوره‌ای - نوعی انگور - نهی کننده
۸- جزو زمان - آغاز - شهر «پاکستان»
۹- قبیله‌ای سـاکن ترکسـتان روس - فیلـم بهمن کامیار (روی پـرده سـینما) - از جنس نی
۱۰- مقابل «نادانی» - تلفظ «ش» - کلاه فرنگی
۱۱- دریا - به هدف رسیده - عافیت و تندرستی
۱۲- حـرف قبـل از «خ» - ابر غلیظ - از مصالح سـاختمانی - فلج
۱۳- قوم و قبیله - اثر سوختگی بر پوست - اکنون
۱۴- بازپرس قدیم - مهارتی در والیبال - در حال شیون
۱۵- تنومند - مسدود کردن

جدول ویـژه

افقی:

۱- جاذبـه طبیعـی آذربایجان شـرقی - سـینمای سوخته
۲- عنـوان و نـام کسـی بـر پشـت پاکـت و ماننـد آن - فراموشـکار - مایـه نشـاط و خرمـی دل
۳- زینت انسـان و پشـتوانه ایمـان - تمام کننـده - کتاب رکوردها
۴- دیـوار محکـم - شـخص نامعیـن - ظرف چهـار و نیم لیتـری - مزد
۵- امـر از زیسـتن - بزرگ‌تریـن کاخ سـلطنتی جهـان - درست نویسـی
۶- بدبختی و مرگ - راندن چارپایان - هر فصل بسنا
۷- پارچه‌ای نخی - نرم‌افزار نقشه‌کشی - بی غل‌وغش
۸- صریح - از لایه‌های چشم - اکنون
۹- گشاده - نوعی امتحان - فیلم رضا کیانیان
۱۰- تیر پیکاندار - خطاب بی‌ادبانه - بازار تبادل ارز خارجی
۱۱- حاضر نیست - زمزمه کننده - گیاهی ترش
۱۲- مارکی بر گوشـی - یک بیسـت و چهـارم مثقال - مانع خروش آب - کلرا
۱۳- ناپدید - خراش گاوآهن روی زمین - محله‌ای در مشهد
۱۴- بخت - ورقه نازک آلومینیومی - مرکب دریایی
۱۵- خدمتکار پیر - شرکتی خودروساز

عمودی:

۱- گلر سابق منچستر - رمان «ژان دل آمو»
۲- فقـر و مسـکنت - شـهر اسـتان آذربایجـان غربـی - نقدنویـس
۳- از نام‌هـای خانم‌هـا - به‌هیچ‌وجـه - سـریال سـروش محمدزاده (۱۴۰۳)
۴- اسـتوار - مارکـی بـر کامیون کشـنده - دو تـا الف - نت یکی بـه آخر
۵- اسب اصیل - دارای ارزش و مقام شاهانه - یکدندگی
۶- رود اروپایی - پرنده‌ای حشره‌خوار - موجب بهبود
۷- رنگ - از قبایل ترکمن - بیسکویت ترد
۸- ضعف جسمانی - پاره - درمان
۹- اشـاره و رمز - ارتباط مالی بین بانکی بین‌المللی - جاده آهنی!
۱۰- سوره سی و پنجم - الهه جنگ و پسر زئوس و هرا - قلق
۱۱- از اجزای ویدیو - سمبل - متضاد «بازنده»
۱۲- رنج - دندان افتادنی - فرمانروا - چند نکته
۱۳- پسر مازنی - کال - شهر «لهستان»
۱۴- هر گوشـه زمیـن فوتبال - فیلمی از «انـگ لی» - کتاب «جان گالزورثی»
۱۵- سـبزوار سـابق - راهی که در زیرزمین کنده شود تا آب از آن جریان یابد

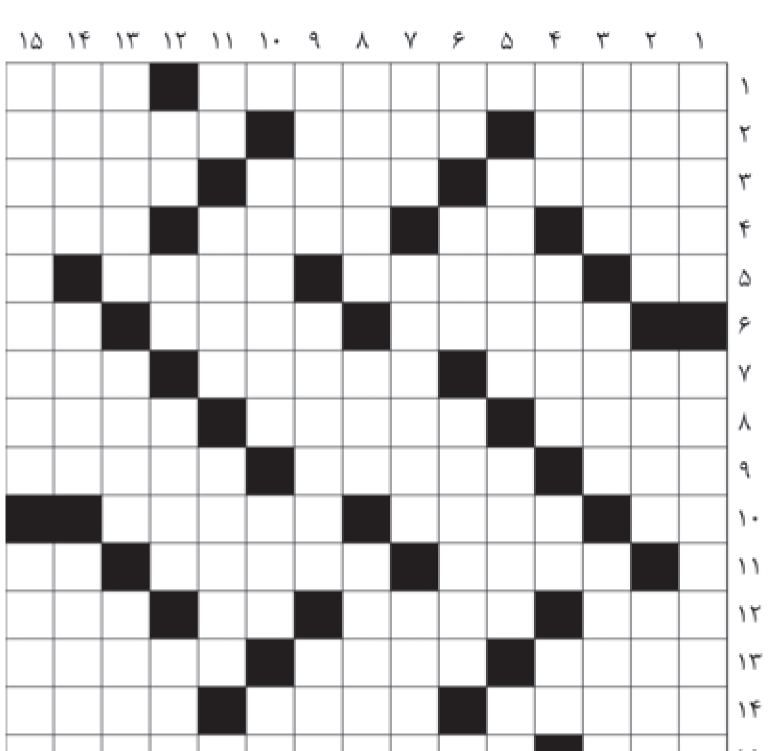

حل جدول عادی شماره ۸۸۷۲

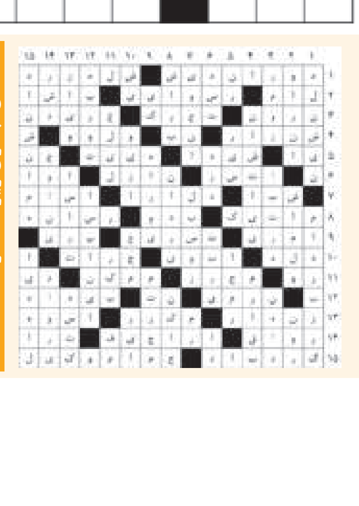

حل جدول ویژه شماره ۸۸۷۲

فوتبال، مرغ تخم طلا و قربانی عزا و عروسی!

سیاوش باقی/ برای سازمان معظم صداوسیما پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات فوتبال سخت است. طبق این قوانین سیما باید بودجه توافق شده با باشگاه‌ها را از سازمان برنامه و بودجه، یعنی در قالب بودجه عمومی کشور، یعنی از جیب و به خرج مردم بگیرد و به باشگاه‌ها بدهد. همان چیزی که سال‌ها سیما دنبالش بود. تازه این قانون با انحصاری کردن پخش فوتبال برای صداوسیما، خیال مدیران سازمان را از هر رقابتی راحت کرده و حالا آنها می‌توانند با خیال راحت و هرجور که دل‌شان می‌خواهد باشگاه‌ها و فوتبال را سر بدوانند و حق طبیعی فوتبال را هرطور دوست دارند و راحتند به صاحبان آن، یعنی باشگاه‌ها و بازیکنان بدهند یا ندهند. این در حالی است که در کشورهای صاحب فوتبال، بزرگترین درآمد باشگاه‌ها از حق پخش تلویزیونی است.

در قوانین و تأکیدات FIFA و AFC هم آمده که برای حرفه‌ای شدن باشگاه‌ها، بخش قابل توجه درآمد آنها باید از حق پخش تلویزیونی باشد. موضوع بدیهی است. مردم فوتبال تماشا می‌کنند و شبکه‌های تلویزیونی بابت این علاقه و سرگرمی یا بطور مستقیم از بینندگان‌شان آبونمان دریافت می‌کنند یا با پخش تبلیغات قبل و بعد و میان بازی کسب درآمد می‌کنند یا هر دو. در اینجا تلویزیون ایران کل بودجه خود را از درآمد عمومی کشور می‌گیرد پس برخلاف آنچه دوستان در این سازمان سعی دارند بگویند، هیچ منت و لطفی نیست که برای مردم کار می‌کنند و برنامه‌ای مثل فوتبال را پخش می‌کنند.

پس درآمدی که از فوتبال کسب می‌کند را باید به فوتبال برگرداند. فوتبال هم برنامه‌ای است که همه زحماتش جای دیگری کشیده می‌شود و تلویزیون فقط چند تا دوربین و یک گزارشگر لازم دارد تا بهترین محصول را به بینندگان ارائه کند. این بهترین و آماده‌ترین نمایش سیما برای پخش است. فوتبال برای تلویزیون مرغ تخم طلاست. جایی است که هم ساعت کنداکتور را با بهترین و پربیننده‌ترین برنامه پرمی‌کنند و هم درآمد تبلیغاتی کلانی از آن دارند.

تلویزیون سال‌هاست می‌خواهد آن درآمد را کلا برای خودش بردارد و برای پرداخت حق پخش یک بار دیگر از بودجه عمومی نیز برداشت نماید، از آن عجایب اتفاقاتی است که چندان معقول به نظر نمی رسد. تازه همه اینها در شرایطی است که تلویزیون برای ساعت برگزاری مسابقات همه تعیین تکلیف می‌کند و می‌گوید بازی‌ها چه ساعتی برگزار شود. تلویزیون سال‌هاست توجهی به درخواست‌های عمومی نکرده و در مسابقات اغلب شهرستان‌ها با دوربین‌های بی‌کیفیت و قدیمی تصویری به مردم ارائه می‌دهد که قابل قبول نیست. همچنین برای پخش فوتبال هم سلایق خودش را عمل می‌کند و اگر نخواهد مثلاً دیدار دو تیم شهرستانی صدر جدول را از شبکه‌های سه و ورزش پخش نمی‌کند و همه را به شبکه‌های شهرستانی احاله می‌دهد.

تلویزیون برای پخش مسابقات خارجی هم، با وجود درآمدزا بودنش، معمولا حق پخشی نمی پردازد. همین حالا پلتفرم‌های مختلف، تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا همه مسابقات مهم و همزمان را نمایش دهند و به مردم حق انتخاب بدهند.

لطفی هم نمی‌کنند و پولش را درمی‌آورند. اما سیما همین کار را هم نمی‌کند. فوتبال محدود شده به شبکه ورزش و شبکه ۳ تا در بهترین حالت دو مسابقه پوشش داده می شود.

چرا سیما نمی‌تواند از همه آن شبکه‌های کم بیننده چند تا را بگذارد که ساعت خلوت آخر شب مسابقات متعدد فوتبال اروپا را نمایش دهند و مردم خودشان انتخاب کنند. بله درست است. چون سیما ظاهرا فوتبال را خیلی جدی نمی گیرد. به آن نشانی که برخی مدیران کمترین اهمیت را می‌دهند که گزارشگران‌شان چقدر مقبول‌اند و چقدر نیاز به تغییر دارند. فوتبال مرغ تخم طلای سیماست ولی همین مرغ را در عزا و عروسی قربانی می کنند.

«ایران» لایحه پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی توسط صدا و سیما را بررسی می کند

پایان ۲۴ سال انتظار

سینا حسینی/ از اوایل دهه ۸۰، باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس که به دلیل وابستگی شدید به بودجه‌های دولتی با بحران‌های متعددی مواجه بودند، برای اولین‌بار موضوع دریافت حق پخش تلویزیونی را مطرح کردند. با این حال، مدیران وقت رسانه ملی نه‌تنها زیر بار پرداخت حق پخش به باشگاه‌های فوتبال نرفتند، بلکه با طرح این استدلال که «پخش مسابقات ورزشی از جمله خدمات رایگان و عمومی این رسانه است»، خود را از هرگونه الزام به پرداخت وجه به باشگاه‌های ورزشی مبرا دانستند.

با وجود این، مدیران استقلال و پرسپولیس همچنان بر لزوم پیگیری قانونی این مطالبه پافشاری کردند. آنها معتقد بودند همان‌گونه که در سراسر دنیا رسانه‌ها بابت پخش مسابقات ورزشی هزینه پرداخت می‌کنند، تلویزیون نیز باید این مسئولیت را بر عهده بگیرد. اما نه‌تنها این فشارها به نتیجه نرسید، بلکه در برخی موارد، تعدادی از باشگاه‌ها برای پخش زنده بازی‌های خود در شبکه‌های استانی مجبور به پرداخت هزینه نیز شدند. به این ترتیب، مسأله حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی، بویژه در فوتبال، به یکی از چالش‌های جدی و مزمن ورزش ایران تبدیل شد.

در اواسط دهه ۸۰ فدراسیون فوتبال نیز وارد این کارزار شد و تأکید کرد که رسانه ملی باید حق فوتبال را بپردازد. با این حال، مقاومت در صدا و سیما مانع از تحقق این مطالبه قانونی و منطقی شد. این کشمکش‌ها تا اوایل دهه ۹۰ ادامه یافت؛ تا جایی که در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ فدراسیون فوتبال در واکنش به عدم پرداخت حق پخش، مانع از ورود دوربین‌های تلویزیونی به ورزشگاه‌ها شد و برخی مسابقات با تأخیر روی آنتن رفتند.

پس از بالا گرفتن این اختلافات، دولت و مجلس برای حل ماجرا وارد عمل شدند، اما میانجی‌گری آنها نیز نتوانست گره پرداخت حق پخش تلویزیونی را باز کند. همین موضوع، ضرورت تصویب قانون نظام جامع باشگاه‌داری را بیش از پیش آشکار ساخت. در نهایت، با ارائه لایحه نظام جامع باشگاه‌داری، قانون پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی به تصویب رسید و پس از حدود ۲۴ سال، قفل پرونده پرداخت حق پخش مسابقات ورزشی گشوده شد.

هرچند برخی کارشناسان همچنان به مدل فعلی پرداخت انتقادهایی جدی وارد می‌دانند. این در حالی است که هیأت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، در جلسه‌ای فوق‌العاده دیروز خود بررسی لایحه «نظام جامع باشگاه‌داری جمهوری اسلامی ایران» را ادامه داد و با تأیید پاره‌ای از مواد، برخی مواد این لایحه از جمله ماده ۱۷ که مربوط به حقوق تولید و پخش تلویزیونی، حقوق چندرسانه‌ای، بهره‌برداری از نشان باشگاه‌ها (آرم‌ها) می‌پردازد را مبهم و مغایر سیاست‌های کلی دانست. به منظور واکاوی دقیق‌تر این موضوع، به سراغ کارشناسان و صاحبنظران رفتیم تا ابعاد مختلف مسأله را به‌صورت تخصصی بررسی کنیم.

حق پخش عامل توسعه ورزش

سید میلاد تقوی
رئیس فدراسیون والیبال

مهری رنجبر/ تحقق حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی برای فدراسیون‌ها، اقدامی بسیار مطلوب و ایده‌آل است. ما نیز در فدراسیون والیبال انتظار داریم این حق قانونی و منطقی در آینده نزدیک به تمامی رشته‌ها تسری یابد. همین‌که اجرای آن از فوتبال آغاز شده، خود اتفاقی مثبت و امیدوارکننده است؛ هرچند فوتبال، رشته‌ای کاملاً متمایز و غیرقابل مقایسه با سایر ورزش‌ها به شمار می‌آید. در هر کشور، رشته‌هایی وجود دارند که به‌نوعی هویت ورزشی آن کشور را نمایندگی می‌کنند.

در ایران نیز ورزش‌هایی چون کشتی، وزنه‌برداری و تکواندو در سطح جهانی خوش درخشیده‌اند. خوشبختانه تیم ملی والیبال مردان ایران نیز امروز در جمع قدرت‌های برتر جهان قرار دارد و تیم ملی زنان نیز روزبه‌روز پیشرفت بیشتری از خود نشان می‌دهد.

طبیعی است که دریافت حق پخش برای تمامی رشته‌ها به‌صورت همزمان امکان‌پذیر نیست و باید بر اساس اولویت‌ها و میزان مخاطبان هر رشته، این روند به‌تدریج اجرا شود.

در این میان، حمایت از باشگاه‌ها و تقویت منابع مالی پایدار اهمیت ویژه‌ای دارد. بدون تردید، درآمد حاصل از حق پخش تلویزیونی می‌تواند تأثیر چشمگیری در پیشبرد اهداف فدراسیون‌ها و توسعه رشته‌های ورزشی داشته باشد.

تا این لحظه، فدراسیون والیبال جلسه‌ای رسمی با سازمان صدا و سیما در زمینه دریافت حق پخش نداشته است، اما در حال بررسی دقیق قوانین و پیشنهادهای مرتبط هستیم. اطمینان دارم که اعطای حق پخش در نهایت محقق خواهد شد.

البته باید پذیرفت که فوتبال، به‌دلیل شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی خود، جایگاهی متفاوت از سایر رشته‌ها دارد. تفاوت سطح هواداری میان فوتبال و دیگر رشته‌ها نیز انکارناپذیر است. با این حال، بازی‌های حساس والیبال ایران در رقابت‌های بین‌المللی همواره با استقبال گسترده‌ای مواجه شده است، هرچند مقایسه آن با فوتبال منصفانه نیست. در نهایت، باور دارم عدالت در اجرای حق پخش آن است که هر رشته به تناسب میزان هواداران و مخاطبان خود سهم ببرد. من این سخن را در مورد فوتبال می‌گویم و امیدوارم دیگر رشته‌ها نیز درباره والیبال چنین نگاه منصفانه‌ای را داشته باشند.

لایحه نظام جامع باشگاه‌داری، موفقیتی بزرگ برای ورزش ایران است

اخلاقی امیری: پرداخت حق پخش اقتصاد ورزش را احیا می کند

گروه ورزشی / عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با اشاره به تصویب لایحه پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی توسط صدا و سیما به باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی توضیح داد: «این اتفاق بدون تردید یکی از موفقیت‌های دولت و مجلس در جهت حمایت از بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه به شمار می‌رود که می‌تواند منشأ خدمات فراوانی در این بخش باشد.»

حسن‌علی اخلاقی امیری در ادامه توضیح داد: «ما هرچه به مجموعه‌های خصوصی در کشور اعتماد کنیم، می‌توانیم در حوزه نظارت و کارهای ستادی شاهد موفقیت‌های بیشتری از دولت باشیم. در لایحه نظام جامع باشگاه‌داری، مردم در درجه اول مورد توجه قرار دارند. ما برای اینکه جامعه‌ای پویا و بانشاط داشته باشیم، باید توجه ویژه‌ای به سازمان‌های مردم‌نهاد و فدراسیون‌های ورزشی داشته باشیم. لایحه نظام باشگاه‌داری از دیدگاه من، توجه دوباره به ورزش ایران پس از ۴۰ سال است؛ اتفاقی مبارک و امیدبخش.»

وی در ادامه توضیح داد: «در بخش‌هایی از این لایحه تلاش شده تا برای سرمایه‌گذاران در حوزه ورزش، مشوق‌های ایده‌آلی در نظر گرفته شود تا آنها تشویق به فعالیت بیشتر در زمینه ایجاد زیرساخت‌های ورزشی شوند. اما در کنار آن، موضوع حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی نیز به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته تا بتوانیم بر اساس ضوابط و مقررات قانونی، از باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی حمایت لازم را به‌عمل آوریم.»

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از توضیحات خود می‌گوید: «قانون پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی، سرآغاز یک تحول بزرگ است. ما همواره تأکید کرده‌ایم که دولت نباید متولی‌گری داشته باشد. از طرفی، کمک مستقیم بخش دولتی به ورزش را نیز ممنوع کردیم؛ بنابراین لازم بود مسیری برای دسترسی به درآمد مشروع برای فدراسیون‌های ورزشی و باشگاه‌ها ایجاد شود. این مسیر، در قالب دریافت حق پخش تلویزیونی تعریف شد تا باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها، بویژه در این دوره که با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند، بتوانند از منابع درآمدی پایداری بهره‌مند شوند. از این‌رو به اعتقاد من، تصمیم دولت در این باره اقدامی منطقی و ایده‌آل بود که با همراهی مجلس به سرانجام رسید.»

اخلاقی امیری در ادامه توضیح داد: «با تصویب این قانون، باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی با دریافت درآمد حاصل از حق پخش تلویزیونی مسابقات، از نظر اقتصادی احیا می‌شوند. این اتفاق، برای داشتن جامعه‌ای شاداب، پویا و با نشاط، بسیار حائز اهمیت است.»

وی در واکنش به برخی ایرادها از سوی کارشناسان مبنی بر اینکه چرا باید حق پخش تلویزیونی با کمک سازمان برنامه و بودجه در سال اول اجرا شود، می‌گوید: «این لایحه همچنان در حال تکمیل است. بهتر است اجازه دهیم مراحل نهایی آن انجام شود؛ پس از آن می‌توان درباره جزئیات، مشکلات احتمالی و نحوه پرداخت‌ها به‌صورت دقیق‌تر صحبت کرد.»

پخش مسابقات توسط صداوسیما رایگان نیست

پوردهقان: حق پخش تلویزیونی نباید از جیب مردم پرداخت شود

گروه ورزشی / عضو فراکسیون ورزش مجلس شورای اسلامی با اشاره به وجود ایرادهای متعدد در قانون پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات توسط صدا و سیما توضیح داد: «برای نمایندگان مجلس در مقطع کنونی مهم بود که قانون پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی توسط صداوسیما در صحن مجلس تصویب شود تا حقوق ورزشکاران و باشگاه‌ها احصا شود، طبعا امکان بازنگری و اصلاح در ساختار این قانون وجود دارد.»

مصطفی پوردهقان، عضو فراکسیون ورزش مجلس، در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» ادامه داد: «ما برای این لایحه وقت بسیار زیادی گذاشتیم. من به عنوان مخالف این قانون تأکید داشتم که صداوسیما اصرار دارد مسابقات را به صورت رایگان پخش کند، در حالی که هزینه‌های صداوسیما از بودجه عمومی تأمین می‌شود؛ بنابراین، رایگان بودن پخش مسابقات معنا و مفهوم ندارد.»

وی در ادامه می‌گوید: «این قانون می‌تواند تحولی بزرگ در زمینه ایجاد زیرساخت‌های ورزشی توسط فدراسیون‌ها و باشگاه‌های ورزشی ایجاد کند، به شرطی که حق پخش واقعی مسابقات توسط صداوسیما پرداخت شود. آقایان رفت‌وآمدهای متعددی به مجلس داشتند و تأکید می‌کردند که درآمدهای صداوسیما برای سرمایه‌گذاری هزینه نمی‌شود، بلکه صرف هزینه‌های جاری، ایجاد زیرساخت در مرکز استان‌ها و تولیدات این سازمان می‌شود؛ به همین دلیل، بودجه مازادی برای پرداخت حق پخش تلویزیونی وجود ندارد. اما این مسأله مورد قبول افکارعمومی نیست. از طرفی، صداوسیما باید به سمت کاهش هزینه‌ها و چابک‌سازی برود. من به همین دلیل مخالف این قانون بودم، زیرا در مقطع کنونی، هزینه حق پخش تلویزیونی مسابقات از جیب مردم پرداخت می‌شود، در حالی که این اتفاق قابل قبول نیست.»

پوردهقان در بخش دیگری از گفت‌وگو بیان کرد: «دولت در مقطع کنونی با کسری بودجه مواجه است و ما بار مالی پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات را نیز به میزان کسری بودجه اضافه کرده‌ایم، در حالی که این اقدام اصلاً منطقی نیست. اما نمایندگان اصرار داشتند که ابتدا قانون پرداخت حق پخش، که حق واقعی باشگاه‌ها و فدراسیون‌هاست، تصویب شود و سپس به اصلاح آن پرداخته شود. من هم موافق این نظر هستم، اما ای کاش از همان ابتدای کار قانون به درستی تهیه می‌شد تا بعدها دچار چالش نشویم. در مجموع، این قانون از نظر من خوب است، به شرط آنکه موانع آن برطرف شود.»

باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها با لایحه دولت به حق واقعی خود دسترسی پیدا کردند

راستینه: حق پخش تلویزیونی حق مشروع ورزش ایران است

گروه ورزشی / عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با اشاره به تصویب لایحه پیشنهادی دولت در مجلس می‌گوید: «این اقدام صرفاً برای احقاق حقوق مادی و معنوی باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی از سوی دولت و مجلس انجام شد تا باشگاه‌ها به معنای واقعی از حقوق خود در این حوزه بهره‌مند شوند.»

احمد راستینه، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، درباره اهمیت موضوع پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی توسط صداوسیما و اقدام دولت و مجلس در راستای اجرایی شدن این قانون، به خبرنگار «ایران» توضیح داد: «بر اساس قانون نظام جامع باشگاه‌داری در ایران، باشگاه‌های ورزشی جزو ذی‌نفعان موضوع حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی به شمار می‌آیند. همان‌طور که در سراسر دنیا باشگاه‌ها از منافع حق پخش تلویزیونی مسابقات برخوردار هستند، ضرورت ایجاب می‌کرد این موضوع در ایران نیز به صورت قانونمند انجام شود تا باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی از این حق مشروع خود منتفع شوند.»

وی در ادامه می‌گوید: «با در نظر گرفتن این مسأله مهم، پس از سال‌ها، توافق نهایی میان دولت و مجلس انجام شد تا صداوسیما بر اساس قانون، از محل درآمدهای خود سهم باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی را نیز پرداخت کند. اکنون لازم است با انجام مراحل اولیه، پیش‌نویس آیین‌نامه پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی با توافق میان دو وزارتخانه ورزش و جوانان و فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین صداوسیما تهیه شود تا پس از سال‌ها، گره کور پرونده حق پخش تلویزیونی مسابقات باز شود و باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی به حق واقعی خود دست یابند.»

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در بخش دیگری از سخنان خود توضیح داد: «برای جلوگیری از ایجاد مشکل در اجرای پرداخت حق پخش تلویزیونی در سال اول، از دولت خواستیم با همکاری سازمان برنامه و بودجه، رقم مشخصی در بودجه سنواتی صداوسیما تعیین شود تا مانعی برای پرداخت این مبلغ به باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها ایجاد نشود. قرار است دو وزارتخانه مذکور و صداوسیما در این خصوص تصمیم‌گیری نهایی را انجام دهند.»

نماینده مردم شهرکرد در مجلس شورای اسلامی، همچنین توضیح داد: «نکته مهمی که دولت و مجلس در تصویب این قانون مدنظر داشتند، توجه به منابع درآمدی باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی بود تا آنها پس از سال‌ها بتوانند به حقوق قانونی خود دسترسی داشته باشند و مانند سایر کشورها از این درآمد کاملاً مشروع، بهره‌مند شوند. امروز صداوسیما موظف است برای پوشش تصویری، ضبط و پخش مسابقات چه در رسانه ملی و چه در فضای مجازی، خدمات رایگان ارائه دهد، اما در عین حال از محل درآمدهای خود در این حوزه باید سهم باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها را طبق آیین‌نامه مصوب پرداخت کند. حالا ورزشی‌ها شریک درآمدزایی صداوسیما خواهند بود.»

راستینه در پایان توضیح داد: «همزمان با این اقدامات، لایحه مربوط به پرداخت حق پخش تلویزیونی به مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان نیز ارسال شده است تا پس از تصویب نهایی، فرآیند تحقق این موضوع به صورت کامل انجام شود. مطمئناً در هفته‌های آتی و پس از تأیید نهایی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان، اطلاع‌رسانی کامل در این خصوص صورت خواهد گرفت تا مردم و افکار عمومی در جریان جزئیات آن قرار گیرند.»

با حق پخش تلویزیونی، ورزش ایران قوی می‌شود

جواد داوری
رئیس فدراسیون بسکتبال ایران

پریسا غفاری/ تحقق پرداخت حق پخش تلویزیونی به فدراسیون‌ها سرمنشأ اتفاقات مثبتی در ورزش ایران است. رادیو و تلویزیون از مسابقات زنده ورزشی به‌عنوان برنامه‌های آماده استفاده می‌کنند و با توجه به علاقه جهانی به ورزش، در جریان پخش این مسابقات، اقدام به پخش آگهی‌های بازرگانی می‌کنند و از این طریق سود کلانی نیز به دست می‌آورند. بدیهی است که هرچه مسابقه جذاب‌تر و تعداد مخاطبان رادیو و تلویزیونی آن بیشتر باشد، ارزش مالی قرارداد حق پخش نیز افزایش می‌یابد؛ به همین دلیل حق پخش مسابقات فوتبال از سایر رشته‌های ورزشی بیشتر است.

اما همان‌طور که در جلسات بین شورای راهبردی صدا و سیما و وزیر ورزش مطرح شد، به علت جذابیت سه رشته فوتبال، بسکتبال و والیبال، درصد بیشتری از حق پخش تلویزیونی به این فدراسیون‌ها تعلق می‌گیرد. برنامه‌ریزی این موضوع نیز مربوط به دوران پیش از «جنگ تحمیلی ۱۲ روزه» است که وقفه ایجادشده در آن، تصویب قانون و آیین‌نامه‌اش را در مجلس به تعویق انداخت. در حال حاضر، نیز منتظر اطلاع‌رسانی وزارت ورزش در این خصوص هستیم.

تحقق حق پخش تلویزیونی یک موضوع کلان است و نمی‌توان آن را در یک یا دو جمله خلاصه کرد، اما در بسکتبال با تشکیل اتحادیه لیگ، باید باشگاه‌ها را درگیر کنیم تا آنها نیز سهام‌دار شوند و بتوان سرمایه‌گذاران بیشتری را به سمت این رشته جذب کرد. با این کار، باشگاه‌ها قوی‌تر می‌شوند، مربیان حرفه‌ای‌تر و بازیکنان خارجی بهتری جذب می‌شوند و انگیزه تیم‌داری نیز افزایش پیدا می‌کند.

با ورود خالق «چت‌جی‌پی‌تی» به حوزه رابط مغز- رایانه

رقابت «ایلان ماسک» و «سم آلتمن» داغ شد

فناوری

محبوبه ستارزاده
گروه علم و فناوری

درحالی که تاکنون «ایلان ماسک» به عنوان پیشرو در حوزه تبدیل افکار به عمل در قالب پروژه «نورالینک» و ایجاد رابط مغز به رایانه شناخته می‌شد، حالا به نظر می‌رسد «سم آلتمن»، مدیرعامل Open AI وارد رقابتی داغ با این میلیاردر دنیای فناوری شده و برنامه‌ای ویژه برای ادغام انسان و هوش مصنوعی دارد.

یک پروژه بلندپروازانه

دنیای فناوری مملو از اخباری است که می‌توانند نحوه تعامل ما با رایانه‌ها را اساساً تغییر دهند. به‌تازگی خبرهایی از تازه‌ترین پروژه «سم آلتمن» منتشر شده که نشان می‌دهد خالق «چت‌جی‌پی‌تی» درحال مذاکره برای تأسیس «Merge Labs»، یک استارتاپ رابط مغز به رایانه است که انتظار می‌رود حدود ۸۵۰ میلیون دلار ارزش داشته باشد. البته فایننشال تایمز پیش از این گزارش داده بود که Merge Labs حدود ۲۵۰ میلیون دلار از صندوق سرمایه‌گذاری OpenAI جذب خواهد کرد. در واقع آلتمن یکی از بنیانگذاران این شرکت خواهد بود، اما در فعالیت‌های روزمره این استارتاپ حضور ندارد. این پروژه بلندپروازانه با این هدف اجرا می‌شود که به انسان‌ها اجازه دهد دستگاه‌های دیجیتال را تنها با استفاده از افکارشان کنترل کنند بدون اینکه متحمل جراحی سنگین شوند.

نام شرکت Merge از چیزی گرفته شده است که بسیاری در «سیلیکون ولی»، آن را «ادغام» می‌نامند؛ لحظه‌ای که انسان‌ها و ماشین‌ها با هم متحد می‌شوند. نتیجه کاشت تراشه درمغز ۷ بیمار که تاکنون در پروژه نورالینک حضور یافته‌اند رضایتبخش بوده است؛ یکی از آنها تنها با «تله‌پاتی» و استفاده از افکارش، موفق به انجام بازی جنگی Count-er-Strike 2 ازطریق ارتباط چشمی با کامپیوتر شد. دیگری شطرنج بازی کرد و یک نفر هم موفق شد پس از ۸ سال راه برود و به لطف این تراشه کوچک که اندازه یک سکه است، وسایل الکترونیکی را کنترل کند. الکترودهای کاشته شده در مغز بیش از ۶۰ رشته فوق باریک و نازک‌تر از موی انسان دارند و با نظارت بر فعالیت مغز، سیگنال‌ها را به دستوراتی قابل شناسایی کامپیوتر تبدیل می‌کنند. یک تراشه تخصصی با پردازش داده‌های این سیگنال‌های عصبی، اطلاعات را به صورت بی‌سیم به دستگاه‌های بیرونی منتقل می‌کند. سپس نرم‌افزار، آنها را به دستوراتی قابل فهم برای حرکت دادن نشانگر موس، اجرای بازی‌های ویدیویی یا کنترل سایر دستگاه‌ها تبدیل می‌کند. درواقع، این تراشه به طور مستقیم به مغز انسان متصل می‌شود و سیگنال‌های عصبی را از مغز به دستگاه‌های الکترونیکی مانند کامپیوتر یا گوشی هوشمند منتقل می‌کند.

بزرگراه مستقیم بین فکر و کامپیوتر

اما با وجود موفقیت‌های «ایلان ماسک»، همچنان نگرانی‌هایی برای سلامت بیماران وجود دارد. در مقابل، فناوری «سم آلتمن» با خواندن سیگنال‌های الکتریکی از مغز و ترجمه آنها به دستورات دیجیتال کار می‌کند و کم خطر است. مهم‌ترین وجه تمایز پروژه جدید، این است که نیازی به کاشت تراشه در مغز ندارد و از یک روش کمتر تهاجمی بهره گرفته است. درواقع می‌توان این فناوری را یک بزرگراه مستقیم بین افکار و دستگاه‌ها در نظر گرفت و هدف اصلی هم این است که به انسان‌ها اجازه دهند دستگاه‌های دیجیتال را با افکار خود کنترل کنند.

مدیرعامل کمپانی مطرح Open AI، قرار است بیشترین سرمایه مورد نیاز استارتاپ «Merge Labs» را تأمین کند. خالق «چت جی پی تی» برای تضمین موفقیت پروژه جدید خود، از بزرگان حوزه زیست مولکولی بهره گرفته و قرار است با «میخائیل شاپیرو» همراهی کند که تاکنون جوایز متعددی در حوزه زیست‌مولکولی به خود اختصاص داده است. هرچند هنوز عنوان رسمی «شاپیرو» مشخص نیست ولی منابع می‌گویند که او بخشی از تیم بنیانگذار Merge خواهد بود و نقشی راهبردی در مذاکره با سرمایه‌گذاران دارد. همچنین گفته می‌شود «آلتمن» از «الکس بلانیا»، مدیرعامل کمپانی Tools for Humanity که قبلاً با نام World شناخته می‌شد و پروژه احراز هویت دیجیتال از طریق اسکن عنبیه را دنبال می‌کند، کمک خواهد گرفت.

در روش جدید، خبری از جراحی و کاشت تراشه در مغز نخواهد بود و به نظر می‌رسد با توجه به تخصص «شاپیرو»، از امواج فراصوت به این منظور استفاده شود. این مهندس زیست مولکولی که پرونده‌ای موفق در مؤسسه تکنولوژی کالیفرنیا (Caltech) دارد، با پیشگامی در حوزه زیست مولکولی، برای تصویربرداری و کنترل عصبی، بر تکنیک‌های غیرتهاجمی تمرکز ویژه دارد. هرچند هنوز اخباری به صورت رسمی منتشر نشده، اما شنیده‌ها حاکی است با توجه به اینکه این محقق کارهای گسترده‌ای در زمینه ژن‌درمانی برای تعامل سلول‌ها با امواج فراصوت انجام داده، در استارتاپ «Merge Labs» هم احتمالاً بدون نیاز به جراحی باز جمجمه، از امواج فراصوت استفاده می‌شود.

«شاپیرو» به‌تازگی در یک سخنرانی درباره چگونگی استفاده از امواج صوتی و میدان‌های مغناطیسی برای ایجاد رابط مغز و کامپیوتر گفت: «به جای چسباندن الکترودها به بافت مغز، با کمک ژن درمانی، سلول‌ها را نسبت به امواج فراصوت پاسخگو خواهیم کرد. مأموریت من توسعه راه‌هایی برای ارتباط با نورون‌ها در مغز و سلول‌های سایر نقاط بدن با روشی کمتر تهاجمی است. من قطعاً چیزی را در مغز نمی‌کارم که مانند رابط نورالینک، نورون‌ها را از بین ببرد. می‌خواهم در نهایت به جایی برسیم که وقتی به چیزی فکر می‌کنیم، «چت جی پی تی» بتواند به آن پاسخ دهد. محققان معتقدند کم کم به مرحله‌ای نزدیک می‌شویم که رابط‌های سنتی مانند صفحه کلید و صفحه لمسی قدیمی به نظر می‌رسند و می‌توان گفت در حال ورود به دورانی هستیم که قابلیت‌های هوش مصنوعی به سرعت در حال پیشرفت هستند و گلوگاه هم سرعت تعامل انسان‌ها با این سیستم‌ها خواهد بود.

6G دروازه عصر نوین اقتصاد دیجیتال

یادداشت

حیدر ربیعی
استاد دانشگاه تهران

با ثبت اولین آزمایش موفق فناوری نسل ششم ارتباطات، گامی تاریخی در مسیر تحول زیرساخت‌های دیجیتال و شتاب‌بخشی به اقتصاد داده‌محور برداشته شد. در این طرح پژوهشی که با همکاری شرکت مخابراتی «e& UAE» و دانشگاه نیویورک ابوظبی انجام شد، انتقال داده در فرکانس‌های تراهرتز به سرعت ۱۴۵ گیگابیت در ثانیه رسید؛ رخدادی که نقطه عطفی در پیشرفت ارتباطات فوق‌سریع و شکل‌گیری نسل تازه اقتصاد دیجیتال به شمار می‌آید. این دستاورد نشان می‌دهد فناوری ارتباطی نوین، دیگر صرفاً ابزاری فنی نیست، بلکه زیربنای نظام اقتصادی آینده است که بر جریان لحظه‌ای داده و ارزش در شبکه‌های هوشمند استوار خواهد شد.

فناوری 6G هنوز در مرحله تحقیقاتی قرار دارد و بر پایه فرکانس تراهرتز و هوش مصنوعی شبکه‌ای طراحی می‌شود. ماهیت آن نیز انتقال داده‌های حجیم با تأخیر نزدیک به صفر و مصرف انرژی پایین در فواصل کوتاه است؛ ویژگی‌هایی که پایه شکل‌گیری زیرساخت اقتصاد خودکار، تعامل میان ماشین‌ها و پردازش هوشمند اطلاعات خواهد بود. در این چشم‌انداز، ارتباطات تراهرتز نه فقط سرعت بخشیدن به داده را هدف می‌گیرد، بلکه یک مسیر توزیع ارزش اقتصادی جدید را باز می‌کند که از ظرفیت الگوریتم‌های تحلیل و تصمیم‌سازی آنی تغذیه می‌شود. در چهارچوب تحول اقتصاد دیجیتال، چنین پیشرفت‌هایی نقشی راهبردی در تعریف مجدد ساختار ارزش دارند. سرعت و دقت انتقال اطلاعات، اکنون به عامل اصلی خلق ثروت در صنایع پیشرفته، خدمات مالی مبتنی بر داده و شبکه‌های هوش مصنوعی بدل شده است. فناوری‌های مبتنی بر باند تراهرتز می‌توانند سطح اعتماد دیجیتال و شفافیت مالی را افزایش و هزینه تراکنش‌های داده‌ای را کاهش دهند و جریان سرمایه‌گذاری را به سمت نوآوری‌های الگوریتمی هدایت کنند. به این ترتیب ارتباطات نسل ششم مقدمه‌ای برای ظهور مالی دیجیتال خواهد بود؛ نظامی که در آن فرآیندهای ارزیابی، تضمین و مبادله اقتصادی با داده‌های آنی و شبکه‌های هوشمند انجام می‌گیرد. هرچند این آزمایش هنوز در مرحله تحقیقاتی است و به معنای ورود تجاری 6G نیست، اما اهمیت آن در جهت‌گیری آینده اقتصاد واضح است. پیوند میان پژوهش دانشگاهی، سرمایه‌گذاری خصوصی و سیاست‌گذاری فناوری، زمینه شکل‌گیری اکوسیستمی را فراهم می‌کند که در آن، انتقال داده برابر با انتقال ارزش خواهد بود. از این منظر، آزمایش تراهرتز نه فقط پیشرفت ارتباطی، بلکه نشانه آغاز مرحله‌ای تازه در اقتصاد دیجیتال است؛ مرحله‌ای که در آن منطق ارزش، بر داده، اعتماد الگوریتمی و ارتباطات هوشمند استوار خواهد بود.

حوزه فاوا

■ وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در حاشیه جلسه هیأت دولت، در پاسخ به سؤالی درباره افزایش تعرفه اپراتورها گفت: «ما در سنوات گذشته با سیاست سرکوب تعرفه مواجه بودیم و در حال حاضر اپراتورها به جد دنبال این هستند که برای توسعه کارهای خود، تعرفه‌ها متناسب‌سازی شود.» ستار هاشمی افزود: «۶۵ درصد هزینه اپراتورها، ارزی است و با توجه به افزایش قیمت ارز در سال‌های گذشته، هزینه‌های اپراتورها و توسعه ارتباطات در کشور به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. جنس درخواست اپراتورها قابل تأمل است و ما این درخواست را به سازمان تنظیم مقررات ارتباطات رادیویی ارجاع دادیم که جلسات مفصلی با اپراتورهای مختلف انجام شده اما سیاست کلی ما این است که حتماً باید مراقبت کنیم تا هزینه‌های نامتعارف به مردم تحمیل نشود.» وزیر ارتباطات همچنین یادآور شد: «دریافت هزینه جدید برای اتصال به فیبر نوری غیرقانونی است و طبق مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات، مشوق‌هایی برای اتصال مشترکان به فیبر نوری در نظر گرفته شده است. البته اگر کاربر خدمات ویژه‌ای درخواست کند، هزینه آن با تعرفه‌های اعلامی قابل دریافت است.»

■ احسان چیت‌ساز، معاون وزیر ارتباطات گفت: «استارتاپ‌های کوچک و مستقل به دلیل نبود جایگاه در زنجیره ارزش، به تنهایی نمی‌توانند اشتغال پایدار یا توسعه قابل توجهی ایجاد کنند. از این رو، راهبرد ما توسعه شرکت‌های بزرگ و هدایت اکوسیستم هوش مصنوعی کشور حول این ساختار است. در این راستا، اپراتور هوش مصنوعی در کمیسیون تنظیم مقررات رگوله شده و شرکت‌ها می‌توانند موافقت اصولی فعالیت در این حوزه را دریافت کرده و پس از طی مراحل لازم، آن را به «پروانه اپراتور هوش مصنوعی» تبدیل کنند.»

از هوش مصنوعی چه خبر؟

■ PayPal و OpenAI قراردادی امضا کرده‌اند تا کیف پول دیجیتال PayPal در «چت جی پی تی» ادغام شود و کاربران بتوانند خریدهای خود را از طریق این ابزار انجام دهند. این خبر باعث افزایش ۱۴ درصدی ارزش سهام PayPal در معاملات پیش بازار شد.

■ شرکت کوالکام، طراح برجسته تراشه‌های گوشی‌های اندرویدی مانند سامسونگ و شیائومی، قصد دارد با معرفی تراشه‌های هوش مصنوعی AI200 و AI250، وارد بازار تراشه‌های هوش مصنوعی شود. این اقدام، چالشی مستقیم برای تسلط بی‌رقیب انویدیا در این حوزه است.

■ شرکت اوپن‌ای‌آی به تازگی اولین آمار خود را درباره تعاملات مشکل‌ساز کاربران با «چت جی پی تی» منتشر کرده که بر اساس آن، هر هفته بیش از یک میلیون کاربر در چت‌های خود، نشانه‌هایی از برنامه‌ریزی یا تمایل بالقوه به خودکشی بروز می‌دهند.

کوتاه از فناوری

■ تیم امنیت شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) در پست جدیدی اعلام کرده این پلتفرم به دنبال بازنشسته کردن دامنه توئیتر است. بنابراین کسانی که از کلیدهای امنیتی سخت‌افزاری مانند YubiKey یا passkey برای تأیید هویت خود استفاده می‌کنند، باید تا ۱۰ نوامبر (۱۹ آبان) برای ثبت مجدد آن براساس دامنه x.com اقدام کنند تا از قفل شدن حساب آنها جلوگیری شود.

■ محققان آلمانی موفق به ساخت کوچک‌ترین پیکسل جهان با اندازه ۳۰۰ در ۳۰۰ نانومتر شدند. این پیکسل نوعی LED ارگانیک است که بیش از ۱۰ برابر کوچک‌تر از میکرو OLED‌های موجود بوده و در صورت تجاری‌سازی می‌تواند نمایشگری با وضوح 1080p با عرض تنها یک میلی‌متر ایجاد کند.

■ گوگل روز گذشته به‌صورت رسمی از Gemini for Home، نسل جدید دستیار صوتی مبتنی بر هوش مصنوعی خود برای خانه‌های هوشمند، رونمایی کرد و این محصول حالا به صورت آزمایشی در اختیار کاربران در آمریکا قرار گرفته است. این تغییر به‌طور کامل دستیار گوگل را با فناوری گفت‌وگوی طبیعی و پیشرفته هوش مصنوعی جمینای جایگزین می‌کند.

کهکشان

■ محققان چینی در نمونه‌های مأموریت چانگ‌ای۶ از سمت پنهان ماه، ذراتی از شهاب‌سنگ نادر «کندریت کربنی» (CI chondrite) کشف کردند که حاوی آب است. این ذرات منشأ سیارکی دارند و میلیاردها سال پیش به ماه برخورد کرده‌اند.

■ پسر ۱۲ ساله‌ای از شهر لندن در استان انتاریو (در غرب تورنتو)، در ماه سپتامبر دو سیارک احتمالی را در قالب یک برنامه علمی شهروندی که با ناسا همکاری دارد، شناسایی کرد.

روبات

■ محققان آکادمی هوش مصنوعی پکن (BAAI) یک روبات انسان‌نما را آموزش داده‌اند تا خودرویی به وزن ۱۴۰۰ کیلوگرم را روی یک سطح صاف بکشد.

علم

■ محققان در پژوهشی جدید نشان داده‌اند تحریک پوستی معتدل ممکن است سلول‌های چربی را وارد حالت اضطراری کند و آنها سیگنال‌هایی به فولیکول‌های در حال خواب بفرستند که به نوبه خود به رشد موهای جدید در چند هفته منجر شود.

■ تحقیقات جدید نشان می‌دهد موسیقی می‌تواند مغز را در سنین بالاتر چابک نگه دارد و خطر ابتلا به زوال عقل را در سالمندان تا ۳۹ درصد کاهش دهد.

«یوگی» روبات انسان‌نمای دوستدار کودکان

روبات

برسام جنتی
گروه علم و فناوری

در حالی که شرکت‌هایی چون تسلا تلاش دارند کارخانه‌های خود را از روبات‌ها پر کنند، شرکت «کارت‌ویل روباتیکس» مسیر متفاوتی را برگزیده و با تمرکز بر ارتباط انسانی واقعی، روبات‌هایی سیلیکونی و نرم تولید کرده که می‌توانند با انسان تعامل مناسب و خلاقانه‌ای داشته باشند.

این شرکت در حال توسعه روبات انسان‌نمای یوگی (Yogi) است که نه‌تنها کارهای خانه را انجام می‌دهد، بلکه می‌تواند با حرکات نرم، واکنش‌های طبیعی و رفتاری دوستانه، تبدیل به دوستی خوب برای کودکان شود و آنها را درک کند. به دلیل جنس نرم آن، کودکان می‌توانند بدون هیچ خطری این روبات را در آغوش بگیرند. این روبات دارای باتری قابل تعویض ماژولار است تا بتواند در طول روز به‌طور مداوم فعالیت کند.

تیم سازنده یوگی متشکل از متخصصانی است که در طراحی چندین نسل از روبات‌های انسان‌نما نقش داشته‌اند. همین تجربه، «کارت‌ویل» را در موقعیتی قرار داده که بتواند نسل آینده روبات‌های خانگی و کاری را شکل دهد؛ روبات‌هایی که به خانه‌ها، محیط‌های کاری و حتی دنیای سرگرمی وارد خواهند شد.

به گفته اسکات لاوالی، مدیرعامل «کارت‌ویل روباتیکس»، این شرکت موفق شده یک پلتفرم کامل و اختصاصی برای روبات‌های انسان‌نما شامل سخت‌افزار، سامانه‌های حرکتی، مدل‌های هوش مصنوعی و نرم‌افزارهای ویژه بسازد و نه فقط وظایف فنی، بلکه ارتباط عاطفی و انسانی را هم به ارمغان بیاورد.

او دراین باره توضیح داد: «ما باور داریم بهترین راه برای ورود روبات انسان‌نما به زندگی روزمره، ساخت روبات‌هایی است که درست مانند انسان‌ها حرکت کنند، پاسخ دهند، ارتباط برقرار کنند و یک همنشین واقعی باشند.» «یوگی» برخلاف روبات‌هایی مانند اپتیموس (Optimus) تسلا که برای محیط‌های صنعتی طراحی شده‌اند، بیشتر به‌عنوان یک همراه احساسی و دستیار خانگی توسعه‌یافته و یادآور کاراکتر محبوب بِیمَکس (Baymax) در انیمیشن «۶ ابرقهرمان» است؛ موجودی قابل اعتماد و مهربان که می‌توان بدون ترس با این روبات ارتباط برقرار کرد.

این شرکت قصد دارد «یوگی» را به بخش مراقبت‌های بهداشتی نیز وارد کند و به همین منظور برای اجرای یک پروژه آزمایشی، گفت‌وگوهایی مقدماتی با یکی از مؤسسات بزرگ پزشکی آمریکای شمالی انجام داده است. همچنین چند دانشگاه معتبر علاقه خود را برای همکاری پژوهشی در حوزه تعامل انسان و روبات اعلام کرده‌اند. قرار است از نمونه اولیه روبات «یوگی»، با قابلیت راه رفتن و تعامل طبیعی، در اجلاس روبات‌های انسان‌نما در سیلیکون‌ولی در دسامبر (آذرماه) رونمایی شود.

کشف جام‌های جمجمه‌ای ۵ هزار ساله در چین

باستان‌شناسی

آرزو کیهان
گروه علم و فناوری

باستان‌شناسان چینی مجموعه‌ای حیرت‌انگیز از ماسک و جام‌هایی برای نوشیدن را یافته‌اند که حدود ۵ هزار سال قبل، از استخوان‌های انسان ساخته شده است. کشفی که به گفته پژوهشگران، می‌تواند درک ما از مناسک مرگ و ساختار اجتماعی در دوران نوسنگی چین را دگرگون کند. در کاوش‌های جدید، باستان‌شناسان بیش از ۵۰ قطعه استخوان انسانی را از میان کانال‌ها و خندق‌های پنج محوطه باستانی به‌دست آوردند؛ استخوان‌هایی که نشانه‌های واضحی از کار با ابزار از جمله برش، صیقل دادن و حتی تراش دادن برای شکل‌دهی استخوان، دیده می‌شود. این مجموعه که قدمت آن بین ۲ هزار و ۵۰۰ تا ۳ هزار سال پیش از میلاد برآورد شده، در میان توده‌ای از استخوان‌های پراکنده انسان، سفالینه‌ها و بقایای حیوانی در محوطه‌های باستانی متعلق به فرهنگ «لیانگ‌ژو» یافت شده است؛ فرهنگی که حدود پنج هزار سال پیش، یکی از اولین جوامع شهری شرق آسیا را بنیان گذاشت.

دکتر «جون می ساوادا»، انسان‌شناس زیستی دانشگاه نیگاتا ژاپن با اشاره به اینکه بسیاری از استخوان‌های کارشده، نیمه‌کاره رها و در کانال‌ها ریخته شده‌اند، معتقد است این امر نشان می‌دهد که در این جوامع، احترام چندانی به اجساد گذاشته نمی‌شده است. این محقق با تأکید بر نبود هیچ نشانه‌ای از مرگ خشونت‌آمیز یا جدا شدن اندام‌ها پیش از مرگ، می‌گوید: «احتمالاً پس از آن که بدن‌ها به‌طور طبیعی تجزیه می‌شدند، استخوان‌ها جمع‌آوری و پردازش شده‌اند.»

همچنین بیشتر استخوان‌های کارشده موجود در این محوطه‌ها، جمجمه انسان بوده‌اند. چهار جمجمه بزرگسال به‌صورت افقی بریده شده و به «جام‌های جمجمه‌ای» تبدیل شده‌اند. همچنین چهار جمجمه به شکل عمودی شکافته شده و ساختارهایی شبیه «ماسک‌های استخوانی» پدید آورده‌اند.

هرچند پیش از این در گورهای اشرافی فرهنگ «لیانگ‌ژو» نمونه‌هایی از جام‌های ساخته‌شده از جمجمه یافت شده بود و احتمالاً در آیین‌های مرتبط با احترام به نیاکان استفاده می‌شده، اما این ماسک‌های استخوانی کشف شده، بی‌سابقه‌اند. همچنین با پیدا شدن جمجمه‌ای که در بخش پشتی سوراخ‌کاری شده و فک پایینی که به‌صورت عمدی تخت شده، شواهدی از نوعی رفتار آیینی یا تغییر نگرش نسبت به بدن انسان دیده می‌شود.

دکتر «الیزابت برگر»، زیست‌باستان‌شناس دانشگاه کالیفرنیا ریورساید، منحصربه‌فردترین نکته در یافته‌های جدید را این موضوع می‌داند که احتمالاً با تغییر نگرش مردم نسبت به مرگ در دوران آغازین شهرنشینی، استخوان‌های انسانی اساساً در حکم زباله محسوب می‌شده است. به گفته این محقق، این رفتار عجیب که به طور ناگهانی در فرهنگ «لیانگ‌ژو» ظاهر شد، حداقل دویست سال ادامه یافت و سپس به‌کلی ناپدید شد. شاید پژوهش‌های آینده بتواند معنای پنهان پشت این آیین و رابطه آن با تحولات اجتماعی در چین نوسنگی را روشن کند.

اپل ۴ تریلیون دلاری شد

موبایل

به دنبال استقبال مناسب از آیفون ۱۷، ارزش بازار اپل با جهشی چشمگیر مواجه شد و برای اولین‌بار به مرز ۴ تریلیون دلار رسید. البته اپل این‌بار پیشگام نبود و پس از انویدیا و مایکروسافت در جایگاه سوم شرکت‌های چهارتریلیونی جهان قرار گرفت.

اپل پیش‌تر در سال‌های ۲۰۱۸، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲ به‌ترتیب اولین شرکتی بود که به ارزش‌های یک، دو و سه تریلیون دلار دست یافته بود. اما در سال جاری، ابتدا انویدیا با تکیه بر رونق بازار هوش مصنوعی و جهش تقاضا برای تراشه‌های گرافیکی خود در ماه ژوئیه از مرز ۴ تریلیون دلار عبور کرد و کمی بعد مایکروسافت نیز به همین سطح رسید.

کارشناسان رشد اخیر ارزش اپل را به موفقیت اولیه آیفون ۱۷ نسبت می‌دهند؛ محصولی که با ویژگی‌های تازه و طراحی بهبودیافته توانسته موج جدیدی از تقاضا ایجاد کند. تقاضای اولیه برای آیفون ۱۷، عامل محرکی برای افزایش سهام اپل در هفته‌های اخیر بوده است و داده‌های شرکت «کانترپوینت (Counterpoint) که مربوط به زمان عرضه این گوشی است نشان می‌دهد فروش آیفون ۱۷ در اوایل ماه جاری در آمریکا و چین در مقایسه با آیفون ۱۶ در سال گذشته حدود ۱۴ درصد بیشتر بوده و فروش مدل پایه آیفون ۱۷ در چین تقریباً دو برابر شده است. البته به نظر می‌رسد خدمات موسیقی اپل، آی کلاود، اپ استور و پخش آنلاین نیز به این صعود کمک کرده‌اند.

گزارش

شینا انصاری از آزادی یک محیطبان خبر داد

پروژه احیای «گور ایرانی» به پایداری رسید

شینا انصاری، رئیس سازمان محیط زیست، در آستانه روز محیطبان و در مراسم گرامیداشت روز محیطبان در گرمسار، با تأکید بر قدردانی از زحمات محیطبانان و اعلام آزادی محیطبان «امین خوارزمی»، از پایداری پروژه احیای گور ایرانی خبر داد. وی این پروژه را نمونه‌ای موفق برای نجات سایر گونه‌ها دانست و از رسانه‌ها خواست تا موفقیت‌های سازمان را نیز مستندسازی کنند.
انصاری با اشاره به اولویت‌هایی چون معیشت محیطبانان، از تصویب اصلاحیه قانون حمل سلاح برای افزایش حمایت‌های قضایی و برنامه‌ریزی برای تأمین خودروهای عملیاتی و هوشمندسازی مناطق با فناوری‌های نوین خبر داد.

شینا انصاری، با گرامیداشت یاد شهدای محیط زیست، بر قدردانی از زحمات خالصانه و عشق محیطبانان به طبیعت تأکید کرد.
وی افزود: «طبیعی است که هر پروژه‌ای در آغاز با ناکامی‌ها، شکست‌ها و مشکلات همراه باشد، اما مهم این است که استمرار در مسیر حفظ و احیای گونه‌ها فراموش نشود و مسیر ادامه پیدا کند. خوشبختانه امروز با افتخار می‌توان اعلام کرد که پروژه احیای گور ایرانی به پایداری رسیده و می‌تواند به عنوان نمونه‌ای موفق برای سایر گونه‌های در معرض خطر انقراض مورد استفاده قرار گیرد.»
رئیس سازمان محیط زیست از اصحاب رسانه خواست تا به جای تمرکز صرف بر ناکامی‌ها، موفقیت‌های سازمان را نیز مستندسازی و رسانه‌ای کنند.
او تأکید کرد که با وجود مسیر ناهموار و پرچالش حفاظت، باید موفقیت‌های به دست‌آمده را شفاف اعلام کرد تا بتوان از این تجربیات مثبت در حوزه محیط زیست طبیعی بهره‌برداری و آنها را گسترش داد.
انصاری با اشاره به اولویت‌های اصلی سازمان محیط زیست در این دوره، اعلام کرد که وضعیت محیط زیست طبیعی و شرایط معیشتی محیطبانان دو دغدغه اصلی هستند که به‌طور جدی پیگیری می‌شوند.
او از تصویب قانون اصلاح حمل سلاح در کمیسیون حقوقی و قضایی خبر داد و گفت: «این اصلاحیه با هدف افزایش حمایت‌های قضایی از محیطبانان تدوین شده و در صورت حمایت نمایندگان مجلس، به‌زودی اجرایی می‌شود.»
رئیس سازمان محیط زیست اعلام کرد که معاون محیط طبیعی (دکتر ظهرابی) پیگیر تقویت مناطق با تجهیزات، امکانات، فناوری‌های نوین و هوشمندسازی است. قرار است این اقدامات به صورت پایلوت شروع و سپس با اولویت‌بندی، سایر زیستگاه‌های حساس نیز تقویت شوند.
انصاری گفت: «موضوع خودروهای عملیاتی نیز از مواردی است که به‌زودی تلاش خواهیم کرد خودروهای مناسب با قابلیت فعالیت در مناطق را به تعداد کافی در اختیار مناطق قرار دهیم.»
او درباره اعلام خبر آزادی یک محیطبان افزود: «خبری که لازم می‌دانم با توجه به حضور اصحاب رسانه اشاره کنم این است که محیطبان «امین خوارزمی» از زندان آزاد شد. لازم می‌دانم از همراهی خانواده‌ای که عزیز خود را از دست داده‌اند، تشکر کنم. ما به عنوان سازمان حفاظت محیط زیست همواره بر این باوریم که برای حفاظت از عرصه‌های طبیعی و مناطق چهارگانه، نباید جانی از دست برود و خونی ریخته شود و امیدواریم بتوانیم در این مسیر گام‌های مؤثری برداریم.»

محیطبان‌ها گور ایرانی را به پارک ملی کویر برگرداندند

عبور از زنگ خطر انقراض

گزارش

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست بوم

اول، جبیر(آهو)های پارک ملی کویر در گرمسار در قاب چشم‌ها و لنز دوربین‌ها می‌نشینند. البته چیز عجیبی نیست، چون این پارک بزرگ‌ترین جمعیت آهوها را در کشور دارد. آنها از خودروهای محیطبانی نمی‌گریزند، اما فاصله ایمنی را رعایت می‌کنند.
چندبار، چند جبیر خودشان را نشان می‌دهند، هنگام خرامیدن مکث کوتاهی می‌کنند، به خودروها زل می‌زنند و سپس دوباره در میان درمنه‌ها، نور آفتاب و خط کویر گم می‌شوند. هنگامی که آهوها از دید خارج می‌شوند، یک گله ۱۲ رأسی گورخر وارد قاب دوربین عکاس‌ها و نگاه خبرنگاران می‌شود.

آخرین بار

گور ایرانی، تا پیش از احیای دوباره در پارک ملی کویر سمنان، آخرین بار در سال ۱۳۶۳ در همین پارک گزارش شده بود؛ پس از آن، حضور آن به قطره‌ای در کویر تبدیل شد، انگار هرگز وجود نداشته است. زنگ خطر انقراض آن، گوش تمامی نشخوارکنندگان و گیاه‌خواران کویر را کر کرد. به گفته «سعید یوسف‌پور»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان، ابتدای دهه ۹۰، مدیران وقت اقدام به احیای این گونه گور از دست رفته کردند. چند رأس گورخر از پارک ملی توران به کویر منتقل شد تا روند احیای آن آغاز شود. البته این انتقال‌ها با انتقادات و چالش‌های فراوانی همراه بود. نحوه نگهداری گورها در جعبه‌ها و فرآیند انتقال و روش زنده‌گیری نیز مورد انتقاد قرار گرفت. با این حال، این تجربیات به درس‌های ارزشمندی تبدیل شدند تا آن‌طور که رضا شاه‌حسینی، مدیر پارک ملی کویر، می‌گوید: «تعداد گورخرهای ایرانی (آسیایی) پس از چند دهه از مرز ۵۰ رأس گذشت و گور ایرانی از خطر انقراض جهش یافت.» او همچنین افزود، جمعیت این گونه می‌تواند تا ۵۰۰ رأس افزایش یابد.
تولد دوباره گور ایرانی و تقدیر از محیطبانان در گرمسار، بهانه‌ای شد تا رسانه‌های سراسری کشور به مناسبت روز ملی محیط بان(۸ آبان) میهمان گرمسار شوند و از نزدیک با گورخرهای پارک ملی کویر آشنا شوند. آبخیزدار منطقه، منابع آب موجود را به رسانه‌ها معرفی کرد تا مسیر تأمین آب برای گورخرها و دیگر حیات‌وحش توضیح داده شود.

ذخیره سازی آب در دل کویر

رضا شاه‌حسینی، مدیر پارک ملی کویر، پشت به تصویر گورخرها می‌گوید: «تمامی اقدامات حفاظتی در این منطقه با اولویت تأمین آب و امنیت برای گروه‌های جانوری انجام می‌شود.» او درباره تأمین آب توضیح می‌دهد: «آب از طریق ذخیره‌سازی در فصل زمستان تأمین می‌شود. در حال حاضر ۳۰ هزار لیتر ذخیره آب داریم و در منابع بالادست نیز ذخیره داریم.» او منبع آب را چشمه‌های دائمی منطقه معرفی می‌کند که تعداد زیادی از آنها دبی محدود دارند.
شاه‌حسینی در توضیح سیستم ذخیره‌سازی آب می‌گوید: «روش مدیریت منابع آبی ما، ذخیره آب در فصل سرد و استفاده از آن در فصل گرم است. این ذخیره‌سازی به‌صورت آب‌انبار انجام می‌شود. برای مثال، چشمه‌ای که در نزدیکی قرار دارد، یک منبع بتنی ۷۰ هزار لیتری داریم. با توجه به جمعیت حیات وحش، شامل گورخر، کل و بز، جبیر، قوچ و میش و همچنین گوشت‌خوارانی مانند پلنگ، گربه کاراکال، گربه شنی، روباه شنی، گرگ و کفتار، مدیریت آب اهمیت ویژه‌ای دارد.» پارک ملی کویر، زیستگاه یوز هم بود اما آخرین باری که یوزپلنگ در این پارک گزارش شد، سال ۱۳۹۳ بود. این محیطبان، درباره تأمین امنیت منطقه نیز می‌افزاید: «امنیت از طریق پایش مستمر زیستگاه و تعامل با جوامع محلی تأمین می‌شود که مهم‌ترین عامل، همین تعامل با مردم بومی است. کار روزانه همکاران ما شامل کنترل و پایش، سرکشی از منابع آبی و لایروبی این منابع است. منابع آبی به طور متوسط هفته‌ای سه تا چهار بار لایروبی می‌شوند و این چرخه به صورت مستمر ادامه دارد.»

> مدیر پارک ملی کویر، پشت به تصویر گورخرها می‌گوید: تمامی اقدامات حفاظتی در این منطقه با اولویت تأمین آب و امنیت برای گروه‌های جانوری انجام می‌شود

آغاز احیا

پروژه احیای گور ایرانی در سال ۱۳۹۷ با انتقال ۱۰ رأس گورخر از پارک ملی توران آغاز شد. شاه‌حسینی می‌گوید: ««هیچ کاری بدون اشتباه نیست و ما هم تلفاتی داشتیم. در ابتدا ۱۰ رأس گورخر به اینجا منتقل شد و سپس ۴ رأس دیگر از یزد انتقال یافت.» یکی از گورها در همان ابتدا تلف شد و تیم حفاظت از سال ۱۳۹۹، تکثیر در اسارت را آغاز کرد.
وی افزود: «ما ۱۶ رأس گورخر داشتیم که تصمیم به رهاسازی گرفتیم.» وقتی این رهاسازی با موفقیت همراه بود سازمان تصمیم گرفت ۱۲ رأس دیگر را از کرمان به گرمسار و پارک ملی کویر منتقل کند. از این ۱۲ رأس، یک رأس در درگیری بین نرها تلف شد و یک رأس نیز به دلیل نقص ژنتیکی تحت درمان است.
شاه‌حسینی درباره وضعیت گورها پس از رهاسازی می‌گوید: ««معیار ما یک به ۵۰ است. وقتی جمعیت یک گونه پستاندار به ۵۰ رأس می‌رسد، یعنی از خطر انقراض منطقه‌ای خارج شده و می‌تواند تا ۵۰۰ رأس افزایش یابد.» او افزود: «۳۰ رأس از این تعداد متولد پارک ملی کویر هستند و در سال ۱۴۰۴، ۹ رأس گورخر به دنیا آمده است.»

زادآوری در آزادی

به گفته او، نرخ زادآوری گورها در زمان اسارت ۲۵ درصد بود، یعنی از هر چهار تولد یک رأس زنده می‌ماند، اما پس از رهاسازی در پارک ملی کویر، نرخ زادآوری به ۸۰ درصد رسید و از هر پنج تولد، یک رأس تلف می‌شد. محیطبانان در ابتدا، به دلیل نداشتن اطلاعات کافی درباره رفتارشناسی گونه، مجبور به پایش مستمر بودند تا ببینند آیا گونه زنده می‌ماند یا خیر. پس از دو سال دریافتند که این پایش ممکن است باعث استرس و آسیب به گورها شود، بنابراین در زمان زایمان، پایش مستقیم انجام نمی‌دهند و اجازه می‌دهند زندگی گورها به شکل طبیعی جریان یابد.
شاه‌حسینی وضعیت پوشش گیاهی را مطلوب ارزیابی کرد و افزود: «در حال حاضر هیچ مشکلی برای گورخر یا سایر علف‌خواران وجود ندارد و ما علوفه دستی تأمین نمی‌کنیم.»
او دو زیستگاه اصلی گورخر را «بهرام‌گور» (قطرویه) فارس با بیش از هزار رأس و پارک ملی توران با نزدیک به ۲۵۰ رأس می‌داند و می‌گوید: «یزد نیز اقدام به احیای گورخر کرده اما موفق به رهاسازی صد درصدی نشده و گورها در یک تنگه نگهداری می‌شوند، در حالی که در پارک ملی کویر، رهاسازی کامل انجام شده است.»

ازدواج فامیلی ممنوع

شاه‌حسینی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های پارک را جلوگیری از درون‌آمیزی گونه (ازدواج فامیلی) می‌داند، زیرا این موضوع باعث ضعیف شدن ژنتیکی گونه می‌شود.
به همین دلیل، سالانه بیش از دو یا سه رأس گور از زیستگاه‌های زادآور دیگر به کویر منتقل نمی‌شود. اولویت با گورهای نر است تا تلفات انتقال کاهش یابد و با گورهای ماده بیشتر ارتباط برقرار کنند که به افزایش زادآوری کمک می‌کند.
وی می‌افزاید: «گورخرهای توران، یزد و کویر از نظر ژنتیکی هم‌خانواده هستند، زیرا همه از پارک ملی توران منتقل شده‌اند، اما ژنتیک گورهای قطرویه (بهرام‌گور) متفاوت است.» گورخرهای پارک ملی کویر هیچ تهدیدی از سوی انسان یا حیوان ندارند. البته آنها طعمه بالقوه پلنگ‌ها هستند، اما جغرافیا، گورها را از دسترس پلنگ‌ها دور نگه داشته است. گورها ترجیح می‌دهند در درمنه‌ها و دشت‌ها زندگی کنند و پلنگ در مناطق مرتفع می‌زیند.
شاه‌حسینی می‌گوید: «پارک ملی کویر به عنوان بزرگ‌ترین پارک ملی خشکی ایران با ۴۴۲ هزار هکتار، فاقد معارض، مستثنیات و جاده عبوری است و بیشترین جمعیت جبیر را در کشور دارد.» خشکسالی‌ها گونه‌ها را تهدید می‌کند، اما پارک ملی دست‌اش پر است.
جمعیت قوچ و میش آن، حدود ۷۰۰ رأس و کل و بز حدود ۵۰۰ رأس است. تنها مشکل پارک ملی کویر، کمبود نیروهای محیطبانی است؛ کمبودی که باعث شده از چهار پاسگاه موجود، یکی تعطیل و دیگری نیمه‌فعال باشد. شاه‌حسینی گفت: «با وجود ۶۳ نفر نیروی سازمانی، همچنان با کمبود نیرو مواجه هستیم.»

مدیرکل محیط زیست سمنان از بی‌مهری‌ها گفت

وقتی «گور» از مرز ۵۰ رأس می‌گذرد و محیطبان از مرز خستگی

مدیرکل محیط زیست استان سمنان با اشاره به موفقیت پروژه احیای گور ایرانی در پارک ملی کویر، این دستاورد را مرهون تلاش شبانه‌روزی محیطبانان دانست و از کمبود شدید نیروی انسانی و امکانات در این استان که میزبان بیش از یک‌ششم مناطق تحت مدیریت کشور است، انتقاد کرد. سعید یوسف‌پور، در مراسم تقدیر از محیطبانان استان در شهرستان گرمسار، شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور را مخاطب قرار داد و گفت: «شما بیش از هر فردی با چالش‌ها، تنگناها و دغدغه‌های محیطبانان آشنا هستید. مشکلاتی از قبیل مسائل معیشتی، کمبود امکانات و تجهیزات و همچنین شیفت‌بندی از جمله این موارد است.»
وی با اشاره به تلاش مستمر سازمان حفاظت محیط زیست برای رفع این مشکلات افزود: «اگرچه مسائل کشور در برخی موارد پیچیده است و ممکن است گاهی این زحمات به‌طور کامل دیده نشود، اما با درایت، هدایت و همراهی همه همکاران و بویژه با نگاه حمایتی مدیران ارشد، می‌توان بر این مشکلات غلبه کرد.» یوسف‌پور درباره احیای گور ایرانی گفت: «طی چندین سال بنای احیای گور ایرانی گذاشته شد؛ تلاشی که مدیران سابق مجموعه و محیطبانان منطقه بویژه «رضا شاه‌حسینی‌مقدم» به عنوان رئیس پارک ملی کویر، باعث شد. امروز جمعیت گور ایرانی در پارک ملی کویر از مرز ۵۰ رأس گذشته و این گونه عملاً احیا شده است. بخش پنهان این موفقیت، زحمات طاقت‌فرسای محیطبانان عزیز بوده است.
بدون همراهی و تلاش شبانه‌روزی مجموعه پارک ملی کویر و همراهی ذخیره‌گاه زیست‌کره توران (گورها از پارک ملی توران به کویر منتقل شدند) این دستاورد میسر نمی‌شد. ما همگی مدیون زحمات بی‌شائبه محیطبانان عزیز هستیم.»
وی با بیان چالش‌های موجود از کم‌مهری به استان سمنان گفت و افزود: «بیش از یک ششم مناطق تحت مدیریت کشور در استان سمنان است ولی تعداد محیطبان در کمترین درصد خودش قرار دارد، به همین نسبت هم تعداد نیروهای ستادی ما.
در شهرستان گرمسار که شش شهرک صنعتی دارد، نیروی کافی برای پایش و نظارت به انگشتان دست هم نمی‌رسد. در شهرستان سمنان مجموعه نفراتی که کار می‌کنند سه نفر هستند. در برخی از شهرستان‌ها مثل میامی، عملاً یک نفر دارد کار یک اداره را انجام می‌دهد.» یوسف‌پور گفت: «یکی از موضوعات مورد تأکید رئیس سازمان حفاظت محیط زیست موضوع جانشین‌پروری بوده است. موضوع جانشین‌پروری بدون آموزش، توانمندسازی و توان‌افزایی پرسنل امکان‌پذیر نیست.»

شیفت‌های آزاردهنده

او به موضوع شیف‌بندی‌ها اشاره می‌کند که باعث نارضایتی تمام محیطبانان شده است و خواستار تصحیح آن برای کاهش فشار بیشتر به محیطبانان می‌شود. این مسئول به خرید چند دستگاه خودرو در ماه‌های اخیر اشاره می‌کند و می‌گوید: «امیدواریم بتوانیم از ظرفیت‌های بیرون سازمانی و مسئولیت اجتماعی نیز استفاده کنیم تا بخشی از مشکلات برطرف شود.»

نماینده گرمسار و آرادان در مجلس شورای اسلامی:

حفظ حیات وحش بودجه عملیاتی ۵ ساله می‌خواهد!

نماینده گرمسار و آرادان در مجلس شورای اسلامی در مراسم تقدیر از محیطبانان گرمسار، برای تداوم پروژه‌های پارک ملی کویر و نتیجه‌بخشی به آنها، تأکید کرد که حمایت همه‌جانبه از محیطبانان و توجه به نکات اساسی در برنامه‌ها ضروری است. یاسر عربی بر لزوم برنامه‌ریزی بلندمدت تأکید کرد و افزود: «برای پشتیبانی از پارک ملی کویر و حیات وحش آن، باید بودجه‌های عملیاتی چهار یا پنج‌ساله تعریف شود تا مسیر حرکت و اهداف به‌وضوح مشخص باشد.» وی اعلام کرد که مجلس حامی این برنامه‌ها خواهد بود. این نماینده مجلس به چالش کمبود نیروی انسانی اشاره کرد و گفت: «کنترل و حفاظت از پارک ملی کویر (به عنوان یکی از مناطق مهم جهانی) با تعداد فعلی محیطبانان، کاری بسیار دشوار و تقریباً نشدنی است.» وی پیشنهاد داد، برای جبران این کمبود، از راهکارهای علمی مانند پایش تصویری و نصب دوربین‌های نظارتی استفاده شود. یاسر عربی گفت: «با استفاده از مشاوران متعهد و کاردان، سیستم پایش تصویری مناسب برای منطقه طراحی و اجرا شود تا بتوانیم کنترل بهتری بر این عرصه وسیع داشته باشیم.»
نماینده گرمسار و آرادان با اشاره به ظرفیت‌های طبیعی و نعمت‌های خدادادی منطقه (مانند پارک ملی کویر)، بر لزوم برنامه‌ریزی دقیق و عزم ملی برای حفظ این منابع و در عین حال استفاده از آنها به عنوان منبع درآمدی برای کشور و منطقه تأکید و اظهار کرد: «با توجه به افزایش رویکرد به مناظر طبیعی، باید برنامه‌ای برای درآمدزایی از ظرفیت‌های گردشگری این محیط زیبا داشته باشیم.»
وی با تأکید بر حفظ حریم پارک ملی و مخالفت با عبور و مرور بی‌رویه و آسیب به حیات وحش، اظهار کرد: «می‌توان از این فضا در قالب گروه‌های سازمان‌یافته با راهنمایان آگاه و آموزش‌دیده بهره‌برداری کرد. این منطقه می‌تواند به منبع درآمد بزرگی برای کشور تبدیل شود.» یاسر عربی تقویت چهارچوب قانونی برای مقابله با شکار غیرمجاز را ضروری دانست و افزود: «در منطقه، فرهنگ زیبای عشق محیطبانان به کارشان شکل گرفته و اتفاق ارزشمند تبدیل شدن بسیاری از شکارچیان سابق به حامیان محیط زیست مشاهده می‌شود.»
نماینده گرمسار و آرادان با اشاره به اینکه تبدیل شکارچیان به حامیان محیط زیست، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بر لزوم ادامه حمایت از محیطبانان و تقویت قوانین بازدارنده شکار تأکید کرد. او آمادگی مجلس را برای هرگونه همکاری با سازمان حفاظت محیط زیست جهت برداشتن گام‌های مؤثر در حفظ پارک ملی کویر و حمایت از محیطبانان اعلام کرد.

تغییر کاربری، ایران را به شمال و غرب محدود می‌کند!

این نماینده مجلس نسبت به تغییر کاربری گسترده اراضی هشدار داد و گفت: «چراگاه‌ها و زیست‌بوم حیوانات وحشی به دلیل کنترل انرژی، در حال تبدیل شدن به باغ و ویلا هستند.» وی تأکید کرد، گرچه بخشی از مشکل کاهش ذخایر سدها به خشکسالی برمی‌گردد، اما مشکل اصلی آن است که آب مورد نیاز سدها، اصلاً از منطقه خارج نمی‌شود. (به دلیل مصرف در ویلاها و باغ‌ها)
نماینده گرمسار و آرادان از رئیس سازمان حفاظت محیط زیست خواست این موضوع را به رئیس جمهوری منتقل کند و کارگروهی ویژه تشکیل دهد، زیرا اگر این روند ادامه یابد، ایران عزیزمان به نواری در شمال و غرب محدود خواهد شد و بقیه کشور از دست خواهد رفت.

معاون محیط طبیعی کشور:

گور آسیایی در آستانه انقراض با برنامه جامع احیا شد

حمید ظهرابی، معاون محیط طبیعی کشور، در تشریح اقدامات ویژه سازمان برای حفظ تنوع زیستی، به جزئیات برنامه جامع شش‌گونه‌ای در معرض خطر اشاره کرد و تأکید نمود که گورخر آسیایی (گور ایرانی) در کانون این توجهات قرار داشت. وی توضیح داد که این گونه، که روزگاری در گستره وسیعی از آسیا زندگی می‌کرد، به‌تدریج منقرض و زیستگاهش به نواحی مرکزی و بیابانی ایران محدود شد؛ به‌طوری که جمعیت طبیعی آن تنها در دو منطقه نی‌ریز فارس و پارک ملی توران سمنان باقی ماند.
ظهرابی یادآور شد: «با تلاش‌های صورت گرفته، جمعیت گورخر در فارس از حدود ۶۰ تا ۷۰ رأس به بیش از ۱۲۵ رأس افزایش یافت و هم‌اکنون بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ رأس نوسان دارد.»
او افزود که پروژه اصلی احیای گورخر در منطقه کویر مرکزی سمنان در سال ۱۳۹۰ کلید خورد و در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، روند پیشرفت و چشم‌انداز موفقیت‌آمیز آن در گزارش‌های سازمان به تأیید کارشناسان رسید.

نقد تند معاون محیط طبیعی

ظهرابی در بخش دیگری از صحبت‌هایش، به نقش مخرب فشارهای بیرونی و رسانه‌ای در پروژه‌های حساس حفاظتی پرداخت و خسارت وارده به جمعیت یوزپلنگ آسیایی را «جبران‌ناپذیر» خواند. ظهرابی با اشاره به پروژه نافرجام احیای یوز در مرکز کشور گفت: «در زیستگاه جنوبی یوزپلنگ، تنها دو یوز نر باقی‌مانده از جمعیت مرکز ایران وجود داشت که هدف ما آغاز عملیات تکثیر و احیای زیستگاه بود. برای این برنامه با متخصصان بین‌المللی همکاری داشتیم، اما متأسفانه آن طرح به نتیجه نرسید و ما آن دو یوز نر را از دست دادیم.» او این اتفاق را یک فاجعه علمی توصیف کرد: «ما آن دو یوز نر را - که به‌عنوان ذخیره ژنتیکی جمعیت جنوبی کشور اهمیت داشتند - از دست دادیم. این خسارت، یک ضربه جبران‌ناپذیر ژنتیکی به تنوع زیستی کشور بود؛ ضایعه‌ای که دیگر قابل بازپس‌گیری نیست.» معاون محیط طبیعی با بیان اینکه فشار و واکنش‌های رسانه‌ای نه تنها آن پروژه را تحت‌الشعاع قرار داد، بلکه ضربه‌ای به روند کلی حفاظت از تنوع زیستی کشور زد، تأکید کرد: «فشارهای احساسی و هجمه‌های رسانه‌ای آن روز - توئیت‌ها و پیگیری‌های افراطی و خارج از چهارچوب کارشناسی - به‌شدت فضا را ملتهب کرد.» «برخی مدیران و همکاران ما در استان یزد از ادامه اجرای طرح‌های تکثیر و احیا دچار تردید و ترس شدند و پروژه‌هایی مانند تکثیر یوزپلنگ در آن استان به‌تدریج متوقف شدند یا به تأخیر افتادند.»

درس بزرگ: مدیریت بحران و حمایت رسانه‌ای

ظهرابی، پروژه احیای گور ایرانی را نتیجه به‌کارگیری درسی بزرگ از آن تجربه تلخ دانست و اعلام کرد: «پس از انتقال من به مسئولیتی دیگر، این تجربه را همراه خود بردم و اکنون با افتخار می‌گویم که پروژه احیای گور ایرانی در مسیر پایداری قرار گرفته است.» وی بر اهمیت حمایت رسانه‌ای و انتقادات سازنده تأکید کرد: «درس بزرگ این است که حمایت رسانه‌ای و مدیریت بحران می‌تواند سرنوشت طرح‌های حفاظتی را دگرگون سازد. نقد لازم و مفید است، اما باید عالمانه، آگاهانه و منصفانه باشد.»

پنجشنبه ۸ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۷۳
irannewspaper irannewspapper

رابرت مالی دلایل شکست تنها ایده سیاست خارجی آمریکا در قبال موضوع فلسطین را اثبات می‌کند

توهم «راهکار ۲ دولتی»

گفت‌وگو

علیرضا حجتی
دبیر گروه بین‌الملل

۷ اکتبر، اگر فقط یک تأثیر عینی بر سیاست بین‌الملل گذاشت، اثبات ناکارآمدی راه‌حلی بود که دست کم از ۱۹۹۳ و توافق اسلو، به عنوان تنها راه‌حل مناقشه اسرائیل و فلسطین از سوی ایالات متحده و متحدان تل‌آویو بر جهان تحمیل شده بود: راه‌حل ۲ دولتی. این ایده به عنوان فرمول نهایی صلح و تنها راهکار حل اشغال فلسطین فشار مضاعفی بر سیاست خارجی دولت‌ها و سازوکارهای بین‌المللی گذاشته است. معضل این راهکار در نقطه‌ای به شکست رسیده است که ماهیت آپارتایدی رژیم صهیونیستی بیش از هر زمانی برای جامعه جهانی آشکار شده است و این تنها دلیلی است که به طور اتوماتیک راهکار ۲ دولتی را به شکست می‌کشاند؛ چرا که جوهره آپارتاید اسرائیل بر پایه نفی هرگونه حقی برای مردم فلسطین استوار شده است.

در ۲ سال گذشته و دوران پساجنگ غزه، حالا تمامی هیأت حاکمه صهیونیستی متفق‌القول این ایده را کنار گذاشته‌اند و صحبت از اشغال کامل و ضمیمه کردن کرانه باختری در جریان است. از بعد عملیاتی هم ایده ۲ دولتی زاییده از سیاست خارجی آمریکایی چون واقعیات تاریخی و اشغالگری اسرائیل را نادیده می‌گیرد، محکوم به شکست بوده است. بعد از آتش‌بس در غزه، دونالد ترامپ اعلام کرده است که طلوع تاریخی صلح در خاورمیانه فرا رسیده است. با این حال، در حال حاضر حتی مشخص نیست که خود آتش‌بس پایدار بماند، چه برسد به اینکه راهی عملی برای حل بلندمدت در مسأله اسرائیل و فلسطین وجود داشته باشد. استفن والت ۲ هفته قبل در فارن پالیسی نوشت: توافق ترامپ تمام مسائل سیاسی دشوار را به نقطه‌ای نامشخص در آینده موکول می‌کند و در مورد تلاش‌های مداوم اسرائیل برای بلعیدن کرانه باختری کاملاً ساکت است. بنابراین برای باور به موفقیت این طرح، باید اعتقاد داشت که جهان خارج - بویژه ایالات‌متحده- فشار بی‌امان خود را بر اسرائیل حفظ خواهد کرد تا توافق فعلی را نگه دارد و در نهایت به یک راه‌حل عادلانه و دائمی برای درگیری طولانی با فلسطینیان دست یابد. هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد نتانیاهو، حامیان راستگرای او یا دیگر طیف‌های اسرائیل مایل به پذیرش یک راه‌حل واقعی دودولتی یا نوعی کنفدراسیون تک‌کشوری باشند، حتی اگر اطمینان یابند حماس و دیگر جناح‌های فلسطینی کاملاً به حاشیه رانده شده‌اند.

در چنین شرایطی دن کورتز در پادکست فارن افرز با رابرت مالی در این رابطه گفت‌وگو کرده است. کورتز می‌گوید کمتر کسی با دشواری‌های پیچیده صلح در موضوع فلسطین و اسرائیل آشناتر از راب مالی است. او به عنوان یک مقام ارشد خاورمیانه در دولت‌های آمریکا از دهه ۱۹۹۰ خدمت کرده است و در لحظات امید فراوان و ناامیدی بیشتر، با رهبران اسرائیلی و فلسطینی روبه‌رو شده است. مالی در مقاله اخیر خود در فارن افرز که بر اساس کتاب جدیدی است که مشترکاً با حسین آغا نوشته، استدلال می‌کند که علت این ناامیدی، سیاست واشنگتن در قبال راه‌حل دو دولتی است که نه فلسطینی‌ها واقعاً آن را می‌خواهند و نه صهیونیست‌ها. مالی و آغا استدلال می‌کنند که ایالات متحده حتی زمانی که تلاش‌هایش به فاجعه منجر شده ادعای موفقیت کرده است. راب مالی انتقاد شدیدی از دهه‌ها سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا ارائه می‌دهد؛ سیاستی که به نظر او بیشتر منطقه را بی‌ثبات و ملتهب کرده تا اینکه به صلحی پایدار کمک کرده باشد.

در این لحظه، آتش‌بس در غزه عمدتاً برقرار است. حملاتی صورت گرفته و مشخص نیست که آتش‌بس در بلندمدت پایدار بماند یا نه، چه برسد به مسائل گسترده‌تر. اما درباره وضعیت فعلی صحبت خواهیم کرد. قبل از آن، می‌خواهیم به عقب برگردیم و بررسی کنیم که چگونه به اینجا رسیدیم. مقاله‌ای که شما و آغا نوشته‌اید، سیاست آمریکا در قبال مناقشه اسرائیل و فلسطین را در چند سال اخیر و در واقع چند دهه گذشته زیر سؤال می‌برد و منطق بنیادین سیاست واشنگتن را که بر اساس پیگیری راه‌حل دودولتی است، به چالش می‌کشد. شما در کاخ سفید بودید، در دولت کلینتون سیاست خارجی را هدایت می‌کردید، اما اگر می‌توانستید به رئیس جمهوری کلینتون و رئیس خود در آن زمان درباره رویکردی متفاوت مشورت دهید، با توجه به رویکرد آغاز شده با روند اسلو، چه می‌گفتید؟ بهترین راه برای برخورد با مسأله در آن زمان چه بود؟

این سؤال بسیار خوبی است و پاسخ دادن به آن سخت است، زیرا بخشی از استدلال کتاب ما این است که شاید خود پیگیری این راه‌حل اشتباه بوده است. اما فرض کنیم که دولت به دنبال راه‌حل دودولتی بود. اولین سؤالی که از رئیس جمهوری می‌پرسیدم، اگر دوباره به تیم می‌پیوستم، این بود که فکر می‌کنم رئیس جمهوری کلینتون این موضوع را به عنوان اولویت ذکر کرده بود، چیزی که به نظر می‌رسید از نظر احساسی می‌خواست، تقریباً به عنوان هدیه‌ای که دریافت کرده بود، اما هرگز مشخص نبود که این یک اولویت امنیت ملی است که در آن صورت او آماده بود سرمایه سیاسی داخلی و خارجی را صرف کند و باز هم با نگاه به گذشته، به نظر می‌رسد این چیزی بود که خوب است داشته باشیم، نه چیزی که باید داشته باشیم و اگر این تصمیم را از ابتدا نگیرید که چقدر آن را می‌خواهید، چقدر فشار می‌خواهید بر هر دو طرف وارد کنید، چقدر آماده هستید که روایت‌ها و شکایات تاریخی هر دو طرف را بپذیرید، در واقع خود را وارد چیزی می‌کنید که بسیار عمیق‌تر از آن چیزی است که برای آن آماده‌اید.

امروز از نظر شما حتی اگر دیپلماسی بسیار قوی‌تری در کار بود و ریسک‌های سیاسی بیشتری پذیرفته می‌شد، باز هم نتیجه بنیادین تغییر می‌کرد؟

ما می‌گوییم اشتباهات، خطاهای محاسباتی و سوءبرداشت‌های زیادی از سوی آمریکایی‌ها و دیگر طرف‌ها وجود داشت و همین باعث شد کاری که ذاتاً بسیار دشوار بود، غیرممکن شود. بنابراین لازم بود همه چیز درست پیش برود، در حالی که هیچ چیز درست پیش نرفت.

دست‌کم در نگاه به گذشته، همان‌طور که در کتاب نوشتیم، وقتی روند صلح در شرایطی شکست خورد که روی کاغذ از وضعیت امروز مساعدتر به نظر می‌رسید و زمانی که آن روند نیاز داشت تمام ستارگان در یک خط قرار گیرند، شاید به این نتیجه برسیم که خود این روند و پیگیری آن از ابتدا اشتباه بود.

تصور واشنگتن از این مناقشه به‌عنوان نزاعی صرفاً مرزی و سرزمینی -چیزی که می‌توان با کشیدن خطی روی نقشه حل کرد- اساساً غلط بود. این مسأله برای طرف‌های اصلی-اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها-هرگز صرفاً چنین معنایی نداشت. آنها در ظاهر با آن همراهی کردند، اما در عمق، این نتیجه با آرزوها و هویت تاریخی‌شان سازگار نبود: نه با آرمان‌های جنبش صهیونیستی و نه با آرمان‌های جنبش ملی فلسطینی. هیچ‌یک از آنها واقعاً به دنبال «راه‌حل دو دولت در مرزهای ۱۹۶۷» نبودند. همان‌طور که گفتم، در ظاهر با آن کنار آمدند، اما هرگز با صداقت و باور لازم برای تحقق آن حرکت نکردند.

به گمانم باید چشم‌انداز را گسترده‌تر دید و پرسید: چه نتیجه‌ای می‌تواند واقعاً با آرمان‌های ملی مردم فلسطین و با آرمان‌های جنبش صهیونیستی سازگار باشد؟ پاسخ ساده‌ای ندارد، اما قطعاً در چهارچوب تنگِ راه‌حل دو دولتِ تعریف شده در روند اسلو به دست نخواهد آمد.

در دهه ۹۰ و حتی اوایل دهه ۲۰۰۰، سیاست‌گذاران آمریکایی و دیگر کشورها هنوز فکر می‌کردند به راه‌حل نزدیک شده‌اند و فقط باید برخی مسائل فنی را حل کرد. اما با گذر زمان، این دیدگاه کمتر و کمتر قابل دفاع شد و همان‌طور که در کتاب نوشته‌اید، «توهم به دروغ تبدیل شد»؛ یعنی سیاست‌گذاران بی‌آن که باور داشته باشند، همان شعارها را تکرار می‌کردند و به رویایی می‌چسبیدند که می‌دانستند نادرست است. به نظر شما، در چه مقطعی باید برای سیاست‌گذاران آمریکایی روشن می‌شد که این مسیر واقعاً یک توهم است و نیاز به تغییر اساسی در سیاست دارد؟

نمی‌توانم زمان دقیقی برای آن تعیین کنم، اما قطعاً تا دوران دولت اوباما- که من در دوره دوم آن حضور داشتم- روشن شده بود. جان کری واقعاً با باور و جدیت به راه‌حل ۲ دولت معتقد بود. با این حال، حتی در آن زمان نیز اگر با دید امروزی نگاه کنیم، کاملاً مشخص بود که دستیابی به راه‌حل دودولتی ممکن نخواهد بود. درباره دولت بوش نمی‌توانم اظهار نظر کنم چون در آن دولت حضور نداشتم، اما فکر می‌کنم تا آن زمان، ایده «راه‌حل دوکشوری» به نوعی تبدیل به یک شعار طوطی‌وار شده بود؛ چیزی که هر وقت لازم می‌شد چیزی گفته شود، تکرارش می‌کردند: «ما برای راه‌حل دوکشوری تلاش می‌کنیم.» به‌تدریج، برای افراد خوش‌نیت به پناهگاهی تبدیل شد تا امید را از دست ندهند، چون فکر می‌کردند تنها راه امید همین است. برای افراد بدنیت نیز پناهگاهی بود تا بگویند «ما داریم تلاش می‌کنیم»، در حالی که می‌دانستند این تلاش هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت. در واقع، به یک شعار توخالی تبدیل شد.

ما در کتاب از واژه‌هایی چون «توهم» و «دروغ» استفاده کرده‌ایم، اما بعدها با واژه‌ای از فلسفه آشنا شدم-چرندیات- که جالب است، چون کسی که از آن استفاده می‌کند، نه به درستی و نه به نادرستی سخنش اهمیت می‌دهد؛ هدفش چیز دیگری است. در اینجا نیز همین‌طور است: سیاستمداران این جمله را می‌گویند چون باید چیزی بگویند تا در سمت درست بحث قرار گیرند و با گفتنش مسأله را کنار بگذارند، حتی وقتی همه چیز در زمین در جهت مخالف پیش می‌رود و هیچ تلاشی برای توقفش نمی‌کنند. بنابراین شاید حتی بیشتر از «دروغ»، همان واژه «چرندیات» برازنده‌تر است. چون در این نقطه، تکرار آن شعار دیگر هیچ ارتباطی با واقعیت یا امکان تحقق ندارد.

در کتاب توضیح می‌دهیم که این شعار معمولاً برای اهدافی کاملاً بی‌ربط به صلح مطرح می‌شد: گاه برای تشکیل ائتلاف علیه تروریسم در «جنگ علیه ترور»، گاه برای توجیه حمله به عراق یا مقابله با ایران، گاه برای مهار جنبش‌های اسلام‌گرا و در دوران بایدن، برای خنثی کردن تصوری که دولت آمریکا را در جنایات جنگی اسرائیل همدست می‌دانست. بنابراین در همه این شکل‌های مختلف، کسانی که آن را تکرار می‌کردند، نه به آن باور داشتند و نه فکر می‌کردند قابل تحقق است، بلکه صرفاً به دلایل سیاسی دیگر این حرف را می‌زدند.

من مکالماتی از این نوع را با اوباما، کری و مارتین ایندایک داشته‌ام. در مقاله‌ای که با حسین آغا نوشتیم، او اشاره می‌کند به گفت‌وگویی که پیش از مرگ ایندایک با او داشت، جایی که مارتین گفت: «ما نمی‌توانیم از راه‌حل دودولتی دست بکشیم، چون بدون آن فقط ناامیدی باقی می‌ماند.»

در مورد اوباما نیز باید بگویم که او به‌خوبی می‌دانست ما حرف‌هایی می‌زنیم که هرگز به واقعیت تبدیل نخواهند شد، اما فکر می‌کرد لازم است آنها را بیان کند. نکته‌ای که او گفت و برای من بسیار معنادار بود این بود: «بعضی‌ها می‌گویند اسرائیل غیرمنطقی رفتار می‌کند، اما شاید غیرمنطقی واقعی ما باشیم؛ چون تصور می‌کنیم اسرائیل باید رفتارش را تغییر دهد در حالی که هیچ هزینه‌ای برای ادامه همین مسیر نمی‌پردازد.» اگر شهرک‌سازی برای اسرائیل هزینه‌ای ندارد، اگر سیاست‌هایش در کرانه باختری و غزه بدون تبعات است، چرا باید رفتار خود را تغییر دهد؟ با وجود احترام زیادم به اوباما، او هم حاضر نبود (یا شاید نمی‌توانست) اقداماتی انجام دهد تا اسرائیل بهای تداوم وضعیت موجود را بپردازد. در واقع، دولت اوباما داستانی است از «سخنرانی‌های بزرگ» و «پیشرفت بسیار اندک در عمل.»

اگر بخواهم نقش مارتین ایندایک را مجسم کنم، باید بگویم او در مقاله‌ای پیش از مرگش با عنوان «رستاخیز عجیب راه‌حل دوکشوری» با لحنی اندوه‌بار نوشت که شاید افراد خلاق‌تر از او بتوانند راهی تازه بیابند، اما مسأله این است که راه‌حل دوکشوری بارها و بارها امتحان شده اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسید. کافی است به تعداد شهرک‌نشینان یا ذهنیت امروز اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها نگاه کنیم، به‌ویژه پس از ۷ اکتبر. وقتی مردم می‌گویند «تنها راه ممکن همین است»، در واقع چون نمی‌توانند گزینه دیگری تصور کنند، این را می‌گویند.

آنچه ما از «راه‌حل دودولتی» می‌گوییم، همان نسخه‌ای است که از روند اسلو بیرون آمد؛ تفکیک سخت میان دو ملت و دو دولت. این دیگر ممکن نیست: نه از نظر جغرافیایی، نه جمعیتی، و نه از نظر احساسات و هویت‌های عمیق‌تر دو ملت. پیام نخست من به کسانی که هنوز به راه‌حل دودولتی باور دارند این است: دیگر بار اثبات برعهده شماست که نشان دهید چگونه می‌خواهید به آن برسید. چون تا اینجا فقط گفته‌اید «هیچ گزینه دیگری نیست»، اما خود آن هم دیگر «گزینه‌ای واقعی» نیست. پیام دوم من به دیگران این است: مسأله فقط یافتن گزینه‌ای جایگزین نیست، بلکه درک این است که شکست راه‌حل دودولتی خودش بذر فجایعی را کاشت که امروز شاهدش هستیم. بین «روند صلح» و حوادث خونین دو سال گذشته گسستی وجود ندارد. این حوادث ادامه منطقی همان توهمی هستند که تصور می‌کردیم در مسیر صلح پیش می‌رویم.

> پیام نخست من به کسانی که هنوز به راه‌حل دودولتی باور دارند این است: دیگر بار اثبات برعهده شماست که نشان دهید چگونه می‌خواهید به آن برسید. چون تا اینجا فقط گفته‌اید «هیچ گزینه دیگری نیست»، اما خود آن هم دیگر «گزینه‌ای واقعی» نیست. پیام دوم من به دیگران این است: مسأله فقط یافتن گزینه‌ای جایگزین نیست، بلکه درک این است که شکست راه‌حل دودولتی خودش بذر فجایعی را کاشت که امروز شاهدش هستیم

وقتی می‌شنوم برخی می‌گویند: «نباید اجازه دهیم ایده دو دولتی از بین برود، چون در آن صورت مردم ایمان‌شان را از دست می‌دهند»، پاسخ من این است: آیا واقعاً فکر می‌کنید امروز فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها هنوز فریب این شعار را می‌خورند؟ شاید ما خودمان را فریب دهیم، اما آنها نه. افکار عمومی هم این را به‌روشنی نشان می‌دهد.

اگر بخواهم به این پرسش پاسخ دهم که اگر رئیس جمهور آمریکا بودم و یا به او مشاوره می‌دادم، چه باید می‌کردم به نظرم وظیفه واشنگتن این نیست که از پیش بگوید راه‌حل باید یک کشور، دو کشور یا چهار کشور باشد. باید بر یک اصل پای بفشارد: هر کسی که میان رود اردن و دریا (دریای مدیترانه) زندگی می‌کند باید از حقوق سیاسی و مدنی برابر برخوردار باشد. سیاست آمریکا باید بر اساس همین معیار قضاوت کند: آیا سیاست طرف‌ها این اصل برابری را رعایت می‌کند یا نه.

اما متأسفانه در دولت بایدن، همین «در آغوش گرفتن گرم اسرائیل» ادامه یافت. این تصور وجود داشت که با حمایت گرم و انتقاد خصوصی می‌توان بر اسرائیل اثر گذاشت، اما نتیجه همیشه یکسان بود: اسرائیل آغوش را به یاد می‌سپارد و انتقاد را فراموش می‌کند. پس از ۷ اکتبر، این سیاست به اوج خود رسید. ایالات متحده کاملاً در پیروی از مسیر اسرائیل پیش رفت، در حالی که اسرائیل در غزه مرتکب جنایات فجیع جنگی می‌شد. آمریکا نفوذ عظیمی داشت، به‌ویژه به‌خاطر ارسال سلاح، اما هرگز از آن استفاده نکرد. آمریکا می‌توانست بگوید: «اگر می‌خواهید جنگ را ادامه دهید، بدون سلاح‌های ما نمی‌توانید.» اگر اسرائیل می‌خواست به قیمت از دست دادن سلاح‌های آمریکایی، کشتار را ادامه دهد، انتخاب خودش بود. به‌جای آن، دولت بایدن سلاح‌ها را همچنان فرستاد و در عین حال می‌گفت «ما بی‌وقفه برای آتش‌بس تلاش می‌کنیم» در حالی که همین ارسال سلاح‌ها تضمین می‌کرد آتش‌بس هرگز اتفاق نیفتد.

دولت نتانیاهو می‌گوید: «دیدید؟ اگر فشار نظامی نمی‌آوردیم، حماس تسلیم نمی‌شد و گروگان‌ها را آزاد نمی‌کرد.» اما من با این منطق مخالفم. هیچ هدفی، حتی رهایی اسرا، نمی‌تواند وسایل غیرانسانی و کشتار گسترده غیرنظامیان را توجیه کند. حتی اگر فرض کنیم برخی اهداف نظامی حاصل شده، این به معنای مشروع بودن جنایت نیست.

در نهایت، درباره نقش ترامپ در آتش‌بس اخیر باید گفت ترکیبی از عوامل باعث آن شد: خستگی دو طرف، فشار بین‌المللی، و محاسبات سیاسی داخلی اسرائیل. اما باید پذیرفت که ترامپ کاری کرد که دولت بایدن نتوانست؛ او مستقیماً با بازیگران گفت‌وگو کرد، حتی با حماس از طریق ترکیه و قطر و در نهایت به نتانیاهو گفت «کافی است، تمامش کن.» این روش‌ها غیرمتعارف بود، اما مؤثر. شاید همین «صراحت عریان» برای بسیاری در منطقه از ریاکاری اخلاقی واشنگتن بایدن صادقانه‌تر به نظر آمد.

چشم‌انداز صلح در این مقطع چگونه است؟ اگر آتش‌بس یا حداقل وضعیتی بهتر از یک ماه پیش حفظ شود، آیا پیش‌بینی می‌کنید این وضعیت پابرجا بماند؟

با توجه به پیچیدگی‌ها و ابهامات طرح ترامپ، دلایل زیادی برای بدبینی و شک وجود دارد. هیچ ناظر بی‌طرفی برای ارزیابی تخلفات وجود ندارد و هیچ نهادی نیست که بتوان به آن مراجعه کرد. پس از آتش‌بس، اظهارات رئیس جمهوری و مقامات ارشد درباره نحوه ارزیابی اوضاع گیج‌کننده بود. گاهی می‌گوید اقدامات حماس در غزه توجیه‌پذیر است، گاهی هشدار می‌دهد اگر ادامه دهند، نابود خواهند شد. بنابراین نمی‌توان پیش‌بینی کرد این دولت چه موضعی خواهد گرفت یا چه فشاری بر هر دو طرف وارد می‌کند. با این حال، ممکن است آتش‌بس حفظ شود، زیرا نه اسرائیل و نه حماس در حال حاضر علاقه‌ای به ازسرگیری کامل درگیری‌ها ندارند. با وجود این، این آتش‌بس شکننده خواهد بود، زیرا اختلافات اساسی درباره توانایی اسرائیل در حمله به حماس و حفظ کنترل منطقه وجود دارد. در مراحل بعدی، مانند ورود کامل نیروهای بین‌المللی برای تثبیت وضعیت و عقب‌نشینی به حاشیه، نیاز به مشارکت فعال آمریکا و نظارت بر هر دو طرف وجود دارد.

اگر به ترتیب اولویت‌ها نگاه کنیم، ابتدا آتش‌بس و آزادسازی اسرا است، سپس اداره بلندمدت غزه و ورود نیروهای بین‌المللی برای تثبیت و در نهایت، عقب‌نشینی حماس. مرحله بعدی، صلح بین فلسطینی‌های غزه و کرانه باختری است که دستیابی به آن دشوارتر است. هرچه به حلقه‌های بعدی نزدیک می‌شویم، احتمال تحقق آن کمتر می‌شود.

در مورد فرمول‌های اداره غزه و اصلاح رهبری فلسطینی و امنیت غزه، آیا اینها واقع‌بینانه و قابل اجرا هستند؟

تصور نمی‌کنم حماس موافقت کند که تسلیم شود. تعاریف مختلفی وجود دارد؛ اینکه چه سلاح‌هایی باید کنار گذاشته شود تا دیگر جنبش مسلح نباشد، به معنای بازگشت به همه چیزهایی است که از ابتدای تأسیس برای آن ایستاده‌اند و به نوعی به جنبشی تبدیل می‌شوند که خود از ابتدا محکوم کرده‌اند.

همچنین برای اسرائیل سخت است که قبول کند یک نیروی بین‌المللی واقعی به عنوان حائل بین اسرائیل و غزه عمل کند یا امنیت خود را به نهادی خارجی بسپارد. ممکن است نسخه‌ای از این طرح وجود داشته باشد که نقش بین‌المللی بیشتری داشته باشد، کشورهای عرب خلیج فارس وارد شوند، یک دولت تکنوکرات تشکیل شود و حماس موافقت کند، اما اسرائیل همچنان غزه را همانند کرانه باختری کنترل کند و حماس از تسلیحات خود صرف‌نظر نکند. این وضعیت می‌تواند یک تعادل ناپایدار باشد، اما حداقل قابل تصور است.

روایت پیروزمندانه‌ای از سوی دولت اسرائیل و حامیانش پس از هفتم اکتبر وجود داشت. اسرائیل در برخورد با حماس در شمال و مقابله با ایران فعال بود و ادعا می‌کند با کمک آمریکا برنامه هسته‌ای ایران را مختل کرده است، اگرچه ایرانی‌ها همچنان حاضر به گفت‌وگو با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند و وضعیت به‌مراتب بدتر نشده است.

در مورد اسرائیل، فلسطین و آمریکا، مشکل تبدیل قدرت نظامی به منافع سیاسی و دیپلماتیک وجود دارد. اسرائیل امروز از نظر منطقه‌ای و نظامی قدرتمند است، اما منزوی‌تر از همیشه است و نتوانسته قدرت خود را به دستاورد سیاسی تبدیل کند. فلسطینی‌ها حمایت بین‌المللی زیادی دارند، اما جنبش ملی فلسطین بسیار ضعیف و بدون رهبری است و قادر به ارائه دستاورد ملموس به مردم خود نیست.

ترامپ توانایی زیادی برای عبور از قوانین سیاسی و ایجاد تغییرات دارد، اما دولت آمریکا هنوز دقیقاً نمی‌داند چه می‌خواهد و نمی‌تواند قدرت خود را به طرحی عملی روی زمین تبدیل کند. هر سه طرف، بین دارایی‌ها و توانایی تبدیل آن به مزیت واقعی اختلاف دارند و باید دید آیا قادر به استفاده مؤثر از آن هستند یا نه.

در آمریکا، دیدگاه عمومی بویژه نسل جوان نسبت به خاورمیانه و نقش آمریکا تغییر کرده است و آنها جهان و منطقه را متفاوت از گذشته می‌بینند. این موضوع برای اسرائیل مهم است، زیرا می‌تواند بر تحرکات دیپلماتیک و فشارهای بین‌المللی تأثیر بگذارد.

در مورد برنامه هسته‌ای ایران، حملات اسرائیل و آمریکا برنامه هسته‌ای ایران را فقط به عقب انداخته است. هنوز حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد وجود دارد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قادر به بازرسی نیست، ایران برای بازسازی برنامه خود به سختی تصمیم خواهد گرفت. در حالت کلی، ایران هنوز می‌تواند برنامه هسته‌ای خود را ادامه دهد. از سوی دیگر، آمریکا ممکن است برای توافق جدید خواستار محدودیت‌های بیشتر در برنامه موشکی و حمایت ایران از گروه‌های شبه‌نظامی شود که ایران حاضر به چنین چیزی که به معنای تسلیم کامل است، نخواهد بود.

می‌توان یک توافق احتمالی دید که در ازای رفع برخی تحریم‌ها، ایران تعلیق محدود فعالیت‌های هسته‌ای خود را قبول کند و مذاکرات با آمریکا ادامه یابد. ترامپ ممکن است فراتر از محدودیت‌های اوباما و بایدن عمل کند و تجارت و سرمایه‌گذاری با ایران را جذاب کند. بازگشت به برجام در دولت بایدن کند پیش رفت، زیرا ایران نسبت به تعهد آمریکا بدبین بود و ملاحظات داخلی نیز وجود داشت. بنابراین، آمریکا زمان زیادی از دست داد.

در منطقه، توازن جدیدی در حال شکل‌گیری است: روابط جدید کشورهای خلیج فارس با اسرائیل، اما شک و تردید بالا و اختلافات بین مصر، قطر، ترکیه و عربستان وجود دارد. توافق ابراهیم بین امارات و اسرائیل همچنان مهم و ممکن است توسعه یابد، اما بسیاری از عناصر منطقه هنوز نامشخص هستند و نتایج احتمالی نامعلوم است. دولت ترامپ به دنبال معاملات بر پایه مالی و تجاری بود و در حال حاضر ممکن است برخی اقدامات اقتصادی و دیپلماتیک جدید در منطقه به ثمر برسد، مانند تلاش برای صلح بین الجزایر و مراکش.

سعودی‌ها باید مراقب باشند که رابطه با اسرائیل را زود عادی‌سازی نکنند، زیرا دیدگاه عمومی جهان عرب و مسلمانان نسبت به اسرائیل منفی است.

رابرت مالی در جریان مذاکرات کمپ دیوید در سال ۲۰۰۰ میان ایهود باراک نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی و یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین به میانجیگری دولت کلینتون

برش

اگر می‌توانستید رئیس جمهوری کلینتون را متقاعد کنید که مسیر دو کشوری محکوم به شکست است، در آن زمان چه می‌کردید؟

من نمی‌خواستم او را متقاعد کنم چون خودم قویاً معتقد به راه‌حل دوکشوری بودم. بنابراین چیزی که به او می‌گفتم دو چیز بود: اول اینکه باید کنترل این مذاکرات را به دست بگیرید و من در حال حاضر به اجلاس کمپ دیوید فکر می‌کنم، زیرا از آنجایی که در ابتدا آنجا نبودم، در سال ۱۹۹۸ به این تیم پیوستم، تقریباً دو سال قبل از اجلاس کمپ دیوید. فکر می‌کنم یک کاری که دولت هرگز انجام نداد، این بود که مسئولیت را به عهده بگیرد و بگوید این روند ماست، مانند روشی که رئیس جمهوری کارتر برای کمپ دیوید خود انجام داد، جایی که متنی داشت که آن را کنترل می‌کرد، قلم را در دست داشت، به مصری‌ها یا اسرائیلی‌ها اجازه نمی‌داد کسی را برای او کنترل کنند و تغییراتی را که فکر می‌کرد لازم است و هر دو طرف در این مورد درخواست می‌کنند، اعمال کرد، همان‌طور که در کتاب شرح می‌دهیم، تیم آمریکایی که من بخشی از آن بودم، تقریباً بلافاصله پس از رد شدن توسط یکی از طرفین، کنترل را از دست داد، عمدتاً اعتراضاتی که ما به آنها گوش می‌دهیم یا دولت به آنها گوش می‌دهد، اعتراضات اسرائیلی‌ها بود و بنابراین ما کنترل را از دست دادیم.

دوم اینکه فکر می‌کنم باید این روند را زودتر آغاز می‌کردیم. نباید منتظر می‌ماندیم تا کمتر از یک سال به پایان دوره ریاست جمهوری باقی بماند. از دید فلسطینی‌ها، از آنها خواسته می‌شد بار دیگر امتیازاتی «بیش از حد» بدهند؛ در حالی که از نظر خودشان، پیش‌تر امتیاز بزرگی داده بودند - یعنی پذیرفته بودند فقط ۲۲ درصد از تمام فلسطین تاریخی را داشته باشند- و حالا از آنها خواسته می‌شد از همان هم بگذرند، آن هم در زمانی که رئیس جمهوری آمریکا در آستانه ترک قدرت بود و نخست‌وزیر اسرائیل هم معلوم نبود در قدرت بماند یا نه. در چنین شرایطی طبیعی بود که رهبران فلسطینی بگویند: «ما قرار است امتیاز بدهیم، اما معلوم نیست چیزی از آن نصیب‌مان شود. پس به نظرم باید زودتر آغاز می‌کردیم، روند را در دست می‌گرفتیم و یک دیدگاه آمریکایی درباره چگونگی پایان کنفرانس می‌داشتیم، نه اینکه بیش از اندازه تحت تأثیر برداشت‌ها و فرضیات اسرائیلی از شکل نهایی توافق قرار بگیریم.

ایران Iran Newspaper

یادنامه قیصر امین پور

شاعر جنگ و صلح

بررسی نسبت جهان و زبان قیصر امین پور در گفت‌وگو با عبدالجبار کاکایی

گفت‌وگو

مریم شهبازی
گروه کتاب

هجده سال از مرگ قیصر امین پور می‌گذرد، با این حال همچنان از او به عنوان چهره‌ای ممتاز در شعر معاصرمان یاد می‌شود؛ شاعر، نویسنده و مدرس دانشگاه برخاسته از جریان شعر انقلاب که به اعتبار و احترامی مثال زدنی میان همه طیف‌های ادبی و دانشگاهی دست یافت. او در زندگی کوتاه چهل‌وهشت ساله‌اش مسیر منحصر به فردی را در جست‌وجوی تجربه‌های مختلف پیمود، از گُتوَند خوزستان تا دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، زندگی قیصر روایت‌گر مهاجرت، تغییر مسیر و دگرگونی است؛ جوانی که از نقاشی و پزشکی به شعر رسید و از میدان تجربه‌های دهه شصت، به شاعری متفکر و منتقد تبدیل شد. عبدالجبار کاکایی، شاعر و پژوهشگری که سال‌ها با او همراهی داشته است، در این گفت‌وگو از قیصری می‌گوید که در جلسات شعر حوزه هنری، نه فقط شاعر که مرجع فکری جوانانی بیشمار بود؛ شاعری که حتی در مکالمات روزمره‌اش با صراحت و ظرافت کلام، مخاطب را غافلگیر می‌کرد. قیصر در میان نسل آرمان‌گرای پس از انقلاب، نماد تعادل میان سنت و نوآوری بود. از جایگاه ادبی، صداقت و حوصله‌اش خاطرات بسیاری مانده است، اما شاید مهم‌تر از همه، آن روح آرام و اندیشمندی باشد که حتی در سال‌های رنج و بیماری، شعر را زمین نگذاشت و تا واپسین لحظات، به پرسش همیشگی‌اش از انسان و زمانه پرداخت.

تصویری از جلسه دفاع رساله دکتری قیصر امین‌پور در سال ۱۳۷۷. در عکس دکتر مظاهر مصفا هم دیده می‌شود که داور رساله قیصر بود. مظاهر مصفا هم ۸ آبان ۱۳۹۸ درگذشت.

قیصرامین پور تا قبل از آنکه به طور جدی قدم به عرصه شعر و فعالیت‌های ادبی بگذارد مسیرهای متفاوتی را پیمود: از مهاجرت گرفته تا تغییر رشته و... از گتوند خوزستان به تهران آمد، از نقاشی به شعر رسید و به دلیل علاقه‌مندی‌اش به پزشکی سر از دام‌پزشکی درآورد که البته آن را نیمه‌کاره رها کرد و تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی را شروع کرد و تا مقطع دکتری ادامه داد. طی این مسیر چه تأثیری در شعر و جهان‌بینی قیصر داشته است؟

اغلب افرادی که جایگاه شاخصی در هنر و ادبیات و حتی در علوم مختلف پیدا کرده‌اند؛ آنهایی هستند که سال‌های جوانی‌شان در مسیرهای متنوع و متفاوتی سپری شده است. به گمانم این ویژگی به هوش بالای این افراد بازمی‌گردد که در نتیجه‌اش توانایی بسیاری پیدا می‌کنند و به عرصه‌های مختلفی قدم می‌گذارند. این روند تا موقعی که به نقطه‌ای ثابت برسند ادامه پیدا می‌کند. این حالت را شاید بتوان نوعی دگرگونی دانست؛ البته نه به معنای رنگ‌به‌رنگ شدن بلکه به جهت کسب تجربه در عرصه‌های مختلف و برای یافتن جایی که به آن تعلق دارند. قیصر هم از جمله چنین افرای است، یکی از آن جوانانی بود که از روستاها و شهرهای کوچک عازم تهران می‌شوند. قیصر در بحبوحه انقلاب و تحولات اجتماعی و سیاسی‌اش از گتوند، شهری در خوزستان عازم تهران می‌شود. از پزشکی به تحصیل در رشته ادبیات و فعالیت در زمینه شعر و شاعری کشیده می‌شود. حلقه‌هایی که آن موقع در حوزه هنری و بحث‌هایی که درباره شعر و ادبیات به راه افتاده بود، انگیزه بیشتری برای ادامه راه ادبیات به قیصر دادند. تا جایی که دوره‌های تحصیلات دانشگاهی در کسوت دانشجویی برجسته یکی پس از دیگری طی کرد و تا اتمام مقطع دکتری آن را رها نکرد. جدیت قیصر در این راه توجه استادان شاخص ادبیات آن سال‌ها را هم جلب کرد.

بستر اجتماعی و سیاسی آن دوران چه تأثیری در روند فکری و فعالیت‌های ادبی قیصر ایفا می‌کند؟

آن دوران مملو از انگیزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مختلف بود، شرایطی که بی‌شک در شکل‌گیری تفکرات قیصر و دیگر شاعران هم‌دوره‌اش نقش مهمی ایفا می‌کند. قیصر در چنین حال‌وهوایی در مسیر پایه‌گذاری جریان ادبی موسوم به شعر حوزه هنری قرار گرفت و نام او به عنوان یکی از پیشگامان این جریان ثبت شد. قیصر اولین شاعری است که درحوزه هنری با او مواجه شدم. هنوز صحنه‌ای که در حال بالارفتن از پله‌ها، قیصر را دیدم به یادم مانده است، اولین شاعری بود که در حوزه هنری و در آن روز به او برخوردم. اوایل سال ۱۳۶۲، یک سال بعد از پیوستن قیصر به حوزه هنری بود. با حضور در جلسات ادبی پنج‌شنبه‌ها به تدریج من هم به جمع شاعران حوزه هنری پیوستم.

اولین مواجهه‌تان، چقدر شبیه به تصورات قبلی شما از قیصر بود؟

قبل‌تر او را در تلویزیون و مشغول رباعی‌خوانی دیده بودم؛ سروده‌ای درباره بمباران دزفول. آن تصویر و کلمه به کلمه رباعی قیصر در حافظه‌ام ثبت شده بود. در آن ملاقات کوتاه‌مان در حوزه هنری، آن شعر را برای او خواندم، قیصر هم من را به اتاق شعر دعوت کرد. این آغاز آشنایی‌مان بود. از آنجایی که دانشجوی ادبیات بودم، هرازگاهی برای دریافت پاسخ برخی سؤالاتم به آنجا می‌رفتم. جالب است که هرکدام از شاعران، وقتی با پرسش‌های من روبه‌رو می‌شدند تأکید می‌کردند سراغ قیصر بروم. با حوصله پاسخ می‌داد و کتاب‌هایی را هم برای مطالعه معرفی می‌کرد.

بنابرچه ویژگی خاصی، همکاران قیصر چنین جایگاهی برای او قائل بودند؟

با صبر و حوصله زیادی برای جوانان و علاقه‌مندان وقت صرف می‌کرد. افزون بر آن‌که شاعری بسیار خوب بود، تحصیلات دانشگاهی و مطالعات آکادمیک هم داشت. این چندوجهی بودن، او را از دیگر شاعران متمایز می‌کرد. نقطه قوتی که همه به آن معترف بودند و در مواجهه با جوانان مشتاق و پرسش‌گر، آنان را به سمت اتاق قیصر و کسب اطلاعات از او راهنمایی می‌کردند. درباره مباحث فلسفی هم اطلاعات خوبی داشت. درباره فیلسوفی به نام الکندی سؤالی داشتم که آن را از سیدحسن حسینی پرسیدم. جالب آنکه مردی با مطالعات و جایگاه سیدحسن هم توصیه کرد سؤالم را از قیصر بپرسم! چنین تجربه‌هایی، مصادیق کوچکی در وصف دانش قیصر و دایره مطالعاتی گسترده‌اش هستند. در حوزه نقد شعر نیز، نقدهایی بسیار کاربردی داشت، نقدهای او کاملاً علمی و منطبق بر اصول بودند؛ درست برخلاف دیگر منتقدانی که اغلب ذوقی و سلیقه‌ای کار می‌کردند. شعرش نیز جایگاهی متفاوت داشت. اجرای نحو را به سادگی انجام می‌داد که این یکی از ویژگی‌های مهم شعر قیصر است. نگاه بسیار هوشیارانه‌ای به چینش کلمات داشت و جملات را به کوتاه‌ترین شکل کنار هم قرار می‌داد، آنچنان که شعر قیصر به وضوح از آثار دیگر شاعران هم‌دوره‌اش متمایز بود. در عین آنکه اشعارش گرفتار تکلف نمی‌شدند، از فنون بلاغت نیز به خوبی استفاده می‌کرد. اشعار قیصر فقط منتقل‌کننده مفاهیم و معانی نیستند، بلکه از نظر ادبی هم اشعاری قابل تأمل هستند. قیصر بیش از آنکه به فکر استفاده از قالب شعر جهت دغدغه‌ها و عواطف شخصی‌اش باشد، خود را مکلف به بیان دغدغه‌های مردم می‌دانست. و این همان چیزی بود که در طی سال‌ها، ما در حوزه هنری آموختیم. زبان شعر او، زبان و حرف دل مردم بود و مطالعه اشعارش برای ما در حکم درس و دانشگاه.

پیش‌ترگفته بودید قیصر حتی در مکالمه‌های روزمره‌اش نیز شنونده را غافلگیر می‌کرد. این غافلگیری از چه لحاظ بود؟

این یکی از نکات مهم در توصیف شخصیت و فعالیت‌های ادبی قیصر است. چینش کلمات در مکالمات عادی‌اش نیز هنرمندانه بود و در آن از فنون بلاغی شعر هم بهره می‌گرفت. با کلمات و قدرت اثرگذاری‌شان بازی می‌کرد. سخنانش مملو از نکته‌پرانی و به کارگیری طنز و تضاد بود. همان‌قدر که شریف و آرام بود، ساده اما به زیبایی صحبت می‌کرد. محال بود پای سخنانش بنشینید و مجذوبش نشوید. جدا از تمام موادی که درباره وجوه ادبی فعالیت‌های قیصر به آن اشاره شد، یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی‌اش، گوش شنوایی است که در نقدپذیری درباره خودش داشت. اغلب افرادی که آن موقع در حوزه هنری کار می‌کردند جوان و تحت‌تأثیر فضای حاکم بر جامعه بودند. از همین رو تعصب زیادی به تفکرات و نگاه خود داشتند، اما قیصر با آرامش و حوصله زیادی پای صحبت دیگران می‌نشست. با آنکه در نقد به اصول علمی و ادبی معتقد بود، مراعات طرف مقابلش را هم می‌کرد. خیلی مراقب بود باعث رنجش کسی نشود و اگر قرار به نقد شعری داشت، ابتدا نقاط قوت و بعد کاستی‌های آن را می‌گفت. در نتیجه اغلب افراد نقد او را می‌پذیرفتند.

این نقدپذیری قیصر از کجا می‌آمد؟ آن هم در شرایطی که به گفته بزرگانی نظیر عبدالعلی دستغیب ما ایرانیان مردم نقدپذیری نیستیم و اغلب با تعصب زیادی از عقاید خود دفاع می‌کنیم!

به گمانم بیشتر از آنکه تحت‌تأثیر دانش اجتماعی‌اش باشد، از شخصیت و اخلاق خودش نشأت می‌گرفت. البته نمی‌توان منکر تربیت و فضایی شد که در آن رشد یافته بود. بخشی هم برآمده از حیاء شهرستانی بودنش و آمدن از محیطی کوچک‌تر به تهران است. او حجب و حیاء خاص بچه‌های شهرستان را به تهران آورده بود که انعکاس آن در روابطش نیز نمایان بود. آرام و بی‌هیاهو بودنش را حتی در مهاجرت هم حفظ کرده بود. و شاید این را هم بتوان یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت شخصیتی قیصر در مواجهه‌اش با جوانان و اهالی ادبیات دانست.

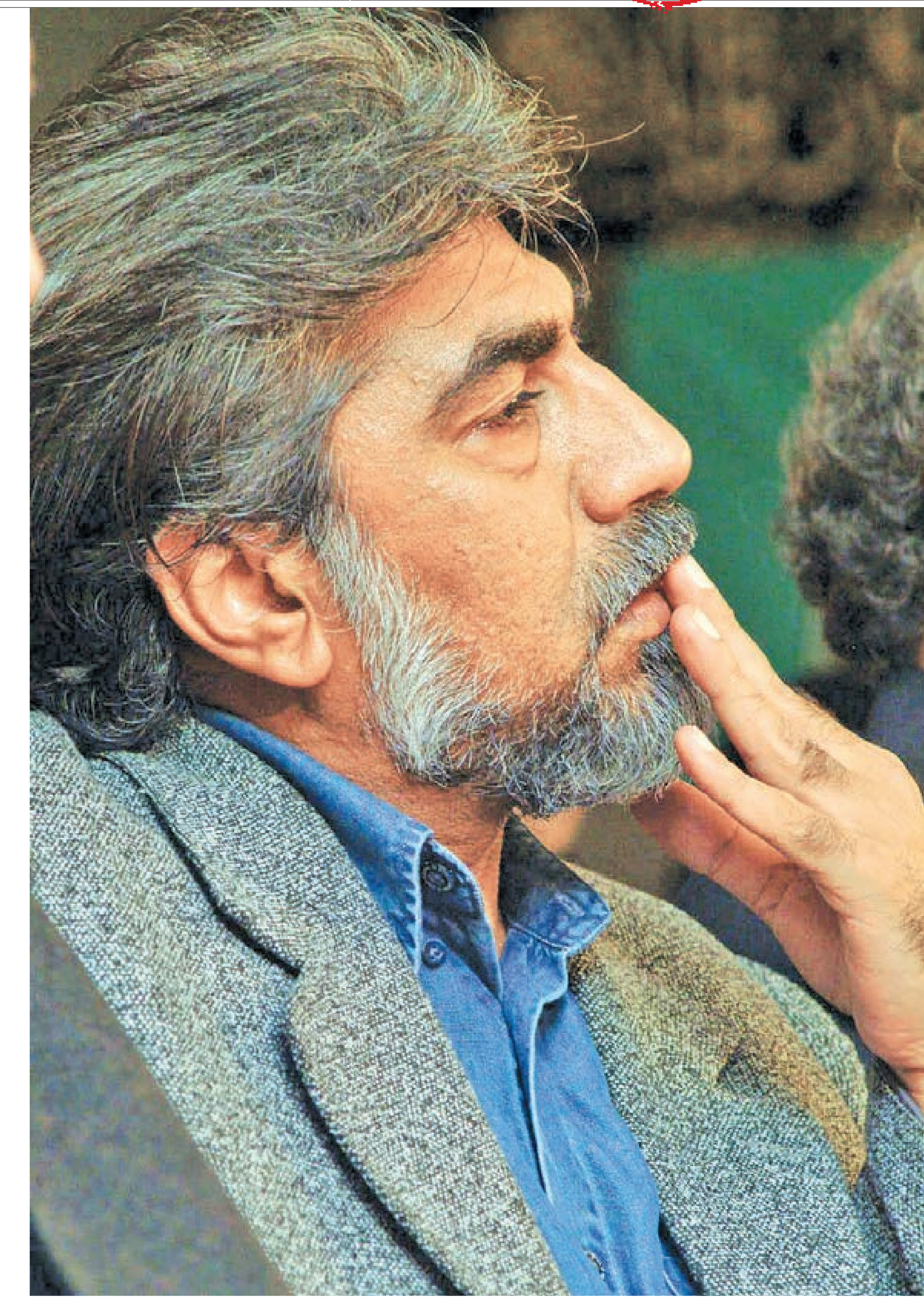

زندگی ادبی قیصر به سبب تجربیات و فراز و فرودهایی که پشت سر گذاشته به دوره‌های مختلفی تقسیم می‌شود؛ اولین دوره‌اش مصادف است با وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان و آغاز تحصیلات دانشگاهی‌اش. در این دوره بنابر اقتضائات اجتماعی و سیاسی، قیصر هم با نوعی آرمان‌گرایی آتشین به سراغ شعر و شاعری می‌رود. جنگ و انقلاب چه تأثیر و بازتابی در شخصیت و اشعارش داشت؟

قیصر متولد دزفول بود و تا اتمام دوره مدرسه‌اش همان‌جا زندگی کرد؛ یکی از شهرهایی که در دوران جنگ، بیش از سایر مناطق زیر بمباران بعثی‌ها بود. طبیعتاً تأثیر زندگی در چنین شرایطی در اشعارش نیز نمود بیرونی زیادی پیدا کرده است. زیست در محیط پرتنش، قلم افراد را به سمت طرح مسائل اجتماعی می‌برد. به خصوص که در شهرستان‌ها، امکانات هنری کمتری، در زمینه‌هایی نظیر نقاشی در اختیار علاقه‌مندان بوده و در آن شرایط یکی از بهترین راه‌ها برای بروز احساسات درونی بهره‌مندی از قلم و کاغذ بوده است. اتفاقات تلخ سال‌های جنگ، افراد بسیاری را به سمت و سوی شعر کشاند. اتفاقی که درباره افراد دیگری نظیر من و یوسفعلی میرشکاک هم صادق است. من هم در ایلام تجربه‌های متعددی از جنگ تحمیلی داشتم. بخشی از توجه به چنین موضوعاتی مرهون زندگی در شرایط سخت اجتماعی است که غیر از وقایعی نظیر جنگ، برای امثال ما که در مهاجرت و دور از خانواده‌مان بودیم هم ملموس بود. زندگی حرفه‌ای قیصر هم با مهاجرت آغاز شد. به تهران آمد و به محیط‌های علمی و ادبی پیوست.

قیصر در دوره‌ای ناچار به خداحافظی از حوزه هنری می‌شود و با همراهی مهدی فیروزان و جمعی از شاعران، سروش نوجوان را دایر می‌کنند. بعد از حدود پانزده سال، آنجا را نیز به رغم میل باطنی‌اش ترک می‌کند؛ در نتیجه این خداحافظی‌های اجباری گرفتار نوعی سرخوردگی و نقادی می‌شود که آن را می‌توان مرحله دیگری از زندگی کاری‌اش دانست. این سال‌ها چه تأثیری در شعر قیصر ایفا کرده‌اند؟

راستش نمی‌توانم پاسخ دقیقی به این پرسش بدهم، برای این کار به پژوهشی همه‌جانبه نیاز است. هرچند که طبیعتاً حضور وقایع این دوره نیز در شعر قیصر پررنگ است. انتقادات اجتماعی در این دوره به بخش مهمی از مضامین اشعارش تبدیل می‌شود.

چه وقایعی منجر به کوچ قیصر و دوستانش از حوزه هنری شد؟

وضعیت دهه شصت، بویژه در سال‌های پایانی آن به گونه‌ای پیش رفت که شاعران حوزه هنری مجبور به ترک آن محیط شدند. مدیران وقت حوزه هنری و سازمان تبلیغات اسلامی توقع داشتند جوانان فعال در اتاق شعر حوزه هنری، موضوعات سیاسی را تنظیم و منظومه کنند. با چنین نگاهی محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های حوزه هنری ایجاد شد، اما آن شاعران جوان خود را متعلق به یک جریان ادبی منتقد و آگاه می‌دانستند؛ آنان به موازات اینکه برای شهدا و جنگ شعر می‌گفتند به کاستی‌های موجود هم انتقاد می‌کردند. سازمان تبلیغات دنبال مبلغ بود ولی این بچه‌ها در چارچوب‌های دولتی قرار نمی‌گرفتند. نگاه آنان با توقعات نظام مدیریت فرهنگی وقت جور درنمی‌آمد. قیصر و تعدادی از آن جوانان در یکی از جلسات حوزه‌هنری ناچار به وداع شدند؛ جلسه‌ای که سیدحسن حسینی از آن با عنوان «حجة‌الوداع» یاد می‌کند. از آنجایی که من هم یکی از آن جوانان بودم، خاطره آن روز آخر به یادم مانده است. در آن روز بارانی به غیر از قیصر، سلمان هراتی و سیدحسن حسینی هم بودند که همگی ناچار به ترک حوزه هنری شدند. ما اولین گروهی بودیم که حوزه را ترک کردیم.

بعد از این خداحافظی چه کردید؟

هرکدام به گوشه‌ای رفتیم. شرایط همکاری دوباره نبود و به اجبار تقسیم شدیم. قیصر به مجله «سروش» رفت و بعد مجله «سروش نوجوان» را پایه‌گذاری کرد. قیصر در سال‌های حضور در مجله «سروش نوجوان» نیز کارهای درخشانی انجام داد. آن دوران تقریباً پانزده ساله را می‌توان از مؤثرترین سال‌های بازتاب ادبیات کودک و نوجوان در عرصه رسانه دانست. به خصوص که قیصر گرایش زیادی به این بخش از ادبیات داشت. قیصر در زمینه‌های ادبی مختلفی طبع‌آزمایی کرد، از ادبیات کودک و نوجوان گرفته تا ادبیات بزرگسال و حتی فعالیت‌های رسانه‌ای و پژوهشی.

در گذر این سال‌ها ارتباط‌تان به چه صورت بود؟

البته فرصت و شرایط دیدار مستمر نبود، با وجود این دورادور در ارتباط بودیم. برای مدتی در یک کتاب‌فروشی در خیابان انقلاب جمع‌های دوستانه‌مان برپا می‌شد، بعدتر در انباری یک کتاب‌فروشی در خیابان ظهیرالاسلام دیدار می‌کردیم. محل ثابتی برای برپایی محافل دوستانه و ادبی‌مان نداشتیم. کمی که گذشت حتی از همان امکان کوچک هم محروم شدیم و هر کسی سراغ سرنوشت خودش رفت. بچه‌های مشهور به شاعران انقلاب حتی سقفی نداشتند که در پناه آن جمع شوند و شعر بگویند. هیچ کدام از نهادها و ارگان‌های دولتی از آنان حمایت نمی‌کردند. این اتفاق (خروج از حوزه هنری) سال ۱۳۶۶ رخ داد، در اوج جنگ. آن هم شاعرانی که از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند، به جبهه می‌رفتند و برای رزمنده‌ها شعرخوانی می‌کردند. بسیاری از آنان مشاغل معمولی‌شان را هم از دست دادند و با مشکلات زیادی روبه‌رو شدند. عده‌ای به روزنامه «جمهوری اسلامی» رفتند، برخی در روزنامه «اطلاعات» و تعدادی هم در «کیهان فرهنگی» مشغول کار شدند.

ارتباط قیصر با افرادی نظیر مصطفی رخ‌صفت و رضا تهرانی که به «کیهان فرهنگی» و بعدتر مجله «کیان» رفتند، چطور بود؟

از جزئیات این روابط اطلاعی ندارم چراکه در مسیرهای مختلفی قدم گذاشتیم. اما تا جایی که شرایط اجازه می‌داد روابط‌مان برقرار ماند، گاهی هم در میهمانی‌ها یا جلسات یکدیگر را می‌دیدیم.

وضعیتی که شما توصیف کردید درست برخلاف ادعایی است که برخی درباره فعالیت آن سال‌های شاعران انقلابی دارند. عده‌ای می‌گویند فضای رسمی شعر آن دوره در قبضه شاعران انقلاب بود و جایگاه خاصی داشته‌اند و...

اصلاً اینطور نبود. این شاعران گرفتار تراژدی غم‌انگیزی شدند که وصف آن بی‌مهری‌ها را می‌توان در شعر «رنج‌نامه» سیدحسن حسینی دید؛ شعری که او در جلسه آخر حوزه هنری خواند. ما جمع شده بودیم که شعر بگوییم و دغدغه‌های‌مان را دنبال کنیم که کارمان به خداحافظی کشید.

بی‌مهری‌هایی که دیدید چه تأثیری بر نگاه و قضاوت‌تان درباره فضای فرهنگی و اجتماعی داشت و آیا می‌توان گفت که بعد از جدایی از حوزه، همدلی و نزدیکی دوستان شما با دیگر شاعران و نویسندگان بیشتر شد؟

فقط بحث این بی‌مهری‌ها نبود که واقعیت را نشان داد. شاعرانی مثل قیصر به مرور ثابت کردند که همه آن گفته‌ها ادعایی پوچ است. آنان خودشان را جدا از دیگر شاعران نمی‌دیدند. البته این مسأله درباره همه شاعران حوزه هنری آن دوران صادق نیست. قیصر و برخی رفتند اما عده‌ای ماندند، حتی تعدادی از آنهایی که رفته بودند، دوباره برگشتند و به کار خود ادامه دادند. جنبشی که با عنوان شاعران جوان آرمان‌گرای شعر انقلاب در حوزه هنری پایه‌گذاری شد، میزبانی افرادی با ایده‌هایی متفاوت را به عهده داشت. جریان‌های فکری مختلفی درآن حضور داشتند. اما در آخر با نظام قانونگذاری تبلیغاتی وقت حوزه هنری کنار نیامدند و رفتند. اینها آزادی‌خواه بودند و می‌خواستند که منتقد بمانند و با این موضوع که جایگاه‌شان به مبلغ سیاسی تقلیل پیدا کند موافق نبودند.

قیصر به خصوص در سال‌های حضورش در حوزه هنری چه مواجهه‌ای با جریان‌های فکری روشنفکری و متفاوت از خود داشت؟ آنان چه نگاهی به قیصر داشتند؟

قیصر را می‌توان یکی از نزدیک‌ترین شاعران به طیف‌های روشنفکری دانست. رابطی میان طیف‌های غیرهم‌سو با شاعران انقلاب بود. بین اقشار مختلف دانشگاهی هم اعتبار خوبی داشت. همه طیف‌ها، اعم از روشنفکران و جامعه دانشگاهی با احترام از او یاد می‌کردند؛ حتی آنهایی که آرمان‌گرایی شعر انقلاب را هم قبول نداشتند، قیصر را شاعری مطرح و البته برخوردار از دانش آکادمیک می‌دانستند. قیصر نزدیک‌ترین چهره شعر انقلاب به جریان‌های متنوع فکری و ادبی معاصر بود، شاعری که او را یکی از نمایندگان شاخص شعر انقلاب می‌دانستند.

گذشته از وجهه ادبی و شخصیت قیصر که در جلب احترام دیگر جریان‌های فرهنگی مؤثر بود، اذعان او به تأثیرپذیری‌اش از فروغ و سهراب چه تأثیری در پذیرش او بین طیف روشنفکران غیرهمسو داشت؟

قیصر در توجه به جریان تثبیت شده شعر دوران تجدد از چهره‌های شاخصی نظیر شاملو و فروغ با احترام زیادی یاد می‌کرد. هرگز نقد احساسی و غیرمنطقی به آن نداشت. از شاعران متقدم به خودش، فارغ از اینکه به کدام جناح فکری تعلق داشتند بدون هیچ‌گونه سوءگیری صحبت می‌کرد. در جلسات ادبی حوزه هنری از شاعران طیف روشنفکری هم شاهد مثال می‌آورد و درباره‌شان بحث می‌کرد؛ درست برخلاف برخی که حتی از بیان نام شاعرانی نظیر شاملو ابا داشتند. او از فروغ با عنوان «خواهرم فروغ» یاد می‌کرد که در یکی از اشعارش هم آمده است. اهمیتی برای خط‌کشی‌های سیاسی در عرصه ادبیات قائل نبود. با همه جریان‌ها و طیف‌های موجود رابطه داشت.

رابطه‌اش با اخوان ثالث و استاد شفیعی کدکنی چطور بود؟

درباره اینکه به کلاس‌های آزاد اخوان می‌رفته یا نه چیزی نمی‌دانم اما علاقه زیادی به استاد شفیعی کدکنی داشت، حتی قبل از آنکه به دانشگاه تهران برود، در برخی کلاس‌های او شرکت می‌کرد. قیصر استاد بود و یکی از الگوهای علمی‌اش در مباحث ادبی، استاد شفیعی کدکنی بود. رابطه‌شان آنقدر پررنگ بود که دیدارهای مشترکی با استاد شفیعی کدکنی و ابتهاج نیز داشتند.

عنوان رساله دکتری قیصر «سنت و نوآوری در شعر معاصر» بود. «سنت و نوآوری» را شاید بتوان چکیده شخصیت خود قیصر و موقعیتش دانست که هم چهره‌ای دانشگاهی بود، هم در عرصه مطبوعات فعال بود، هم دل در گرو ریشه‌ها و آرمان‌های مذهبی داشت و هم با نسل جدید همدساز بود. به نظر شما قیصر چه تلقی‌ای از سنت و نوآوری داشت؟

در ارتباط با شعر قیصر بیشتر به مباحث سیاسی و اجتماعی اشاره می‌شود، در شرایطی که یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی کاری او مرتبط با جایگاهی است که برای سنت و نوآوری قائل بود. قضاوت قیصر از دریچه «سنت و نوآوری» یکی از علمی‌ترین راه‌ها برای بررسی زندگی کاری و آثارش به شمار می‌آید. قیصر به سنت معتقد بود اما هرگز درآن باقی نماند چرا که برای نوآوری نیز اهمیت زیادی قائل بود. در این رابطه جمله جالبی هم به کار می‌برد و می‌گفت: به نام خدایی که سنت او نوآوری است. بخش‌های خوب سنت را حفظ می‌کرد و در مواردی که لازم بود به نوآوری روی می‌آورد. این یکی دیگر از ویژگی‌های مهم شخصیتی و ادبی قیصر است. تعادل قیصر در رفتار فرهنگی و ادبی‌اش در قالب کتابی با عنوان «سنت و نوآوری» منتشر شده است، همان کتابی که یادگار رساله دکتری او بود و قرار بود آن را بسط و گسترش بدهد. هرچند که آن تصادف و مشکلاتی که پدید آورد اجازه‌اش را نداد.

آخرین برهه‌ای که می‌توان در زندگی قیصر برشمرد به ماجرای تصادف سنگینی بازمی‌گردد که در سفر به یکی از شهرهای شمالی تجربه کرد؛ تصادفی که تبعات آن تا آخرین روز حیاتش رهایش نکرد و او را به نوعی واکاوی درونی واداشت. تأثیر این دوره را به چه شکل می‌توان بر آثارش دید؟

درد و رنجی که آن تصادف به جان قیصر انداخت تا آخر عمر همراهش ماند، ملموس‌ترینش دیالیزهای مداوم بود. در نتیجه دشواری‌هایی که شرایط جسمی‌اش به او تحمیل کرد در سال‌های پایانی عمر بیش از قبل سراغ کارهای پژوهشی رفت. شعرهایی که در آن سال‌ها گفت، در مقایسه با گذشته رنگ‌وبوی انتقادی‌تری پیدا کردند. در آن سال‌ها آخر به وضعیت زمانه‌اش نیز نقد داشت که بازتاب آن در آثارش نیز مشهود است. آن تصادف قیصر را بیشتر متوجه مشکلات کرد. البته قیصر در سال‌های آخر به صلحی درونی با خودش و شرایطی که گرفتارش شده بود هم رسید. شعر قیصر با انقلاب و جنگ آغاز شد و در نهایت به انزوایی درونی و بعدتر هم صلح با خویشتن رسید.

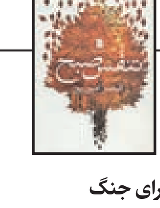

شعری برای جنگ

می‌خواستم
شعری برای جنگ بگویم
دیدم نمی‌شود
دیگر قلم زبان دلم نیست
گفتم:
باید زمین گذاشت قلم‌ها را
دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست
باید سلاح تیزتری برداشت
باید برای جنگ
از لوله تفنگ بخوانم
- با واژه فشنگ -
می‌خواستم
شعری برای جنگ بگویم
شعری برای شهر خودم -دزفول-
دیدم که لفظ ناخوش موشک را
باید به کار برد
اما
موشک
زیبایی کلام مرا می‌کاست
گفتم که بیت ناقص شعرم
از خانه‌های شهر که بهتر نیست
بگذار شعر من هم
چون خانه‌های خاکی مردم
خرد و خراب باشد و خون‌آلود
باید که شعر خاکی و خونین گفت
باید که شعر خشم بگویم
شعر فصیح فریاد
- هر چند ناتمام -
گفتم:
در شهر ما
دیوارها دوباره پر از عکس لاله‌هاست
اینجا
وضعیت خطر گذرا نیست...
دزفول-اسفند ۵۹

از مجموعه «تنفس صبح»

طرحی برای صلح (۱)

کودک
با گربه‌هایش در حیاط خانه بازی می‌کند
مادر، کنار چرخ خیاطی
آرام رفته در نخ سوزن
عطر بخار چای تازه
در خانه می‌پیچد
صدای در!
- «شاید پدر!»

طرحی برای صلح (۲)

شهیدی که بر خاک می‌خفت
چنین در دلش گفت:
«اگر فتح این است
که دشمن شکست،
چرا همچنان دشمنی هست؟»

طرحی برای صلح (۳)

شهیدی که بر خاک می‌خفت
سرانگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت
دو سه حرف بر سنگ:
«به امید پیروزی واقعی
نه در جنگ،
که بر جنگ!»

از مجموعه «دستور زبان عشق»

درد و رنجی که آن تصادف به جان قیصر انداخت تا آخر عمر همراهش ماند، ملموس‌ترینش دیالیزهای مداوم بود. در نتیجه دشواری‌هایی که شرایط جسمی‌اش به او تحمیل کرد در سال‌های پایانی عمر بیش از قبل سراغ کارهای پژوهشی رفت. شعرهایی که در آن سال‌ها گفت، در مقایسه با گذشته رنگ‌وبوی انتقادی‌تری پیدا کردند. البته قیصر در سال‌های آخر به صلحی درونی با خودش و شرایطی که گرفتارش شده بود هم رسید. شعر قیصر با انقلاب و جنگ آغاز شد و در نهایت به انزوایی درونی و بعدتر هم صلح با خویشتن رسید

قضاوت قیصر از دریچه «سنت و نوآوری» یکی از علمی‌ترین راه‌ها برای بررسی زندگی کاری و آثارش به شمار می‌آید. قیصر به سنت معتقد بود اما هرگز درآن باقی نماند چرا که برای نوآوری نیز اهمیت زیادی قائل بود. در این رابطه جمله جالبی هم به کار می‌برد و می‌گفت: به نام خدایی که سنت او نوآوری است

فراتر از دوگانه‌های ناسازگار

درنگی در آثار منثور قیصر امین‌پور

اسماعیل امینی
شاعر و نویسنده

قیصر امین‌پور را با شعرهای صمیمی و خلاقش می‌شناسیم و با دلبستگی‌اش به زبان فارسی و فرهنگ ایران. قیصر را به معلمی و استادی‌اش می‌شناسیم که در تدریس دانشگاهی محبوب بود و در کلاس‌هایش نشانی از ملال و تکلف نبود.

در «دفتر شعر جوان» و «سروش نوجوان» و اصلاً بگو در هر لحظه و هر جایی که قیصر را می‌دیدی، با اشتیاق دانسته‌های فراوانش را و تجربه‌های ارزشمندش را با حوصله و مهربانی در اختیار جوانان قرار می‌داد. قیصر افزون بر شاعری و معلمی، در آثاری که به نثر دارد، نمونه‌هایی خواندنی و مثال‌زدنی از شیوایی زبان فارسی را به یادگار گذاشته است. تنوع نوشته‌های او به اندازه‌ای‌ست که برای دوستداران زبان فارسی مجموعه‌ای پربار از گونه‌های زبان نوشتاری فراهم آمده است. در این یادداشت، مروری اجمالی خواهم داشت بر شماری از آثار نثر قیصر امین‌پور که بعضاً در سایه شهرت شاعری او، کمتر شناخته شده‌اند.

بی بال پریدن: مجموعه‌ای از تأملات اجتماعی و فرهنگی است که برای مخاطبان نوجوان و جوان نوشته شده است. زبان ساده و بی‌تکلف، ظرافت طنز، نگاه خلاق به زبان و صمیمیت لحن، نثر این کتاب را شیرین و خوشایند ساخته است.

گفت‌وگوهای بی‌گفت‌وگو: در این کتاب پنج نامه قیصر خطاب به خواهر ناشنوایش آمده است. این نامه‌ها هم از نظر نثر و هم از نظر دامنه گسترده اندیشه و خیال، بسیار دل‌انگیز و اثرگذار هستند. هم چنین تعدادی از یادداشت‌های نویسنده برای خوانندگان نوجوان مجله «سروش نوجوان» در این کتاب درج شده است. این یادداشت‌ها بیانگر تأملات قیصر در شناخت جهان، انسان، زمان، معنویت و مفاهیمی دیگر از این قبیل است که نمونه‌هایی درخشان است از نثر تعلیمی شاعرانه و صمیمانه.

سنت و نوآوری در شعر معاصر: این کتاب، که حاصل بازنویسی رساله دکتری قیصر است، موضوع بنیادین سنت و نوآوری را علاوه بر حوزه ادبیات در حوزه‌های گسترده‌تری چون فلسفه، مباحث دینی و کلامی، اجتماعیات و هستی‌شناسی طرح می‌کند و نگاهی جامع و تحلیلی دارد به بازتاب رابطه دیالکتیکی سنت و نوآوری در تحولات شعر معاصر ایران و ارتباط این تحولات با تحولات شعر در جهان عرب و جهان غرب.

شعر و کودکی: کتاب «شعر و کودکی» نیز، حاصل پژوهشی دانشگاهی و نظری است در موضوع نسبت نگاه شاعرانه به هستی با نگاه کودکانه و قرابت‌ها و شباهت‌های شناخت در دنیای کودکی و دنیای شاعری. ساختار منسجم کتاب همراه نثر شیوا و بی‌پیرایه، خواننده را مجذوب خود می‌کند تا در فراز و فرود مباحث دقیق نظری با مؤلف همراه شود.

وقتی با نوشتن سر و کار داریم، با دوگانه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که از دیرباز در برابر اهل قلم بوده‌اند؛ از جمله اینکه زبان شعر و اقتضائات آن که خیال است و عاطفه و تداعی، با زبان نثر بویژه نثر علمی که بنیانش بر دلالت صریح و دقیق و پرهیز از خیال و عاطفه و تداعی است، قابل جمع نیستند. یکی دیگر از این دوگانه‌ها، نوشتن به زبان صمیمی و برای مخاطبان نوجوان است در برابر نوشتن به زبان دانشگاهی و برای متخصصان و محققان؛ زیرا این دو گونه نوشتار، از دو طبقه متمایز زبانی است که نسبت چندانی با هم ندارند و تمرکز بر یکی از این دو، موجب کاستی در گونه دیگر می‌شود.

بر همین سیاق، شاعری و رهایی ذهن از محدوده‌ها و ساختارهای شناخته شده، در برابر نقد ادبی و ساختارمندی نگاه منتقدانه و نثر تحلیلی و علمی است و انگار این دو ساحت ادبی، سازگاری چندانی با هم ندارند؛ چندان که برخی از شاعران برجسته، نقدنویسی و تحلیل شعر را آفت شاعری می‌انگارند و از آن می‌پرهیزند. همان‌طور که برخی از اهل دانشگاه شاعری را خوش نمی‌دارند و بر این گمانند که اهلیت تدریس و تحقیق با شاعری ناسازگار است.

به تعبیر سید حسن حسینی:

شاعری وارد دانشکده شد
دم در
ذوق خود را به نگهبانی داد

همه این حرف‌ها را پیش چشم داشته باشید تا برسیم به چندین گواه معتبر تاریخی از میان اعصار و قرون تا روزگار خودمان بر این نکته درخشان که انسان‌های بزرگ و اهل همت و تکاپو، بی‌اعتنا به دوگانه‌های ناسازگار، هم نثرهای درخشان نوشته‌اند و هم شعرهای بی‌بدیل سروده‌اند، چون سعدی که هم گلستان و رساله‌های او نمونه عالی نثر فارسی است و هم بوستان و غزلیات و قصایدش، از زمره شاهکاری شعر هستند. تا برسیم به روزگار خودمان و بزرگانی چون محمد تقی بهار، ملک‌الشعرا، که در شعر سرآمد بود و در نثر نیز و در استادی دانشگاه و تحقیق، یگانه بود. پرویز ناتل خانلری، استاد برجسته دانشگاه بود با آثاری ارزشمند در حوزه پژوهش‌های علمی و ادبی، همراه شاهکارهایی در شعر امروز ایران. مظاهر مصفا با آن همه شعرهای استوار و خلاق، در کنار آن گنجینه‌ای بی‌بدیل از نوشته‌ها و کتاب‌های تحقیقی و تصحیح متون کهن دارد. و محمدرضا شفیعی کدکنی، با کارنامه‌ای پربار از تحقیق و تدریس و تصحیح متون و مجموعه شعرهایی ارجمند که دربردارنده اشعاری ماندگار هستند.

قیصر امین‌پور از تبار این بزرگان بود، هر چند زمانه چندان مجالش نداد اما به نیروی عشق باشکوهش به فرهنگ ایران و زبان فارسی مدام می‌خواند و می‌نوشت و می‌آموخت و می‌آفرید و با زندگی و آثارش نشان داد که بسیاری از دوگانه‌های ناسازگار که در نگاه اول، آشتی ناپذیر به نظر می‌رسند در برابر دانایی، نبوغ و همت انسان محو می‌شوند. چند سطری از یک نوشته قیصر را به نقل از کتاب «گفت‌وگوهای بی‌گفت‌وگو» با هم بخوانیم: «کسی وارد فروشگاه بزرگ و مجللی می‌شود. از میان انبوه میوه‌های رنگ به رنگی که در کنار هم چیده شده‌اند، میوه‌های درشت و خوش‌رنگی که به دیوار ته مغازه تکیه داده‌اند او را به سوی خود می‌کشند. از صاحب فروشگاه می‌پرسد: این هندوانه‌ها و انگورها کیلویی چند؟ صاحب مغازه با لبخند می‌گوید: «اینها کیلویی ده هزارتومان! و بعد توضیح می‌دهد که اینها میوه واقعی نیست. یک تابلو نقاشی است که در پشت میوه‌ها زده‌ایم، شاهکاری است! شما که سهل است، حتی گنجشک‌ها هم می‌آیند و به انگورهای آن نوک می‌زنند... آیا به راستی این یک شاهکار هنری است؟ آیا هنر نقاش این است که آن‌چنان ماهرانه طبیعت را تقلید کند که حتی خود طبیعت را به اشتباه بیندازد؟»

پنجشنبه ۸ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۷۳
irannewspaper irannewspaper

یادنامه قیصر امین پور

قیصر در مدرسه سروش

روایت مهدی فیروزان از فعالیت مطبوعاتی قیصر امین پور

گفت‌وگو

راضیه خوئینی
گروه کتاب

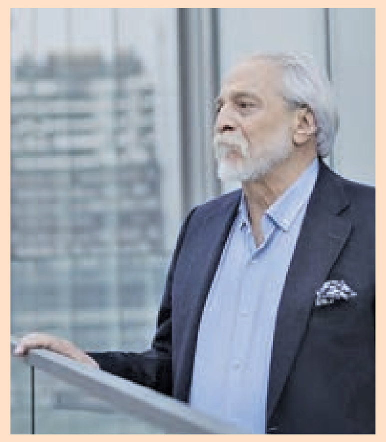

مردی که حرف آخر عشق اول نامش بود، تا آخرین نفس از سرودن و نوشتن درباره امید، انسانیت و عشق خسته نشد؛ کسی که گفت: «و قاف، حرف آخر عشق است / آنجا که نام کوچک من آغاز می‌شود».

در ادبیات ما، گاهی شاعرانی می‌آیند که کلمات را از سطح کاغذ رهانیده و بر جان و دل می‌نشانند. قیصر امین‌پور از همان تبار بود؛ شاعری که با موهایی سیاه وارد «سروش» شد و با موهای سپید از آن بیرون رفت، اما در دل نسل‌ها ماندگار شد. هنوز هم نامش وقتی بر زبان می‌آید، رایحه صمیمیت، صداقت و روشنی از آن برمی‌خیزد. شاعری که نه در برج عاج، بلکه در میان مردم، در کلاس‌های مدرسه، دانشگاه و پشت میز ساده تحریریه «سروش» زیست؛ مردی که شعر را از کوچه و خیابان جمع می‌کرد و به دفتر مجله می‌آورد تا نوجوان ایرانی بداند شعر، فقط برای بزرگان نیست؛ برای او هم هست، برای روزهای پرشور و دلتنگی‌های نوجوانانه‌اش و برای نسلی نو.

قیصر امین‌پور پایه‌گذار «سروش نوجوان» بود؛ مجله‌ای که در دهه شصت، نوجوان ایرانی را نه مخاطب ساده که شریک اندیشه و خیال خود می‌پنداشت. شعر و داستان را برای این گروه سنی جدی می‌گرفت و در روزگاری که جنگ، سختی و محدودیت‌ها، زبان‌ها را بسته بود، قیصر با زبان دل، ساده و زنده با نوجوانان سخن می‌گفت و به آنان امید و تخیل هدیه می‌داد. در روزگاری که بیشتر نشریات یا سیاسی بودند یا خشک و رسمی، «سروش نوجوان» به شعر و داستان رنگ زندگی بخشید؛ تحریریه‌ای پرشور که بسیاری از نویسندگان و شاعران نسل بعد، اولین تجربه‌های حرفه‌ای خود را آنجا آموختند. امین‌پور شاعر تردید و ایمان، درد و عشق بود. میان تلخی واقعیت و شیرینی رؤیا، تعادلی عجیب داشت. شاید هم به همین دلیل، شعرش از مرز زمان عبور کرد و هنوز برای نسل امروزی تازگی دارد. اما داستان قیصر در «سروش»، فقط به یک روایت کاری ختم نمی‌شود؛ حکایت دوستی‌ها و دلبستگی‌هایی است که با جوهر فرهنگ و صداقت عجین شده بود. برای درک شرایط آن روزها و شناخت بیشتر قیصر، با یکی از نزدیک‌ترین یارانش هم‌کلام شدیم؛ مهدی فیروزان، مردی که سال‌ها سردبیری و مدیریت مؤسسه «سروش» را برعهده داشت و بعدها دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی و سپس مؤسس و مدیر شهر کتاب شد.

از صفحه شعر تا دوستی جاودانه

مهدی فیروزان با حسی آمیخته با احترام و اندوه، از اولین دیدارش با قیصر می‌گوید: «ابتدای کارمان به سال ۱۳۶۱ باز می‌گردد. قیصر جوانی بود با لبخندی آرام و نگاهی اندیشناک. همان برخورد اول، محبتش بر دل آدم می‌نشست. در گفت‌وگو با شاعران جوان و کسانی که تازه قلم به دست می‌گرفتند و ذوق و قریحه داشتند، بی‌نهایت با حوصله و مهربان بود. به همین دلیل از او خواستم دبیری صفحه شعر مجله سروش را به دست بگیرد. ما پنج-شش نفر بودیم؛ یک دبیر هنری، یک سردبیر، من و قیصر و چند نفر دیگر که عضو هیأت تحریریه بودیم. هر کدام چند صفحه درمی‌آوردیم. اتاق قیصر درست کنار اتاق من بود و هر هفته همدیگر را می‌دیدیم؛ غیر از پیشنهادهایی که قیصر جداگانه می‌آورد یا سؤالی اگر داشت یا شعری به نظرش تند می‌آمد و از ضوابطی که باید برخوردار نبود، ما با هم گفت‌وگوهای صمیمانه‌ای داشتیم. آن‌قدر رفت‌وآمد داشتیم که رابطه کاری‌مان به رفاقتی عمیق تبدیل شد.» در آن سال‌های پر التهاب که صمیمیت چندان آسان نبود، اما میان دو دوست، حرف‌ها بی‌پرده رد و بدل می‌شد. فیروزان درباره آن سال‌ها می‌گوید: «سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ دوران جنگ و فشارهای سیاسی بود و خیلی‌ها در بیان عقاید خود احتیاط می‌کردند. اما میان من و قیصر هیچ ملاحظه‌ای وجود نداشت. راحت نقد می‌کردیم، حرف می‌زدیم، گاهی همدیگر را نصیحت می‌کردیم. مثلاً گاهی من می‌گفتم از فلان شخص پرهیز کن یا او درباره مسأله‌ای با دلایلی خاص هشدار می‌داد که من احتیاط کنم.»

فیروزان در ادامه درباره فعالیت قیصر امین‌پور در مجله «سروش» می‌گوید: «به مرور صفحات قیصر در مجله سروش هفتگی بیشتر شد. اول صفحه شعر بود، بعد صفحه جوان‌ها اضافه شد که به شعرهای نسل جوان اختصاص داشت. قیصر اشعاری که برایش می‌فرستادند تصحیح و کامل و سپس منتشر می‌کرد؛ گاهی آموزش می‌داد و با شاعران جوان تماس می‌گرفت. به تدریج صفحات نقد ادبی و نقد شعر هم به سروش اضافه شد و همزمان با توسعه «سروش»، قیصر هم در حال پیشرفت بود. او با آموزش‌های دانشگاهی توسعه پیدا کرد و موفق‌تر شد و فعالیت‌هایش در مجله نیز توسعه یافت.»

در اتاق قیصر همیشه باز بود. شاعران نوجوان، دانشجویان و حتی بچه‌های کارکنان مجله، به اتاق او پناه می‌آوردند. فیروزان با لبخندی تلخ از آن روزها این‌گونه یاد می‌کند: «بچه‌های خودم، بتول و عباس، وقتی همراه من به سروش می‌آمدند، بیشتر وقت‌شان را در اتاق قیصر می‌گذراندند. این ارتباط او با بچه‌هایم، از من و قیصر دوستان صمیمی‌تری ساخت. دوستی‌ای که هنوز هم یادش در نهان‌خانه دل من وجود دارد. صحبت‌هایش به دل بچه‌ها می‌نشست؛ چون قیصر بلد بود با چه زبانی با نسل جدید حرف بزند. حرف‌هایش نه با نگاهی از بالا، بلکه از دل بود، گاهی با زبان کودکانه و گاه با زبان نوجوانان. برای همین همه نسل‌ها و حتی کودکان دوستش داشتند.»

مدرسه‌ای به نام سروش نوجوان

دهه شصت برای اهالی فرهنگ، دهه‌ای پرحادثه بود. در آن سال‌ها حوزه هنری انقلاب اسلامی و سوره تغییرات گسترده‌ای را تجربه کرد و بسیاری از نویسندگان جوان آن مجموعه مورد غضب قرار گرفتند و کنار گذاشته شدند. در همان روزها، قیصر امین‌پور با درایت و دلسوزی، به فیروزان هشدار داد که استعدادهای جوان را از دست ندهند. فیروزان درباره کار بسیار مهم قیصر در آن زمان می‌گوید: «قیصر گفت این استادان و جوان‌های باسواد را دریاب، چرا که با آنها تسویه کرده‌اند و از حوزه هنری کنار گذاشته شده‌اند. قیصر باعث شد که از آنها دعوت کنم به سروش بیایند. حاصل آن دعوت، تولد «سروش نوجوان» بود که خود قیصر فعال‌ترین عضوش بود. مجله‌ای که بعدها به یک دانشکده ادبی تبدیل شد. فریدون عموزاده خلیلی، بیوک ملکی، سیدعلی کاشفی خوانساری، محمدرضا سرشار و خیلی‌های دیگر آمدند. باور کنید هر مجله کودک و نوجوانی را که بعدها دیدم، نویسندگانش، عکاس‌هایش، طراحان و گرافیست‌هایش از دل سروش نوجوان بیرون آمده بودند.»

«سروش نوجوان» دیگر فقط یک مجله نبود؛ کارگاهی برای اندیشیدن و نوشتن بود. جوانانی از شهرهای دور می‌آمدند تا از قیصر و یارانش یاد بگیرند، چگونه بنویسند و چگونه امید را در دل واژه‌ها جاری کنند. فیروزان روایت می‌کند: «گاهی دانش‌آموزان با استعداد سال آخر دبیرستانی، از شهرستان‌ها به تهران می‌آمدند تا در رشته و دانشگاه مورد علاقه‌شان قبول شوند؛ برخی هم استعدادهای درخشان بودند. بسیاری از آنها صبح تا شب در دفتر سروش نوجوان حاضر می‌شدند، شعر می‌نوشتند، نقد می‌کردند و یاد می‌گرفتند. همان سه، چهار نفر یعنی عموزاده، قیصر و ملکی، «سروش نوجوان» را واقعاً به کالجی علمی با دوره‌های عملی تبدیل کردند و بسیاری از نویسندگان امروز، از همان‌جا برخاستند. این حاصل توجه و دقت نظر قیصر به کودک و نوجوان بود.» در فضای مطبوعاتی آن روزها، چنین نگاهی به نوجوان بی‌سابقه بود. «سروش نوجوان»، نوجوان را نه مخاطب ساده، که شریک فرهنگی خود می‌دید. شعر و داستان برایش ابزاری آموزشی نبود، بلکه راهی برای رشد روح و اندیشه و رسیدن به آرامش بود.

جلد اولین شماره مجله سروش نوجوان در فروردین ۱۳۶۷

شاعری که دانشگاه را جدی گرفت

اگرچه قیصر امین‌پور در شعر و ادبیات به اوج کمال رسیده بود، اما به تحصیل و پژوهش بی‌اعتنا نماند. فیروزان درباره اشتیاق قیصر به تحصیل می‌گوید: «او از معدود شاعرانی بود که به تحصیلات آکادمیک ادامه داد. خیلی‌ها می‌گفتند قلم و اشعارش آن‌قدر پخته است که دیگر نیازی به دانشگاه ندارد، ولی قیصر می‌خواست دانش نظری هم کسب کند و تا مرحله گرفتن مدرک دکتری پیش رفت. بعدها استاد دانشگاه تهران شد و خودش شاگردان بسیاری پرورش داد.» در میانه دهه هفتاد، فیروزان و امین‌پور هر دو در فرهنگستان زبان و ادب فارسی گرد هم آمدند. فیروزان با لبخندی تلخ یاد می‌کند: «قیصر تا آخرین روزهایی که من در سروش بودم؛ تا سال ۱۳۷۳ کنارم بود و بعد از آن هم وقتی از سروش رفتم، رابطه ما همچنان ادامه داشت تا آمدن او به فرهنگستان زبان و ادب فارسی. در سال ۱۳۷۵ من دبیر فرهنگستان شدم. وقتی رفتم، دیدم نود درصد اعضا همان دوستانم در سروش بودند. قیصر هم بعداً به‌عنوان جوان‌ترین عضو فرهنگستان تأیید صلاحیت و پذیرفته شد. حضورش واقعاً مایه نشاط من بود. یکی از کسانی که او را خیلی شایسته فرهنگستان می‌دانست، من بودم، با دکتر حداد عادل هم صحبت کردیم. البته خودش هم از کانون‌های دیگری به عنوان یک جوان حاذق معرفی شد و ایشان نسبت به بقیه اعضای فرهنگستان خیلی جوان‌تر بود.»

جای خالی قیصر

قیصر، شاعری بود که امید، درد و عشق سه ضلع زندگی‌اش را تشکیل می‌داد. در شعرهایش، حتی در تلخ‌ترین لحظات، نوری از امید سوسو می‌زد؛ شاعری که پایانش مانند شعرش شد:

حرف‌های ما هنوز ناتمام.../ تا نگاه می‌کنی: / وقت رفتن است / باز هم همان حکایت همیشگی! / پیش از آنکه باخبر شوی / لحظه عزیمت تو ناگزیر می‌شود / آی... / ای دریغ و حسرت همیشگی! / ناگهان / چقدر زود / دیر می‌شود!

سرنوشت برای او پایان خوشی را رقم نزد و تصادفی ناگهانی، این شاعر محبوب را به خانه‌نشینی کشاند. روزهای خاموشی تدریجی‌اش از همان زمان آغاز شد و سرانجام در ۸ آبان ۱۳۸۶، از میان ما رفت. فیروزان صدایش را اندوهناک پایین می‌آورد: «از وقتی تصادف کرد، دیگر نتوانستم او را ببینم. از نظر عاطفی تحمل دیدنش را در آن حال نداشتم. فقط از دوستان مشترک‌مان جویای احوالش بودم. هنوز یادش می‌افتم، دلم می‌لرزد. قیصر از آن انسان‌های برجسته‌ای بود که خداوند خواست زودتر او را پیش خودش ببرد.»

روزهایی که سروش پناهگاه اهل قلم بود

دهه شصت و هفتاد، دوران طلایی مجله «سروش» بود؛ روزگاری که نام‌هایی چون زنده یاد سیدحسن حسینی، بیوک ملکی، فریدون عموزاده خلیلی و بسیاری دیگر در کنار قیصر می‌نوشتند. فیروزان با غرور از آن دوره یاد می‌کند: «سروش در آن سال‌ها، پناهگاه اهل قلم بود. ما سروش هفتگی داشتیم، سروش نوجوان و بعد سروش کودک را هم راه‌اندازی کردیم. آن زمان از استاد مصطفی رحماندوست خواهش کردیم که سروش کودک را راه بیندازیم و واقعاً ایشان هم کارش خیلی خوب هست و سروش تا آن زمانی که من مدیر آن بودم یک مجموعه پویا و زنده بود اما پس از آن با مدیریت‌های بعدی چه بلایی سرش آمد من دیگر پیگیرش نشدم.»

از دل سروش، پروژه‌های دیگری مانند «فرهنگ آثار ایرانی-اسلامی» نیز زاده شد؛ کاری سترگ در حوزه مرجع‌نگاری فرهنگی که به همت رضا سیدحسینی، احمد سمیعی گیلانی و گروهی از ادیبان شکل گرفت. فیروزان با حسرت می‌گوید: «آن طرح از افتخارات نشر سروش بود. رضا سیدحسینی با عصا به مراسم رونمایی آمد و گفت می‌خواستیم با این فرهنگنامه حادثه‌ای خجسته در تاریخ تألیف رقم بزنیم. بعد از درگذشتش، مدتی ادامه یافت اما کار نیمه‌تمام ماند و بعدها با تغییر مدیران سروش، کاملاً متوقف شد.»

زبان زنده شعر

در روزگار قیصر، بحث میان شاعران سنت‌گرا و نوگرا داغ بود. هر گروه دیگری را متهم می‌کرد؛ یکی به جمود، دیگری به بی‌ریشگی. اما شعر قیصر از این جدال‌ها فراتر رفت. او در عین وفاداری به زبان فارسی، با زبان زمانه سخن می‌گفت. نه از پیچیدگی‌های بی‌دلیل شعر نو برخوردار بود، نه از انجماد شعر کهن. زبانش روشن، زنده و فصیح بود. او شعر را از برج عاج به زندگی روزمره آورد. شعرش در کتاب‌های درسی ماندگار شد، اما در دل مردم هم خانه کرد. شاید راز محبوبیتش در همین سادگی بود؛ در توانایی گفتن حرف‌های بزرگ با واژه‌های کوچک. در روزهایی که جامعه از خستگی و یأس لبریز بود، قیصر با شعرش بذر امید می‌پاشید. امید او از جنس شعار نبود، از دل تجربه می‌آمد. او جنگ را دیده بود، مرگ دوستانش را لمس کرده بود، اما می‌گفت: «سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم / ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم» همین ایمان آرامش‌بخش، شعرش را به نیایشی زمینی بدل کرد.

آخر عشق

سال‌ها از رفتنش گذشته، اما یاد او هنوز در اتاق‌های قدیمی سروش می‌چرخد. در میان قفسه‌های خاک‌خورده مجله، در لبخند کسانی که با شعر او بزرگ شدند، در صدای شاعرانی که او را استاد خود می‌دانند. قیصر امین‌پور کسی بود که با شعرش قلب ما را به امید پیوند زد. او می‌دانست که عشق، اولین و آخرین حرف جهان است. قیصر رفت، اما «قاف عشق» هنوز تپنده است. هر جا که کودکی اولین شعرش را می‌نویسد، هر جا که نوجوانی دفترش را با واژه‌های امیدبخش پر می‌کند، روح قیصر حضور دارد. او رفت، اما هنوز ما از همان جایی آغاز می‌شویم که او تمام کرد.

حضور قیصر امین‌پور و شاعران دیگر در جبهه. ایستاده از راست: محمدرضا مهدی‌زاده، قیصر امین‌پور، ساعد باقری، بیوک ملکی
نشسته سمت چپ: پرویز بیگی حبیب‌آبادی

فراتر از دوگانه‌های ناسازگار

درنگی در آثار منثور قیصر امین‌پور

اسماعیل امینی
شاعر و نویسنده

قیصر امین پور را با شعرهای صمیمی و خلاقش می‌شناسیم و با دل‌بستگی‌اش به زبان فارسی و فرهنگ ایران. قیصر را به معلمی و استادی‌اش می‌شناسیم که در تدریس دانشگاهی محبوب بود و در کلاس‌هایش نشانی از ملال و تکلف نبود.

در «دفتر شعر جوان» و «سروش نوجوان» و اصلاً بگو در هر لحظه و هر جایی که قیصر را می‌دیدی، با اشتیاق نسل‌های فراوانش را و تجربه‌های ارزشمندش را با حوصله و مهربانی در اختیار جوانان قرار می‌داد. قیصر افزون بر شاعری و معلمی، در آثاری که به نثر دارد، نمونه‌هایی خواندنی و مثال‌زدنی از شیوایی زبان فارسی را به یادگار گذاشته است. تنوع نوشته‌های او به اندازه‌ای‌ست که برای دوست‌داران زبان فارسی مجموعه‌ای پربار از گونه‌های زبان نوشتاری فراهم آمده است. در این یادداشت، مروری اجمالی خواهم داشت بر شمای از اثر نثر قیصر امین‌پور که بعضاً در سایه شهرت شاعری او، کمتر شناخته شده‌اند.

بی‌بال پریدن: مجموعه‌ای از تأملات اجتماعی و فرهنگی است که برای مخاطبان نوجوان و جوان نوشته شده است. زبان ساده و بی‌تکلف، ظرافت طنز، نگاه خلاق به زبان و صمیمیت لحن، نثر این کتاب را شیرین و خوشایند ساخته است.

گفت‌وگوهای بی‌گفت‌وگو: در این کتاب پنج نامه قیصر خطاب به خواهرناتنی‌اش آمده است. این نامه‌ها هم از نظر نثر و هم از نظر دامنه گسترده اندیشه و خیال، بسیار دل‌انگیز و اثرگذار هستند. هم چنین تعدادی از یادداشت‌های نویسنده برای خوانندگان نوجوان مجله «سروش نوجوان» در این کتاب درج شده است. این یادداشت‌ها با بیانگر تأملات قیصر در شناخت جهان، انسان، زمان، معنویت و مفاهیمی دیگر از این قبیل است که نمونه‌هایی درخشان است از نثر تعلیمی شاعرانه و صمیمانه.

سنت و نوآوری در شعر معاصر: این کتاب، که حاصل بازنویسی رساله دکتری قیصر است، موضوع نبادین سنت و نوآوری را علاوه بر حوزه ادبیات در حوزه‌های گسترده‌تری چون فلسفه، مباحث دینی و کلامی، اجتماعیات و هستی‌شناسی طرح می‌کند و نگاهی جامع و تحلیلی دارد به بازتاب رابطه دیالکتیکی سنت و نوآوری در تحولات شعر معاصر ایران و ارتباط این تحولات با تحولات شعر در جهان عرب و جهان غرب.

شعر و کودکی: کتاب «شعر و کودکی» نیز، حاصل پژوهشی دانشگاهی درباره شعر کودک در موضوع نسبت نگاه شاعرانه به هستی با نگاه کودکانه و قابلیت‌ها و شباهت‌های شعر شاعرانی در دنیای کودکی و دنیای شاعری. ساختار منسجم کتاب همراه نثر شیوا و بی‌پیرایه، خواننده را مجذوب خود می‌کند تا در فراز و فرود مباحث دقیق نظری با مؤلف همراه شود.

وقتی با نوشتن سرودگار داریم، با دیگاه‌هایی روبه‌رو می‌شویم که از دیرباز در برابر اهل قلم بوده‌اند: از جمله اینکه زبان شعر و انتقادات آن که خیال است و عاطفه و تداعی، با زبان نثر بویژه نثر علمی که بنیاش بر دلالت صریح و دقیق و پرهیز از خیال و عاطفه و تداعی است، قابل جمع نیستند. یکی دیگر از این دیگاه‌ها، نوشتن به زبان صمیمی و برای مخاطبان نوجوان است در برابر نوشتن به زبان دانشگاهی و برای متخصصان و محققان: زیرا این دو گونه نوشتار از دو طبقه متمایز زبانی است که نسبت چندانی با هم ندارند و تمرکز بر یکی از این دو، موجب کاستی در گونه دیگر می‌شود.

بر همین سیاق، شاعری و رهایی ذهن از محدوده‌ها و ساختارهای شناخته شده، در برابر نقد ادبی و ساختارشکنی که رابطه نقادانه و نثر تحلیلی و عملی است و انگار این دو ساخت ادبی، سازگاری چندانی با هم ندارند: چندان که برخی از شاعران برجسته، نقدنویسی و تحلیل شعر دگرانی را انگارند و از آن می‌پرهیزند. همان طور که برخی از اهل دانشگاه شاعری را خوش نمی‌دارند و برانمی‌کانند که اهلیت تدریس و تحلیل را شاعری یا ناسازگار است.

به تعبیر سید حسن حسینی:
شاعری و اهل دانشکده شد
دم در
ذوق خود را به نگهبانی داد

همه این حرف‌ها را پیش چشم داشته باشید تا برسیم به چندین گواه معتبر تاریخی از میان اعصار و قرون تا روزگار خودمان براین نکته درخشان که انسان‌های بزرگ و اهل حدت و تکاپو، بی‌اعتنا به دوگانه‌های ناسازگار بر نثرهای درخشان نوشته‌اند و به شعرهای بدیع سروده‌اند، چون سعدی که هم گلستان و رساله‌های او نمونه عالی نثر فارسی است و هم بوستان و غزلیات و قصایدش، از زمره شاهکاری شعر هستند. تا برسیم به روزگار خودمان و بزرگانی چون محمد تقی بهار، ملک‌الشعرا، که در شعر سرآمد بود و در نثر نیز دو رکن استادی داستانک و تحقیق، یگانه بود. پورپرتال خانلری، استاد برجسته دانشگاه بود به آثاری ارزشمند در حوزه پژوهش‌های علمی و ادبی، همراه شاهکارهایی در شعر آمیز از ایران. مظاهر مصفا با آن همه شعرهای استوار و خلاق، در کنار آن گنجینه‌ای بی‌بدیل از نوشته‌ها و کتاب‌های تحقیقی و تصحیح متون کهن دارد. و محمدرضا شفیعی کدکنی، با کارنامه‌ای پربار از تحقیق و تدریس و تصحیح متون و مجموعه شعرهایی ارجمند که درخورانده اشعاری ماندگار هستند.

قیصر امین‌پور از نثار این بزرگان بود، هرچند زمانه چندان مجالش نداد اما به نیروی عشق باشکوهش به فرهنگ ایران و زبان فارسی مدام می‌خواند و می‌نوشت و می‌آموخت و می‌آفرید و با زندگی و آثارش نشان داد که بسیاری از دوگانه‌های ناسازگار که در نگاه اول، آشتی ناپذیر به نظر می‌رسند در برابر دانایی، نبوغ و همت انسان محو می‌شوند. چند سطری از یک نوشته قیصر را به نقل از کتاب «گفت‌وگوهای بی‌گفت‌وگو» با هم بخوانیم: «کسی وارد فروشگاه بزرگ و مجللی می‌شود. از میان انبوه میوه‌های رنگ به رنگی که در کنار هم چیده شده‌اند، میوه‌های درشت و خوش‌رنگی که به دیوار نه مغازه تکیه داده‌اند را به سوی خود می‌کشد. از صاحب فروشگاه می‌پرسد: این هندوانه‌ها و انگورها کیلویی چند؟ صاحب مغازه با لبخند می‌گوید: «اینها کیلویی هم هزارتومان! و بعد توضیح می‌دهد که دانها میوه واقعی نیست. یک تابلو نقاشی است که در پشت میوه‌ها نه‌دایم، شما کاری است! شما که سهل است، حتی گنجشک‌ها هم می‌آیند و به انگورهای آن نوک می‌زنند... آیا به راستی این یک شاهکار هنری است؟ آیا هنر نقاش این است که آن چنان ماهرانه طبیعت را تقلید کند که حتی خود طبیعت را به اشتباه بیندازد؟»

> قضاوت قیصر از دریچه «سنت و نوآوری» یکی از علمی‌ترین راه‌های بررسی زندگی کاری و آثارش به شمار می‌آید. قیصر به سنت معتقد بود اما هرگز در آن باقی نماند چراکه نیز نوآوری قائل زیادی بود. در این رابطه حق جالبی هم به کار می‌برد و می‌گفت: به نام خدایی که سنت و نوآوری است

شاعر جنگ و صلح

بررسی نسبت جهان و زبان قیصر امین‌پور در گفت‌وگو با عبدالجبار کاکایی

گفت‌وگو

مریم شهبازی
گروه کتاب

هجده سال از مرگ قیصر امین‌پور می‌گذرد، بی‌آنکه حال همچنان از او به عنوان چهره‌ای ممتاز در شعر معاصرمان یاد می‌شود: شاعر، نویسنده و مدرس دانشگاه برخاسته از جریان شعر انقلاب که به اعتبار و احترامی مثال‌زدنی میان همه طیف‌های ادبی و دانشگاهی دست یافت. او در زندگی کوتاه چهل‌وهشت ساله‌اش مسیر منحصربه فردی را در جست‌وجوی تجربه‌های مختلف پیمود. از گئونوز خوزستان تا دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، زندگی قیصر روایت‌گر مهاجرت، تغییر مسیر و دگرگونی است: جوانی که از نقاشی و پزشکی به شعر رسید و از میدان تجربه‌های دهه شصت، به شاعری متفکر و منتقد تبدیل شد. عبدالجبار کاکایی، شاعر و پژوهشگری که سال‌ها با او همراهی داشته است، در این گفت‌وگو از قیصری می‌گوید که در جلسات شعر حوزه هنری، نه فقط شاعر که مرجع فکری جوانانی بیشمار بود؛ شاعری که حتی در مکالمات روزمره‌اش پر صراحت و ظرافت کلام، مخاطب را غافلگیر می‌کرد. قیصر در میان نسل آرمان‌گرای پس از انقلاب، نماد تعادل میان سنت و نوآوری بود. از جایگاه ادبی، صداقت و حوصله‌اش خاطرات بسیاری مانده است، اما شاید مهم‌تر از همه، او روح آرام و اندیشمندی باشد که حتی در سال‌های رنج و بیماری، شعر را زمین نگذاشت و تا واپسین لحظات، به پرسش همیشگی‌اش از انسان و زمانه پرداخت.

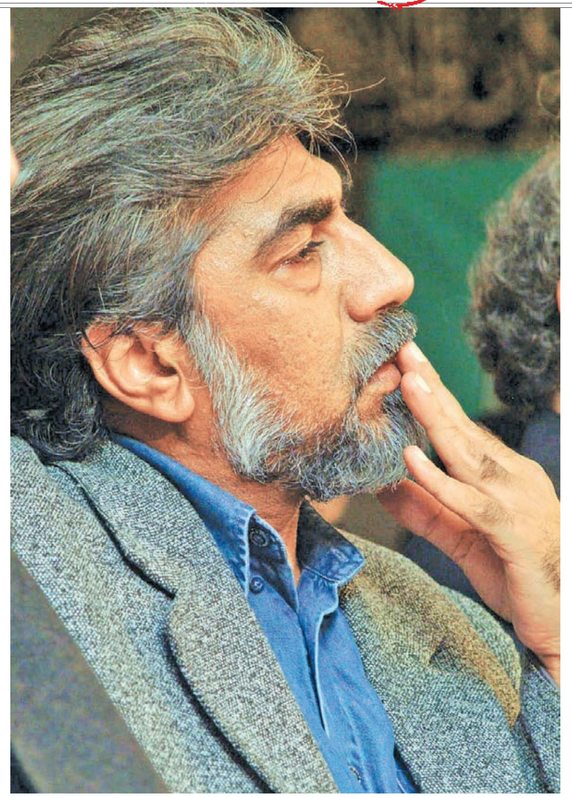

تصویری از جلسه دفاع رساله دکتری قیصر امین‌پور در سال ۱۳۷۷، در عکس دکتر مظاهر مصفا هم دیده می‌شود که داور رساله قیصر بود. مظاهر مصفا هم ۸ آبان ۱۳۹۸ درگذشت.

قیصر امین‌پور تا قبل از آنکه به طور جدی قدم به عرصه شعر و فعالیت‌های ادبی بگذارد مسیرهای متفاوتی را پیمود؛ از مهاجرت گرفته تا تغییر رشته و... از گئونوز خوزستان به تهران آمد. از نقاشی به شعر رسید و به دلیل علاقه‌مندی‌اش به پزشکی سراز دانه‌پزشکی درآورد که البته آن را نیمه‌کاره رها کرد و تحصیل دررشته زبان و ادبیات فارسی را شروع کرد و تا مقطع دکتری ادامه داد. این مسیر چه تأثیری در شعر و جهان‌بینی قیصر داشته است؟

اغلب افرادی که جایگاه شاخصی در هنر و ادبیات و حتی در علوم مختلف پیدا کرده‌اند؛ آنهایی هستند که سال‌های جوانی‌شان در مسیرهای متنوع و متفاوتی سپری شده است. به گمانم این ویژگی به خود شکل‌گیری آن افراد بازمی‌گردد که در نتیجه‌اش توانایی بازیابی پیدا می‌کنند و به عرصه‌های مختلفی قدم می‌گذارند. این روند تا موقعی که به نقطه ثابت برسند ادامه پیدا می‌کند. این حالت را شاید بتوان توعی دگرگونی دانست؛ اینکه قیصر به ابعادی رنگ‌به‌رنگ دست بلکه به جهت کسب تجربه در عرصه‌های مختلف و برای یافتنی چایی که به آن تعلق دارند. قیصر هم از جمله چنین افرادی است، یکی از آن جوانانی بود که از روستاها و شهرهای دگرگونی عظیم تهران می‌شوند. قیصر در بحبوحه انقلاب و تحولات اجتماعی و سیاسی این اثر گذاشتند، شهری در خوزستان عازم تهران می‌شود. از پزشکی به تحصیل در رشته ادبیات و در زمینه شعر و شاعری کشیده می‌شود. حلقه‌هایی که آن موقع در حوزه هنری و مجتمع ادبی که در سراره شعر و ادبیات به راه افتاده بود، انگیزه بیشتری برای ادامه راه ادبیات به قیصر دادند. تا جایی که دوره‌های آموزشی دانشگاهی در کیوت دانشجویی برجسته یکی پس از دیگری طی کرد و تا اتمام مقطع دکتری آن را رها نکرد. جدیت قیصر در این راه توجه استادان شاخص ادبیات آن سال‌ها را هم جلب کرد.

بسترا جتماعی و سیاسی آن دوران چه تأثیری در روند فکری و فعالیت‌های ادبی قیصر ایفا کرد؟

آن دوران مملو از انگیزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مملو بود. شرایطی که به نحوی در شکل‌گیری تفکرات قیصر و دیگر شاعران هم دوره‌اش نقش مهمی ایفا می‌کرد. قیصر در چنین حال‌وهایی در مسیر پایه‌گذاری جریان ادبی موسوم به شعر حوزه هنری قرار گرفت و نام او به عنوان یکی از پیشگامان این جریان ثبت شد. قیصر اولین شاعری است که درحوزه هنری با او مواجه شدم. هنوز صحنه‌ای که در حال بازافرش از پله‌ها قیصر را دیدم به یاد مانده است. اولین جلسه‌ای که در حوزه هنری و در آن روز به او برخوردم. اوایل سال ۱۳۶۳، یک سال بعد از پیوستن قیصر به حوزه هنری بود. با حضور در جلسات ادبی پنج‌شنبه‌ها به تدریج من هم به جمع شاعران حوزه هنری پیوستم.

بنا برچه ویژگی خاصی، همکاران قیصر چنین جایگاهی برای او قائل بودند؟

با صبر و حوصله زیادی برای جوانان و علاقه‌مندان وقت صرف می‌کرد. افزون بر آنکه شاعری بسیار خوب بود، تحصیلات دانشگاهی و مطالعات آکادمیک هم داشت. این چندوجهی بودن، او را از دیگر شاعران متمایز می‌کرد. نقطه قوتی که همه به آن معترف بودند و در مواجهه با جوانان مشتاق و پرسش‌گر، آنان را به سمت اتاق قیصر و کسب اطلاعات از او راهنمایی می‌کردند. درباره مباحث فلسفی هم اطلاعات خوبی داشت. درباره فیلسوفی به نام الکندی سؤالی داشتم که آن را از سیدحسن حسینی پرسیدم. جالب آنکه مردی با مطالعات و جایگاه سیدحسن هم توصیه کرد سؤالم را از قیصر بپرسم! چنین تجربه‌هایی، مصادیق کوچکی در وصف دانش قیصر و دایره مطالعاتی گسترده‌اش هستند. در حوزه نقد شعر نیز، نقدهایی بسیار کاربردی داشت، نقدهای او کاملاً علمی و منطبق بر اصول بودند: درست برخلاف دیگر منتقدانی که اغلب ذوقی و سلیقه‌ای کار می‌کردند. شعرش نیز جایگاهی متفاوت داشت. اجرای نحو را به سادگی انجام می‌داد که این یکی از ویژگی‌های مهم شعر قیصر است. نگاه بسیار هوشیارانه‌ای به چینش کلمات داشت و جملات را به کوتاه‌ترین شکل کنار هم قرار می‌داد. آنچنان که شعر قیصر به وضوع از آثار دیگر شاعران هم‌دوره‌اش متمایز بود. در عین آنکه اشعارش گرفتار تکلف نمی‌شدند، از فنون بلاغت نیز به خوبی استفاده می‌کرد. اشعار قیصر فقط منتقل‌کننده مفاهیم و معانی نیستند، بلکه از نظر ادبی هم اشعاری قابل تأمل هستند. قیصر بیش از آنکه به فکر استفاده از قالب شعر جهت دغدغه‌ها و عواطف شخصی‌اش باشد، خود را مکلف به بیان دغدغه‌های مردم می‌دانست. و این همان چیزی بود که در آن سال‌ها، ما در حوزه هنری آموختیم. زبان شعر او، زبان برای همه از حکم درس و دانشگاه.

پیش از گفته بود بید قیصر حتی در مکالمه‌های روزمره‌اش نیز شنونده را غافلگیر می‌کرد. این غافلگیری از چه لحاظ بود؟

این یکی از نکات مهم در توصیف شخصیت و فعالیت‌های ادبی قیصر است. چینش کلمات در مکالمات عادی‌اش نیز هنرمندانه بود و در آن از فنون بلاغی شعر هم بهره می‌گرفت. با کلمات و قدرت انگزاری‌شان بازی می‌کرد. سخنانش مملو از نکته‌زایی و به کارگیری طنز و جمله‌های بدیع بود. هم‌قدر که شریف و آگاه بود ساده‌ا به زیبایی حیث می‌کرد. محال بود برای سخنانش بنشیند و مجذوبش نشود. جدا از تمام موادی که درباره وجود ادبی فعالیت‌های قیصر به آن اشاره شد، یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی‌اش، گوش شنوایی است که در تقدیدیری درباره خودش داشت. اغلب افرادی که آن موقع در حوزه ادبی کار می‌کردند جوان و تحت‌تأثیر فضای حاکم بر جامعه بودند. از همین رو تعصب زیادی به تفکرات و نگاه خود داشتند، اما قیصر آرامش و حوصله زیادی برای صحبت دیگران می‌نشست. با آنکه در نقد به اصول علمی و ادبی معتقد بود، مراعات طرف مقابلش را هم می‌کرد. خیلی مراقب بود باعث رنجش کسی نشود و اگر قرار به نقد شعری داشت، ابتدا نقاط قوت و بعد کاستی‌های آن را می‌گفت. در نتیجه اغلب افراد نقد را می‌پذیرفتند.

این نقدپذیری قیصر از کجا می‌آمد؟ آن هم در شرایطی که به گفته برخی از بزرگان نظیر عبدالعلی دستغیب ما ایرانیان مردم نقدپذیری نیستیم و اغلب با تعصب زیادی از عناد خود دفاع می‌کنیم!

به گمانم بیشتر از آنکه تحت‌تأثیر دانش اجتماعی‌اش باشد، از شخصیت و اخلاق خودش نشأت می‌گرفت. البته نمی‌توان منکر تربیت و فضایی شد که در آن رشد یافته بود. بخشی هم برآمده از حیاء شهرستانی بودن و آمدن از محیطی کوچک‌تر به تهران است. او حجب و حیاء خاص بچه‌های شهرستان را به تهران آورده بود که انعکاس آن در رویاروئش نیز نمایان بود. آرام و بی‌هیاهو بودنش را حتی در مهاجرت هم حفظ کرده بود. و شاید این را هم بتوان یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت شخصیتی قیصر در مواجهه‌اش با جوانان و اهالی ادبیات دانست.

شعری برای جنگ
می‌خواستم
شعری برای جنگ بکویم
دیدم نمی‌شود
دیدم قلم زدن دلم نیست
گفتم:
باید نمی‌گذاشت قلم‌ها را
دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست
باید سلاح تیزتری برداشت
باید برای جنگ
از لوله تفنگ بخوانم
- با واژه فشنگ -
می‌خواستم
شعری برای جنگ بکویم
شعری برای شهر خودم -دزفول -
دیدم که لفظ ناخوش موشک را
باید به کار برد
اما
موشک
زیبایی کلام مرا می‌کاست
گفتم که بیت ناقص شعرم
از خانه‌های شهر که بهترنیست
بگذار شعر من هم
چون خانه‌های جنگ مردم
خرد و خراب باشد و خون آلود
باید که شعر خاکی و خونین گفت
باید که شعر خشم بکویم
شعر فصیح فریاد
- هر چند ناتمام -
گفتم:
در شهرما
دیوارها دوباره پر از عکس لاله‌هاست
اینجا
وضعیت خطر گذرا نیست...
دزفول-اسفند ۵۹
«از مجموعه «تنفس صبح»»

زندگی ادبی قیصر به سبب تجربیات و فراز و فرودهایی که پشت سر گذاشته به دوره‌های مختلفی تقسیم می‌شود؛ اولین دوره‌اش مصادف است با وقوع انقلاب و آغاز تحصیلات دانشگاهی‌اش. در این دوره‌باید اقتضائات اجتماعی و سیاسی قیصر هم با نوعی آرمان‌گرایی آنچنان به سراغ شعر و شاعری می‌رود. چنگ و نقاشی را کنار می‌گذارد. این تغییر مسیر چه تأثیری بر شخصیت و افکار شاعر داشت؟

قیصر متولد دزفول بود و تا اتمام دوره دبیرستان همان جا زندگی کرد؛ یکی از شهرهایی که در دوران جنگ، بیش از سایر مناطق زیر بمباران بعثی‌ها بود. طبیعتاً تأثیرزندگی در چنین شرایطی در اشعارش نیز نمود پیدا کرد. بعد از آن دوره‌باید رفت و آمدهایش به تهران آغاز شد. در این دوره‌باید توقفات زیادی پیدا کرد. قیصر در آن دوره‌باید درزمی‌آمد. اتاق قیصر درست کنار اتاق من بود و هر هفته همدیگر را می‌دیدیم؛ غیراز پیشنهادهایی که قیصر جداگانه می‌آورد یا سؤالی که داشت یا شعری به شاعر دیگر می‌آورد یا از ضوابطی که برای نوآوری نیز اهمیت زیادی قائل بود. در آن قدرت وقت جامعه حالی هم به کار می‌برد و می‌گفت: به نام خدایی که سنت و نوآوری است. بخش هم برای سنت را حفظ می‌کرد و در موارد که لازم بود به نوآوری روی می‌آورد. این یکی دیگر از ویژگی‌های مهم شخصیتی و ادبی قیصر است. تعادل قیصر در رفتار فرهنگی و ادبی‌اش در قالب کاری با عنوان «سنت و نوآوری» منتشر شده است. همان کاری که با دکتر رساله دکتری او بود و قرار بود آن را سط و گسترش بدهد. هرچند که آن تصادف و مشکلاتی که پدید آورد اجازه‌اش را ندارد.

آخرین برده‌ای که می‌توان در زندگی قیصر ترسیم‌دید به ماجرای تصادف قیصر برای درگذشت در سفر به یکی از زمینه‌های شمالی تجربه کرد؛ تصادفی که نیمات‌ان تا آخرین روز حیاتش رهایش نکرد و او را به نوعی ناگوای درونی واداشت؛ تأثیر این دوره‌اید چه شکل می‌توان برآثارش دید؟

درد و رنجی که آن تصادف به جان قیصر انداخت تا آخر عمرهمراهش ماند، ملموس‌ترینش دیالیزهای مداوم بود. در نتیجه دشواری‌هایی که شرایط جسمی‌اش به او تحمیل کرد در سال‌های پایانی عمر بیش از قبل سراغ کارهای پژوهشی رفت. شعرهایی که در آن سال‌ها گفت، در مقایسه با گذشته رنگ‌وبوی انتقادی‌تری پیدا کردند. در آن سال‌های آخر به وضعیت زمانه‌اش نیز نقد داشت که بازتاب آن در آثارش نیز مشهود است. آن تصادف قیصر را بیشتر متوجه خود کرد. البته قیصر در سال‌های آخر به صلحی درونی با خودش و شرایطی که گرفتارش شده بود هم رسید. شعر قیصر با انقلاب و جنگ آغاز شد و در نهایت به انزوایی درونی و بعدتر هم صلح با خویشتن رسید.

طرحی برای صلح (۱)
کودک
با گره‌هایش در حیاط خانه بازی می‌کند
مادر، کنار چرخ خیاطی
آرام رفته در خاق سوزن
عطر بخار چای تازه
در خانه می‌پیچد
صدا در!
«شاید پدر!»

طرحی برای صلح (۲)
شهیدی که بر خاک می‌خفت
چنین در دلش گفت:
«گرم اخیر این است
که دشمن شکست،
چرا همچنان دشمنی هست؟»

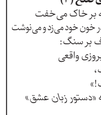

طرحی برای صلح (۳)
شهیدی که بر خاک می‌خفت
سرانگشت در خون خود می‌زد و می‌نوشت
دو سه حرف بر سنگ:
«به امید پیروزی واقعی
نه در جنگ،
که بر صلح!»
«از مجموعه «دستور زبان عشق»»

قیصر امین‌پور و شاعران دوره خود

زرمندهها شعرخوانی می‌کردند. بسیاری از آنان مشاغل معمولی‌شان را هم از دست دادند و با مشکلات زیادی روبه‌رو شدند. عده‌ای به روزنامه «جمهوری اسلامی» رفتند، برخی در روزنامه «اطلاعات» و تعدادی هم در «کیهان فرهنگی» مشغول کار شدند.

ارتباط قیصر با افرادی نظیر مصطفی رحمانی و رضا قهرانی که به «کیهان فرهنگی» و بعدتر مجله «کیان» رفتند، چطور بود؟

از جزئیات این روابط اطلاعی ندارم چراکه در مسیرهای مختلفی قدم گذاشتیم. اما تا جایی که شرایط اجازه می‌داد روابط‌مان برقرار ماند، گاهی هم در میهمانی‌ها یا جلسات یکدیگر را می‌دیدیم.

وضعیتی که شما توصیف کردید درست برخلاف ادعایی است که برخی درباره فعالیت‌آن سال‌های شاعران انقلابی دارند. عده‌ای می‌گویند فضای رسمی شعرآن دوره در قبضه شاعران انقلاب بود و جایگاه خاصی داشته‌اند و...

اصلاً! نیظور نبود. این شاعران گرفتار نزاری غوغاگیری شدند که وصف آن بی‌معنی‌ها رامی‌توان در شعر «رنج‌نامه» سیدحسن حسینی دید؛ شعری که او در جلسه آخر حوزه هنری خواند. ما جمع شده بودیم که شعر بگوییم و دغدغه‌های‌مان را دنبال کنیم که کارمان به خداحافظی کشید.

بی‌مهری‌هایی که دیدید چه تأثیری بر نگاه و قضاوت‌تان درباره فضای فرهنگی و اجتماعی داشت و آیا می‌توان گفت که بعد از جدایی از حوزه، همدلی و نزدیکی دوستان شما با دیگر شاعران و نویسندگان بیشتر شد؟

فقط بحث این بی‌مهری‌ها نبود که واقعیت را نشان داد. شاعرانی مثل قیصر به مرور ثابت کردند که همه آن گفته‌ها ادعایی بوج است. آنان خودشان را جدا از دیگر شاعران نمی‌دیدند. البته این مسأله درباره همه شاعران حوزه هنری آن دوران صادق نیست. قیصر و برخی رفتند اما عده‌ای ماندند، حتی تعدادی از آنهایی که رفتند بودند، دوباره برگشتند و به کار خود ادامه دادند. جنبشی که با عنوان شاعران جوان آرمان‌گرای شعر انقلاب در حوزه هنری پایه‌گذاری شد، میراثی افرادی با ایده‌هایی متفاوت را به عهده داشت. جریان‌های فکری مختلفی درآن حضور داشتند. اما در آخر با نظام فانوندگاری تبلیغاتی وقت حوزه هنری کنار نیامدند و رفتند. اینها آزادی‌خواه بودند و می‌خواستند که منتقد بمانند و با این موضوع که جایگاه‌مان به مبلغ سیاسی تقلیل پیدا کند موافق نبودند.

قیصر به خصوص در سال‌های حضورش در حوزه هنری چه مواجهه‌ای با جریان فکری روشنفکر و متفاوت؟ از خود داشت؟ آنان چه نگاهی به قیصر داشتند؟

قیصر را می‌توان یکی از نزدیک‌ترین شاعران به طیف‌های روشنفکری دانست. رابطی میان طیف‌های غیرهم‌سو با شاعران انقلاب بود. بین اقشار مختلف دانشگاهی هم اعتبار خوبی داشت. همه طیف‌ها، اعم از روشنفکران و جامعه دانشگاهی با احترام از او یاد می‌کردند؛ حتی آنهایی که آمدن گرایی شعر انقلاب را هم قبول نداشتند. قیصر را شاعری مطرح و البته برخوردار از دانش آکادمیک می‌دانستند. قیصر نزدیک‌ترین چهره شعر انقلاب به جریان‌های متنوع فکری و ادبی معاصر بود، شاعرانی که او را یکی از نمایندگان شاخص شعر انقلاب می‌دانستند.

گذشته از وجهه ادبی و شخصیت قیصر که در جلب احترام دیگر جریان‌های فرهنگی مؤثر بود، اذعان او به تأثیر پذیری‌اش از فروغ و سپهراب چه تأثیری در بفزیش او بین طیف روشنفکران غیرمصدوانست؟

قیصر در توجه به جریان تثبیت شده شعر دوران تجدد از چهره‌های شاخص نظیر شاملو و فروغ با احترام زیادی یاد می‌کرد. هرگز نقد احساسی و غیرمنطقی به آن نداشت. از شاعران متقدم به خودش، فارغ از اینکه به کدام جناح فکری تعلق داشتند بدون هیچ‌گونه سوءگیری محبت می‌کرد. در جلسات ادبی حوزه هنری از شاعران طیف روشنفکری هم شاهد مثال می‌آورد و درباره‌شان بحث می‌کرد: نسبت برخلاف برخی که حتی از بیان نام شاعرانی نظیر شاملو اب داشتند. از او فروغ یا عنوان «خواهرم فروغ» یاد می‌کرد که جنگ، سخنی و محدودیت‌ها، زبان‌ها را بسته بود، قیصر با زبان ساده و زنده با نوجوانان سخن می‌گفت و به آنان امید و تخیل هدیه می‌داد. در روزگاری که بیشتر نشریات با سیاسی بودند یا خشک و رسمی، «سروش نوجوان» به شعر و داستان رنگ زندگی بخشید؛ تحریریه‌ای پرشور که بسیاری از نویسندگان و شاعران نسل بعد، اولین تجربه‌های حرفه‌ای خود را آنجا آموختند. امین پور شاعر تردید و ایمان، درد و عشق بود. میان تلخی واقعیت و شیرینی رؤیا، تعادلی عجیب داشت. شاید هم به همین دلیل، شعرش از مرز زمان عبور کرد و هنوز برای نسل امروزی تازگی دارد. اما داستان قیصر در «سروش»، فقط به یک روایت کاری ختم نمی‌شود: حکایت دوستی‌ها و دلبستگی‌هایی است که با جوهر فرهنگ و صداقت عجین شده بود. برای درک شرایط آن روزها و شناخت بیشتر قیصر، باید کمی از نزدیک‌ترین یارانش هم‌کلام شدیم؛ مهدی فیروزان، مردی که سال‌ها مسئول مدیریت مؤسسه «سروش» را برعهده داشت و بعدها دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی و سپس مؤسس و مدیرشهر کتاب شد.

از صفحه شعر تا دوستی جاودانه

مهدی فیروزان با احترامی که آمیخته با احترام و انده‌ا، از اولین دیدارش با قیصر می‌گوید: «ابتدای کارمان به سال ۱۳۶۱ باز می‌گردد. قیصر جوانی بود با لبخندی آرام و نگاهی اندیشناک. همان برخورد اول، محبتش بر دل آدم می‌نشست. در گفت‌وگو با شاعران جوان و کسانی که تازه قلم به دست می‌گرفتند و ذوق و قریحه داشتند، بی‌نهایت با حوصله و مهربان بود. به همین دلیل از او خواسته دبیری صفحه شعر مجله سروش را به دست بگیرد. ما نیچ. شش نفر بودیم؛ یک دبیر، یک سردبیر، من و قیصر و چند نفر دیگر که عضو هیأت تحریریه بودیم. هر کدام چند صفحه دبیری آورده‌یم. اتاق قیصر درست کنار اتاق من بود و هر هفته همدیگر را می‌دیدیم؛ غیراز پیشنهادهایی که قیصر جداگانه می‌آورد یا سؤالی که داشت یا شعری به شاعر دیگر می‌آورد یا از ضوابطی که برای نوآوری نیز اهمیت زیادی قائل بود. برادر تیزاهمیت زیادی قائل بود. در این رابطه حق جالبی هم به کار می‌برد و می‌گفت: به نام خدایی که سنت و نوآوری است. بخش هم برای سنت را حفظ می‌کرد و در موارد که لازم بود به نوآوری روی می‌آورد. این یکی دیگر از ویژگی‌های مهم شخصیتی و ادبی قیصر است. تعادل قیصر در رفتار فرهنگی و ادبی‌اش در قالب کاری با عنوان «سنت و نوآوری» منتشر شده است. همان کاری که با دکتر رساله دکتری او بود و قرار بود آن را سط و گسترش بدهد. هرچند که آن تصادف و مشکلاتی که پدید آورد اجازه‌اش را ندارد.

آخرین برده‌ای که می‌توان در زندگی قیصر ترسیم‌دید به ماجرای تصادف قیصر برای درگذشت در سفر به یکی از زمینه‌های شمالی تجربه کرد؛ تصادفی که نیمات‌ان تا آخرین روز حیاتش رهایش نکرد و او را به نوعی ناگوای درونی واداشت؛ تأثیر این دوره‌اید چه شکل می‌توان برآثارش دید؟

درد و رنجی که آن تصادف به جان قیصر انداخت تا آخر عمرهمراهش ماند، ملموس‌ترینش دیالیزهای مداوم بود. در نتیجه دشواری‌هایی که شرایط جسمی‌اش به او تحمیل کرد در سال‌های پایانی عمر بیش از قبل سراغ کارهای پژوهشی رفت. شعرهایی که در آن سال‌ها گفت، در مقایسه با گذشته رنگ‌وبوی انتقادی‌تری پیدا کردند. در آن سال‌های آخر به وضعیت زمانه‌اش نیز نقد داشت که بازتاب آن در آثارش نیز مشهود است. آن تصادف قیصر را بیشتر متوجه خود کرد. البته قیصر در سال‌های آخر به صلحی درونی با خودش و شرایطی که گرفتارش شده بود هم رسید. شعر قیصر با انقلاب و جنگ آغاز شد و در نهایت به انزوایی درونی و بعدتر هم صلح با خویشتن رسید.

> درد و رنجی که آن تصادف به جان قیصر انداخت تا آخر عمرهمراهش ماند، ملموس‌ترینش دیالیزهای مداوم بود. در نتیجه دشواری‌هایی که شرایط جسمی‌اش به او تحمیل کرد در سال‌های پایانی عمر بیش از قبل سراغ کارهای پژوهشی رفت. شعرهایی که در آن سال‌ها گفت، در مقایسه با گذشته رنگ‌وبوی انتقادی‌تری پیدا کردند. در آن سال‌های آخر به وضعیت زمانه‌اش نیز نقد داشت که بازتاب آن در آثارش نیز مشهود است. آن تصادف قیصر را بیشتر متوجه خود کرد. البته قیصر در سال‌های آخر به صلحی درونی با خودش و شرایطی که گرفتارش شده بود هم رسید. شعر قیصر با انقلاب و جنگ آغاز شد و در نهایت به انزوایی درونی و بعدتر هم صلح با خویشتن رسید.

قیصر در مدرسه سروش

روایت مهدی فیروزان از فعالیت مطبوعاتی قیصر امین‌پور

گفت‌وگو

راضیه خونینی
گروه کتاب

مردی که حرف آخر عشق اول نامش بود، تاآخرین نفس از سرودن و نوشتن درباره امید، انسانیت و عشق خسته نشد؛ کسی که گفت: «و قاف، حرف آخر عشق است / آنجا که نام کوچک من آغاز می‌شود». در ادبیات ما، گاهی شاعرانی می‌آیند که کلمات را از سطح کاغذ رهانیده و بر جان و دل می‌نشانند. قیصر امین‌پور از همان تبار بود؛ شاعری که با موهایی سیاه و اندوه در نوشتن درباره امید، انسانیت و عشق خسته نشد؛ کسی که گفت: «و قاف، حرف آخر عشق است / آنجا که نام کوچک من آغاز می‌شود». در ادبیات ما، گاهی شاعرانی می‌آیند که کلمات را از سطح کاغذ رهانیده و بر جان و دل می‌نشانند. قیصر امین‌پور از همان تبار بود؛ شاعری که با موهایی سیاه و اندوه در نوشتن درباره امید، انسانیت و عشق خسته نشد؛ کسی که گفت: «و قاف، حرف آخر عشق است / آنجا که نام کوچک من آغاز

«ایران» در هفته پیشگیری از مسمومیت‌ها گزارش می‌دهد

۴۴ درصد مسمومیت‌ها در کشور تعمدی است

مردان در آمار مرگ‌ومیر ناشی از مسمومیت سهم ۷۸ درصدی دارند

گزارش
محدثه جعفری
گروه گزارش

سال گذشته ۲۷۶ هزار و ۱۳۸ نفر در کشور دچار مسمومیت شدند. زندگی صنعتی و دسترسی آسان به انواع مواد شیمیایی، داروها، سموم و... بدون داشتن اطلاعات کافی از نحوه نگهداری، مصرف، عوارض، خطرات و هشدارهای مربوط به آن، شیوع مسمومیت‌های اتفاقی و تعمدی را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. بنابراعلام سازمان غذا و دارو، از مجموع آمار مسمومیت‌های سال گذشته ۳۸/۵ درصد مسمومیت‌ها دارویی، ۲۲ درصد مسمومیت با مواد اعتیادآور، ۲۰/۷ درصد مسمومیت با مواد شیمیایی و... است. آمار شش ماهه اول سال جاری نشان می‌دهد، طی این بازه زمانی ۱۲۸ هزار و ۵۵۹ نفر دچار مسمومیت شده‌اند.

دکتر فراز زندیه فلوشیپ سم‌شناسی بالینی و مسمومیت‌های بیمارستان لقمان حکیم با بیان اینکه هفته پیشگیری از مسمومیت‌ها این فرصت را ایجاد می‌کند که مردم نسبت به آنچه در دسترس‌شان است، آگاهی بیشتری پیدا کنند، به «ایران» می‌گوید: «پیشگیری از مسمومیت‌ها همیشه راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است. همه ساله با هدف ارتقای فرهنگ و دانش عمومی جامعه درباره پیشگیری از مسمومیت‌ها و در صورت بروز، انجام اقدامات اولیه و ضروری درمانی برای کاهش مرگ و میر ناشی از مسمومیت‌ها، اطلاع‌رسانی گسترده‌ای انجام می‌شود. بر اساس آمارها بیشترین مسمومیت چه عمدی و چه ناآگاهانه با مصرف دارو رخ می‌دهد. نکته مهم اینجاست، همکاران داروساز نباید داروی بدون نسخه را به افراد بفروشند. از طرفی مصرف عمدی دارو به نیت خودکشی را هم داریم، بنابراین خانواده‌ها باید نسبت به عزیزانشان آگاهی بیشتری داشته باشند. اگر فردی افکار خودکشی دارد، حتماً او را به سمت روانپزشک هدایت کرده و وارد مراحل درمان شوند.»

اگرچه بسیاری از این مسمومیت‌ها توسط گروه پزشکی کنترل شده و به مرگ منتهی نمی‌شود اما خسارات جبران‌ناپذیری را به پیکره اقتصاد، سلامت و بهداشت جسمی و روانی جامعه و خانواده‌ها وارد می‌کند. طبق آماری که سازمان غذا و دارو در اختیار «ایران» گذاشته، بیشترین مسمومیت منجر به فوت مربوط به دارو است. براساس اعلام سازمان پزشکی قانونی کشور در سال گذشته ۱۰ هزار و ۹۲۲ نفر و همچنین در پنج ماه اول سال جاری، ۴ هزار و ۲۳۲ نفر بر اثر بروز انواع مسمومیت‌ها جان باخته‌اند. بیشترین مسمومیتی که در سال اخیر منجر به فوت شده است، مسمومیت ناشی از داروهاست، به این ترتیب در سال گذشته ۴۲/۵ درصد و در پنج ماه اول سال جاری، ۴۸/۴ درصد از مرگ و میرها به دلیل مسمومیت با داروها اتفاق افتاده است.

براساس آنچه که سازمان غذا و دارو اعلام کرده، بیشترین مسمومیت در سال ۱۴۰۳، به ترتیب بنزودیازپین‌ها ۳۳/۴ درصد، داروهای مسکن غیرمخدر ۱۶/۹ درصد، داروهای ضدافسردگی ۹ درصد، آنتی‌سایکوتیک‌ها ۴/۶ درصد، دیگوکسین و داروهای قلبی ۳/۵ درصد، آمفتامین و محرک‌های CNS ۳/۲ درصد و آنتی بیوتیک ۲/۶ درصد است. حال آنکه مسمومیت با داروهای کنتراسپتیوها ۱/۳ درصد و کورتون ۰/۵ درصد شیوع کمتری دارند. ۲۵ درصد مسمومیت‌ها هم با سایر داروها رخ داده است.

اگر از لحاظ منطقه‌ای به آمار مسمومیت‌ها بپردازیم، در سال ۱۴۰۳ بیشترین مسمومیت دارویی به ترتیب در شهرهای تهران، اهواز، مشهد، کرج و لرستان گزارش شده است.

تداخل دارویی در سالمندان را جدی بگیرید

نوع دیگر مسمومیت با دارو غیرعمدی و بیشتر برای کودکان و سالمندان اتفاق می‌افتد. دکتر زندیه در این باره می‌گوید: «شکل و ظاهر بعضی داروها کودکان را فریب می‌دهد و به عنوان اینکه شکلات یا اسمارتیز هستند، مصرف می‌شوند. مسمومیت با شوینده‌های خانگی هم جزو شایع‌ترین نوع مسمومیت در کودکان لحاظ می‌شود. همه سموم و محلول‌های اسیدی باید دور از دسترس اطفال باشد تا جلوی مصرف از جانب کودک گرفته شود. به غیر از کودکان، سالمندان هم با مصرف اشتباه دارو دچار مسمومیت می‌شوند. بعضی از سالمندان چندین دارو را با تجویز پزشک مصرف می‌کنند. گاهی اوقات همراه داروهای همیشگی مثلاً برای درد پا دارویی به توصیه دوست و آشنا می‌خورند که باعث تداخل دارویی و مسمومیت می‌شود. به همین دلیل توصیه می‌کنیم اگر افرادی دچار تداخل دارویی یا مسمومیت شدند با شماره ۱۹۰ سازمان غذا و دارو یا ۱۱۵ اورژانس تماس بگیرند تا عوارض دارو کنترل شود.»

۲۱ درصد از مرگ‌های سال گذشته مربوط به مواد مخدر بود

بر اساس اعلام سازمان پزشکی قانونی، سال گذشته ۲۱/۳ درصد و در پنج ماه اول سال جاری ۲۱/۶ درصد از مرگ و میرها به دلیل استعمال و عوارض ناشی از سوء مصرف و اعتیاد به مواد مخدر و مواد محرک اتفاق افتاده است. براساس آمارهای دریافت شده از بیمارستان‌های مرجع مسمومیت در کشور، در سال ۱۴۰۳ و شش ماهه اول سال جاری ۲۲ درصد از مراجعان مسمومیت به بیمارستان‌های سراسر کشور با مواد مخدر، محرک و اعتیادآور مسموم شده‌اند. طبق اعلام سازمان غذا و دارو، اصلی‌ترین مسمومیت با مواد مخدر و محرک که افراد به دلیل مصرف آن به بیمارستان‌های مرجع مسمومیت در سال ۱۴۰۳ مراجعه کرده‌اند، با اختلاف زیاد مسمومیت با داروی متادون ۴۶/۹ درصد، ترامادول ۱۵/۸ درصد و تریاک ۱۵/۴ درصد مشاهده شده است و بعد از آن مسمومیت با مورفین ۵/۶ درصد، شیشه ۵/۵ درصد، حشیش ۴ درصد، هروئین ۱/۸ درصد و سایر ترکیبات با ۵ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. در سال ۱۴۰۳ بیشترین مسمومیت با مواد مخدر، محرک و اعتیادآور به ترتیب در شهرهای تهران، مشهد، اهواز، کرمان و بیرجند رخ داده است.

> براساس آمارهای دریافت شده از بیمارستان‌های مرجع مسمومیت در کشور، در سال ۱۴۰۳ و شش ماهه اول سال جاری ۲۲ درصد از مراجعان مسمومیت به بیمارستان‌های سراسر کشور با مواد مخدر، محرک و اعتیادآور مسموم شده‌اند

محرمانگی اسرار اولویت کادر درمان در مسمومیت با الکل

مدتی است، مسمومیت ناشی از مصرف خوراکی مشروبات الکلی دست‌ساز و تقلبی بسیار شایع شده است. دکتر زندیه با بیان اینکه مسمومیت با مصرف الکل هم جزو موارد خطرناک مسمومیت محسوب می‌شود، می‌گوید: «نوشیدنی‌های دست‌ساز که با الکل‌های صنعتی ترکیب می‌شوند خیلی خطرناک است و حتی می‌تواند مرگ مصرف کننده را در پی داشته باشد. گاهی هم منجر به نابینایی، نارسایی کلیه و از بین رفتن کبد در افراد می‌شود. به همین دلیل همواره توصیه می‌کنیم، افراد نوشیدنی‌های الکلی را مصرف نکنند اما اگر مصرف کردند و دچار مسمومیت شدند، فوراً به مراکز درمانی مراجعه کنند. گاهی افراد به دلیل ترس از مجازات‌های قانونی با شروع علائم مسمومیت با الکل به بیمارستان نمی‌روند و همین موضوع جانشان را به خطر می‌اندازد. به عنوان پزشک این اطمینان را به بیماران می‌دهم که اسرار آنها به هیچ عنوان از بیمارستان و مراکز درمانی بیرون نمی‌رود. محرمانگی اطلاعات بیماران یکی از اولویت‌های اصلی در بحث درمان است.» در سال گذشته بیشترین مسمومیت با الکل به ترتیب در شهرهای کرج، تهران، مشهد، مازندران و اهواز رخ داده است.

۱۳ درصد از کل مرگ‌ها ناشی از مسمومیت با قرص برنج است

دکتر زندیه درباره آمار مسمومیت با قرص برنج می‌گوید: «قرص برنج از زمان‌های قدیم برای آفت‌زدایی در کیسه‌های برنج گذاشته می‌شد. اما گازی که این نوع سم آزاد می‌کند، بسیار خطرناک است. متأسفانه درمان قطعی برای این نوع مسمومیت وجود ندارد و آمار مرگ و میر بالایی هم دارد. در سال‌های گذشته با آمار نسبتاً بالای مسمومیت‌های ناشی از این عامل مواجه بوده‌ایم. حتی یک مورد مسمومیت با قرص برنج هم نباید داشته باشیم، چون توزیع و خرید و فروش این سم در سطح کشور ممنوع بوده و از سال ۱۳۸۵ واردات قرص برنج توسط وزارت جهاد کشاورزی ممنوع اعلام شده است. همچنین از سال ۱۳۹۰ قرص برنج از طرف ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کالای ممنوعه به شمار می‌رود و خرید و فروش و استفاده آن مشمول مجازات می‌شود. اگر کسی قرص برنج بخورد، دچار مسمومیت خیلی شدید خواهد شد و در صورتی که سم از بدن وی خارج نشود، باعث مرگ می‌شود. همچنین استشمام بوی قرص برنج که در داخل کیسه‌های حبوبات و برنج نگهداری می‌شود هم به علت تصعید گاز خطرناک فسفین در محیط سبب مسمومیت و متعاقب آن مرگ می‌شود. اگر گاز متصاعد شده از قرص یا گرد برنج به صورت اتفاقی استنشاق شد، باید در لحظه و به سرعت فرد را به هوای آزاد منتقل و بدن او را گرم نگه داریم. باید مطمئن شویم که به راحتی نفس می‌کشد و سپس فرد را به مراکز درمانی و اورژانس انتقال بدهیم.»

از سال ۱۳۹۶ تعداد مرگ ناشی از این سم فسفید آلومینیوم یا همان قرص برنج روند صعودی داشته است. تعداد مسمومیت‌های ناشی از قرص برنج مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های مرجع مسمومیت در کشور در سال ۱۴۰۲، ۱/۱ درصد، سال گذشته یک درصد و در شش ماهه اول سال جاری ۱/۱ درصد از کل مسمومیت‌های مراجعه شده به بیمارستان‌ها را شامل می‌شود. آن طور که مسئولان غذا و دارو اعلام می‌کنند سال گذشته بیشترین مسمومیت با قرص برنج به ترتیب در شهرهای تهران، مازندران، گیلان، اردبیل و کرج گزارش شده است. براساس اطلاعات سازمان غذا و دارو، مرگ و میر ناشی از مسمومیت به میزان ۲۴ درصد در سال گذشته و ۱۸/۶ درصد در پنج ماهه اول سال ۱۴۰۴، در اختیار انواع سموم از قبیل قرص برنج، سموم دفع آفات نباتی، جونده‌کش‌ها، سیانور، گاز مونوکسیدکربن و دیگر سموم بوده است. براساس آمار این سازمان در سال ۱۴۰۳ بیشترین مسمومیت با سموم به ترتیب در شهرهای تهران، کرج، مشهد، اهواز و اردبیل گزارش شده است. همچنین قرص برنج در سال ۱۴۰۳ به تنهایی عهده‌دار ۱۳/۶ درصد از کل مرگ‌های ناشی از مسمومیت بوده است.

مشهد، اردبیل و تهران صدرنشین مسمومیت با مونوکسیدکربن

جولان قاتل خاموش در فصل سرما با تنفس مونوکسیدکربن است؛ مسمومیتی که در سال گذشته، ۷/۸ درصد و در پنج‌ماهه اول سال جاری ۶ درصد مرگ‌ها را به دلیل مسمومیت به خود اختصاص داده است. براساس اعلام سازمان غذا و دارو، در سال ۱۴۰۳ بیشترین مسمومیت با مونوکسیدکربن به ترتیب در شهرهای مشهد، اردبیل، تهران، تبریز و کرج گزارش شده است. این نوع مسمومیت ناشی از مونوکسیدکربن، به دلیل استفاده از وسایل گرمایشی گازسوز مانند بخاری، آبگرمکن و پکیج، در ایران بسیار شایع است.

مسمومیت با گیاهان و قارچ‌های سمی

سال گذشته ۰/۷ درصد و در شش ماهه اول سال جاری یک درصد مسمومیت با گیاهان و قارچ‌های سمی رخ داده است. گاهی مسمومیت از طرقی شکل می‌گیرد که حتی تصور هم نمی‌کنیم. این فلوشیپ سم شناسی بالینی و مسمومیت با اشاره به گیاهانی که می‌توانند باعث مسمومیت شوند، می‌گوید: «درکشور ما گونه‌های متنوعی از گل و گیاه وجود دارد که برخی از آنها می‌توانند باعث مسمومیت شوند. مثل قارچ‌ها، گل خرزهره، گیاه انگشتانه، کرچک، گیاه شاه بزرگ و... که می‌توانند سمی باشند. به همین دلیل هر گیاهی که در طبیعت مشاهده کردید، مصرف نکنید چون برخی از گیاهان شبیه به گیاهان خوراکی اسفناج یا سیر هستند، اما سمی بوده و مصرف آن می‌تواند خیلی خطرناک باشد.»

۶۰ درصد مسمومیت‌ها در مردان رخ می‌دهد

براساس آمارهای دریافت شده از بیمارستان‌های مرجع مسمومیت در کشور، به لحاظ پراکندگی سنی مسمومان مراجعه کننده به بیمارستان ۹۰ درصد بزرگسال و ۱۰ درصد کودکان زیر ۱۲ سال هستند. در این بین ۶۰ درصد از مراجعه کنندگان مرد و ۴۰ درصد زن هستند و بیشتر مرگ‌های ناشی از مسمومیت در کشور در مردان اتفاق می‌افتد. به نقل از سازمان پزشکی قانونی کشور، ۷۸ درصد از موارد مرگ ناشی از مسمومیت در مردان و ۲۲ درصد آن در زنان رخ می‌دهد. همچنین ۴۴ درصد مسمومیت‌ها تعمدی و ۵۶ درصد مسمومیت‌ها اتفاقی است.

> براساس اعلام سازمان غذا و دارو، در سال ۱۴۰۳ بیشترین مسمومیت با مونوکسیدکربن به ترتیب در شهرهای مشهد، اردبیل، تهران، تبریز و کرج گزارش شده است. این نوع مسمومیت ناشی از مونوکسیدکربن، به دلیل استفاده از وسایل گرمایشی گازسوز مانند بخاری، آبگرمکن و پکیج، در ایران بسیار شایع است

شیر و آبلیمو مسمومیت را درمان نمی‌کنند

برش

اگر مسمومیت رخ داد چه اقداماتی را می‌توانیم برای کاهش خطرات مسمومیت انجام دهیم. دکتر زندیه متخصص سم‌شناسی بالینی و مسمومیت‌ها توضیح می‌دهد: «درمان‌های خانگی مثل خوراندن شیر و آبلیمو به فردی که دچار مسمومیت شده به هیچ عنوان کمک کننده نیست و حتی ممکن است، مصرف این مایعات شدت مسمومیت را افزایش بدهد. همچنین دیده می‌شود در مسمومیت دارویی فرد را مجبور به استفراغ می‌کنند، این کار می‌تواند ترشحات معده را به ریه برساند و خطرات جدی برای بیمار به همراه داشته باشد. به همین دلیل تأکید می‌کنم، فردی که دچار مسمومیت شده را به هیچ وجه به استفراغ مجبور نکنید. بهترین کمک به بیمار، تماس با ۱۱۵ یا رساندن او به مراکز درمانی است.»

چرا زوج‌های جوان فرزندآوری را به تأخیر می‌اندازند

وقتی ثبات حرف اول را می‌زند

گزارش
مهسا قوی قلب
گروه گزارش

چندی پیش مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال اعلام کرد که میانگین فاصله زمانی بین ازدواج تا تولد اولین فرزند از ۲.۳ سال در دهه ۶۰ به ۴.۵ سال در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است. بر اساس روند داده‌های مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال در سال ۱۴۰۳، میانگین فاصله ازدواج تا تولد فرزند در دهه ۶۰ حدود ۲.۳ سال در دهه ۷۰ حدود ۲.۴ سال، در دهه ۸۰ حدود ۳ سال و در دهه ۹۰ حدود ۳.۷ سال بوده است. این آمارها به این معناست که حرکت به سمت سالمندی جمعیت هر سال شتاب بیشتری می‌گیرد. به همین دلیل برای دور شدن از بحران باید هرچه سریع‌تر عوامل تأخیر در فرزندآوری را بررسی کرد تا با تدابیر جامعه شناختی، متولیان امر در این حوزه چاره‌ای بیندیشند.

به گفته مصطفی آب روشن جامعه‌شناس، تأخیر در فرزندآوری را باید از ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سلامت بررسی کنیم.

او اصلی‌ترین مانع را تأمین مسکن مناسب و شغل با درآمد ثابت برای پدر می‌داند و می‌گوید: «زوج‌های جوان احساس می‌کنند تا زمان ثبات کامل مالی و تأمین یک زندگی آبرومند بر اساس استانداردهای جدید اجتماعی، نباید فرزند بیاورند. افزایش تورم، هزینه‌های زندگی و قیمت مسکن، فرزندآوری را به طور غیرمنطقی طولانی کرده است. نسل امروز، فرزندآوری را با فرزندپروری کیفی پیوند زده است؛ یعنی لزوم سرمایه‌گذاری بیشتر برای آموزش، بهداشت و آینده بهتر فرزند. این دیدگاه، به طور طبیعی دوره پیش از فرزندآوری را طولانی می‌کند تا آمادگی مالی لازم فراهم شود.»

اشتغال زنان هم در افزایش این فاصله بی‌تأثیر نیست. این جامعه‌شناس توضیح می‌دهد: «افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان به عبارتی افزایش سهم زنان در دانشگاه‌ها و بازار کار، اولویت‌های زندگی مشترک را تغییر داده است. زنان اغلب تمایل دارند پس از ازدواج، ابتدا موقعیت شغلی و تحصیلی خود را تثبیت و سپس اقدام به فرزندآوری کنند تا شغلشان قربانی مادر شدن نشود. این موضوع فاصله ازدواج تا تولد فرزند اول را به طور محسوسی افزایش می‌دهد.»

افزایش ارزش‌های فردگرایانه

در دهه‌های اخیر، ارزش‌های فردگرایانه و زوج‌محور تقویت شده است. آب‌روشن با بیان این مطلب می‌گوید: «زوجین ابتدا به دنبال لذت بردن از سال‌های اولیه زندگی مشترک، سفر و تفریح هستند و فرزندآوری را به دوره‌ای موکول می‌کنند که احساس کنند زندگی زناشویی آنها به ثبات رسیده و کاملاً از نظر روانی آمادگی پذیرش مسئولیت جدید را دارند. به همین دلیل برای کاهش فاصله به وجود آمده و تشویق زوجین به فرزندآوری بهنگام حداکثر ۲ تا ۳ سال پس از ازدواج، باید مداخله‌ای چندوجهی انجام گیرد.»

به اعتقاد او، ارائه وام‌های کلان ودیعه مسکن یا مسکن کوچک با شرایط بسیار آسان به زوج‌هایی که در طول دو سال اول زندگی صاحب فرزند می‌شوند، می‌تواند یک نمونه از مشوق‌ها باشد چون موردی است که به طور مستقیم به فرزندآوری گره می‌خورد. نکته بعدی حمایت از اشتغال زنان مادر است؛ به عبارتی تصویب و اجرای قاطع قوانینی که تضمین‌کننده بازگشت شغلی و جلوگیری از اخراج زنان پس از مرخصی زایمان است. همچنین، حمایت از کار پاره‌وقت منعطف و دورکاری برای مادران، تا بتوانند بین نقش مادری و شغلی تعادل برقرار کنند.

این جامعه‌شناس در زمینه اثرگذاری مشاوره‌های به‌موقع نیز تأکید می‌کند: «ارائه مشاوره‌های رایگان و اجباری در مراکز ازدواج با حضور متخصصان جمعیت‌شناسی و روان‌شناس، که برای زوجین خطرات تأخیر طولانی مدت مانند ناباروری ثانویه و مزایای فرزندآوری بهنگام از نظر سلامت مادر و فرزند را تبیین کند، می‌تواند عامل پررنگی در افزایش تمایل زوجین به فرزندآوری باشد.»

> به اعتقاد این جامعه‌شناس، این دیدگاه که اقتصاد تأثیری بر فرزندآوری ندارد و استناد به نرخ بالاتر فرزندآوری در طبقات فرودست در مقایسه با طبقات دارا، یک پدیده پیچیده جامعه‌شناختی است

به گفته آب روشن، مورد دیگر رسانه‌ها هستند که باید از نمایش خانواده‌های ایده‌آل صرفاً بر اساس رفاه اقتصادی، به سمت نمایش خانواده‌های شاد با فرزندان بیشتر در شرایط اقتصادی متوسط حرکت کنند تا استانداردهای سختگیرانه فرزندپروری کیفی تعدیل شود. عامل دیگر هزینه بالای شهریه مهدکودک‌هاست. آب‌روشن می‌گوید: «یکی از راهکارهای پیشنهادی، توسعه مراکز نگهداری روزانه کودک یا همان مهدکودک‌های دولتی است، یعنی ایجاد و یارانه دادن به مهدکودک‌های با کیفیت و ارزان قیمت در محیط‌های کاری و محلات تا والدین شاغل نگرانی کمتری در مورد نگهداری و تربیت فرزندان خود داشته باشند. به موضوع بیمه هم باید به صورت جدی ورود شود، چون از منظر حمایتی ارائه پوشش بیمه‌ای ۱۰۰ درصدی برای تشخیص و درمان ناباروری زوجین در صورت اقدام دیرهنگام، با هدف کاهش ترس از دست دادن فرصت فرزندآوری اهمیت بالایی دارد. به طور کلی، کاهش فاصله زمانی ازدواج تا تولد فرزند، یک نبرد در جبهه تسهیل زندگی جوانان است. تا زمانی که بارهای اقتصادی از روی دوش خانواده‌های جوان برداشته نشود و دغدغه‌های شغلی و مسکن حل نشود، نمی‌توان انتظار داشت که با صرف مشوق‌های مالی محدود، زوجین به سرعت از دوره آرامش دو نفره خود عبور کرده و مسئولیت پدر و مادر شدن را بپذیرند. این تغییر، نیازمند یک اجماع ملی بر سر اولویت‌بندی رفاه جوانان است.»

به اعتقاد آب روشن، این دیدگاه که اقتصاد تأثیری بر فرزندآوری ندارد و استناد به نرخ بالاتر فرزندآوری در طبقات فرودست در مقایسه با طبقات دارا، یک برداشت ساده‌انگارانه از یک پدیده پیچیده جامعه‌شناختی است. در واقع، این تفاوت نه به دلیل بی‌تأثیری اقتصاد، بلکه برای اثرگذاری متفاوت آن بر تصمیم‌گیری‌ها و الگوهای رفتاری در طبقات مختلف است. این جامعه شناس می‌گوید: «برای طبقات دارا، فرزندآوری بشدت با مفهوم کیفیت و سرمایه‌گذاری گره خورده است؛ آنها برای هر فرزند انتظار دارند بالاترین سطح آموزش، رفاه و فرصت‌ها را فراهم کنند. در مقابل اما، طبقات فرودست ممکن است به دلایل فرهنگی یا دسترسی نداشتن کافی به خدمات تنظیم خانواده و همچنین با نگاهی که فرزند را به عنوان نیروی کار یا حمایت اجتماعی در کهنسالی می‌بینند، همچنان نرخ باروری بالاتری داشته باشند. اما این موضوع به معنای بی‌تأثیر بودن اقتصاد نیست، بلکه نوع تصمیم‌گیری اقتصادی در هر دو طبقه متفاوت است.»

عکس: حسین نقی زاده/ ایران

عبدالحسین مختاباد در گفت‌وگو با «ایران»:

آوازخوان خوب نداریم

گفت و گو

نداسیجانی
گروه فرهنگی

موسیقی ایرانی از تاریخی کهن و گنجینه‌ای ارزشمند برخوردار است. آثاری که با گذشت دهه‌ها و روزگاران همچنان شنیدنی است و درگوش و جان نسل‌های مختلف نشسته است. اما دنیای امروز و دسترسی‌های امروزی‌تر به دنیای مجازی، فضای هنر بویژه موسیقی را دستخوش تغییراتی کرده است که به مذاق اساتید هنر ناخوشایند است. این امروزی بودن‌ها و تغییر نسل موجب شده برخی در دنیای مجازی خود را هنرمند تلقی کنند و برخی دیگرمنتقد هنر و آنقدر پیشرفته شده‌اند که نبض موسیقی مخاطب را به دست گرفته‌اند. البته اساتید هنر نگاه مخالفی با این جریانات ندارند اما معتقدند آثار تولید شده نه ماندگاری دارند و نه محتوا و نیامده از خاطر جمعی جامعه فراموش می‌شوند. اما بی‌تردید آثارماندگار و نوستالژی چون «تمنای وصال» یا «شبانگاهان» عبدالحسین مختاباد در این تقویم زودگذر قرار نمی‌گیرد و با گذشت بیش از ۳۰ سال از تولید آن بازهم صحنه موسیقی آماده دوباره شنیدن آن است. عبدالحسین مختاباد ازجمله خوانندگانی است که در کنار هنرآوازخوانی، در آهنگسازی هم تبحر دارد و بواسطه تجربه‌ای که در هر دو زمینه دارد توانسته آثار ارزشمند و قابل توجهی تولید کند. این خواننده نام آشنا ۷ و ۸ آبان ماه با همراهی ارکستر ملی ایران به رهبری همایون رحیمیان در تالار وحدت به روی صحنه می‌رود. با او درباره مصایب و مسائل موسیقی به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

در ابتدا درباره کنسرت تازه خود بفرمایید، چه قطعاتی را برای اجرای این برنامه در نظر دارید؟

تقریباً ازسال گذشته برنامه کنسرت‌هایم در تهران را شروع کردم و اولین اجرای ما خردادماه سال ۱۴۰۳ با عنوان«در رهگذارت» طی دو شب با ارکستر ملی ایران در تالار وحدت به روی صحنه رفت. همکاری خیلی خوب و جذابی بود و امسال هم طی صحبت‌هایی که با مسئولان بنیاد رودکی انجام گرفت، تصمیم براین شد کنسرت دیگری با عنوان «آن لحظه‌ها» را با همراهی ارکستر ملی ایران به رهبری دوست عزیز و هنرمندم جناب استاد همایون رحیمیان برگزارکنیم. تقریباً بیش از۸۰ درصد کارها جدید هستند و در کنار آن قطعاتی از آثار گذشته‌ام که قبل‌تر با ارکستر نواخته شده بود، اجرا می‌شوند. اشعارآلبوم «آن لحظه‌ها» به سروده دکتر شفیعی کدکنی است، به آهنگسازی و تنظیم خودم. نکته دیگر اینکه «آن لحظه‌ها» سال ۱۴۰۱ در رقابت‌های جایزه جهانی موسیقی «گلوبال موزیک اواردز» در بخش آهنگسازی و خوانندگی جایزه نقره‌ای را دریافت کرد.

«آن لحظه‌ها» معرف سبکی تازه از آهنگسازی شما است. در واقع به نوعی نوگرایی در موسیقی امروز است. درباره این کار کمی توضیح بدهید؟

این اثر یک کار ارکسترال است و تولید آن به دهه ۸۰ برمی گردد وجزو اولین تنظیم‌هایی است که به عنوان بخشی از پروژه دکترای آهنگسازی‌ام انجام دادم و از همان دوران جذب این شعر شدم. در یکی ازابیات این شعر آمده «آن لحظه‌ها که با دو سه شبنامه و سرود می‌شد به جنگ صاعقه‌ها رفت، آن لحظه‌ها جوانی ما بود.» این شعر روایت نسل انقلاب، نسلی است که از دوره جوانی و شور وعشق به تحولات اجتماعی و سیاسی رسیدند و انقلاب کردند. خلاصه تصمیم گرفتم یک کار ارکسترال با تنظیم تقریباً مدرن‌تر بنویسم و حدوداً ۷ ماهی ساخت این کار زمان برد.

سال‌ها از صحنه موسیقی فاصله گرفتید، علت خاصی داشت یا شرایط جامعه مساعد نبوده؟

مدت زمانی مشغول کارهای اجرایی در شورای شهر بودم و در کنار ریاست دانشگاه که مدت زمان بسیار وقت‌گیری بود، موجب شد فرصتی برای انجام کارهای دیگرم فراهم نشود. برگزاری کنسرت یک پروسه طولانی مدت است و به دنبال آن تورکنسرت‌ها چه در داخل و چه در خارج از ایران که نیاز به یک برنامه‌ریزی است و ممکن است حتی یک ماه هم به طول بینجامد. فلذا با توجه به حجم کاری‌ام، هماهنگی‌های لازم صورت نمی‌گرفت. به همین سبب از سال ۹۶ تقریباً کارهای اجرایی و تدریس را کنار گذاشتم و تصمیم گرفتم بار دیگر به روی صحنه بازگردم و درهمان تاریخ با گروه موسیقی‌ام «رودکی» کنسرت‌هایم را در تهران و شهرستان شروع کردیم، اماچیزی نگذشته بود که پاندومی کرونا بوجود آمد و بطور کلی تشکیلات اجرای برنامه‌های هنری تعطیل شد. در سال ۱۴۰۰ هم تقریباً همین شرایط بار دیگر تکرار شد و بعد از آن حدوداً ۷ ماه ایران نبودم و به دیدار دخترم در کانادا رفتم اما بعد از بازگشتم به ایران عزم خود را جزم کردم تا کنسرت‌هایم را از سر بگیرم. البته همین اتفاقات موجب شد حدوداً ۷-۶ سالی از صحنه موسیقی به دورباشم. نکته قابل توجه اینکه طی این مدت زمان فضای مجازی در تولید آثارهنری بسیار تأثیرگذار بوده و موجب شده روند تولید موسیقی تغییر کند و جای تأسف است که بگوییم درحال حاضر اثری به نام آلبوم موسیقی معنای خود را ازدست داده است. این درحالی است که تا همین چند سال قبل یک آلبوم شناسنامه هنری یک هنرمند بود، مانند یک کتاب برای نویسنده. اما در حال حاضر تمامی این فعالیت‌ها و تولیدات به فضای مجازی کشیده شده است.

دراین بازه زمانی که اشاره کردید علاوه بر کم تولید شدن آلبوم موسیقی یا به نوعی حذف آن در بازار موسیقی، خوراک موسیقایی جامعه امروز هم تغییر کرده است. از دیدگاه شما آیا کارهایی که امروزه به نام نوآوری ساخته می‌شود و به گوش مخاطب می‌رسد، متناسب با زمانه است؟

بحث نوآوری در هنر چندان موضوع ساده‌ای نیست. بطورمثال شاید بتوانیم بگوییم در طول یک قرن، دو یا سه اتفاق توسط یک یا دو هنرمند شکل گرفته. خود من به شخصه به عنوان یک موزیسین که در زمینه موسیقی مطالعات بسیاری داشته‌ام و با انواع ژانرهای موسیقی از کلاسیک تا موسیقی ملل، جاز و پاپ با بزرگان موسیقی دنیا آشنا هستم، آنها را شنیده‌ام و از برهستم، اما با این تفاسیر باید بگویم طی این سال‌ها نوآوری درستی در موسیقی ایرانی یا پاپ و جاز ندیده‌ام. در حال حاضر تغییر نسل ایجاد شده و این خیلی مهم است. بسیاری براین نظرند خواسته‌های نسل «Z» در پوشش، صحبت کردن وتغذیه و حتی انتخاب موسیقاییشان تغییرکرده است. فلذا همانگونه که درانتخاب غذا نظرات متفاوتی داریم، بی‌تردید سلیقه موسیقایی‌مان هم یکی نیست. اما معجزه هنر چیز دیگری است و بعد از گذشت چند سال، همین نسل باردیگر به تولیدات اصیل و فاخر گذشته رجوع خواهند کرد. اصطلاحی که ما در این زمینه استفاده می‌کنیم «Artistic Music» است؛ به معنای موسیقی هنری. این موسیقی هنری همچون دیوان حافظ، فردوسی، سعدی، مولانا، بیدل دهلوی و... همچنان باروراست و میوه می‌دهد و آدم‌ها به آن رجوع می‌کنند و به آن نیاز دارند. براین اساس نباید این‌گونه تصور و توهم شود که چون موسیقی من خوب دیده نمی‌شود، پس باید نوآوری کنم. یک اثر هنری در هر ژانری اگر از شاخصه‌های هنری و فرم و محتوا برخوردار باشد، خواه یا ناخواه تأثیر خود را درجامعه خواهد گذاشت. به عنوان مثال درموسیقی جازآثار بی‌نظیری خلق شده که بسیار پرمخاطب است. در مقابل آن، در زمینه موسیقی کلاسیک هم آثاری خلق شده، اما چنگی به دل نمی‌زند لذا نگاه خالق اثر و تفکر و دیدگاه او در ساخت آن تأثیرگذار است.

اگراین شیوه خوانش گسترش یابد آیا بازهم نسل امروز راغب به شنیدن آن خواهد بود و استقبالی صورت می‌گیرد؟

بله. با اطمینان می‌گویم صد درصد. آواز خوب طرفداران بسیاری دارد. گاهی اوقات در باشگاه‌های ورزشی میکس‌هایی به گوشم می‌رسد که جالب است. بطور مثال موسیقی پاپ و جاز با صدای استاد اکبر گلپا یا شجریان تلفیق شده و این دیدگاه نشان دهنده تأثیری است که همچنان در نسل‌ها دست به دست می‌چرخد.

درصحبت‌های خود به فرم و محتوای موسیقی اشاره کردید، با توجه به این موضوع برای آنکه موسیقی سنتی کشورمان به لحاظ فرمی و ساختاری به زبان امروز جامعه نزدیک‌تر شود، چه تغییراتی باید در این زمینه صورت بگیرد؟

طی این یکی - دو دهه هنرجویان جوان دراین زمینه کارهای خوبی انجام داده‌اند. البته هنر مانند گل شمعدونی نیست، شب بخوابید صبح یک گل سبز شود و فکر کنید یک تحولی ایجاد شده. تغییر وتحول در هنر آرام آرام و سانت به سانت است. البته در ادبیات ما هم اینچنین است. بطور مثال بعد از نیما و سبک نیمایی و بعد از آن شعرای سپید، چه تغییراتی در شعر ایجاد شده است؟ اگرچه شاید بعدها اتفاقاتی بیفتد اما درحال حاضر بسیار سانتی‌متری است. البته این موضوع بدین معنا نیست که اگر به عنوان مثال موتزارت آمد، باخ کهنه شده است یا اگر حافظ آمد، اشعار فردوسی دیگر معنایی ندارد. هنر مانند سیاست نیست که اگر یک نفر پشت میز بنشیند کس دیگری نباید جای او را بگیرد. آثار هنری درعرض یکدیگر حرکت می‌کنند. ما درعصر مدرن و در قرن ۲۰، درعصر کولاژ به سرمی‌بریم، کولاژ در نقاشی، در شعر یا در موسیقی و وصله پینه‌هایی را از ایده‌های گذشته و حال در کنار حس و حال هنرمند در درون خود تلفیق می‌کند.

البته طی همین یکی، دو دهه اخیر برخی از خواننده‌های موسیقی سنتی با سلیقه روز جامعه حرکت کردند و به اصطلاح امروز به موسیقی بازاری پسند روی آوردند.

آیا آن تعداد دوستانی که سبک موسیقی خود را تغییر دادند، موفق هم بوده اند؟ نسل امروزعلاقه‌مند به آثارموسیقایی خوب و ارزشمند است. هنراصیل مانند درخت ستبری است که زمستان و تابستان دارد، اما این درخت بازهم شکوفه خواهد داد. بنابراین هنر واقعی دارای ریشه و فرم و محتوا، هرگز کهنه نخواهد شد، حتی اگر زمانی از حس وحال بیفتد و استفاده کمتری از آن صورت بگیرد اما بازهم مرجع خواهد بود.

شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی چه میزان بر توجه یا عدم توجه موسیقی سنتی کشورمان تأثیرگذار بوده است؟

طی قریب به ۵ دهه که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، با وجود شرایط خاصی که هنرمندان موسیقی از سر گذراندند توانستند معجزه کنند. درهمین اجراهایی که طی سال برگزار می‌شود، نسل جوان در همه ژانرها از موسیقی پاپ گرفته تا موسیقی محلی، موسیقی سنتی و... آثار بسیار بی‌نظیری خلق کرده‌اند، اما این آثار در همان سالن‌های کنسرت باقی مانده‌اند و از هیچ شبکه تلویزیونی پخش نمی‌شود. اما اگر این آثار به گوش مخاطب می‌رسید و شنیده می‌شد، در نشر و شکوفا شدن موسیقی در جامعه بسیار تأثیرگذار بود. البته درحال حاضر فضای مجازی فضا را تغییر داده است.

در حال حاضر فضای مجازی این ظرفیت را فراهم کرده تا استعدادهای نهفته، آثارشان را در صفحه شخصی خود منتشر کنند و دیده شوند. این موضوع می‌تواند اتفاق خوبی باشد یا خیر؟

هنر خوانندگی به ذاته برای همه جذاب است. در یک افق کلان‌تر هر موجود زنده‌ای می‌خواند. خواندن برای هر انسانی زمزمه‌ای در درون خودش است. ما در عصری زندگی می‌کنیم که هر انسان به خاطر امکانات و نگاهی که دارد، خود یک صداست. اما در اینجا بحث هنر حرفه‌ای بودن مطرح است. کسانی که حرفه‌شان هنر است و برای آن وقت می‌گذارند، مانند پزشکی هستند که ۲۰ سال زمان می‌گذارد تا تخصص را بگیرد. فضای مجازی دنیای دیگری است. در حال حاضر در روزگاری زندگی می‌کنیم که عصر متکلم‌الوحده بودن به سر آمده و رسانه‌هایی موفق هستند که دوسویه باشند. ما در عصری زندگی می‌کنیم که هر انسانی با توجه به امکانات فضای مجازی حس می‌کند یک صدا و یک نگاه است و این قابل تقدیر است. به طور مثال، اگر در فضای مجازی پستی منتشر کنم، شاید نظرات افرادی که انتقادهای سازنده دارند برایم دلچسب‌تر باشد، حتی اگر موسیقیدان نباشند.

با این تفاسیر رسالت اجتماعی هنرمند بویژه خواننده در بزنگاه‌های سیاسی اجتماعی و... چیست و چقدر می‌تواند به عنوان یک الگوی خوب عمل کند؟ به طور مثال کارهایی که گروه چاووش یا استاد شجریان همسو با جامعه ساختند و خواندند؟

هنرمند تافته جدا بافته از جامعه نیست، بلکه حساسیت‌ها نسبت به او بیشتر است. اما شما باید بدانید در چه سیستمی فعالیت دارد! به طور مثال در امریکا بزرگ‌ترین نقش در از بین بردن آپارتاید موسیقی جزو پاپ سیاه‌پوستان بود. در ایران ما هم در ارتباط با رویدادهایی که در اوایل انقلاب شکل گرفت، موسیقی ایرانی نقش بسیار اثرگذاری داشت. بر این عقیده‌ام در شرایط امروز موسیقی پاپ جلوتر از موسیقی ایرانی بوده است، شاید دلیل آن این باشد که کسانی که در موسیقی پاپ امروز کار می‌کنند، شجاع‌تر از ما هستند و شاید ما یک مقدار دچار محافظه‌کاری شده‌ایم. به گفته «سارتر»، اگر کسی در۲۰ سالگی کمونیست نباشد دل و جرأت ندارد و اگر در ۴۰ سالگی لیبرال نباشد، عاقل نیست. حال شاید ما در دوران عقلانیت به سر می‌بریم.

با این تفاسیر در حال حاضر موسیقی سنتی یا پاپ یا دیگر ژانرهای موسیقی ما چقدر تابع سیاست‌گذاری‌های دولت و نظام حکمرانی است؟

بایستی بگوییم در حال حاضر عصر تسلط دولت‌ها بر هنرمندان در همه جای دنیا کمرنگ شده است. در دهه ۴۰ تا ۷۰ ابزار موسیقی یک چیزهای خیلی ساده و کاملاً سخت‌افزاری بود. آن دوران آثار به صورت استودیویی ضبط می‌شد و در قالب نوار کاست یا سی‌دی در بازار منتشر می‌گردید، اما درحال حاضر همه چیز به‌صورت نرم‌افزاری شده و با توجه به دسترسی آسان به فضای مجازی، به راحتی می‌توان موسیقی تمام دنیا را شنید و لذت برد.

به آثار کدامیک از خواننده‌های پاپ علاقه‌مندید؟

کارهای محسن چاوشی را دوست دارم، البته درباره کارهای جدیدش نگاه دیگری دارم و بر این نظرم که متأسفانه آهنگسازان به تکرار افتاده‌اند. همچنین علاقه‌مند آثار رضا صادقی و محسن یگانه هستم و کارهای خوبی خوانده‌اند.

من فارغ‌التحصیل کارشناسی علوم اجتماعی از دانشگاه تهران هستم و با توجه به رشته تحصیلی‌ام گاهی اوقات کنجکاوی‌های جامعه‌شناسی‌ام موجب می‌شود به تماشای آثار سینمایی بنشینم و جای تأسف است که بگویم طی یکی - دو دهه اخیر کار خوبی ساخته نشده است. این کارها نه فرم دارد و نه محتوا و نه بازی و موسیقی خوب. درواقع باید بگویم در این نسل چه در تولیدات موسیقی و چه در موسیقی فیلم‌ها آهنگساز مؤلف نداریم. با شنیدن این کارها احساس می‌کنم زحمتی کشیده نشده و در این زمینه مطالعه‌ای نبوده. این درحالی است که باید موسیقی خوب بشنوند و کار خوب ببینند. جالب‌تر اینکه بعضی از کارها را که می‌شنوم، گویا آهنگساز تکلیفش مشخص نیست و به تصورش چون شعر خوب است، کار دیده می‌شود اما این گونه نیست. شعر خوب باید در قالب یک ملودی خوب و با تنظیم و ارکستراسیون درست و حسابی در کنار هم قرار بگیرند. چرا که موسیقی همیشه نزاع بین مطبوع و نامطبوع بوده است. مانند «مرغ سحر» که هم می‌توان با یک ارکستر ۱۰۰ نفره به روی صحنه برد و هم با یک ساز عادی آن را نواخت و اجرا کرد؛ به این دلیل که فرم و محتوا در یک مسیر قرار گرفته‌اند و حرکت می‌کنند. اما این نسل نگاه دیگری دارند و کارهایشان مانند گذشته گل نمی‌کند و ماندگار نمی‌شود. به این دلیل که آهنگساز خوب بسیار اندک است و امروز دچار این بحران هستیم. بحران دیگر این است که از جهت رفتار هنری در یک فضای آنارشیستیک به سر می‌بریم. مثلاً شخصی یک میلیون فالوور در اینستاگرام دارد و با انتشار پستی، ۱۰۰ هزار بازدید می‌گیرد، اما وقتی به اثرش گوش می‌دهید، متوجه خواهید شد به لحاظ هنری مایه‌ای نداشته و هیچ بازخوردی در جامعه ندارد. از سوی دیگر یک سری افراد سودجو روی این افراد سرمایه‌گذاری می‌کنند. جالب است بدانید به تازگی مد شده می‌گویند فلان خواننده در کمتر از ۳ دقیقه تمامی بلیت‌هایش فروخته شد و اتفاقاتی عجیب و غریب از این دست. به همین سبب براین نظرم این اتفاقات دیگر معنای هنری ندارد.

به عدم آهنگساز مؤلف اشاره کردید؛ این درحالی است که خواننده‌های بسیاری هستند که تمایل دارند در همین سبک و سیاق فعالیت کنند. به عقیده شما علت این کم‌کاری‌ها چیست؟

هرگاه اقتصاد بر هنر بچربد، داستان همین گونه خواهد بود و هنر دیگر معیار و ملاک قرار نمی‌گیرد. در حال حاضر ما در انبوهی صدا به سر می‌بریم و جالب اینکه برخی از همین خوانندگان که عمر فعالیت هنری‌شان به ۵_۴ سال هم نمی‌رسد، خیلی زود از روی صحنه موسیقی حذف می‌شوند و تعجب‌آور اینکه نمی‌دانیم این میزان سر و صدا برای چه بوده و کجا رفتند؟ شاید اگر این هیاهو و سرو صداها نبود، ماندگار می‌شدند!

موضوع دیگر بحث شعر و ترانه است. به عنوان مثال خواننده‌ای همچون آقای چاوشی که در سبک موسیقی پاپ فعالیت می‌کند، توانسته با همین ژانر موسیقی اشعار مولانا را به نسل امروز معرفی کند. آیا در موسیقی سنتی هم امکان استفاده از ترانه‌های اثرگذار وجود دارد؟

بله. این اتفاقات کم و بیش افتاده است. البته هر کدام سبک جداگانه‌ای است. این سؤال تأیید صحبت‌هایی است که گفتم. اشعار مولانا هنوز هم زنده است و شنیده می‌شود و در نسل‌های مختلف خود را نشان خواهد داد.

اما بهره‌گیری از شعر یا ترانه خوب حرف دیگری است و در این زمینه سواد و دانش کافی ضرورت دارد. به عنوان مثال یک خواننده یا آهنگساز یک شعر خوب با مفهوم اجتماعی و سیاسی، دارد به خیال خود فکر می‌کند همین که شعر خوب است کافی است اما نکته مهم توازن فرم و محتواست تا یک اثر هنری خوب تولید شود.

به عنوان سؤال آخر، کمی هم درباره شرایط ارکستر ملی ایران توضیح دهید؟

ارکستر ملی یک ارکستر باتجربه و قدیمی است و از پیش از انقلاب فعالیت خود را آغاز کرده و از بعد از انقلاب با رهبری و تلاش و زحمات بسیار استاد فرهاد فخرالدینی، جان دوباره‌ای گرفت. بعد از ایشان مرحوم فریدون شهبازیان رهبری این ارکستر را برعهده گرفت و در آن شرایط حساس سیاسی متأسفانه زحمات ایشان چندان دیده نشد. درحال حاضر هم آقای همایون رحیمیان این مسئولیت را برعهده دارد و زحمات بسیاری می‌کشد. ایشان هم نوازنده‌ای توانمند است و هم آهنگساز؛ در واقع یک هنرمند چندوجهی است و بیش از ۳۰ سال است که آقای رحیمیان را می‌شناسم.

درباره ارکستر ملی ایران باید بگویم این ارکستر نماد سرزمین ماست مانند تیم ملی فوتبال. ما در ارکستر ملی یا در ارکسترسمفونیک هیچ گاه نباید به دنبال سوددهی باشیم و لازم است دولت برای این دو ارکستر ولخرجی کند تا خرج کردن و برای آن اجراهای مختلف در نظر بگیرد تا برجسته‌ترین آهنگسازان و خوانندگان و نوازندگان با اشتیاق با این ارکستر همکاری کنند. ارکستر سمفونیک یا فیلارمونیک در همه جای دنیا توسط مردم و شهرداری‌ها اداره می‌شود و دولت هیچ تصدی‌ای بر آن ندارد. بنابراین برای آنکه ارکسترهای کشورمان تقویت شود و ارتقا یابند، باید نهادهای مربوطه در این زمینه حمایت‌های لازم را داشته باشند.

> در حال حاضر ما در انبوهی صدا به سر می‌بریم و جالب اینکه برخی از همین خوانندگان که عمر فعالیت هنری‌شان به ۵_۴ سال هم نمی‌رسد، خیلی زود از روی صحنه موسیقی حذف می‌شوند

> ارکستر ملی نماد سرزمین ماست مانند تیم ملی فوتبال. ما در ارکستر ملی یا در ارکسترهایمان هیچ گاه نباید به دنبال سوددهی باشیم و لازم است دولت برای این دو ارکستر ولخرجی کند تا خرج کردن و برای آن اجراهای مختلف در نظر بگیرد تا برجسته‌ترین آهنگسازان و خوانندگان و نوازندگان با اشتیاق با این ارکستر همکاری کنند

برش

اگر در همین فضای مجازی از شما بخواهند کاری با سبک و سلیقه نسل امروز بسازید و بخوانید، همکاری خواهید کرد؟

هنرمند نباید تابع جو جامعه باشد. هنرمند مسئولیتی دارد و آن رسالت اخلاقی و هنری اوست. او از جامعه الهام می‌گیرد و براساس آن الهامات چیزی را به جامعه تحویل می‌دهد که تعجب انگیز است. مانند استاد کاری که یک چوب نخراشیده را به یک میز یا صندلی زیبا و کم نظیر تبدیل می‌کند. هنرمند از مسائل جامعه الهام می‌گیرد و در درد جامعه شریک است و آرامش جامعه را درک می‌کند اما برای بیانش باید فضایی هنری ایجاد کند تا جامعه را حتی به یک قدم جلوتر هدایت کند.

عکس: میزان

برش

آیا موسیقی‌های روز موجب کم رنگ شدن موسیقی‌های اصیلی چون آواز ایرانی شده است؟

اگر در حال حاضر موسیقی آوازی شنیده نمی‌شود یا کمتر شنیده می‌شود به دلیل عدم آواز خوان خوب است. آواز خواندن کار بسیار جدی و مشکلی است و نمی‌توان این انتظار را داشت که هنرجویان جوان موسیقی همه آوازخوان باشند. پیش ازانقلاب تعداد اساتید برجسته آوازخوان کشورمان به تعداد انگشتان دو دست هم نمی‌رسید. بزرگانی چون ایرج خواجه امیری، اکبر گلپا، قوامی، خوانساری، محمدرضا شجریان و... بایستی بگوییم تسلط بر ردیف‌های موسیقی ایرانی و تلفیق شعر و موسیقی، متراژ آواز و نوع ارتباط با ساز و نوازنده کار آسانی نیست. خود من به شخصه در طول هفته ساعت‌ها تمرین آواز دارم و درحال حاضر هم مدت زمانی است در کلاس استاد عظیمی این تمرینات را ادامه می‌دهم و با وجود سال‌ها تجربه و شنیدن آثار بسیار صوتی باز هم به کشفیات تازه‌ای درآوازخوانی رسیده‌ام که قبل‌تر دقت چندانی به آن نداشتم.

irannewspaper.ir

پنجشنبه ۸ آبان ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۸۷۳
• اذان ظهر ۱۱/۴۸ • اذان مغرب ۱۷/۳۰ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ • اذان صبح فردا ۰۵/۰۱ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۲۵

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی (ع):
اندازه گیر، سپس بِبُر. بیندیش، آنگاه بگو.

غررالحکم، ج۴، ص۵۰۶

فیلم‌های ناصر تقوایی همچنان دغدغه امروز است

نقل قول

نسل‌های مختلف می‌توانند فیلم‌های آقای تقوایی را درک کنند و به اندازه ما درگیر فیلم شوند. به طور مثال، نسل‌های مختلف سریال دایی جان ناپلئون را تماشا کرده و برایشان دغدغه شده است. فیلم‌های ناصر تقوایی همچنان دغدغه امروز است و این معاصر بودن امتیاز ویژه‌ای برای او ایجاد کرده است. دایی جان ناپلئون یکی از مهم‌ترین آثار نمایشی در کشور ماست و در بسیاری از آثار پس از خود تأثیرگذار بوده است. آقای تقوایی در پرداخت و خلق شخصیت‌های فرعی توانایی ویژه‌ای دارند. ما معمولاً آثار را با شخصیت‌های اصلی به یاد می‌آوریم اما در فیلم «ناخدا خورشید» وزن شخصیت‌های فرعی دقیقاً مانند شخصیت‌های اصلی است. ما یکی از مهم‌ترین فیلمسازان کشورمان را از دست دادیم کسی که در کنار آقای مهرجویی و هم‌نسلان خودش سنگ بنایی نهادند که سینمای ما تاکنون برآن استوار است.

گزیده‌ای از پیام ویدیویی اصغر فرهادی در مراسم یادبود زنده‌یاد «ناصر تقوایی» که به همت کانون کارگردانان سینمای ایران برگزار شد/ صبا

همکاری دوباره محمدرضا گلزار با شبکه نمایش خانگی

محمدرضا گلزار بازیگر سینما و تلویزیون پس از دوری پنج ساله با یک سریال به شبکه نمایش خانگی برمی گردد. کارگردانی این سریال را مجید توکلی برعهده خواهد داشت و تهیه‌کنندگی آن را ابراهیم عامریان. نویسنده این مجموعه نمایش خانگی مسعود خاکباز است. «گیسو» آخرین حضور محمدرضا گلزار به عنوان بازیگر در شبکه نمایش خانگی است و گلزار پس از پنج سال به شبکه نمایش خانگی برمی گردد. توکلی تجربه‌های موفقی همچون «زیگزاگ» و «عروسی مردم» را در سینما داشته است. وی اخیراً فیلم تحسین شده «عزیز» را کارگردانی کرده است. /**ایرنا**

بازگشت حمید جبلی در جمع «دوستان بامحبت»

اسماعیل خلج، نویسنده، بازیگر و کارگردان شناخته‌شده تئاتر به‌زودی نمایشنامه «دوستان بامحبت» به قلم حمید جبلی را به صحنه می‌آورد. قصه، روایت سه رفیق قدیمی تئاتر است که سال‌ها پس از درگذشت یکی از آنها، دخترِ وی تصمیم می گیرد آخرین نوشته پدرش را با همکاری دو دوست بازمانده‌اش روی صحنه زنده کند.

این اثر، سفری احساسی و نوستالژیک میان خاطره، رفاقت و بازگشت به صحنه است؛ بازگشتی به عشق اولین، یعنی تئاتر. /**مهر**

«زنده‌شور»ی بهرام افشاری در فجر چهل‌وچهارم

بهرام افشاری در تازه‌ترین کار سینمایی خود با نقشی متفاوت و گریمی خاص، در فیلم سینمایی «زنده‌شور» به کارگردانی «کاظم دانشی» بازی خواهد کرد.

«زنده‌شور» به کارگردانی کاظم دانشی اولین روزهای فیلمبرداری خود را پشت سر می گذارد. «زنده‌شور» داستان چند نفر است که به دلیل ارتکاب جرم محکوم به اعدام هستند. این فیلم قرار است برای حضور در چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر آماده شود. کاظم دانشی در آثار خود نشان داده که علاقه خاصی به فیلم‌های جنایی و معمایی دارد. /**ایرنا**

گزارش

گروه فرهنگی

مریم کاظمی، کارگردان تئاتر در گفت‌وگو با «ایران» تأکید کرد

نوجوانان در برزخ فرهنگی

تئاتر کودک و نوجوان در ایران امروز در وضعیتی متناقض و پیچیده قرار دارد؛ جایی که استعداد و شور هنری با کمبود حمایت و بی‌توجهی به نیازهای واقعی مخاطب جوان روبه‌رو است. این نسل که در دوره‌ای طلایی و حساس از زندگی قرار دارد، نه آثار متناسب با روحیات خود می‌یابد و نه فضای کافی برای تجربه و خلاقیت. بسیاری از تولیدات موجود یا برای کودکان کوچک طراحی شده‌اند و برای نوجوانان جذابیت ندارند، یا به آثار بزرگسال نزدیک‌اند که والدین اجازه دیدن آنها را نمی‌دهند. نتیجه این می‌شود که نوجوان در میان این خلأ فرهنگی گرفتار می‌شود؛ در برزخی که نه می‌تواند از دنیای کودکی لذت ببرد و نه وارد دنیای بزرگسالی شود.

نوجوانان امروز با یک جهان هیجان، پرسشگری و تحول هورمونی و روحی روبه‌رو هستند. این دوره، زمان کشف هویت و شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی و اخلاقی است، اما بسیاری از تولیدات فرهنگی ما نه به نیازهای عاطفی و روانی آنها پاسخ می‌دهد و نه امکان مشارکت فعال در تجربه هنری را فراهم می‌کند. از این رو، بخش زیادی از علاقه نوجوانان به آثار بزرگسالان، نه از سر بلوغ واقعی، بلکه از کمبود گزینه‌های متناسب با سن و روحیاتشان شکل می‌گیرد. نوجوان احساس می‌کند برای دیده شدن و احترام، باید زودتر بزرگ شود و به همین دلیل به محتواهایی جذب می‌شود که مناسب او نیست.

کمبود حمایت‌های مستمر و هدفمند نیز چالش دیگر این حوزه است. بسیاری از گروه‌ها، بویژه تازه‌کارها و تولیدات کوچک، برای تأمین منابع مالی، اجاره سالن یا تولید موسیقی و دکور با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. در عین حال، تولیدات پرهزینه و تجاری، بیشتر شبیه ویترین‌های هنری هستند تا تجربه واقعی کودکان و نوجوانان.

فقدان حمایت خرد و مستمر، چرخه تولید را دچار رکود کرده و مخاطب را از تئاتر کودک و نوجوان دور می‌کند. این وضعیت نه‌تنها تهدیدی برای صنعت تئاتر، بلکه آسیب بزرگی به رشد فرهنگی و اجتماعی نسل آینده است. نوجوانان امروز، با فضای رسانه‌ای، مدرسه و جمع دوستان مواجه‌اند که هر یک هویتی متفاوت و گاه متضاد با ارزش‌های تربیتی خانه ارائه می‌کنند. بدون ایجاد فرصت‌های مناسب و فضایی که نوجوان بتواند در آن تجربه، بازی و انتخاب کند، هر اقدام آموزشی و تربیتی ناقص خواهد بود.

با این حال، مسیر امیدبخش نیز وجود دارد؛ هرچند این مسیر مستلزم نگاه هوشمندانه، هم‌افزایی نهادهای مختلف و ایجاد حمایت‌های خرد و مستمر است. تولیدات کوچک و دانش‌آموزی، فعالیت‌های مستقل و حضور نوجوانان در تجربه‌های هنری، همگی می‌توانند بنیان پایداری برای آینده تئاتر کودک و نوجوان ایجاد کنند. وقتی خانه فرهنگ، مدرسه و صحنه‌های کوچک و مستقل با یکدیگر همراه شوند، نه‌تنها نسل امروز، مخاطب و خالق هنر خواهد شد، بلکه مسیر رشد خلاقیت، سلیقه و هویت فرهنگی در نوجوانان هموار می‌شود.

با این حال هنوز بارقه‌های امید وجود دارد؛ زیرا پیشکسوتانی مانند مریم کاظمی که عضو شورای سیاست‌گذاری و ارزشیابی نمایش حوزه هنری کودک و نوجوان است، معتقدند هنوز هم سازمان‌ها و ارگان‌هایی مانند حوزه هنری وجود دارند که امید را زنده کنند؛ امیدی به تغییر، به بازگشت به اصالت و به نسلی که اگر فرصت داشته باشد، می‌تواند دوباره تئاتر را زنده کند. او باور دارد تا وقتی حتی چند هنرمند دغدغه‌مند برای کودکان و نوجوانان کار می‌کنند، چراغ این صحنه خاموش نخواهد شد؛ فقط باید یادمان نرود که این نسل، مخاطب امروز نیست؛ آینده فرداست و آینده را نمی‌توان نادیده گرفت.

نوجوان؛ نسلی که دیده نمی‌شود

مریم کاظمی، هنرپیشه و کارگردان با سابقه تئاتر و تلویزیون در آغاز گفت‌وگو با لحنی صریح می‌گوید: «هیچ‌کس نمی‌داند دقیقاً چه باید کرد تا نوجوانان احساس تعلق کنند. اگر راهکار مشخصی بود، امروز این همه سردرگمی نداشتیم. نوجوانی دوران طلایی زندگی انسان است و ما در فرهنگ و آموزش‌مان نباید آن را نادیده بگیریم.»

به باور او، نوجوانان امروز نه به آثار کودکانه علاقه نشان می‌دهند، نه اجازه دیدن آثار بزرگسالانه را دارند؛ نتیجه این می‌شود که در «برزخ فرهنگی» میان این دو دنیا گرفتار می‌شوند: «نوجوان ما نه از دیدن فیلم‌های کودک لذت می‌برد و نه مجاز است فیلم‌های بزرگسال را ببیند. باید او را به رسمیت شناخت و محتوای مناسب برایش تولید کرد»

او این وضعیت را نشانه بی‌برنامگی فرهنگی می‌داند: «وقتی هیچ نهادی مسئولیت مستقیم نوجوان را نمی‌پذیرد، نتیجه همین می‌شود؛ بچه‌ها بدون راهنما وارد دنیایی می‌شوند که برایشان طراحی نشده است.»

بحران هویت و بی‌اعتمادی

کاظمی با نگاهی روان‌شناسانه به موضوع ادامه می‌دهد: «در دوره نوجوانی، بدن و ذهن در حال دگرگونی است. هورمون‌ها تغییر می‌کنند، هیجانات زیاد می‌شود و احساسات گاهی غیرقابل پیش‌بینی است. این یعنی نوجوان نیاز به درک و گفت‌وگو دارد، به جای اینکه به نوجوان گوش دهیم، به او دستور می‌دهیم درس بخوان، المپیاد برو، کنکور آماده شو! در حالی که او دلش می‌خواهد بفهمد که کیست و چه جایگاهی در جامعه دارد. چون نمی‌تواند خودش را در آینه فرهنگی ببیند، ناخواسته به آثار بزرگسالان گرایش پیدا می‌کند تا بزرگ‌تر به نظر برسد.»

او تأکید می‌کند که برای ساخت آثار ماندگار، همکاری چند نهاد ضروری است: «فقط یک نویسنده یا کارگردان نمی‌تواند این مسیر را پیش ببرد. آموزش و پرورش، خانواده‌ها، نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها باید دست به دست هم دهند. وقتی هر کدام جدا کار می‌کنند، نتیجه‌اش پراکندگی و بی‌اثر بودن است.»

هزینه‌های سنگین، سالن‌ها برای اجرا کم

او در ادامه از مشکلات اجرایی گلایه دارد: «هزینه تولید تئاتر کودک بسیار بالا رفته و سالن‌های مناسب کم است. گروه‌های مستقل برای گرفتن سالن باید از مراحل اداری طولانی بگذرند و بسیاری از مدیران تنها سراغ بازیگران شناخته شده می‌روند تا سالن پر شود. در این میان، جوان‌ها و گروه‌های تازه‌کار عملاً حذف می‌شوند و همین موضوع نقش سازمان‌های متولی را پررنگ‌تر می‌کند.»

> باید به نوجوان آموخت که خود بودن ارزش دارد. باید به او بگوییم تو همین‌طور که هستی مهمی، لازم نیست برای دیده شدن بزرگ شوی. اگر این حس در او تقویت شود، دیگر برای تقلید از دنیای بزرگسالان عجله نمی‌کند

دسترسی گسترده‌تر به تئاتر

کاظمی یکی از راه‌های جذب مخاطب را کاهش موانع مالی می‌داند: «می‌شود بلیت‌ها را با تخفیف یا حتی رایگان برای مدارس و گروه‌های هدف عرضه کرد، البته نه به شکلی که ارزش کار پایین بیاید. اگر بچه‌ها از سنین پایین تئاتر ببینند، هم سلیقه فرهنگی‌شان رشد می‌کند و هم در آینده، خودشان تماشاگر و خالق آثار هنری می‌شوند.»

تولیدات دانش‌آموزی؛ بذر آینده

او از اهمیت تئاتر دانش‌آموزی نیز می‌گوید: «کارهای کوچک و دانش‌آموزی پایه آینده تئاترند؛ مانند کسب‌وکارهای خرد که اگر نباشند، اقتصاد کلان هم فلج می‌شود. این نمایش‌های کوچک هستند که عشق به صحنه را در بچه‌ها زنده می‌کنند.»

امید به تغییر

با وجود تمام گلایه‌ها، مریم کاظمی در پایان گفت‌وگو لحنش را امیدوارانه می‌کند: «عشق به تئاتر کودک و نوجوان هنوز زنده است. من هر روز هنرمندان جوانی را می‌بینم که با شوق وارد این حوزه می‌شوند. اگر حمایت، امکانات و سیاست درست فراهم شود، می‌توانیم شاهد تئاتری پویا و ماندگار باشیم. من به آینده خوشبینم، چون می‌دانم عشق و پشتکار هنوز در این حوزه جاری است.»

تئاتر کودک و نوجوان در ایران امروز در وضعیتی متناقض قرار دارد؛ از یک سو پر از استعداد و عشق و از سوی دیگر گرفتار بی‌برنامگی، نبود حمایت و کمبود مخاطب است، اما همان‌طور که مریم کاظمی تأکید می‌کند، با مدیریت هوشمند، حمایت‌های کوچک و شناخت درست از نسل نوجوان، می‌توان این چرخه را از نو به حرکت درآورد. نسلی که قرار است آینده تماشاگران، هنرمندان و خالقان فرهنگ این سرزمین باشد، فقط نیاز دارد کسی به او بگوید «تو همین حالا مهمی.»

برش

راه نجات؛ کمک‌های خرد و شبکه حمایتی

به باور کاظمی، احیای تئاتر کودک و نوجوان با یک سیاست ساده ممکن است؛ حمایت‌های کوچک اما مستمر. او توضیح می‌دهد: «نیازی نیست همه چیز از صفر تا صد بر دوش یک گروه باشد. نهادها می‌توانند در بخش‌های مختلف مشارکت کنند؛ یکی بروشور چاپ کند، دیگری موسیقی بسازد، یکی سالن بدهد یا لباس و دکور را تأمین کند. همین کمک‌های کوچک می‌تواند چرخه تولید را زنده نگه دارد.»

برش

حمایت‌های حوزه هنری کودک و نوجوان از تئاتر نوجوان

کاظمی که سال‌ها تجربه مستقیم در تولید نمایش‌های کودک و نوجوان دارد، وضعیت امروز تئاتر این حوزه را پر از تناقض می‌داند: «یکی از مشکلات اصلی ما کمبود حمایت است. حمایت که کم می‌شود، مخاطب هم از بین می‌رود. خانواده‌ها می‌آیند، اما تئاتر کودک دیگر آن جذابیت لازم را ندارد. چون تولیدات اندک و امکانات محدود است. البته بی‌انصافی است اگر از نهادهایی مانند حوزه هنری کودک و نوجوان نام نبریم که تلاش‌هایی در این حوزه انجام داده و حمایت‌هایی در حوزه کودک و نوجوان صورت می‌دهد اما باید گفت این حمایت‌ها از سوی سازمان‌های دیگر باید تقویت شود تا نتیجه‌بخش باشد.»

نگاهی به فیلم «غریزه» ساخته سیاوش اسعدی

گام بلند عاشقانه

نقد

جواد صفوی
منتقد سینما

آنچه فیلم «غریزه» چهارمین ساخته سیاوش اسعدی را به اثری جذاب تبدیل کرده، رابطه عاشقانه میان دو شخصیت اصلی نوجوان فیلم با بازی‌های خوب و تأثیرگذار ساینا روحانی و مهدیار شاه محمدی است. ارتباط دو نوجوان که در فضایی فانتزی تغزلی روایت می‌شود. «حوالی اتوبان»، «جیب برخیابان جنوب» و «درخونگاه» سه فیلم قبلی اسعدی هرکدام در فضایی متفاوت اما با رویکردی مشابه به در قفس افتادن و زخمی شدن حقیقت یک عشق می‌پردازند. ماجرای «غریزه» هم دور از فیلم‌های قبلی فیلمساز نیست، هرچند که در ظاهر در دهه چهل شمسی روایت می‌شود. انتخاب آن دوره تاریخ معاصر از جهاتی فیلم را به محدودیت در انتخاب لوکیشن رسانده و از سوی دیگر دست فیلمساز در طراحی صحنه، تعریف روابط میان شخصیت‌ها و نیز قصه‌های فرعی مرتبط با آنها باز شده است. شاید اگر داستان در این دوران تعریف می‌شد، دیگر با چنین نمایش پرشوری از پسر نوجوانی که اولین عشق را به آرامی و با تپش تند قلب خود حس می‌کند، روبه‌رو نبودیم.

«غریزه» که محصول سال ۱۴۰۰ است و به تازگی اجازه اکران پیدا کرده، برای سیاوش اسعدی یک گام بلند از منظر کارگردانی به شمار می‌رود. فرم فیلم تا حد زیادی با شور و حال عشق نوجوانانه دو شخصیت محوری هماهنگ است. به طور قطع نمی‌شود از تأثیر فیلم‌های مشابهی همچون «درخت گلابی»، «سینما پارادیزو»، «مالنا»، «لولیتا» و «در حال و هوای عشق» در نحوه ساخت و پرداخت بصری و حتی باند صوتی فیلم برزیبایی‌شناسی غریزه گذشت. با این حال اسعدی به خوبی توانسته به رغم محدودیت‌های پرداخت به مضامین تند احساسی در سینمای ایران، تصویری باورپذیر و مخاطب پسند و قابل نمایش به روی پرده ببرد. هر زمان دو شخصیت نوجوان در قاب دوربین قرار می‌گیرند، فیلم جان می‌گیرد و نگاه مخاطب به تمامی جوانب جلب می‌شود. با این حال و با وجود زحمتی که امین حیایی، پانته‌آ پناهی‌ها و ژاله صامتی در شخصیت‌های فرعی فیلم کشیده‌اند، تنیدگی داستان اصلی فیلم که این شخصیت‌ها را به دو نوجوان عاشق فیلم پیوند می‌دهد، از استحکام کافی برخوردار نیست.

«غریزه» با پرداختی دقیق‌تر در مرحله فیلمنامه می‌توانست به فیلمی همه چیز تمام تبدیل شود اما این اتفاق به درستی نیفتاده است. رابطه میان رسول خان (امین حیایی) و همسر صیغه‌ای‌اش (ژاله صامتی) زمان اندکی از فیلم را به خود اختصاص می‌دهد. رخدادهای پیش برنده داستان و ارتباط میان شخصیت‌ها تا نقطه انتهایی درام در نیم ساعت فیلم اتفاق می‌افتند و پرده دوم فیلم تقریباً به تمامی در خدمت نمایش ریزبافتی از رابطه پرکشش میان دو نوجوان قصه است. این مسأله اگرچه به کلیت روایت فیلم خدشه وارد می‌کند و ممکن است مخاطب را تا حدی خسته کند، اما کاملاً در خدمت درونمایه اصلی است که اسعدی به عنوان زیربنای اثر و نقطه تمرکز فیلم خود روی آن سرمایه‌گذاری کرده است. نمایشی محترمانه و اخلاقی از غریزه اصلی انسانی. غریزه در لغت به این شکل معنی می‌شود: «غریزه گرایش درونی و ذاتی ارگانیسم‌های زنده به سمت رفتارهای مشخص است. غریزه به معنای علاقه‌ها، مهارت‌ها و معلوماتی است که موجود زنده بدون آموزش و از ابتدای تولد به صورت بالقوه یا بالفعل با خود دارد. الگوهای رفتاری غریزی از سرشت برمی‌خیزند و اکتسابی و آموختنی نیستند.»

در فیلم «غریزه»، هرچه گام‌های ساده میان دختر و پسر نوجوان به سمت هم بیشتر می‌شود، تعریف نمایشی این واژه بر پرده سینما وضوح بیشتری می‌گیرد. دختر با ساده‌ترین و حساب شده‌ترین کنش‌ها، پسر را به واکنشی از جنس همین کشش و علاقه ذاتی به جنس مخالف وامی‌دارد. این کنش و واکنش‌های مدام، بی‌شک برای آن دسته از مخاطبان فیلم که دوران نوجوانی و اوج غرایز و کشش‌های درونی خود را به تجربه لمس کرده‌اند، غیر قابل کتمان است. از این رو «غریزه» در سینمای امروز ایران که به طور عمده و به ناچار با آثار کم کیفیت و ضعیف کمدی پر شده، مجال و غنیمتی است تا بتوان از نمای دور و بر پرده سینما و در حین روایتی کلاسیک و عاشقانه، به دوران مهمی از زندگی یک انسان نگریست؛ دورانی که می‌تواند فردا و آینده خانواده، جامعه و کشور را بسازد.

در جهان امروز به فیلم‌هایی که معضلات و دغدغه‌های دوران نوجوانی را زیر ذره‌بین ببرند، بسیار بها داده می‌شود اما «غریزه» سیاوش اسعدی به رغم خوشفکری فیلمساز در راه رفتن بر لبه تیغ، دست کم سه سال از پرده سینما محروم بود. امروز هم که فیلم در میان انبوه کمدی‌ها فرصت نمایش و بررسی پیدا کرده، بایستی فراتر از یک فیلم ساده سینمایی، بلکه به عنوان یک اثر انسان‌شناسانه مورد تحلیل قرار گیرد. از آن جهت که سینما همچنان فرصتی ارزان و تأثیرگذار برای برون رفت از مسائلی است که خارج از سالن سینما گریبان جامعه را می‌گیرد.